[illegible]

... در سورة والسماء ذات البروج ... ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ...
سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا ...
مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ ...
وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ إِنَّا نَحْنُ ...

[illegible]

[illegible]

[illegible] فاختلف الاحزاب [illegible]

[illegible] یعقوبیان بودند و گروهی گفتند [illegible] نسطوریان بودند و گروهی ثالث ثلثه گفتند [illegible]

[illegible] فویل للذین کفروا [illegible]

[illegible] وانذرهم یوم الحسرة اذ قضی الامر [illegible]

[illegible] واذکر فی الکتاب ابرهیم انه کان صدیقا نبیا اذ قال لابیه یا ابت لم

[illegible] ولا یغنی عنک شیئا یا ابت انی قد جاءنی من العلم ما لم یاتک فاتبعنی اهدک

[illegible] الشیطان ان الشیطان کان للرحمن عصیا یا ابت انی اخاف ان یمسک عذاب من الرحمن

[illegible]

[illegible] قال رب اجعل لی آیة

قال آیتک الا تکلم الناس ثلث لیال سویا فخرج علی قومه من المحراب فاوحی الیهم ان سبحوا بکرة وعشیا یا یحیی

بقوة وآتیناه الحکم صبیا وحنانا من لدنا وزکوة وکان تقیا وبرا بوالدیه ولم یکن جبارا عصیا وسلام علیه یوم

ولد ویوم یموت ویوم یبعث حیا [illegible]

[illegible]

[illegible] واذکر فی الکتاب مریم اذ انتبذت من اهلها مکانا شرقیا فاتخذت من د

ونهم حجابا فارسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشرا سویا قالت انی اعوذ بالرحمن منک ان کنت تقیا قال انما انا

رسول ربک لاهب لک غلاما زکیا [illegible]

[illegible]

[illegible] قالت انی یکون لی غلام ولم یمسسنی بشر ولم اک بغیا قال

[illegible] هین ولنجعله آیة للناس ورحمة منا وکان امرا مقضیا فحملته فانتبذت به مکانا قصیا

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ ... وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ ...

[illegible]

يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى ... أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا قَالَ ... خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا

[illegible]

[illegible]

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا

[illegible]

یا لیتنی مت قبل هذا وکنت نسیا منسیا فناداها من تحتها الا تحزنی قد جعل ربک تحتک سریا ۵ مریم علیها السلام چون این سخن

بشنید گفت [illegible] قال کذلک [illegible]

[illegible]

[illegible] مریم [illegible] جبرئیل [illegible]

[illegible] که پیراهن [illegible] مریم [illegible]

[illegible] مریم [illegible]

[illegible] جبرئیل [illegible]

[illegible] وضع حمل [illegible]

[illegible] عباس [illegible]

[illegible]

[illegible] مریم [illegible]

[illegible] عیسی [illegible]

[illegible]

وهزی الیک بجذع النخلة تساقط علیک رطبا جنیا فکلی واشربی وقری عینا فاما ترین من البشر احدا فقولی انی نذرت للرحمن صوما فلن اکلم الیوم انسیا فاتت به قومها تحمله قالوا یا مریم لقد جئت شیئا فریا یا اخت هرون ما کان ابوک امرا سوء وما کانت امک بغیا ۵ خطاب با مریم است علیها السلام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] الملک [illegible]

[illegible] مریم [illegible]

[illegible]

[illegible] توکل علی الرحمن فی کل حاجة ۵ ولا تترکن الجهد فی شدة الطلب [illegible] الم تر ان الله قال لمریم وهزی الیک بجذع النخلة [illegible]

ولو شاء ان تجنیه من غیر هزة [illegible] جنبته ولکن کل شیء له سبب [illegible]

[illegible] جبرئیل [illegible] مریم [illegible] عیسی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ابراهیم [illegible]

[illegible]

[illegible] شیطان [illegible]

[illegible] شیطان [illegible]

[illegible]

[illegible] شیطان [illegible]

[illegible] قال اراغب انت عن الهتی یا ابراهیم لئن لم تنته لارجمنک واهجرنی ملیا

قال سلام علیک ساستغفر لک ربی انه کان بی حفیا واعتزلکم وما تدعون من دون الله وادعوا ربی عسی الا

اکون بدعاء ربی شقیا ۵ قال اراغب انت [illegible] ابراهیم [illegible]

[illegible]

[illegible] عبدالله عباس [illegible] سلاما [illegible]

[illegible] سلام [illegible] سلام [illegible] سلام و سلامت [illegible]

[illegible] قالوا سلاما [illegible]

[illegible] سلامت [illegible]

[illegible]

[illegible] استغفار ابراهیم [illegible]

[illegible]

[illegible] عبادت [illegible]

[illegible] فلما اعتزلهم

وما یعبدون من دون الله وهبنا له اسحق ویعقوب وکلا جعلنا نبیا ووهبنا لهم من رحمتنا وجعلنا لهم لسان

صدق علیا ۵ [illegible] ابراهیم [illegible] اسحق [illegible]

[illegible] یعقوب [illegible]

[illegible]

[illegible] واذکر فی الکتاب موسی انه کان

مخلصا وکان رسولا نبیا وناديناه من جانب الطور الایمن وقربناه نجیا ووهبنا له من رحمتنا اخاه هرون

نبیا واذکر فی الکتاب اسمعیل انه کان صادق الوعد وکان رسولا نبیا وکان یامر اهله بالصلوة والزکوة وکان

عند ربه مرضیا ۵ [illegible] موسی [illegible]

[illegible] انی انا الله رب

العالمین [illegible] عبدالله عباس [illegible]

[illegible]

[illegible] هارون [illegible]

که او پیغمبر [illegible] است و [illegible] بود چون [illegible] خلاف [illegible] بعضی مواضع ابن عباس [illegible]

[illegible] وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ۝ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَٰنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ۝

[illegible]

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ۝ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ۝ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ۝ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۝ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ۝

چون [illegible] ذکر پیغمبران و صالحان کرد و از گفتار و کردار ایشان خبر داد ذکر جماعتی کرد که از پس ایشان بماندند گفت که بماندند از پس ایشان جمعی بازماندگان که نماز را ضایع کردند و از پس روی هوا [illegible] شهوات کردند گفت اند ایشان جهودان اند که از فرزندان پیغمبران بودند [illegible] ایشان داشتند ولیکن سیرت ایشان نداشتند مجاهد و قتاده گفتند که این امت اند که ایشان نمازها ضایع کنند و [illegible] مشغول شوند ابو سعید خدری [illegible] از رسول روایت کرد [illegible]

[illegible]

وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَٰلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ۝ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ۝

[illegible]

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا ۝ أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ۝ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ۝ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ

أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَٰنِ عِتِيًّا ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ۝ مراد باین انسان ابی بن خلف الجمحی است که وی روزی بیامد و سوالی
کرد بر سبیل انکار و استهزا که ای محمد چون بمیرم مرا زنده از گور بیرون خواهند آورد خدای تعالی بدو رد کرد و گفت بر وجه تعجب بانگ گفت ای آدمی
اندیشه نمیکند که ما ورا بیافریدیم پیش از این و او هیچ چیز نبود چون اول بار بی هیچ چیز بیافریدیم دوم بار آفریدن هم دشوار نبود اکنون
قسم یاد کرد و سوگند خورد تو را بحق خدای که ما ایشان را حشر کنیم و با دیوان و جمع کنیم میان ایشان و عذاب است که خدای
بر نماید روز قیامت تا هر کافری را با دیوان که وی را اغوا کرده باشند بسلسله با هم بندند پس انکاه حاضر کردانیم ایشان را گرد بر گرد دوزخ زانو زده
و گروه گروه ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ پس بیرون آریم از هر گروهی و سر جماعتی که ایشان را شیعه و متابعان بکدیکر بوده باشند الَّتِي راکه طغیان و عتو ورا
بر خدای و اوامر وی بیشتر بوده باشد و طاغی و باغی تر یعنی انکس که مجرم و کناه کار باشد ابتدا بوی کنیم پس انکه بر دیکران ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ پس لا
عالمتر و داناتریم بکسانی که ایشان اولیتر باشند بانکه باتش دوزخ معذب باشند و ملازم اتش دوزخ باشند وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا
وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ۝ و هیچکس نباشد از شما الا که
وی وارد دوزخ باشد و این بر خدای حکم کرده و واجب یعنی این وعده است از خدای که لا محاله کاین شود و بباشد مفسران چنانکه این ضمیر دوزخ است الا جماعه
کوی گفته ضمیر غیر مذکور است و آن ناراست که انها می خوانند بر آن انکه چیز ... المراد ... من النار یعنی نصیب هر مومنی از
از دوزخ و این ورود حضور است نه دخول بقول عبدالله مسعود قتاده و عکرمه گفتند که ورود دخول است الا انست که این خاص است بکافران دون مومنان
الاکه کفته مراد ورود حضور است گفتند که اکر جنین باشد بعکس نماند از بیمبران و امامان الا که بدوزخ شوند و این خلاف اجماع است دیگر انکه
خدای گفت إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا گفت مومنان از دوزخ دور باشند و آواز اتش نشنوند و
کسی که در دوزخ شود چگونه آواز اتش نشنود پس ورود حضور باشد چنانکه گفت و لما ورد ماء مدين و انانکه گفتند بمعنی دخول است تمسک کردند باین
آیه که انکم و ما تعبدون من دون الله حصب جهنم انتم لها واردون روایت است که ابو سمیه گفت که ما را در بصره خلاف افتاد در ورود روزی جابر بن
عبدالله انصاری را دیدم از وی پرسیدم وی اشارة بگوش کرد که این هر دو گوش من کر باد که از رسول شنیدم که می گفت ورود دخول است هیچ بر
و فاجر نماند الا که در دوزخ شود ولیکن دوزخ بر مومنان بمیرد و سلام باشد چنانکه بر ابراهیم خلیل تا دوزخ فریاد کند از مومنان و گوید جز یا مومن فان
نورک اطفأ لهبی بگذر ای مومن که نور تو اتش من فرو نشاند و از ابو هریره روایة کردند که رسول علیه گفت که هیچ مومن نباشد که وی را سه فرزند بمیرد
که وی آتش تحلة القسم در دوزخ نماند یعنی چندانکه سوگند شود حسن بصری گفت دو بار بوده یکی روز که بعضی از ان بخندید او دیگری انکه که در قران هیچ جای
خوانده که خلقان همه بدوزخ شوند گفت بلی گفت هیچ جای خوانده که همه از دوزخ بیرون خواهند آمد گفت نه گفت پس چرا خندیدی وی خجل شد و دیگر هرگز نخندید
تا انکه که بجوار حق رسید اخبار که در مرور وارد است از جمله آن است که عبدالله مسعود گفت که صراط را بر دوزخ نهاده مانند تیز تر از شمشیر
و باریکتر از موی بیان صراط هر راکذر باید کرد بعضی چون برق جهنده بگذرند و بعضی چون باد دونده و بعضی چون اسبان دونده تا ایشان می روند و فرشتگان در
می گویند اللهم سلم اللهم سلم خالد بن معدان گفت اهل بهشت چون به بهشت رسند نه خدای ما را وعده داده بود که گذر شما بر دوزخ خواهد بود ما دوزخ ندیدیم ایشان را
گویند شما بر دوزخ گذشتید و دوزخ سرد بود ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا پس برهانیم و نجات دهیم از دوزخ انکسانی را که پرهیزکار بوده و بگذاریم در دوزخ انها را
که ستمکار بوده بر پرهیزکاران مومنان اند که از شرک پرهیزیدند و ظالمان کافران اند و الکافرون هم الظالمون انس مالک روایة کرد از رسول علیه که وی گفت
روز قیامت از دوزخ بیارند انها را که لا اله الا الله گفته باشند و در دلشان مثقال ذره خیر باشد چنانکه گویند که ضحاک گفت از رسول علیه خبر بمن رسید
که من انرا منکر بودم برخاستم و انرا بمهران حدیث بپرسیدم و مسجد رسول علیه دو حلقه دیدم و در هر یکی دیدم بنشستم و از ان پرسیدم که ایشان که اند گفتند
یکی ابو سعید خدری است و دیگری ابو هریره را گفتم چیزی از رسول بمن رسیده است و من درین بشکم و بیان احادیث تا بدانم که از رسول علیه
گفته است یا نه گفت ان چیست گفتم این که میگویند که رسول گفته است ان خدا یخرج قوما من النار بعد ما صاروا فحما و حمما یعنی گروهی را از دوزخ بیرون
آرند پس از انکه ایشان از سوختگی انگشت شده باشند ابو سعید خدری اشارت بگوش کرد و گفت سمعت رسول الله و الا صمتا که شفاعت در جماعت بر طبقات باشند

بنجات باشند که بی حساب بهشت روند و ان بیستر ازان باشند و دیگر انها حساب کنند انها که حسنات بیشتر از سیئات باشد بهشت روند و انها که مقابل
باشند الا که بر زیادت نباشد و ایشان را بر عرصات قیامت بدارند و انکه بهشت برند و انانکه سیئات بیشتر از حسنات باشد خدا بحق بر ایشان رحمت کند
و عفو کند و بهشت برد یا من شفاعت کنم یا کسی دیگر که او را شفاعت باشد و اگر نه در دوزخ برده و چند بدوزخ برده و بقدر کناهش عقوبت کنند انکه به بهشت
برند و چون خدای تعالی خواهد که ایشان را از دوزخ بیرون آرد مالک را بفرماید تا هوای دوزخ صافی کند تا ازدود و کدورت مصفا شود و انکه اسفل مگردد مومنان را
چند ایشان را بر سبیل طعن گوید الیس ما کنتم مومنین الستم مصلین صائمین نه شما مومنان بودید و نه شما نماز گزار و دیده ور روزه داشته امروز شما نیز با ما کرفتار بید
مومنان گویند بار خدایا ما را بر طعن دشمنان طاقت نیست خدای تعالی گوید جبرئیل را که برو و جمله مومنان را از دوزخ بیرون آر جبرئیل بیاید و جماعتی بسیار را از دوزخ
بیرون آرد و دیگر باره گوید برو و هر که در دل او ذره مثقالی ایمان است او را از دوزخ بیرون آر او بیاید و جماعتی بسیار را از دوزخ بیرون آرد دیگر باره گوید برو
هر که در عمر خود یکبار لا اله الا الله گفته باشد او را از دوزخ بیرون آر جبرئیل بیاید و جمله مومنان را از دوزخ بیرون آرد در دوزخ نماند الا کافران انکه مومنان را بیارند
بچشمه که انرا چشمه الحیوان خوانند انان چشم خود را بشویند همه سیاهی و تباهی از الم ایشان برود و اثری بر پیشانی ایشان بماند اهل بهشت چون ایشان را بینند
گویند ایشان آنانند که از دوزخ شان بیرون آورده اند خدای تعالی الا ایشان را بنزد خود بخواند و خطی از نور بر پیشانی ایشان بنویسد که عتقاء الله من النار آزاد کرده کان خدای اند از اتش
دوزخ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا وَ
كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئْيًا ۝ بعضی بر ایشان خوانند یعنی بر کافران چون نضر بن الحارث و خویشان
او از قریش آیات قرآن با حجت و روشن کافران منعم و توانگر مومنان درویش و محتاج را گویند أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ کدام ازین دو گروه ایشان که
بس بودی محمد ایمان آورده اند یا انکس بس ایمان نیاوردند یعنی محمد گرویده اند بهترند بمنزل و مسکن و جای و مقام کردن بجمع و محفل و انجمن که مکان و جای و مقام و خانه و خورش و لباس و
پوشش ایشان بهتر است با انکس بس ... محمد بگرویده اند و این سخن انان گفتند که مومنان در ویش حال بودند و کهنه جامه و کافران با جامهای فاخر و با سبب نیکو و منظر
گفت بوی عذاب یاد ابد ایشان را از نعم و رفاهیت و کثرت مال و حسن حال هیچ سود نکند ای بسیار ما هلاک کردیم و در مار بر آوردیم پیش از ایشان از قومی و
گروهی که از ایشان نیکوتر بودند بمتاع و آلات و جامه و لباس و منظر نیکو بهتر از ایشان بهتر بودند بگو باین همه هیچ سود نکرد قُلْ مَنْ كَانَ
فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَٰنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا
وَأَضْعَفُ جُنْدًا وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا ۝ ۝
بگو ای محمد انکس را که در ضلالة کفر باشد که مهلت دهد او را خدای و بکشد و بیفزاید در عمر وی کشیده و کرده که در زندگانی کن چندانکه خواهد که دراز کرد او را هیچ سود
نکند حتی اذا رأوا تا انکه که ببینند ایشان انرا بدان وعده داده باشند یا وعید کرده باشند اما عذاب که بایشان رسد در دنیا و اما قیامت که بر خیزد انکه بدانند
این کافران که کیست که جایگاه او بتر است و لشکر او ضعیف تر حال مومنان در بهشت بهتر یا جای کافران در دوزخ و بزیادة الذین اهتدوا هدی و بیفزاید
خدای تعالی مهتدیان را راه یافتگان بدایة و لطف و باقیات و صالحات که طاعات و کارهای نیک است نزدیک خدای تو بهتر است ثواب و بازگشت و
نیکوتر است بازگشت یعنی بعاقبت و سرانجام أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ
اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَٰنِ عَهْدًا كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ۝
آیا دیدی شخصی را که کافر شد بآیات ما و گفت بدهند مرا مال و فرزند مسروق گفت که خباب بن الارت گفت که مرا دینی بود بر عاص بن وائل تقاضا بر وی کردم
گفت وام تو ندهم تا بمحمد کافر نشوی گفتم و الله که من بمحمد هرگز کافر نشوم و تو بمیری و زنده شوی گفت مرا این از من نه بینی او گفت الکون مرده چون زنده شوم انجا
مال و فرزند باشد انجا وام تو بدهم خدای تعالی این آیة فرستاد کلبی و مقاتل گفتند که خباب مردی اسکر بود برای عاص کاری کردی و عاص حق او نادیده کردی تا بوقت موسم
مزدی سال جمع بود روزی عاص را تقاضا کرد عاص گفت امروز تو سختی است که تو بیکی هرگز این نکرده خباب گفت ان روز که من و تو ریکی من بجهیم
باخت کردی امروز دین من مسلمانیست و دین تو کافری نرود تا حق خود نستانم عاص گفت نه شما میکویید که در بهشت زر و سیم باشد رها کن تا انجا بدهم
ستهزا اگر ابو شما می گوید راست باشد لعنت مرا بهشتر از تو باشد خدای تعالی این آیة فرستاد و گفت ای دیدی این مرد را که بآیات ما کافر شد

و کسی ما را بر فرمان خواهد داد [illegible] در بهشت [illegible] و لنو در لوح محفوظ است [illegible] معلوم شده است و [illegible]

خواهد بود [illegible] نزدیک خدای عهدی گرفته است و خدای با او عهدی کرده است کو را بهشت [illegible] مجاهد گفت این عهد گفتن لا اله الا الله است یعنی او این

گو گفته است و ایمان بیاورده است [illegible] بهشت [illegible] قتاده گفت [illegible] الکلا گفت کلا [illegible]

می گوید [illegible] ازمال [illegible]

[illegible] آیه وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا أَلَمْ تَرَ

أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ۵ این کافران گرفتند از جز

خدا خدایان [illegible] عزت [illegible]

[illegible] کلا [illegible]

[illegible]

ویکونون علیهم [illegible] ضدا [illegible]

[illegible] مجاهد گفت [illegible]

[illegible]

[illegible] شیاطین [illegible]

طاعت [illegible] فلا تعجل علیهم [illegible]

برای ایشان یعنی [illegible] عذاب ایشان [illegible] يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَٰنِ وَفْدًا وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ

إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَٰنِ عَهْدًا وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَٰنُ وَلَدًا لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا

تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدًا ۵ یاد کن ای محمد آن روز

[illegible]

[illegible]

[illegible] امیر المومنین علی علیه [illegible]

[illegible]

[illegible] امیر المومنین علیه [illegible] رسول الله [illegible]

[illegible] یا علی چون مومنان از [illegible]

[illegible]

[illegible] سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ [illegible]

[illegible]

[illegible] لا یملکون الشفاعة [illegible] عبدالله عباس [illegible]

[illegible]

[illegible] گفت [illegible] رسول علیه گفت

من لم يحسن الوصية عند موته كان ذلك نقصا في عقله ومروته [illegible]

كه مالك شفاعت نباشد [illegible] وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ ۵

عبدالله مسعود گفت از رسول صلعم شنیدم روزی که صحابه خود را گفت ایعجز احدکم ان یتخذ کل صباح ومساء عند الله عهدا [illegible]

[illegible] بگوید اللهم فاطر السموات والارض عالم

الغیب والشهادة انی اعهد الیک فی هذه الحیاة الدنیا بانی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک وان محمدا عبدک ورسولک

وانک ان تکلنی الی نفسی تقربنی الی الشر وتباعدنی من الخیر وانی لا اثق الا برحمتک فاجعل لی عندک عهدا توفینیه یوم القیمة

انک لا تخلف المیعاد [illegible] ابن الذین لهم عند الله

عهدا [illegible] وقالوا اتخذ الرحمن ولدا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عبدالله عباس [illegible]

[illegible] وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَٰنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

إِلَّا آتِي الرَّحْمَٰنِ عَبْدًا لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ

لَهُمُ الرَّحْمَٰنُ وُدًّا فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنْذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ

تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ولقد جئتمونا فرادی کما خلقناکم اول مرة [illegible]

[illegible] ان الذین آمنوا وعملوا الصالحات [illegible]

[illegible] عبدالله عباس [illegible]

[illegible] امیر المومنین علی علیه [illegible] اللهم اجعل لی عندک عهدا واجعل لی فی صدور المومنین مودة [illegible]

[illegible] رسول علیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] رسول علیه [illegible]

[illegible] وکم اهلکنا [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] سورة طه مكيت [illegible]

[illegible] ابو هریره از رسول علیه روایت کرد [illegible]

[illegible]

[illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ طه مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ

لتشقى الا تذكرة لمن يخشى تنزيلا ممن خلق الارض والسموات العلى الرحمن على العرش استوى له ما في السموات وما في الارض وما بينهما وما تحت الثرى وان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى

[illegible]

وهل اتيك حديث موسى اذ رأى نارا فقال لاهله امكثوا اني آنست نارا لعلي آتيكم منها بقبس او اجد على النار هدى فلما اتيها نودي يا موسى اني انا ربك فاخلع نعليك انك بالواد المقدس طوى

[illegible]

وانا اخترتك فاستمع لما يوحى انني انا الله لا اله الا انا فاعبدني واقم الصلوة لذكري ان الساعة آتية اكاد اخفيها لتجزى كل نفس بما تسعى فلا يصدنك عنها من لا يؤمن بها واتبع هويه فتردى

[illegible]

وما تلك بيمينك يا موسى قال هي عصاي اتوكؤا عليها واهش بها على غنمي ولي فيها مآرب اخرى قال القها يا موسى فالقيها فاذا هي حية تسعى قال خذها ولا تخف سنعيدها سيرتها الاولى واضمم يدك الى جناحك تخرج بيضاء من غير سوء آية اخرى لنريك من آياتنا الكبرى

[illegible]

[illegible] اذهب

الی فرعون انه طغی قال رب اشرح لی صدری ویسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی واجعل لی وزیرا من اهلی هرون اخی اشدد به ازری واشرکه فی امری کی نسبحک کثیرا ونذکرک کثیرا انک کنت بنا بصیرا قال قد اوتیت سؤلک یا موسی ۵ [illegible]

[illegible]

ولقد مننا علیک مرة اخری اذ اوحینا الی امک ما یوحی ان اقذفیه فی التابوت فاقذفیه فی الیم فلیلقه الیم بالساحل یاخذه عدو لی وعدو له والقیت علیک محبة منی ولتصنع علی عینی اذ تمشی اختک فتقول هل ادلکم علی من یکفله فرجعناک الی امک کی تقر عینها ولا تحزن وقتلت نفسا فنجیناک من الغم وفتناک فتونا فلبثت سنین فی اهل مدین ثم جئت علی قدر یا موسی ۵ [illegible]

[illegible]

واصطنعتک لنفسی اذهب انت واخوک بایاتی ولا تنیا فی ذکری اذهبا الی فرعون انه طغی فقولا له قولا لینا لعله یتذکر او یخشی قالا ربنا اننا نخاف ان یفرط علینا او ان یطغی قال لا تخافا اننی معکما اسمع واری فاتیاه فقولا انا رسولا ربک فارسل معنا بنی اسرائیل ولا تعذبهم قد جئناک بایة من ربک والسلام علی من اتبع الهدی انا قد اوحی الینا ان العذاب علی من کذب وتولی ۵ [illegible]

لعلّه یتذکّر باشد که او اندیشه کند یا بترسد و باز آید یعنی آواز دهی ولیکن او که بند دگر کسی طمع ایمان دارد اگرچه من میدانم که وی ایمان نیارد ... [illegible]

[illegible]

قال فمن ربّکما یا موسی قال ربّنا الّذی اعطی کلّ شیء خلقه ثمّ هدی قال فما بال القرون الاولی قال علمها عند ربّی فی کتاب لا یضلّ ربّی ولا ینسی الّذی جعل لکم الارض مهدا وسلک لکم فیها سبلا وانزل من السّماء ماء فاخرجنا به ازواجا من نبات شتّی کلوا وارعوا انعامکم انّ فی ذلک لآیات لاولی النّهی

[illegible]

ولقد اریناه آیاتنا کلّها فکذّب وابی قال اجئتنا لتخرجنا من ارضنا بسحرک یا موسی فلنأتینّک بسحر مثله فاجعل بیننا وبینک موعدا لا نخلفه نحن ولا انت مکانا سوی قال موعدکم یوم الزّینة وان یحشر النّاس ضحی فتولّی فرعون فجمع کیده ثمّ اتی

[illegible]

قال لهم موسی ویلکم لا تفتروا علی الله کذبا فیسحتکم بعذاب وقد خاب من افتری فتنازعوا امرهم بینهم واسرّوا النّجوی قالوا انّ هذان لساحران یریدان ان یخرجاکم من ارضکم بسحرهما ویذهبا بطریقتکم المثلی فاجمعوا کیدکم ثمّ ائتوا صفّا وقد افلح الیوم من استعلی

[illegible]

شما برند و گفتند که مراد [illegible] اند بود و اشراف و این قول عبدالله عباس است و گفتند که مراد اینجا اسرائیل بوده‌اند که بنی اسرائیل بعد از ایشان بهتر بودند
فاجمعوا کیدکم فرعون گفت ای ساحران و جادوان اگر عزم کنید بر کید خویش یعنی بر سحر و جادویی و حیله که ساخته اید [illegible] بیایید همه بر یک صف و یک دست و یک
زبان باشید و گفتند که مراد صف نمازگاه است یعنی [illegible] که امروز ظفر آن را باشد که او غالب شود ◌ قالوا یا موسی اما ان تلقی
واما ان نکون اول من القی قال بل القوا فاذا حبالهم وعصیهم یخیل الیه من سحرهم انها تسعی
فاوجس فی نفسه خیفة موسی قلنا لا تخف انک انت الاعلی ۵ جادوان موسی را گفتند ای موسی اول تو عصای خود بیفکن یا اول
ما بیفکنیم و این بود که ادب کردند چون ایشان این قدر ادب نگاه داشتند که از موسی دستوری خواستند خدای تعالی ایشان را توفیق ایمان داد موسی
علیه السلام گفت که اول شما بیفکنید چوبها و رسنهای خود بیفکندند فاذا حبالهم پس ناگاه که نگاه کرد آن چوبها و رسنهای ایشان چنان نمود از
سحر و جادویی ایشان موسی را و فرعون را که ایشان می‌شتابند و می‌روند پس موسی در نفس خود ترسی یافت و ترس موسی از آن بود که در باطل
ان شاک بود از آن بود که چون جاهلان نظر بکنند گمان برند که آنچه موسی میکند هم از این جنس است و میان شبهه و حجت فرق نتوانند کرد ما موسی را
گفتیم لا تخف مترس از آنچه می‌بینی و هیچ اندیشه مدار که آنچه با تو است حق است و آنچه با ایشان باطل است حق باطل را غلبه کند تو بر ایشان غلبه کنی و تو
بلندتر از ایشان و زبردست ایشان باشی ◌ والق ما فی یمینک تلقف ما صنعوا انما صنعوا کید ساحر ولا یفلح الساحر حیث اتی
فالقی السحرة سجدا قالوا آمنا برب هرون وموسی قال فرعون ءامنتم له قبل ان آذن لکم انه لکبیرکم
الذی علمکم السحر فلاقطعن ایدیکم وارجلکم من خلاف ولاصلبنکم فی جذوع النخل ولتعلمن اینا اشد عذابا
وابقی ۵ ای موسی بترس و بیفکن آنچه در دست راست داری تا فرو برد و فرو خورد آنچه ایشان ساختند همانا آنچه ایشان کردند حیله و سحر جادو [illegible] است
که جادوان ساخته اند و جادو هرگز رستگاری نیابد و ظفر نبیند و بهره نیابد [illegible] چون موسی را خطاب آمد که آنچه [illegible] بیفکن موسی عصا بیفکند اژدها شد [illegible]
آن چهار صد خروار چوب و رسن [illegible] ساخته و مجوف کرده فرو برد که از آن هیچ باقی نگذاشت و [illegible] هیچ اثری پیدا نشد چون ساحران آن حال بدیدند و ایشان
در ساحری [illegible] باور نبود [illegible] که آن سحر نیست [illegible] انواع سحر را ایشان [illegible] موسی چنان [illegible] شد که [illegible]
[illegible] سجده [illegible] فالقی السحرة سجدا ساحران بروی افکنده شدند در حالی که سجده کنندگان بودند
در خبرست که چون ایشان در سجده افتادند خدای تعالی جای ایشان در بهشت بدیشان نمود قالوا آمنا گفتند که ما ایمان آوردیم بخدای هارون و موسی و این برای
گفتند تا کسی گمان نبرد که [illegible] فرعون را خواسته است قال آمنتم فرعون ایشان را گفت ایمان آوردید بوی پیش از آنکه من شما را دستوری دهم همانا او بزرگ
او استاد شماست و مهتر شماست شما را این سحر و جادویی او تعلیم کرده است و از وی آموخته اید من ببرم [illegible] شما را دست و پای ببرم بر خلاف یعنی دست
راست و پای چپ و [illegible] شما را بر دار کنم بر تنه‌های درختان خرما [illegible]
کرد [illegible] عقوبت [illegible] فرعون [illegible] میان ما و شما یعنی میان او و موسی عذاب کدام کس سخت تر است و باقی تر ◌ قالوا لن نؤثرک
علی ما جاءنا من البینات والذی فطرنا فاقض ما انت قاض انما تقضی هذه الحیوة الدنیا انا آمنا بربنا لیغفر لنا
خطایانا وما اکرهتنا علیه من السحر والله خیر وابقی ۵ ایشان فرعون را جواب دادند و گفتند ما ترا نگزینیم و اختیار نکنیم [illegible] بر ما
[illegible] و دلیلهای روشن [illegible] بر خدای که ما را بیافرید [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] موسی [illegible] فرعون [illegible]
[illegible]

بجای

جای داده بهشت [illegible] والله خیر وابقی و خدای [illegible] بهتر است و باقی‌تر [illegible]
انه من یات ربه مجرما فان له جهنم لا یموت فیها ولا یحیی ومن یاته مؤمنا قد عمل الصالحات فاولئک لهم الدرجات
العلی جنات عدن تجری من تحتها الانهار خالدین فیها وذلک جزاء من تزکی ولقد اوحینا الی موسی ان اسر بعبادی فا
ضرب لهم طریقا فی البحر یبسا لا تخاف درکا ولا تخشی فاتبعهم فرعون بجنوده فغشیهم من الیم ما غشیهم
واضل فرعون قومه وما هدی ۵ [illegible] که هر که پیش خدای شود گناهکار [illegible] دوزخ [illegible]
[illegible] زندگانی [illegible] باشند [illegible] مؤمن باشند [illegible]
باشد [illegible] جماعت باشند که ایشان را [illegible] باشد جنات عدن [illegible] بهشتها مقام کردن [illegible] مقیم باشند [illegible]
[illegible] ولقد اوحینا الی موسی
[illegible] موسی را [illegible] بنی اسرائیل [illegible] از مصر بیرون [illegible] فرعون [illegible] عصا [illegible] دریا [illegible] ایشان
[illegible] فرعون [illegible] بنی اسرائیل [illegible]
ایشان [illegible] فرعون [illegible] بنی اسرائیل [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] بنی اسرائیل [illegible] فرعون [illegible] بنی اسرائیل [illegible]
[illegible] موسی [illegible] عصا [illegible] دریا [illegible] بنی اسرائیل [illegible] فرعون [illegible]
[illegible] ایشان را [illegible] دریا [illegible]
واضل فرعون قومه [illegible] یا بنی اسرائیل قد انجیناکم من عدوکم
وواعدناکم جانب الطور الایمن ونزلنا علیکم المن والسلوی کلوا من طیبات ما رزقناکم ولا تطغوا فیه
فیحل علیکم غضبی ومن یحلل علیه غضبی فقد هوی وانی لغفار لمن تاب وآمن وعمل صالحا ثم اهتدی
وما اعجلک عن قومک یا موسی قال هم اولاء علی اثری وعجلت الیک رب لترضی ۵ ای فرزندان
یعقوب [illegible] شما را [illegible] از دشمن شما یعنی فرعون [illegible] موسی را [illegible]
[illegible]
[illegible] آید
[illegible]
[illegible]
[illegible] امیرالمؤمنین علی [illegible]
[illegible] موسی [illegible]
[illegible]
[illegible]
ایشان [illegible] قال فانا قد فتنا قومک من بعدک
واضلهم السامری فرجع موسی الی قومه غضبان اسفا قال یا قوم الم یعدکم ربکم وعدا حسنا افطال علیکم
العهد ام اردتم ان یحل علیکم غضب من ربکم فاخلفتم موعدی قالوا ما اخلفنا موعدک بملکنا ولکنا حملنا اوزارا
من زینة القوم فقذفناها فکذلک القی السامری فاخرج لهم عجلا جسدا له خوار فقالوا هذا الهکم واله موسی فنسی
قال فانا قد فتنا قومک [illegible] ای موسی ما قوم ترا [illegible] ایشان را امتحان کردیم و سامری ایشان را

وضلالت اغواست یکی تا خدایرا بکوید [illegible] امتحان کرده شدند [illegible] با سامری [illegible] سامری [illegible]
گفتند ششصد هزار مرد بودند همه بگوساله مفتون شدند جز دوازده هزار که ایشان با ماندند و گوساله پرستیدند فرجع پس موسی باز آمد بسوی قوم خود خشمناک و دل
تنگ ازیشان گفت ای قوم نه شما را خدای وعده نیکو داد و آن آن بود که گفت من شما را کتابی دهم که در وی بیان حلال و حرام باشد یعنی تورات افطال علیکم العهد آیا دراز روزگار
شد بر شما آمد این پس مفارقت من یعنی [illegible] روزگاری بر نیامد [illegible] شما [illegible] از خدای شما [illegible]
[illegible] که از خلاف [illegible] آن وعده [illegible] ایشان [illegible] کنند [illegible] موسی ایشانرا [illegible]
کردند و گوساله پرست شدند و موسی را گفتند ما اخلفنا موعدک [illegible] خلاف نکردیم [illegible] این مومنان [illegible]
[illegible] سامری [illegible] و گفتند که این [illegible] گوساله پرستان ایشان [illegible]
[illegible] سامری [illegible] و لکنا حملنا [illegible] بارهای گران از زیور و زینت قبطیان [illegible]
[illegible] و گفتند [illegible] زینت و زیور آن قوم [illegible]
[illegible] جبرئیل [illegible]
[illegible] گوساله [illegible] سامری [illegible] موسی [illegible]
[illegible] سامری [illegible] فرعون [illegible]
[illegible] جبرئیل [illegible]
[illegible]
[illegible] جبرئیل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] گوساله [illegible] سامری [illegible]
[illegible] آواز [illegible] هذا الهکم و اله موسی [illegible] موسی
[illegible] افلا یرون الا یرجع الیهم قولا و لا یملک لهم ضرا و لا نفعا و لقد قال لهم
هرون من قبل یا قوم انما فتنتم به و ان ربکم الرحمن فاتبعونی و اطیعوا امری قالوا لن نبرح علیه عاکفین حتی یرجع
الینا موسی ۵ افلا یرون [illegible] استفهام است [illegible]
[illegible] هرون [illegible]
[illegible]
[illegible] هارون [illegible] موسی [illegible]
[illegible]
[illegible] هرون [illegible]
بازگفت قال یا هرون ما منعک اذ رایتهم ضلوا الا تتبعن افعصیت امری قال یا ابن ام لا تاخذ بلحیتی
و لا برأسی انی خشیت ان تقول فرقت بین بنی اسرائیل و لم ترقب قولی قال فما خطبک یا سامری قال

بصرت بما لم یبصروا به فقبضت قبضة من اثر الرسول فنبذتها و کذلک سولت لی نفسی ۵ موسی علیه السلام [illegible]
[illegible] ایشان همه گمراه گشتند [illegible]
[illegible]
[illegible] موسی علیه السلام [illegible] گوساله پرست شدند [illegible] آیات و معجزات
[illegible] الواح [illegible] موسی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بنی اسرائیل [illegible]
[illegible] هارون [illegible]
[illegible] موسی علیه السلام [illegible] هارون [illegible] فما خطبک [illegible] سامری [illegible]
[illegible] سامری [illegible] جبرئیل [illegible] قبضه خاک [illegible]
[illegible] گوساله [illegible] قال فاذهب فان لک
فی الحیوة ان تقول لا مساس و ان لک موعدا لن تخلفه و انظر الی الهک الذی ظلت علیه عاکفا لنحرقنه
ثم لننسفنه فی الیم نسفا انما الهکم الله الذی لا اله الا هو وسع کل شیء علما ۵ موسی علیه السلام سامری را گفت [illegible]
[illegible] لا مساس [illegible] سامری [illegible]
[illegible]
[illegible] لا مساس [illegible] موسی علیه السلام [illegible] سامری [illegible]
[illegible]
[illegible] عذاب [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] کذلک نقص علیک من انباء ما قد سبق و قد آتیناک من لدنا ذکرا من اعرض عنه فانه یحمل
یوم القیمة وزرا خالدین فیه و ساء لهم یوم القیمة حملا یوم ینفخ فی الصور و نحشر المجرمین یومئذ زرقا یتخافتون
بینهم ان لبثتم الا عشرا ۵ [illegible]
[illegible] قرآن [illegible]
[illegible] روز قیامت [illegible]
[illegible] یوم ینفخ فی الصور [illegible]
[illegible]
یتخافتون بینهم [illegible] ان لبثتم [illegible]
[illegible] نحن اعلم بما یقولون اذ یقول

أمثلهم طريقة إن لبثتم إلا يوما ويسألونك عن الجبال فقل ينسفها ربي نسفا فيذرها قاعا صفصفا لا ترى فيها عوجا ولا
أمتا يومئذ يتبعون الداعي لا عوج له وخشعت الأصوات للرحمن فلا تسمع إلا همسا [illegible]

[illegible]

يوم لا تنفع الشفاعة إلا من
أذن له الرحمن ورضي له قولا يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم ولا يحيطون به علما وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب
من حمل ظلما ومن يعمل من الصالحات وهو مؤمن فلا يخاف ظلما ولا هضما [illegible]

[illegible]

وكذلك أنزلناه قرآنا عربيا وصرفنا فيه من الوعيد لعلهم يتقون أو يحدث لهم ذكرا فتعالى الله الملك الحق ولا تعجل بالقرآن من قبل أن يقضى إليك وحيه
وقل رب زدني علما ولقد عهدنا إلى آدم من قبل فنسي ولم نجد له عزما [illegible]

[illegible]

وإذ قلنا للملائكة
اسجدوا لآدم فسجدوا إلا إبليس أبى فقلنا يا آدم إن هذا عدو لك ولزوجك فلا يخرجنكما من الجنة

فتشقى إن لك ألا تجوع فيها ولا تعرى وأنك لا تظمأ فيها ولا تضحى فوسوس إليه الشيطان قال يا آدم هل أدلك على شجرة
الخلد وملك لا يبلى فأكلا منها فبدت لهما سوآتهما وطفقا يخصفان عليهما من ورق الجنة وعصى آدم ربه فغوى

[illegible]

ثم اجتباه ربه فتاب عليه وهدى قال اهبطا
منها جميعا بعضكم لبعض عدو فإما يأتينكم مني هدى فمن اتبع هداي فلا يضل ولا يشقى ومن أعرض
عن ذكري فإن له معيشة ضنكا ونحشره يوم القيامة أعمى قال رب لم حشرتني أعمى وقد كنت بصيرا قال
كذلك أتتك آياتنا فنسيتها وكذلك اليوم تنسى [illegible]

[illegible]

آدم گناه کرد و ما اورا از بهشت بیرون کردیم زیرا که عقاب مضرتی باشد مستحق با استخفاف [illegible] و این منفعت بود از آدم و فوت منافع عقاب باشد که اگر بودی
انبیا و اولیا جمله معاقب بودندی [illegible] و منافع را نهایت نیست که ایشان [illegible] رسانیدن عاجلا [illegible] بر سبیل فضل بود و آنچه تعلق بفضل دارد
با وقت و اشخاص و اسباب بگردد تا اول وقت [illegible] بود فضل [illegible] که آنجا باشند [illegible] تناول کردند فضل [illegible] بگردد و صلاح آن باشد
که از آنجا بزمین آیند و خدا تعالی آدم را [illegible] زمین آورد [illegible] گفت انی جاعل فی الارض خلیفة ومن اعرض عن ذکری و هر که اعراض کند از ذکر من یعنی
از قرآن و [illegible] و دلایل و بینات [illegible] او را معیشتی باشد تنگ [illegible] ابو هریره روایت کرد از رسول [illegible] این آیه که مراد
بمعیشت ضنکا عذاب گور است و فشارش و تنگی او قتاده گفت این معیشت تنگ او در دوزخ باشد ضحاک گفت کسب حرام است
عبدالله عباس گفت هر آن مالی که بنده از بندگان خود دهیم اگر اندک باشد و اگر بسیار [illegible] ان معیشت ضنک باشد
معنی آیه آنست که هر کس که از ذکر خدای وراه حق عدول کند روزی بروی تنگ شود [illegible] می‌بینیم که معیشت بر ایشان فراخ است
از آنکه بر مؤمنان معنی آیه اینست که [illegible] ایمان ندارند هر خرج و نفقه که کنند [illegible] شناسند [illegible] ثواب و از او عوض
ندارند آن خرج و نفقه بر ایشان سخت آید ابو سعید خدری گفت این معیشت تنگ آنست که [illegible] گور بروی تنگ شود چنانکه
پهلوهاش یکدیگر گذر کند و برو مسلط کنند در گور نود و نه اژدها که هر یکی [illegible] تا او را می‌خورند گوشت او میخورند تا بروز قیامت و اگر یکی از
آن ماران یکدم در زمین دمد هرگز زمین نبات نروید سعید جبیر گفت بازین قناعت [illegible] و توکل هر که از دین اعراض کند
قناعت از و بستانند تا سیر نشود و نحشره یوم القیمة اعمی و روز قیامت او را حشر کنیم بچشم نابینا باشد عبدالله عباس گفت از حجت که
[illegible] بود یعنی حجتی نتواند آوردن از عذر و طریق ثواب نابینا بود [illegible] گوید خداوندا چرا مرا نابینا برانگیختی و زنده کردی و من بینا بودم
و این دلیل میکند بر آنکه [illegible] مجاهد گفت من نزدیک تو [illegible] یعنی [illegible] که حجت است
قال کذلک خدای گوید همچنین کردی آیات ما که بتو آمد [illegible] و بآن بینا نشدی [illegible] و او را فراموش کردی همچنین تا او را فراموش
کنند از ثواب و بگذارند تا در عقاب وکذلک نجزی من اسرف ولم یؤمن بآیات ربه ولعذاب الآخرة اشد وابقی افلم
یهد لهم کم اهلکنا قبلهم من القرون یمشون فی مساکنهم ان فی ذلک لآیات لاولی النهی ولولا کلمة سبقت من
ربک لکان لزاما واجل مسمی فاصبر علی ما یقولون وسبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس وقبل غروبها ومن
آناء اللیل فسبح واطراف النهار لعلک ترضی ٥ همچنین جزا دهیم هر کسی را که اسراف کند [illegible] بیرون شد
[illegible] و آیات خدا ایمان نیاورد [illegible] و عذاب آخرت [illegible] قیامت سخت تر است و باقی تر [illegible] علیت [illegible] عذاب
گور است [illegible] از شقاوت و سختی و غرامت و خرج نفقه افلم یهد لهم ای ایشان را [illegible] و عبرت [illegible] بیند و معاینه می‌بینند
آثار و منازل و جایگاههای بسیار از جباران و گردنکشان که ما ایشان را هلاک کردیم از عاد و ثمود [illegible] قریش [illegible] شام می‌رفتند و منازل و مقام
ایشان [illegible] و مساکنهم [illegible] روند [illegible] و دلایل [illegible] عقل [illegible] ولولا کلمة
[illegible] که عذاب ایشان و اجل [illegible] که [illegible] محمد [illegible] لازم که
عذاب ایشان [illegible] و هلاک ایشان [illegible] فاصبر علی ما یقولون [illegible] محمد نماز [illegible]
[illegible] یعنی نماز پیشین و دیگر [illegible] نماز [illegible] روز است و من آناء اللیل و از ساعتهای شب یعنی نماز شام و خفتن عبدالله
عباس گفت مراد نماز پیشین و [illegible] در شب گزارند و اطراف النهار و کنارهای روز یعنی نماز پیشین [illegible] قتاده و گفته و من آناء اللیل نماز شام است
و خفتن و اطراف النهار نماز [illegible] که در طرف اول روز است [illegible] و دیگر که در طرف آخر [illegible] جای اختصاص نماز و
[illegible] نماز کرد لعلک ترضی تا باشد که راضی شوی [illegible] ولا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجا منهم
زهرة الحیوة الدنیا لنفتنهم فیه ورزق ربک خیر وابقی وأمر اهلک بالصلوة واصطبر علیها لا نسألک رزقا نحن نرزقک والعاقبة

للتقوی

للتقوی وقالوا لولا یأتینا بآیة من ربه اولم تأتهم بینة ما فی الصحف الاولی ٥ خطاب با رسول است [illegible] اوا [illegible]
دیگر [illegible] و تمتع [illegible] اصناف و انواع [illegible] دنیا از طعام و ملابس و مستحسنات [illegible] ایشان [illegible]
آرزو و تمنا [illegible] از انواع ملاذ و ملاهی [illegible] لا تنظروا الی من هو فوقکم وانظروا الی من هو اسفل منکم فانه اجدر ان لا تزدروا نعمة الله علیکم [illegible]
[illegible] کس [illegible] بالای [illegible] باشد
[illegible] خدای [illegible] کنند [illegible] اشارت [illegible] گفته است
زهرة [illegible] زینت [illegible] گفت زیان [illegible]
[illegible] فتنه [illegible] ابو [illegible] گفت رسول [illegible] وفرستاد [illegible] گفت
[illegible] رسول [illegible] گفت [illegible] لنفتنهم فیه [illegible] ایشان را
امتحان کنیم و [illegible] اگر شکر گویند [illegible] کنیم و اگر کفران کنند [illegible] از ایشان [illegible] و
عذاب [illegible] مبتلا کنیم ورزق ربک خیر روزی خدای تو [illegible] بهتر است [illegible] وابقی و این روزی [illegible] است [illegible]
[illegible] و بماندن [illegible] اهل بیت [illegible] قوم [illegible] نماز [illegible] صبر کن
[illegible] روزی [illegible] روزی [illegible] روزی [illegible]
[illegible] تقوی [illegible] از ابو سعید خدری روایت [illegible] رسول [illegible] فاطمه و علی بن ابی طالب [illegible]
وقت [illegible] الصلوة [illegible] وقالوا لولا یأتینا بآیة من ربه [illegible] محمد [illegible] از خدای خود [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] صحف [illegible] کتاب [illegible] از توریة و
انجیل [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] وعذاب [illegible] ولو انا اهلکناهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا لولا ارسلت الینا رسولا فنتبع آیاتک من قبل
ان نذل ونخزی قل کل متربص فتربصوا فستعلمون من اصحاب الصراط السوی ومن اهتدی ٥ و اگر ما ایشان را هلاک کنیم بعذاب پیش از
فرستادن رسول [illegible] ایشان گویند روز [illegible] ای خدای ما چرا با ما رسولی نفرستادی تا متابعت او کردیمی پیش از آنکه ذلیل و رسوا شویم
و [illegible] قل کل متربص [illegible] محمد [illegible] و [illegible] ما [illegible] که خدای [illegible] و شما [illegible]
[illegible] فستعلمون [illegible] که [illegible]
[illegible] سورة الانبیاء علیهم السلم مکیت [illegible]
روایت کرد رسول [illegible] گفت هر که سورة الانبیا بخواند خدا [illegible] روز قیامت [illegible] و هر پیغمبری که ذکر ایشان در قرآنست برو سلام کنند و دست
[illegible] بسم الله الرحمن الرحیم اقترب للناس حسابهم وهم فی غفلة معرضون ما یأتیهم
من ذکر من ربهم محدث الا استمعوه وهم یلعبون لاهیة قلوبهم واسروا النجوی الذین ظلموا هل هذا الا بشر
مثلکم افتأتون السحر وانتم تبصرون ٥ [illegible] قیامت [illegible] کنند و کار
قیامت [illegible] نزدیک [illegible] حساب ایشان یعنی روز قیامت که روز حساب [illegible] ایشان [illegible]
کنند و قرب [illegible] زمان [illegible] مسافت [illegible] کل ما هو آت قریب [illegible] نزدیک باشد و
[illegible] کل ما هو آت [illegible] قیس بن ساعده [illegible]
مردم را وعظ میگفت [illegible] ایها الناس ان من عاش مات ومن مات فات وکل ما هو آت آت هر که زنده شود بمیرد و هر که بمرد
فایت شد [illegible] وهم فی غفلة [illegible] ایشان [illegible] اعراض میکنند

اگر نو هوا من تابعه و بر سبکردند از مساحب ... غافله واز اونشکه کهن ... و سرانجام کار خود موقف اند ... ایشان هیچ ذکری و بنیاد هیچ
باکردی بعنی کتابه و مراد باین قرانست باتفاق ... باشان هیچ ذکری محدث و قران نو از نزد خدای ایشان الا که استماع کنند انرا و بشنوند و در حال
شنیدن بازی کنند در این دلیلست بانکه قران محدثست برای آنکه قدیم نه محدث بود و ... است محدث و نقیض قدیم باشد بعنی اشاعره گفتنه
مراد بذکر محدث الا استمع دلیلست ببطلان قول ایشان که مسموع کلام باشد نه ذات کلام مسموع باشد و ذات محمد مراد اما ... که خدای ناموس
... او بعجب نباشد که پیغمبر مرادی ما مسموع گوید لاهیه قلوبهم دلهای ایشان مشغول بلهو و بیهوده است یعنی در حال استماع قران غافل باشند و مشغول
شود دلهای ایشان بلهو و بیهوده بانکه مردار گوید ... واسروا النجوی الذین ظلموا هل هذا الا بشر مثلکم این محمد همچون شما ادمیست ... تابع ... مرجع ...
... کنند دو کوید سحرست و جادوی افتاتون السحر شما بسحر و جادوی می ایند و حال انست که شما می بینید و می دانید که این سحرست قل ربی یعلم القول
فی السماء والارض وهو السمیع العلیم بل قالوا اضغاث احلام بل افتریه بل هو شاعر فلیأتنا بایة کما ارسل الاولون ما امنت
قبلهم من قریة اهلکناها افهم یؤمنون وما ارسلنا قبلک الا رجالا یوحی الیهم فسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون
وما جعلناهم جسدا لا یأکلون الطعام وما کانوا خالدین بگو ای محمد که خدای سخن که در اسمان و زمین باشد ... و شنا سد این
سخن که شما با یکدیگر باز می گوید ... او خدای شنوا و داناست ذکر قول که برای آن کرد که او عام است اسرار و نهان را شامل
است ... اضراب ... که این کافران کفتند ... اول سحر و جادوی خواندند ان اضغاث و احلام است خوابهای شوریده و برهم امیخته ...
ازین نیز اضراب کرد و گفت ... سخن دروغ است که از خود افترا کرده است و فراهم بافته و ... گفتند او شاعرست و سخن او شعرست
... و تحیر کنند و این اقوال متناقض از سر جهل کفتند برای آنکه اضغاث و احلام را هیچ معنی باشد ... خوابهای شوریده ...
... اضغاث و احلام ... و باطل گفتند ... انبیا ... و ...
کفتند که اگر نبوی اوراست معجزاتست ... بعضی سور مثل معجزات شما ... سورت از مثل ... معجزات بیارید ... و
کفتند که او شاعرست هم ... و باطل کفتند برای آنکه ایشان ... شعر ... شعرا ...
مانند کنند فلیأتنا بایة کما ارسل الاولون گو با ... آیتی و دلالتی و معجزی چنانکه پیغمبران پیشین اوردند ... دلالات و معجزات
... سبحانه ... ما امنت قبلهم من قریة ... از ایشان اهل هیچ شهری ... ایمان نیاوردند
بانکه ایات و معجزات ... ایمان ... ایة ... اولین ... ایمان
نیاوردند ... ایات ... ایمان نیارند ... عذاب استیصال شوند چنانکه ... شدند چون ان کافران
رسول را کفتند بل هذا الا بشر مثلکم محمد ادمیست ... وما ارسلنا قبلک الا رجالا ... از تو
پیغمبرانرا که فرستادیم ... بودند ... فرستادیم ... بشریت ...
... که ما ایشانرا فرستادیم یعنی وحی با ایشان ... پیغمبران گذشته
... بودند که ما با ایشان وحی کردیم ... از اهل ذکر یعنی از اهل علم ... اهل ذکر ... از امیر المؤمنین علی
علیه السلام روایتست که او گفت ما اهل ذکر ... و مراد بذکر رسولست ... اهل ... محمد و همچنین از صادق علیه السلام روایت
کردند ... رسولا ذکر خواند فی قوله ذکرا رسولا ... حسن بصری گفت مراد اهل تورات و انجیل اند ابن زید گفت مراد اهل قران اند که رسول خدا
قران را ذکر خواند فی قوله وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ... سوال از ایشان ... یعنی جهودان و ترسایان ...
... باشند ... و دیگر ... ایشان ...
... وما جعلناهم جسدا لا یأکلون الطعام ... که او طعام نخورد ... ادمی ...
ایشانرا گزیر نباشد ... بانند چون طعام و شراب و ایشان جاوید نبودند و نمانند ... ادمی جاوید نماند ...

ابنا

ان ایة وما جعلنا لبشر من قبلک الخلد افان مت فهم الخالدون ثم صدقناهم الوعد فانجیناهم ومن نشاء واهلکنا المسرفین
لقد انزلنا الیکم کتابا فیه ذکرکم افلا تعقلون وکم قصمنا من قریة کانت ظالمة وانشأنا بعدها قوما
اخرین فلما احسوا بأسنا اذا هم منها یرکضون لا ترکضوا وارجعوا الی ما اترفتم فیه ومساکنکم لعلکم
تسئلون قالوا یا ویلنا انا کنا ظالمین پس ما وعده که ایشانرا دادیم وعده ظفر و نجات از دشمن ... ان وعده را
راست گردانیدیم ... وعده با ایشان راست کفتیم پس ایشانرا برهانیدیم ... از ایشان مسرفان و متمردانرا
هلاک گردانیدیم لقد انزلنا الیکم ... فرستادیم کتابی که در ان ذکر شماست ... شرف ... اذکر لک و
لقومک ... عقل ... و کم قصمنا ... بشکستیم
و خراب کردیم از شهرها ... ظالم و ستمکار ... ایشانرا ... هلاک کردیم ... پس هلاک ایشان قومی دیگر بیافریدیم
... پس انگاه که اهل ان شهرها عذاب ما ... ببدیدند ... منها یرکضون ... که ایشان از ان ...
... لا ترکضوا ... مگریزید ... باز گردید ... مترف و متنعم بودید
... مسکنهای شما ... تا شما سوال کنند ... مالها و مسکنهای شما
... عبدالله عباس ...
... قتاده گفت ... شما ... ابن عباس گفت ... اهل ... بودند
... پیغمبری ... ایشانرا بخدای دعوت کرد ایشان او را تکذیب کردند
... بخت النصر ... ایشانرا ... ایشانرا ...
... ایشان ... بر سبیل استهزا گفتند لا ترکضوا ... از اسمان اواز
... معترف شدند و گفتند یا ویلنا ... ظلم و ستم کردیم فما زالت
تلک دعویهم حتی جعلناهم حصیدا خامدین وما خلقنا السماء والارض وما بینهما لاعبین لو اردنا ان
نتخذ لهوا لاتخذناه من لدنا ان کنا فاعلین بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو
زاهق ولکم الویل مما تصفون وله من فی السموات والارض ومن عنده لا یستکبرون عن عبادته
ولا یستحسرون یسبحون اللیل والنهار لا یفترون همیشه گفتار ایشان ... دعای کفر ...
... ایشانرا هلاک کردیم ... گیاه دروده ... ایشان ... عذاب ...
... اسمان و زمین ... بازی نیافریدیم ...
منافع خلقان افریدیم ... نظر کنند ... لو اردنا ... اگر خواستی ...
... ان ... فرزند ...
یعنی ما اگر زن گرفتنی یا فرزندی ... مریم و عیسی ... و لیکن نکردیم ...
بل نقذف بالحق علی الباطل بلکه ما حق را بر باطل ... باطل ... باطل ...
... بر سبیل تمثیل ... حجت ... شبهه ... غالب ... طلب کند ...
... ولکم الویل مما تصفون ... زن و فرزند ... لهو و لعب وله من فی السموات والارض
و هرکه در اسمان و زمینست ... و ملک اوست ... ایشان ...
... منزلت ... ایشان ... عبادت ...

واز عبادت او خسته و ملول نمی شوند [illegible] شب و روز تسبیح میکنند [illegible] و بر انچه لایق حضرت [illegible] است [illegible]

بیکرد ام اتخذوا آلهة من الارض هم ینشرون لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا فسبحان الله رب العرش عما یصفون لا یسئل

عما یفعل وهم یسئلون ام اتخذوا من دونه آلهة قل هاتوا برهانکم هذا ذکر من معی وذکر من قبلی بل اکثرهم

لا یعلمون الحق فهم معرضون ۵ حق سبحانه وتعالی [illegible] کافران شروع کرد و گفت [illegible] که گرفتند [illegible] از زمین [illegible] از جنس زمین از چوب

سنگ و چوب و اصنام [illegible] ایشان [illegible] خدایان ایشان [illegible] و استحقاق نام خدایی [illegible]

ان ذاتی که قادر باشد [illegible] من الارض [illegible] باشد یعنی خدایانی که [illegible] از زمین [illegible]

[illegible] و اماتت [illegible] لو کان فیهما آلهة [illegible] آسمان و زمین خدایانی [illegible]

و زمین تباه شدی [illegible] خدایان [illegible] دلیل [illegible] اگر دو بودی [illegible] میان ایشان

[illegible] ممکن بودی و ممتنع بودی [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فسبحان الله رب العرش منزه است خدای [illegible] که خداوند عرش [illegible]

[illegible]

[illegible] ام اتخذوا من دونه آلهة [illegible] این کلام استفهام [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] لا یعلمون [illegible]

[illegible] وما ارسلنا من قبلک من رسول الا نوحی الیه انه لا اله الا

انا فاعبدون وقالوا اتخذ الرحمن ولدا سبحانه بل عباد مکرمون لا یسبقونه بالقول وهم بامره یعملون

یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یشفعون الا لمن ارتضی وهم من خشیته مشفقون ۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ومن یقل منهم انی اله من دونه فذلک نجزیه جهنم کذلک نجزی الظالمین اولم یر الذین کفروا ان السموات

والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون وجعلنا فی الارض رواسی ان تمید

بهم وجعلنا فیها فجاجا سبلا لعلهم یهتدون وجعلنا السماء سقفا محفوظا وهم عن آیاتها معرضون ۵

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] وجعلنا [illegible]

[illegible]

اند وهو الذی خلق اللیل والنهار والشمس والقمر کل فی فلک یسبحون وما جعلنا لبشر من قبلک الخلد افان مت فهم الخالدون

کل نفس ذائقة الموت ونبلوکم بالشر والخیر فتنة والینا ترجعون ۵ او آن خدایست که شب و روز آفرید و آفتاب

و ماه آفرید [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] واذا رآک الذین کفروا ان یتخذونک الا هزوا اهذا الذی یذکر آلهتکم وهم بذکر الرحمن

هم کافرون خلق الانسان من عجل ساریکم آیاتی فلا تستعجلون ویقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین

لو یعلم الذین کفروا حین لا یکفون عن وجوههم النار ولا عن ظهورهم ولا هم ینصرون

بل تأتیهم بغتة فتبهتهم فلا یستطیعون ردها ولا هم ینظرون ۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ قُلْ مَنْ يَكْلَؤُكُمْ
بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا
يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ
أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ۞ [illegible]

[illegible]

قُلْ إِنَّمَا أُنْذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنْذَرُونَ وَلَئِنْ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ
وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ وَلَقَدْ
آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ وَهَذَا
ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ ۞ [illegible]

[illegible]

وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ
رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ
قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَى ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ۞ [illegible]

[illegible]

وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا
مُدْبِرِينَ فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ قَالُوا سَمِعْنَا
فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ قَالُوا أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ
قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ ۞ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مرادش آن بود که او خواهر من است در دین فرجعوا الی انفسهم فقالوا انکم انتم الظالمون ثم نکسوا علی رؤسهم لقد علمت ما هؤلاء ینطقون قال افتعبدون من دون الله ما لا ینفعکم شیئا و لا یضرکم اف لکم و لما تعبدون من دون الله افلا تعقلون قالوا حرقوه و انصروا الهتکم ان کنتم فاعلین قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین

چون ابرهیم این سخن بگفت حجت بر ایشان لازم شد ایشان بخود باز گشتند و گفتند شاید که ظالم [illegible]

[illegible]

حاجت کرد با ابرهیم که بکذر تا کرد ایشان را باطل کردیم و [illegible] کردیم ۞ ونجيناه ولوطا الى الارض التي باركنا فيها للعالمين ووهبنا
له اسحق ويعقوب نافلة وكلا جعلنا صالحين وجعلناهم ائمة يهدون بامرنا واوحينا اليهم فعل الخيرات واقام الصلوة و
ايتاء الزكوة وكانوا لنا عابدين ولوطا اتيناه حكما وعلما ونجيناه من القرية التي كانت تعمل الخبائث انهم كانوا قوم
سوء فاسقين وادخلناه في رحمتنا انه من الصالحين ۞ و برهانیدیم ابرهیم را و لوط را از [illegible] نمرود و لوط برادرزاده ابرهیم بود و [illegible]
ایمان داشت و او پسر هاران بن تارخ بود و ایشان را برادر دیگر بود نام او ناحور [illegible] ساره دختر عم ابرهیم بود و او نیز ایمان داشت با ابرهیم و در این وقت
[illegible] بیرون ابرهیم [illegible] از اینجا برفتند تا بزمینی که ما برکت کردیم در ان زمین [illegible] زمین شام بود [illegible] مبارک
خواند که در جهان هیچ [illegible] بیت المقدس بیرون اید [illegible] از زمین [illegible] شام [illegible]
[illegible] شام [illegible] در فلسطین [illegible] زمین [illegible] و بلاک [illegible] ابو قلابه گفت که رسول علیه [illegible]
[illegible] و شام [illegible] بیت المقدس [illegible]
[illegible] کعب الاحبار [illegible] در شام [illegible] رسول [illegible] شام [illegible] در زمین [illegible]
[illegible] ابرهیم [illegible] شام و ساره [illegible] ابرهیم و لوط [illegible] وامن الوطا وقال اني مهاجر الى ربي انه
[illegible] از زمین فلسطین [illegible] و لوط [illegible]
از میان ابرهیم و لوط [illegible] و بدادیم ما ابرهیم را اسحق و یعقوب [illegible]
[illegible] عبدالله عباس گفت ابرهیم [illegible] اسحق [illegible] و یعقوب [illegible]
[illegible]
وکلا جعلنا صالحین [illegible] ایشان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] سدوم [illegible] لواطه [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] لوط را [illegible]
[illegible] ۞ ونوحا اذ نادى من قبل فاستجبنا له فنجيناه واهله من الكرب العظيم ونصرناه من القوم الذين كذبوا باياتنا انهم
كانوا قوم سوء فاغرقناهم اجمعين وداود وسليمان اذ يحكمان في الحرث اذ نفشت فيه غنم القوم وكنا لحكمهم شاهدين ففهمناها
سليمان وكلا اتينا حكما وعلما وسخرنا مع داود الجبال يسبحن والطير وكنا فاعلين وعلمناه صنعة لبوس لكم لتحصنكم
من باسكم فهل انتم شاكرون ۞ و یاد کن ان [illegible] نوح [illegible] ابرهیم و لوط [illegible]
[illegible] طوفان [illegible]
[illegible] قوم نوح [illegible] داود و سلیمان [illegible]
[illegible] غنم القوم [illegible] گوسفندان [illegible]
[illegible] داود [illegible] صاحب زرع [illegible] گوسفند [illegible]
[illegible] زرع [illegible] گوسفند [illegible]
[illegible] سلیمان [illegible]
[illegible] داود [illegible] سلیمان [illegible] صاحب زرع [illegible]

[illegible] گوسفند داده [illegible] و جواب [illegible] گوسفند [illegible]
[illegible] داود [illegible] عبدالله مسعود [illegible] سلیمان [illegible]
[illegible] داود [illegible] سلیمان [illegible]
[illegible] رسول علیه السلام [illegible]
[illegible] اصحاب [illegible] زرع [illegible] اجتهاد [illegible]
[illegible] اجتهاد [illegible] سلیمان این حکم باجتهاد کرد [illegible] سلیمان [illegible]
[illegible] حکم باجتهاد [illegible] ففهمناها سلیمان [illegible]
[illegible] الهام [illegible] سلیمان [illegible]
[illegible] حکم داود [illegible] اجتهاد [illegible]
[illegible]
[illegible] گوسفند [illegible] سلیمان [illegible] زرع [illegible]
[illegible] داود [illegible] سلیمان [illegible]
[illegible] داود [illegible]
[illegible] وکلا اتینا حکما وعلما [illegible] داود و سلیمان [illegible]
[illegible] وسخرنا مع داود الجبال [illegible]
[illegible] تسبیح [illegible]
[illegible]
[illegible] داود [illegible]
[illegible] ولسليمن الريح
عاصفة تجري بامره الى الارض التي باركنا فيها وكنا بكل شيء عالمين ومن الشياطين من يغوصون له ويعملون
عملا دون ذلك وكنا لهم حافظين ۞ و مسخر کردانیدیم مر سلیمان [illegible]
[illegible] سلیمان [illegible]
[illegible] بساط [illegible]
[illegible]
[illegible] سلیمان [illegible] وايوب اذ نادى ربه
اني مسني الضر وانت ارحم الراحمين فاستجبنا له فكشفنا ما به من ضر واتيناه اهله ومثلهم معهم رحمة من
عندنا وذكرى للعابدين ۞ یاد کن ایوب را چون ندا کرد [illegible]
[illegible] وهب منبه گفت ایوب [illegible] روم [illegible]
[illegible] ابرهیم [illegible] شام [illegible]
[illegible]
[illegible]

خوش بوی و بهتر کار و بسیار مشفق و مهربان بر طفلان و نیکوکار با درویشان و مهمان دار و خوانین با و مال خویش را چون تفقد کی [illegible] بیتیمان و درویشان و ابنا السبیل و [illegible]
لعنت الملعون ابلیس علیه اللعنه دو کار وی عاجز شد خواست تا او را وسوسه کند و بهره ای از و طاعت و عبادت بروی تباه گرداند نتوانست گفت بار خدایا امروز زاهدتر ازو [illegible] هیچ بنده
نیست عابدتر و شاکرتر از ایوب و سماکه این شکر و عبادت او از آنست که تو او را مال و فرزندان بسیار و اسباب [illegible] شمار داده [illegible] من خطا [illegible]
کر اگر او را امتحان کنی و مال ازوی بازستانی و فرزندان او را [illegible] صبر نخواهد کردن و کفران [illegible] و [illegible]
[illegible] بخت بدار که هیچ کفران نیارد و [illegible] گفت خدایا این حال ابلیس گفت بار خدایا مرا بر مال وی مسلط کردان گفت کردم ابلیس [illegible]
بروی تباه کردانید ایوب علیه السلام شکر بیفزود آنگه گفت مرا بر فرزندان وی مسلط کن گفت کردم گفت مرا بر تن وی مسلط کن گفت کردم مگر بر دل و زبان و [illegible]
و درین حدیث و حکایت [illegible] بسیار [illegible] اند و این نوع هیچ روا باشد چگونه خدای ابلیس را که دشمن است بر انبیا و اولیا و دوستان خود مسلط کند
و کدام عقل این روا دارد و در بیماری وی بسیار شنیع روایت کرده اند و گفته اند که او [illegible] سال بر کناسه از کناسات بنی اسرائیل افتاده بود و کرم
در اندامهای او افتاده و هیچ کس نتوانستی که آنجا بگذرد از بوی او و این در حق پیغمبران کسی روا دارد که او قدر ایشان نداند و هیچ چیز از
منفرات روا نباشد از پیغمبران و نه از قبل خدای و نه از قبل ایشان برای آنکه موجب بود با نقض غرض قدیم تعالی و او ازین منزه است اما
محنت بیماری و نزول الالام و تکالیف امراض روا باشد که خدای تعالی بر سبیل امتحان با پیغمبران کند برای لطف و اعتبار و در برابر آن اعواض عظیم باشد
مادام که بیماری باشد که مردم را از آن نفرت آید چون برص و جذام و جنون و قروح منفره و احوالی که از آن طبع متنفر باشد و با بحر کریهه و [illegible]
ممتنع باشد اما آنکه خدای تعالی مال ایوب ببرد و فرزندان وی بازستاند و او را انواع بیماری نامنفره دهد این جمله روا باشد اما [illegible]
و در مدت بیماری ایوب خلاف کرده اند وهب گفت هر سال بود کعب گفت [illegible] سال [illegible] عبدالله بن عباس و [illegible] گفتند
هفت سال بود در خبر است که در مدت بیماری او هر کس بود با ایمان او در دنیا یکی از اهل دین که او را یمین گفتندی و دو مرد دیگر از دولایت
او یکی را بلدم بود و دیگری را [illegible] اینان هر دو آمدندی و او را پرسیدندی یکی از ایشان کهل بود و دیگری برنا روزی در آمدند و او را نکو و [illegible]
بایکدیگر گفتند همانا که ایوب گناهی عظیم کرده است که خدای بروی رحمت نمی کند این جوان با ایشان خصومت کرد و گفت شما نمی دانید که ایوب پیغمبر
خدایست و گزیده اوست می پندارید که این رنج عقوبت گناهانست که وی کرده است نمی دانید که خدای تعالی دوستان خود را امتحان کند و ایشان را بیماری دهد تا [illegible]
ایشان بر مردمان پاید و خدای تعالی ایوب را بهره در هر حال امتحان که هم [illegible] و هم محنت او را داد صبر [illegible] و در محنت صابر از بهر آنکه [illegible] که ایشان
گفتند راست گفتی و نیکو گفتی آنکس که خدای او را حکمت و بینه [illegible] نجویا [illegible] و این فضلی باشد از خدای ما ازین گفتیم توبه کردیم و گفته اند که ایشان این
سخن در حضرت ایوب گفتند ایوب ازین دلتنگ شد چون آن جوان دید که ایشان را ملامت کرد ایوب علیه السلام گفت مرا می گویند که گناه کرده ام این عقوبت است
بار خدایا اگر میدانی که من هیچ شب روا نداشتم که از طعام سیر شوم و در همسایگی من بود گرسنه است طعام بوی دادم و اگر دانی که هرگز بر اهلی توشید
و من برهنه [illegible] [illegible] و القیدی [illegible] جبرئیل آمد که ای ایوب [illegible] [illegible] و ما کن [illegible] خدای تعالی [illegible]
دعا کرد و گفت ربنا انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین در خبر است که در مدت بیماری ایوب در افتاد و زنش [illegible] [illegible] و اصحاب [illegible]
دعا کرد و خدای تعالی شفا میداد او را گفتند چرا خود را دعا نکنی گفت شرم دارم از خدای که هشتاد سال در نعمت و عافیت بودم اکنون که این هفت روز در ابتلا [illegible]
[illegible] در بلا باشم عافیت نخواهم و دعا نکنم مگر خدای تعالی شفا میدادم و باید عافیت دادم [illegible] [illegible] روایت کرده که خدای تعالی ایوب را ابتلا داد
بیماری هجده سال و او بماند همه از وی ملول شدند الا دو مرد از اصحاب وی روزی یکی گفت با دیگری [illegible] [illegible] [illegible] که چنین محنت که خدای تعالی [illegible]
خود را [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در میانه از [illegible] و دلتنگی سوگند خورده [illegible] [illegible]
سوگند [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سوگند [illegible] و چون ایوب علیه السلام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] چون فارغ شد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] منتظر [illegible]
خدای تعالی هم جای [illegible] ایوب [illegible] که از کعب [illegible] مغتسل بارد و شراب او پای بر زمین زد چشمه آب پیدا شد از آن آب باز [illegible] [illegible]

اندرون فرو رفت و از آن آب غسل که هر رنجی که در اندرون بود زایل گشت او را قوت و جمال و رنگ روی باز آمد نیکوتر از آنکه پیش بود ایوب علیه السلام آنجا بر تل [illegible]
و [illegible] چون در وجود شد و از [illegible] زنش را دل مشغول شد بیامد ایوب را در جای خود ندید بالای [illegible] [illegible] مردی را دید نیکو روی او را باز نشناخت
ایوب را گفت که ای جوان کجا است این مرد بیمار که اینجا بود [illegible] شوهر منست گفت اگر [illegible] [illegible] باز بشناسی گفت نیکو بشناسم که سالها است
که با وی بوده ام گفت من ایوبم هم خدای تعالی مرا صحت داد و [illegible] [illegible] [illegible] و گفتند که ایوب را دو انبار بود یکی را جو بود و یکی را گندم خدای تعالی
ابر را فرمان داد تا باران سرو انبار زرد هم بیارید یکی پر از زر شد و یکی پر از سیم و بنیان بر شد که از وی بیرون ریخت [illegible] [illegible] گفت
چون خدای تعالی ایوب را با انواع بلا ابتلا کرد و بیماری بروی دراز شد خویشان و دوستان از وی ملول شدند و همه وی را بگذاشتند مگر زنش
رحمه که او خدمت کردی و طعام و شراب او دادی و ایوب هر چند که رنج سخت تر بودی صبر و شکر بیش کردی ابلیس علیه اللعنه در کار او درماند با
[illegible] و ابنای جنود گفت مرا چاره بیاموزید در کار وی ایشان گفتند ما نتوانیم کردن ما هر چه دانیم از تو دانیم آن جمله مکر و حیله تو کجا است که با
[illegible] و [illegible] از راه ببردی و بان بر سر همه خلقان او آن طعم باهتی گفت آن از جهت زن بوده گفتند حدیث از این جنس در دست کیر گفت
[illegible] بیامد رحمه را دید که بر ایوب می رفت گفت یا امة الله شوهر تو کجا است گفت فلان جای نیکو و بیمار افتاده است و
[illegible] که دیدی مانده چون و با اندوه [illegible] گفت ترا یاد می آید آن مال و جمال و فرزندان او که مجلس را آن بود کو یعنی اکنون آن جمله رفت
و هر روز کار او خراب تر است و هرگز با آن نرود که او از این نوع بسیاری بگفت تا که رحمه بر او بیامد و بگریست آنگه و بر گفت من این را دوای
[illegible] اگر بپذیرد [illegible] [illegible] رحمه گفت آن چیست گفت این گوسفند از من بستاند و بر نام من قربان کند خدای تعالی او را عافیت دهد آن گوسفند
بستد و بیامد و ایوب را گفت با نبی الله تا کی در این محنت و رنج باشی مردی طبیب آمده مرا نصیحتی کرد و قصه با وی بگفت اکنون این گوسفند
بنام وی قربان کن که او گفت شفای تو درین است ایوب را گفت ای [illegible] آن دشمن خدای ابلیس بود بیامد و ترا بر حرف داشت و روزگار گشته
با او و [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] اندیشه نکنی که آن همه خدای تعالی داده بود هم خدای عوض تواند داد وهب گفت چون مدت محنت ایوب
بسر آمد و ابلیس در کار او عاجز شد روزی در صورت مردی [illegible] [illegible] بیامد و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بیش [illegible] آمد و او را گفت
آن شوهرت چگونه است گفت نیک بیمار است و بیمار گفت مرا می شناسی گفت نه گفت من خدای زمینم و آن بیماری و رنج و تلف مال و هلاک فرزندان
من کرده ام از آنکه [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] اگر تو مرا یک سجده کنی من او را از رنجها از زوال رنجها [illegible] و مال و فرزندان باوی دهم گفت تا [illegible]
[illegible] هیچ کار نکنم گفت اگر این نکنی ایوب را بگوی تا یکبار که طعام خورد باول بسم الله نگوید و در آخر الحمد لله تا از وی خشنود شوم و بلا خفا هم
و فرزندان با وی دهم او بیامد و ایوب را خبر داد ایوب خشم گرفت و گفت امروز سه روز بر فته و باد شمن خدای ابلیس و مناظره رفته
[illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] و الله که اگر خدای مرا ازین رنج شفا دهد ترا صد چوب بزنم چرا از پیش من و او را از پیش خود دور کرد او وقت
[illegible] تنها بماند و نزد یک او هیچ طعامی و شرابی و مونسی نبود روی را بر زمین نهاده می گفت رب انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین چند
[illegible] و با آواز داده که سر بردار که خدای تعالی دعای تو اجابت کرد و پای بر زمین زن ایوب علیه السلام پای بر زمین زد از زیر قدم او چشمه آب جوش
[illegible] شد از آنجا غسل که هر رنج که داشت همه زایل گشت پای خود باز دیگر بر زمین زد چشمه دیگر پیدا شد از آنجا باز خورد هر رنج که در اندرون وی
[illegible] زایل گردید و خدای تعالی جوانی باوی داد و جبرئیل علیه السلام از بهشت دو [illegible] [illegible] [illegible] و سر [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] و ابری برآمد و ملخ زرین بروی بیارید در حدیث آورده اند که هر قطره آب که از سینه وی فرو چکید ملخ زرین شد و ایوب
[illegible] جمع کرد وحی آمد که ای ایوب نه من ترا مستغنی کردم گفت بلی با ستیدی و مولای و لیکن این برکات تواست و از برکات و کرامت تو کی سیر گشتمکه از آنجا
[illegible] [illegible] و [illegible] با همان جمال و صورت که در جوانی و با چه زنش رحمه گفت [illegible] [illegible] [illegible] و بیمار [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مردی را دید شرم داشت که از وی بپرسد ایوب او را آواز داد که ای زن که را می جویی گفت این مرد بیمار را که اینجا بود
جستم ای ما و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] باشد گفت شوهر من باشد گفت اگر ببینی بشناسی گفت چگونه نشناسم گفت او با که ماند بیش از آنکه

[illegible] ایوب [illegible]

[illegible]

و اسمعیل و ادریس و ذا الکفل کلٌّ من الصابرین و ادخلناهم فی رحمتنا انهم من الصالحین و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین

و یاد کن اسمعیل بن ابرهیم را و ادریس پیغمبر را که اخنوخ است و ذا الکفل را عبدالله عمر گفت از رسول صلعم شنیدم که در بنی اسرائیل مردی بود نام وی ذا الکفل فاسق بود [illegible]

[illegible]

[illegible] ذا النون [illegible]

[illegible]

[illegible]

وزکریا اذ نادی ربه رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین فاستجبنا له ووهبنا له یحیی واصلحنا له زوجه انهم کانوا یسارعون فی الخیرات ویدعوننا رغبا ورهبا وکانوا لنا خاشعین

[illegible]

والتی احصنت فرجها فنفخنا فیها من روحنا وجعلناها وابنها آیة للعالمین ان هذه امتکم امة واحدة وانا ربکم فاعبدون وتقطعوا امرهم بینهم کل الینا راجعون فمن یعمل من الصالحات وهو مؤمن فلا کفران لسعیه وانا له کاتبون وحرام علی قریة اهلکناها انهم لا یرجعون حتی اذا فتحت یاجوج وماجوج وهم من کل حدب ینسلون واقترب الوعد الحق فاذا هی شاخصة ابصار الذین کفروا یا ویلنا قد کنا فی غفلة من هذا بل کنا ظالمین

[illegible]

٧

[illegible]

انکم وما تعبدون من دون الله حصب جهنم انتم لها واردون لو کان هؤلاء آلهة ما وردوها وکل فیها خالدون لهم فیها زفیر وهم فیها لا یسمعون ان الذین سبقت لهم منا الحسنی اولئک عنها مبعدون لا یسمعون حسیسها وهم فی ما اشتهت انفسهم خالدون لا یحزنهم الفزع الاکبر وتتلقاهم الملائکة هذا یومکم الذی کنتم توعدون

[illegible]

[illegible]

یوم نطوی السماء کطی السجل للکتب کما بدانا اول خلق نعیده وعدا علینا انا کنا فاعلین ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون ان فی هذا لبلاغا لقوم عابدین وما ارسلناک الا رحمة للعالمین

[illegible]

[illegible]

قل انما یوحی الی انما الهکم اله واحد فهل انتم مسلمون فان تولوا فقل آذنتکم علی سواء وان ادری اقریب ام بعید ما توعدون انه یعلم الجهر من القول ویعلم ما تکتمون وان ادری لعله فتنة لکم ومتاع الی حین قال رب احکم بالحق وربنا الرحمن المستعان علی ما تصفون

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة شیء عظیم یوم ترونها تذهل کل مرضعة عما ارضعت وتضع کل ذات حمل حملها وتری الناس سکاری وما هم بسکاری ولکن عذاب الله شدید

[illegible]

[illegible]

ومن الناس من يجادل في الله بغير علم ويتبع كل شيطان مريد كتب عليه انه من تولاه فانه يضله ويهديه الى عذاب السعير يا ايها الناس ان كنتم في ريب من البعث فانا خلقناكم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم من مضغة مخلقة وغير مخلقة لنبين لكم ونقر في الارحام ما نشاء الى اجل مسمى ثم نخرجكم طفلا ثم لتبلغوا اشدكم ومنكم من يرد الى ارذل العمر لكيلا يعلم من بعد علم شيئا وترى الارض هامدة فاذا انزلنا عليها الماء اهتزت وربت وانبتت من كل زوج بهيج ۵

[illegible]

وم

[illegible] ... باشند

ذلك بان الله هو الحق وانه يحيي الموتى وانه على كل شيء قدير وان الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور ومن الناس من يجادل في الله بغير علم ولا هدى ولا كتاب منير ثاني عطفه ليضل عن سبيل الله له في الدنيا خزي ونذيقه يوم القيمة عذاب الحريق ذلك بما قدمت يداك وان الله ليس بظلام للعبيد ۵

این برای آنست یعنی ... بسبب آنست که خدای ... [illegible] ... ومن الناس و از مردمان کسی هست که او جدال میکند ... [illegible]

ومن الناس من يعبد الله على حرف فان اصابه خير اطمان به وان اصابته فتنة انقلب على وجهه خسر الدنيا والآخرة ذلك هو الخسران المبين يدعو من دون الله ما لا يضره وما لا ينفعه ذلك هو الضلال البعيد يدعو لمن ضره اقرب من نفعه لبئس المولى ولبئس العشير

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ۞

[illegible]

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ ۞

[illegible]

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ۞

[illegible]

وَهَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ

فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ يُصْهَرُ بِهِ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ وَلَهُمْ مَقَامِعُ مِنْ حَدِيدٍ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ۞

[illegible]

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۞

[illegible]

[illegible] مجاهد گفت [illegible]

[illegible]

[illegible] عبدالله گفت [illegible]

[illegible] مجاهد گفت [illegible]

[illegible] وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ۵

[illegible]

[illegible] محمد بن کعب گفت [illegible]

[illegible] ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ۵

[illegible] عبدالله عباس گفت [illegible]

[illegible]

برخ باید و شیطان [illegible] و ضلالت [illegible] ابن ابی عمیر [illegible] ابن اکثر ابتدا کرده و گفته
هر که تعظیم کند شعایر خدا را [illegible] و شعایر [illegible] است و مناسک حج [illegible] شعایر [illegible] اند و [illegible]
که این اشعار که [illegible] باشند و آن شتری باشد [illegible] و گفته‌اند شعایر الله دین خداست یعنی تعظیم شعایر [illegible] باشد
اختیار کند و در [illegible] از محمد باقر علیه السلام روایت کرده‌اند [illegible]
[illegible] فانها [illegible] تعظیم شعایر و مناسک از افعال [illegible] است و ذکر [illegible]
و نقوی است چون تقوی [illegible] ظاهر شود لكم فيها منافع الى اجل مسمى ثم محلها الى البيت العتيق ولكل امة
جعلنا منسكا ليذكروا اسم الله على ما رزقهم من بهيمة الانعام فالهكم اله واحد فله اسلموا وبشر المخبتين الذين
اذا ذكر الله وجلت قلوبهم والصابرين على ما اصابهم والمقيمي الصلوة ومما رزقناهم ينفقون ۞ و شما را [illegible]
اشتران منافع هست تا وقتی [illegible] از رکوب و حمل اثقال بر ایشان [illegible] ابن عباس گفت [illegible] باشد
[illegible] و تقلید و اشعار [illegible] کنند [illegible] باشند [illegible]
[illegible] از محمد باقر علیه السلام روایت کرده‌اند [illegible]
[illegible] باشند [illegible] ایام حج [illegible] کعبه باشد [illegible] باشد که واجب
باشد کشتن قربان [illegible] عمره باشد [illegible]
[illegible] و قربانی [illegible] عبادت [illegible]
[illegible] از طواف و سعی و رمی و ذبح و جز آن مناسک [illegible] ليذكروا اسم الله [illegible] ایشان نام خدا
[illegible] بهایم انعام از گاو و گوسفند و شتر [illegible] فالهكم اله واحد [illegible]
[illegible] است چون قربانی کنند [illegible] عبادت [illegible]
[illegible] وبشر المخبتين [illegible] محمد [illegible] باشند [illegible]
[illegible] ایشان را [illegible] نام خدا [illegible] ذکر [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] نفقه کنند والبدن جعلناها لكم من شعائر الله لكم فيها خير
فاذكروا اسم الله عليها صواف فاذا وجبت جنوبها فكلوا منها واطعموا القانع والمعتر كذلك سخرناها لكم لعلكم
تشكرون لن ينال الله لحومها ولا دماؤها ولكن يناله التقوى منكم كذلك سخرها لكم لتكبروا الله
على ما هديكم وبشر المحسنين ان الله يدافع عن الذين امنوا ان الله لا يحب كل خوان كفور ۞ و اشتران
[illegible] از اعلام [illegible] و مناسک [illegible] شعایر [illegible] لكم فيها خير [illegible]
[illegible] نام خدا [illegible] صواف [illegible]
[illegible]
[illegible] دست [illegible] و گوسفند [illegible]
بسم الله والله اکبر [illegible] ابن عباس گفت [illegible] الله اکبر ولا اله الا الله والله اکبر اللهم منک ولک فاذا وجبت جنوبها [illegible]
[illegible] فكلوا منها
[illegible] واطعموا [illegible]
[illegible]

فایده [illegible] گفت [illegible] زید بن اسلم گفت قانع
[illegible] باشد [illegible] كذلك سخرناها لكم [illegible] بهایم
[illegible] لن ينال الله لحومها [illegible] گوشتها و خونهای آن [illegible]
[illegible] خون او [illegible] کعبه [illegible] گوشت و خون او [illegible]
[illegible] گوشت و خون او [illegible] ولکن [illegible] تقوی [illegible]
[illegible] باشد كذلك سخرها لكم [illegible] تکبیر و تحمید [illegible]
[illegible] از ارکان حج و مناسک [illegible] محمد [illegible] ان الله يدافع عن الذين امنوا
[illegible] خدای تعالی دفع کند [illegible] دشمنان ایشان [illegible] و خدای تعالی دوست ندارد
[illegible] اظهار نصیحت کند و کتمان غش [illegible]
[illegible] اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم
لقدير الذين اخرجوا من ديارهم بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله ولولا دفع الله الناس بعضهم
ببعض لهدمت صوامع وبيع وصلوات ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا ولينصرن
الله من ينصره ان الله لقوي عزيز الذين ان مكناهم في الارض اقاموا الصلوة واتوا
الزكوة وامروا بالمعروف ونهوا عن المنكر ولله عاقبة الامور ۞ [illegible]
[illegible] رسول خدا [illegible]
[illegible] رسول [illegible]
[illegible] این آیه [illegible] و این اول آیتی است که در باب قتال آمد و بعضی گفتند
[illegible] رسول علیه [illegible] بیرون آمد از مکه [illegible]
[illegible] این آیه [illegible] ایشان قتال کنند [illegible]
[illegible] با ایشان قتال کنند [illegible] بانهم ظلموا [illegible] ایشان ظلم کرده [illegible]
[illegible] وان الله على نصرهم لقدير [illegible]
[illegible] الذين اخرجوا [illegible]
[illegible] ایشان را از خانها و سرایها [illegible] بیرون کرده‌اند [illegible]
[illegible] مومنان [illegible] ایشان ظلم کنند و ایشان را از سرایهای ایشان بیرون کنند [illegible]
[illegible] الا [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] بیرون کردند [illegible]
لانی اقول الحق [illegible] ولولا دفع الله [illegible]
اقامت حدود و تسلیط اهل اسلام بر اهل کفر [illegible]
رهبانان [illegible] صومعهای [illegible] و بیع و [illegible] مسجدهای مسلمانان [illegible] مجاهد گفت [illegible]
بصلوات [illegible] اهل کتاب و مسلمانان است [illegible] مسلمانان است [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] نمازهای ایشان [illegible] ایشان است و گفتند که معنی اینست که در ایام

شرح عیسی [illegible] و صومعه‌های ترسایان خراب کردندی و در شریعت موسی علیه السلام کنشتهای جهودان و در شریعت محمد صلعم مسجدهای مسلمانان [illegible] بر مسجد مسلمانان تقدیم با آنک [illegible] مقدم بوده و اول آن خراب کردند [illegible] و منهم سابق بالخیرات [illegible] مساجد [illegible] ذکر خدای را [illegible] ولینصرن الله من ینصره [illegible] الذین ان مکناهم [illegible] قتاده گفت ایشان اصحاب رسول [illegible] ابو العالیه گفت [illegible] و لله عاقبة الامور عاقبت کارها و بازگشت و سرانجام آن همه با خدایست [illegible] محمد صلی الله علیه گفت [illegible]

وان يكذبوك فقد كذبت قبلهم قوم نوح وعاد وثمود وقوم ابرهيم وقوم لوط واصحاب مدين وكذب موسى فامليت للكافرين ثم اخذتهم فكيف كان نكير وكاين من قرية اهلكناها وهي ظالمة فهي خاوية على عروشها وبئر معطلة وقصر مشيد ۵

اگر ترا ای محمد تکذیب میکنند و دروغ می دارند این کافران پس [illegible] از ایشان قوم نوح نوح را هم دروغ داشتند و عاد هود را و ثمود صالح را و قوم ابرهیم ابرهیم را و قوم لوط لوط را و اصحاب مدین شعیب را و فرعون و قوم وی موسی را [illegible] ایشان باطل شود پس از مهلتی تمام ایشان را بگرفتم و عذاب [illegible] بسا شهرها و دیه‌ها که ما هلاک کردیم [illegible] خاویه افتاده است بر سقفهای خود [illegible] و چاه معطل مانده است [illegible] کوشک [illegible] گچ و سنگ محکم کرده [illegible] ضحاک گفت [illegible] چهار هزار مرد [illegible] صالح [illegible] حضرموت [illegible]

افلم يسيروا في الارض فتكون لهم قلوب يعقلون بها او آذان يسمعون بها فانها لا تعمى الابصار ولكن تعمى القلوب التي في الصدور ويستعجلونك بالعذاب ولن يخلف الله وعده وان يوما عند ربك كالف سنة مما تعدون وكاين من قرية امليت لها وهي ظالمة ثم اخذتها والي المصير ۵

این کافران سیر نکنند در زمین [illegible] تا بنگرند [illegible] آثار کسانی که ایشان را هلاک کردیم [illegible] دلهای ایشان کور شده است که در سینه‌ها دارند [illegible] ویستعجلونک بالعذاب [illegible] عذاب [illegible]

[illegible] عذاب [illegible] وعده [illegible] عذاب ایشان را وعده [illegible] خلاف [illegible] روز [illegible] جهنم [illegible] سال [illegible] آسمان و زمین [illegible] خمسین الف سنة [illegible] هزار سال [illegible] هلاک [illegible] عذاب [illegible]

قل يا ايها الناس انما انا لكم نذير مبين فالذين آمنوا وعملوا الصالحات لهم مغفرة ورزق كريم والذين سعوا في آياتنا معاجزين اولئك اصحاب الجحيم وما ارسلنا من قبلك من رسول ولا نبي الا اذا تمنى القى الشيطان في امنيته فينسخ الله ما يلقي الشيطان ثم يحكم الله آياته والله عليم حكيم ليجعل ما يلقي الشيطان فتنة للذين في قلوبهم مرض والقاسية قلوبهم وان الظالمين لفي شقاق بعيد ۵

بگو ای محمد این مردمان را که [illegible] پس آنکسانی که ایشان از خدای [illegible] ایمان آوردند و عمل صالح کردند [illegible] معاجزین [illegible] و ما ارسلنا من قبلک من [illegible] ایشان [illegible] قوم [illegible] افرایتم اللات والعزی ومناة الثالثة الاخری [illegible] تلک الغرانیق العلی منها الشفاعة ترتجی [illegible] قریش [illegible] ولید مغیره و سعید بن عاص [illegible] جبرئیل [illegible] شیطان [illegible] رسول [illegible] عبدالله عباس و سعید جبیر

[illegible]

وليعلم الذين اوتوا العلم انه الحق من ربك فيؤمنوا به فتخبت له قلوبهم وان الله لهاد الذين آمنوا الى صراط مستقيم ولا يزال الذين كفروا في مرية منه حتى تاتيهم الساعة بغتة او ياتيهم عذاب يوم عقيم الملك يومئذ لله يحكم بينهم فالذين آمنوا وعملوا الصالحات في جنات النعيم والذين كفروا وكذبوا باياتنا فاولئك لهم عذاب مهين ۵

[illegible]

والذين هاجروا في سبيل الله ثم قتلوا او ماتوا ليرزقنهم الله رزقا حسنا وان الله لهو خير الرازقين ليدخلنهم مدخلا يرضونه وان الله لعليم حليم ذلك ومن عاقب بمثل ما عوقب به ثم بغي عليه لينصرنه الله ان الله لعفو غفور ذلك بان الله يولج الليل في النهار ويولج النهار في الليل وان الله سميع بصير ذلك بان الله هو الحق وان ما

يدعون من دونه هو الباطل وان الله هو العلي الكبير ۵

[illegible]

الم تر ان الله انزل من السماء ماء فتصبح الارض مخضرة ان الله لطيف خبير له ما في السموات وما في الارض وان الله لهو الغني الحميد الم تر ان الله سخر لكم ما في الارض والفلك تجري في البحر بامره ويمسك السماء ان تقع على الارض الا باذنه ان الله بالناس لرؤف رحيم وهو الذي احياكم ثم يميتكم ثم يحييكم ان الانسان لكفور ۵

[illegible]

لكل امة جعلنا منسكا هم ناسكوه فلا ينازعنك في الامر وادع الى ربك انك لعلى هدى مستقيم وان جادلوك فقل الله اعلم بما تعملون الله يحكم بينكم يوم القيامة فيما كنتم فيه تختلفون الم تعلم ان الله يعلم ما في السماء والارض ان ذلك في كتاب ان ذلك على الله يسير ۵

[illegible]

[illegible]

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُم بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۵

[illegible]

يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَن يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۵

[illegible]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِن قَبْلُ وَفِي هَٰذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۵

[illegible]

سورة المؤمنون

[illegible]

دعا بکرد که هر که این سوره بخواند فرشتگان ویرا بروح و ریحان بشارت دهند روز قیامت [illegible]
گفت هر که این سوره بخواند [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم قد افلح المؤمنون الذين هم في صلوتهم خاشعون والذين هم عن اللغو معرضون والذين هم للزكوة فاعلون والذين هم لفروجهم حافظون الا على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم فانهم غير ملومين فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون والذين هم لاماناتهم وعهدهم راعون والذين هم على صلوتهم يحافظون اولئك هم الوارثون الذين يرثون الفردوس هم فيها خالدون

[illegible]

ولقد خلقنا الانسان من سلالة من طين ثم جعلناه نطفة في قرار مكين ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما فكسونا العظام لحما ثم انشاناه خلقا آخر فتبارك الله احسن الخالقين ثم انكم بعد ذلك لميتون ثم انكم يوم القيمة تبعثون

[illegible]

که وقت انقلاب نطفه لذتی می‌حاصل شود تا حیوان از جهت آن لذت بمباشرت مشغول گردد و نطفه از صلب بر رحم رسد و فرزند در وجود آید و چون نطفه بر رحم رسد [illegible]
چون کوی شود از آن سبب که رحم نطفه منقلبات ورحم بزرگ سراپرده رحم از کودکی در آید از هر جوانب و باقی [illegible] نطفه که [illegible] و در رو [illegible] از
قبول اعانت شکل کروی است و چون منی برحم رسد و سه روز برآید پس ظاهر آن کره غشای طلب پدید آید چنانکه [illegible] بر سنگ [illegible]
[illegible] پدید آید و حکمت درین آنست که چون غشا کرده آن اجزا در آید حرارت غریزی در باطن او بیچ شود و قوی گردد و چون حرارت
غریزی قوی گردد طلب قوة مصوره بدید پس خلق عالم کامل شود و آن اجزار روحانی را بواسطه آن غشا حفظ کامل باشد و چون حرارت غریزی در باطن او
جمع شود بخارات متولد گردد و منفذی جوید پس بر آن منافذ و مجاری دران [illegible] پدید آید بواسطه آن غلظت او تمام شود و آن غشا است که از امشیمه
خوانند و بدانکه چون نطفه در رحم افتد بشکل کره شود یعنی کوی گرد و لیکن اجزای روحانی باشد در میان جمع شود و لیکن اجزای کثیف است گرد و آن در آید درین مقام
مناسبات عجب ظاهر می‌شود و آن آنست که انسان عالم اصغر است و جمله جهان عالم اکبر پس همچنانکه عالم اکبر کره است عالم اصغر کره است
و همچنانکه عالم در خلا نامتناهی معلق است بحفظ خالق عالم اصغر نیز معلق ایستاده است در فضا و رحم بحفظ و حراست خالق عالم و آسمانها معلق را بنا خوانند
وبنینا فوقکم سبعا شدادا و بنا وقتی بود که او را بر قرار کاهی نهند و افلاک در هوا معلق است از آن بنا از بهر آن گفت که در احکام خلقت هم چنان بود که آن
بنا که از وی محکم تر باشد همچنین نطفه اگرچه در فضای رحم ایستاده است لیکن چون حفظ خدای تعالی بواسطه او کامل است لاجرم از آن بکین خواند ثم جعلناه نطفة
فی قرار مکین رسول خدای در آفرینش ادم خبر داد که خمرت طینة ادم بیدی اربعین صباحا اینجا نیز خبر داد که آفرینش فرزند ادم در چهل روز تمام شود
چنانکه فرمود یجمع خلق احدکم فی بطن امه اربعین یوما نطفة ثم یکون علقة مثل ذلک ثم مضغة مثل ذلک ثم یرسل الیه ملکا فینفخ الروح فیوم بارح
کلمات [illegible] رزقه و اجله و عمله و شقی او سعید و این چنان است که در مدت چهل روز اعضا پدید آید و لیکن کار آن احوال آنگاه ظاهر گردد که چهل
بگذرد ثم خلقنا المضغة عظاما پس ما آن پاره گوشت را که چون لسته بود استخوان بر آن آن کردیم که تولد استخوان از نطفه گفت عجب است از آنکه وی در
غایت رطوبت است و استخوان در غایت صلابت و گوشت جسمی است متوسط میان نرمی و سختی پس معقول چنان است که از نطفه اول گوشت پدید آید آنگه
استخوان و نه چنین است زیرا که استخوان اصل خشت و گوشت تبع اوست و بعدا زوی اعضای حیوان بر وفق طبیعت و حاجت نیست بلکه بر وفق
مصلحت است و در آفرینش گوشت حکمتهاست بعضی از آن آنست که منبع حس و قوة و حرکة دماغ باشد از بهر آنکه هرگاه که میان دماغ
و میان عضوی سدی افتد آلتی می‌باید که قوتها در وی بگذرد و بجمله اعضا برسد و آن آلت اعصاب است پس قرار [illegible] از دماغ اعصاب برویند
و اندر جمله استخوانها تن پیوسته کردند تا چون قوة حس و حرکة در آن اعصاب بگذرد تواند که آن استخوانها بجنباند و لیکن عصب سخت باریک بود
و موقوف آن بود که در میانه بگسلد و نیز عصب با استخوان متصل نشد اتصال کامل پس خالق حکیم گوشت را بیافرید و آن اعصاب را با
گوشت بیامیخت و آنرا با استخوان موصول کرد و نیز گوشت بطبع گرم و تراست پس آن گرمی در گوشت باقی باشد پس گوشت که در بدن آدمی
باشد سبب قوة حرارت تن او باشد و آن گوشت در تن او همچنان باشد که مخلوج در جبه و از آن جهت که هر که لاغر باشد سرما گیرد باید و اگر
گوشت نبودی استخوانها بشکستی از بهر آنکه بعضی بزرگتر است و بعضی خردتر همچنانک دو سفال بکدیگر رسد و بر هم می‌ساید شکسته گردد پس انا خلقنا دیگر
کرد ثم انشاناه خلقا آخر بدانکه طبیبان گفته‌اند که هرگاه که خلقت اعضا در مدتی حاصل شود چون مثل آن دو بار مضاعف شود خلقت اعضاء
وی تمام شود و چون ضعف آن مجموع دو بار مضاعف شود جنین از رحم منفصل شود مثلا اگر در سی روز اعضا پدید آید چون شصت روز شود اعضا کامل
گردد و چون صد و بیست روز دیگر بگذرد از رحم منفصل شود مجموع آن صد و هشتاد روز بود و آن شش ماه باشد و این کمترین مدت ایام حملست
و اگر اعضای او در چهل و پنج روز متولد شود در نود روز تمام شود و چون صد و هشتاد روز بگذرد جنین منفصل شود و آن نه ماه بود و بدانکه
اقسام مخلوقات سه قسم است یا همه روحانی باشند یا همه جسمانی باشند یا مرکب باشند از جسمانی و روحانی اما آنکه همه روح محض اند ملائکه اند
همه نورانی اند علوی قدسی و منزه از صفات شهوت و غضب و نقصان و آنکه همه جسمانی اند حیوانات و نباتات و معادن اند و چون
این هر دو قسم در وجود آمد قسم سیم ماند و آن انس و جن اند که مرکب باشند هم از جسمانی و هم از روحانی جسد وی از عالم خلق و روح وی از عالم امر

چنانکه

چنانکه گفت الا له الخلق والامر و او را شش مرتبه داد اول سلاله دوم نطفه سیم علقه چهارم مضغه پنجم عظام ششم لحم و این هر شش خلق جسد جاد[illegible]
اگر مرتبه هفتم فرمود ثم انشاناه خلقا آخر و آن اشارت بروح است آنگه فرمود که فتبارک الله احسن الخالقین بزرگوار است خدای که نیکوترین آفرینندگان
است [illegible] زیرا که ترکیب کردن میان تن و جان کاری عجب است از آنکه روح نورانی است و جسم ظلمانی روح علوی است و جسد سفلی روح لطیف است
و جسد کثیف روح را بحضرت حق باشد و سر و را و بذکر حق باشد و فرح او از حضرت حق و جسد را لذت بمحسوسات باشد [illegible]
پس معلوم شد که جمله احوال روح ضد جمله احوال جسد است پس ترکیب کردن میان جان و تن چنان باشد که محال است چون در وجود آمد دلیل
شد بر کمال حکمة و قدرت و جلال الهیت صانع عالم تعالی و تقدس و قوله احسن الخالقین دلیلست بر بطلان قول آنانکه گفتند لا خالق الا الله بیان
اگر خدای تعالی اثبات کرد که خلقت از غیر او و اگر غیر او خالق روا نبودی جایز بودی که گفتی احسن الخالقین چنانکه روا نیست گفتن احسن الآلهة بیان
آن که کفر است با جماع و دیگر آنکه خلق او را معدوم باشد از عدم بوجود بار آرد تقدیر و آن در افعال [illegible] پس ممتنع باشد که ما را خالق خوانند
الا آنست که سمع منع کرده است از آنکه ما را باطلاق خالق خوانند و روا بود که خالق خوانند با قیدی چنانکه خالق الادیم گویند و چنانکه رب مطلق
نگویند بلکه مقید گویند رب الدار و رب المسجد آورده اند که رسول علیه دبیری داشت عبدالله بن ابی سرح نام او چون این آیه آمد برو وا[illegible] و او می‌نوشت
چون بآخر رسید گفت فتبارک الله احسن الخالقین و بر انگشت بنوشت پس رسول خدای تعالی همچنین فرموده است او با خود اندیشه کرد اگر محمد پیغامبر است که قرآن بر وی وحی
میکنند من نیز پیغامبرم که این در دل من افکندند چنانکه میفرمود املا کرد دانستم و بنوشتم بدین سخن مرتد شد و از مدینه بگریخت و با مکه شد ثم انکم
بعد ذلک لمیتون پس شما بعد از آن که آورده شدید و در مدت حیوة اقید بمیرید پس شما را روز قیامت زنده کنند و بر انگیزند ۞ ولقد خلقنا فوقکم
سبع طرائق وما کنا عن الخلق غافلین وانزلنا من السماء ماء بقدر فاسکناه فی الارض وانا علی ذهاب
به لقادرون فانشانا لکم به جنات من نخیل واعناب لکم فیها فواکه کثیرة ومنها تاکلون وشجرة
تخرج من طور سیناء تنبت بالدهن وصبغ للآکلین ۞ و ما آسمانها بیافریدیم از بالای کسر شما هفت یعنی هفت آسمان
یعنی بر بالای بعضی و عرب هر چیزی را که بر بالای چیزی باشد آنرا طریقه خوانند و گفته‌اند از آن طرایق خوانند آنرا که راه‌های فرشتگان است و ما از خلق آن
غافل نیستیم بلکه بر احوال ایشان مطلع ایم و بر افعال ایشان عالم تا هر یکی را بسزا جزا دهیم و گفته‌اند که معنی آنست که ما غافل نیستیم از حفظ این هفت
آسمان هر یکی را محقق می‌داریم حسن گفت ما غافل نیستیم از آنکه این خلق را بکار می‌اید از باران که سبب معاش است غفلت ذهاب المعنی
عن النفس باشد و هیچ این با تی علم بود وانزلنا من السماء ماء و ما فرو فرستادیم از آسمان این آب را یعنی آب باران چون از آسمان فرو
آوردیم باندازه حاجت بزمین فرو کردیم تا بوقت حاجت از چشمه و کاریز بیرون می‌آید چه این آبهای زمین جمله از آسمانست و ما آنرا در زمین ساکن کردانیم
تا بوقت احتیاج و تدریج از زمین بیرون می‌آید و چنانکه آن آب را از آسمان آوردیم توانیم و قادریم بر آنکه آن آب را ببریم تا این خلقان
همه از تشنگی بمیرند و زمین خراب گردد فانشانا لکم پس بیافریدیم ما برای شما بسبب این آب بوستانها از درخت خرما و انگور شما را در آن بوستانها
میوه‌های بسیار است از هر نوعی و صنفی و تخصیص خرما و انگور بیان آن کرد که میوه اهل حجاز خرما باشد و میوه اهل طائف انگور چیزی که عرب با آن
کار از آن شناختند و دیگر آنکه این دو نوع میوه را ذخیره توان نهاد و خشک توان کرد و از وی دوشاب و غیر آن توان گرفت شاید که تخصیص وی برای
این تفضیل باشد و از آن شناسند و درخت دیگر آفریدیم که از طور سینا بر می‌آید و آن درخت زیتون است و آن کوه را سینا برای آن
خوانند که کوهی مبارک است و معنی سینا برکه باشد مفسر گفت طور سینا کوهی باشد که بر وی درختان بسیار باشد و این آن کوه است که موسی علیه السلام با
خدای بر آن کوه مناجات کرد و آن میان مصر است و ایله مقاتل گفت این کوه را برای آن تخصیص کرد که زیتون که اول این کوهی که زیتون رویانید طور بود
و گفته‌اند که اول این درخت که بر زمین برست زیتون بود تنبت بالدهن می‌رویانید روغن را و نان خورش خورندگان را یعنی زیتون که از و روغن گیرند و با
نان خورند ۞ وان لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم مما فی بطونها ولکم فیها منافع کثیرة ومنها تاکلون
وعلیها وعلی الفلک تحملون ولقد ارسلنا نوحا الی قومه فقال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله

غيره افلا تتقون فقال الملأ الذين كفروا من قومه ما هذا الا بشر مثلكم يريد ان يتفضل عليكم ولو
شاء الله لانزل ملائكة ما سمعنا بهذا في آبائنا الاولين ان هو الا رجل به جنة فتربصوا به حتى حين
قال رب انصرني بما كذبون ۵ بدرستی که شما را در چهارپایان عبرة و پندی است آنرا تامل کنید و در وی اندیشه کنید و نیکو کنید از گاو و
گوسفند و شتر [illegible] می دهیم شما را [illegible] از انچه در شکمهای ایشان است از شیر [illegible] و شما راست درین چهارپایان منفعتها بسیار از نقل اثقال
وانتفاع باصواف واشعار واوبار ایشان واز ایشان میخورید و غذای خود میسازید و علیها و بر ایشان یعنی برین چهارپایان و نیز بر سفینها شما را حمل
میکنند گاه برایشان می نشینید وگاه بارهای گران برایشان می نهید در خشکی با بارها و در سفرها در کشتی می روید درین همه نعمتها که خدای با شما کرد اندیشه
کنید و شکر نعمت بجای ارید و منعم خود را که معبود مطلق است بپرستید ولقد ارسلنا بدرستی که ما فرستادیم نوح را بپیغمبری بقوم او نوح بپیغمبری بقوم
خود رفت و گفت ای قوم من فرستاده خدای یعنی رسول خدایم خدای را بپرستید که شما را جز وی خدای نیست در عبادت با وی انباز مگیرید که اوست
خدای قادر بر احوال شما افلا تتقون ای شما نمی ترسید که با وی در عبادت انباز میگیرید فقال الملأ الذين كفروا گفتند قومی از اشراف و بزرگان
قوم او ما هذا نیست این مرد که نوح است مگر آدمی مانند شما و این از آن گفتند که ایشان را گمان بود که پیغمبر از جنس آدمی نباشد چون نوح دعوی پیغمبری
کرد ایشان را مستبعد امد گفتند او می خواهد که بر شما بزرگی کند و افزونی جوید و اگر خدای خواستی فرو فرستادی فرشتگان را بپیغمبری [illegible]
ایشان است که گفتند که اگر خدای خواستی که پیغمبری فرستد فرشته فرستادی نه آدمی ما سمعنا ما نشنودیم بمثل این در پدران گذشته یعنی ما
نشنیدیم که در میان پدران پیشین ما جنس آدمی امد و دعوی پیغمبری کرد و نیز در میان پیشین ما گفتند که از جمله میان پیغمبری [illegible]
گفتند ان هو نیست این نوح مگر مردی که بوی دیوانگی باشد یعنی او مردی دیوانه است فتربصوا چشم دارید و منتظر باشید او یعنی بهلاکت او
تا زمانی که بهتر شود ازین دیوانگی یا بمیرد نوح علیه السلام چون [illegible] ایشان دعا کرد و گفت یا خدایا مرا یاری ده و نصرت کن و غالب
گردان که مرا تکذیب میکنند و بدروغ می دارند ۰ فاوحينا اليه ان اصنع الفلك باعيننا ووحينا فاذا جاء امرنا وفار
التنور فاسلك فيها من كل زوجين اثنين واهلك الا من سبق عليه القول منهم ولا
تخاطبني في الذين ظلموا انهم مغرقون فاذا استويت انت ومن معك على الفلك فقل الحمد
لله الذي نجانا من القوم الظالمين وقل رب انزلني منزلا مباركا وانت خير المنزلين ان في ذلك
لآيات وان كنا لمبتلين ۵ وحی فرستادیم بنوح که کشتی بساز [illegible] ما و بفرمان و اشارت ما فاذا جاء امرنا
چون فرمان ما در اید و آب از تنور بجوشد [illegible] علامت هلاک ایشان کرده است [illegible] بهلاکت ایشان
[illegible] در میان آب [illegible] و ذلک قوله اغرقوا فادخلوا نارا [illegible]
قوم او در وقت طوفان نوح [illegible] در میان آب و آتش سوختند [illegible] علامت طوفان ظاهر گردد و آن آب
[illegible] فاسلک [illegible] در کشتی [illegible]
[illegible] که کفار [illegible] سابق شده است [illegible] و تو در باب کافران با من خطاب مکن [illegible]
[illegible] فاذا استویت انت چون تو در کشتی [illegible]
[illegible] و غالب گوید و کشتی بر سر آب روان گشت خدای را شکر کنید و حمد و ثنای وی بر زبان رانید [illegible]
از گروه ظالمان و کافران نجات داد [illegible]
[illegible] ان فی ذلک
درین حدیث و قصه که رفت از قصه نوح علیه السلام [illegible]
[illegible] ثم انشأنا من بعدهم قرنا آخرين فارسلنا فيهم رسولا منهم ان

هم

اعبدوا الله ما لكم من اله غيره افلا تتقون وقال الملأ من قومه الذين كفروا وكذبوا بلقاء الآخرة واترفناهم
في الحيوة الدنيا ما هذا الا بشر مثلكم يأكل مما تأكلون منه ويشرب مما تشربون ولئن اطعتم بشرا مثلكم انكم اذا لخاسرون
[illegible] گروهی دیگر را [illegible] میان ایشان پیغمبری را [illegible] گفتند که این قوم عاد بودند و این پیغمبر هود بود [illegible]
[illegible] خدای را بپرستید که شما را جز وی خدای نیست [illegible] قال الملأ اشراف و سالاران او گفتند [illegible]
[illegible] و بدروغ میداشتند [illegible] در زندگانی این دنیا [illegible]
این پیغمبر نیست مگر آدمی همچون شما میخورد [illegible] از طعام و شراب [illegible] باشد
[illegible] طعام و شراب [illegible] و لئن اطعتم [illegible] باشند
[illegible] باشید ايعدكم انكم اذا متم وكنتم ترابا وعظاما انكم مخرجون هيهات هيهات لما توعدون ان هي الا
حياتنا الدنيا نموت ونحيا وما نحن بمبعوثين ان هو الا رجل افترى على الله كذبا وما نحن له بمؤمنين قال
رب انصرني بما كذبون قال عما قليل ليصبحن نادمين ۵ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فاخذتهم الصيحة بالحق فجعلناهم غثاء فبعدا للقوم الظالمين ثم
انشأنا من بعدهم قرونا آخرين ما تسبق من امة اجلها وما يستأخرون ثم ارسلنا رسلنا تترى كلما جاء امة
رسولها كذبوه فاتبعنا بعضهم بعضا وجعلناهم احاديث فبعدا لقوم لا يؤمنون ۵ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ثم ارسلنا موسى واخاه هرون باياتنا وسلطان مبين
الى فرعون وملائه فاستكبروا وكانوا قوما عالين فقالوا انؤمن لبشرين مثلنا وقومهما لنا عابدون فكذبوهما فكانوا
من المهلكين ولقد آتينا موسى الكتاب لعلهم يهتدون وجعلنا ابن مريم وامه آية وآويناهما الى ربوة ذات
قرار ومعين ۵ [illegible]
[illegible]
[illegible] فاستكبروا [illegible]
[illegible] فقالوا [illegible]
[illegible]

که بنی اسرائیل با ایشان و مذهب کار خود کرده بودند فکذبوهما فرعون و قومش موسی و هرون را پس دروغ داشتند سبب آن تکذیب بود که از جمله هلاک شدگان گشتند
یعنی ایشان را هلاک کردیم ولقد آتینا و بدرستی که دادیم ما موسی را الکتاب یعنی توریه را لعلهم یهتدون تا باشد که ایشان هدایت شوند و راه یابند وجعلنا [illegible]
بسر مریم را و مادرش را آیتی و حجتی کردیم [illegible] و آویناهما [illegible]
که عیسی را بی پدر [illegible] و مریم [illegible]
ایشان را آیتی کردیم [illegible] ایشان [illegible]
و مادرش را جای دادیم و [illegible] خداوند قرار و آب روان بود [illegible] سعید مسیب از عبدالله سلام روایت کرد که
[illegible] قتاده و کعب گفتند بیت المقدس است که این زمین با آسمان نزدیکتر است از همه زمینها [illegible]
[illegible] و آب روان [illegible] ساکن [illegible] بر روی زمین برود یا ایها الرسل کلوا من
الطیبات واعملوا صالحا انی بما تعملون علیم وان هذه امتکم امة واحدة وانا ربکم فاتقون فتقطعوا امرهم
بینهم زبرا کل حزب بما لدیهم فرحون فذرهم فی غمرتهم حتی حین ایحسبون انما نمدهم به من مال وبنین نسارع
لهم فی الخیرات بل لا یشعرون ۵ ای [illegible] و پیغمبران [illegible] خطاب [illegible] و بعضی گفتند خطاب با رسول است [illegible]
[illegible] کلوا بخورید از طعامهای پاکیزه و لذیذ بعضی گفتند [illegible] حلال [illegible] و عمل صالح کنید که من عالم [illegible]
وان هذه امتکم و بدرستی که این امت شماست [illegible] یعنی دین شما یکی است [illegible]
[illegible]
[illegible] فتقطعوا پس [illegible] ایشان [illegible]
[illegible]
و توریه [illegible] و انجیل [illegible] ترسایان [illegible] و توریه [illegible] کافر شدند و [illegible] محمد و قرآن کافر شدند [illegible]
و بعضی گفتند [illegible]
[illegible] کل حزب هر گروهی از این گروهان [illegible]
[illegible]
[illegible] فذرهم فی غمرتهم [illegible]
[illegible] ایحسبون [illegible]
[illegible]
[illegible] من خشیة ربهم مشفقون
من خشیة ربهم مشفقون والذین هم بآیات ربهم یؤمنون والذین هم بربهم لا یشرکون والذین یؤتون ما
آتوا وقلوبهم وجلة انهم الی ربهم راجعون اولئک یسارعون فی الخیرات وهم لها سابقون ولا نکلف
نفسا الا وسعها ولدینا کتاب ینطق بالحق وهم لا یظلمون بل قلوبهم فی غمرة من هذا ولهم اعمال من
دون ذلک هم لها عاملون ۵ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] دلایل و معجزات [illegible] پیغمبران [illegible]
[illegible]

[illegible] والذین [illegible] و ایشان [illegible] یعنی [illegible] ایشان [illegible]
[illegible]
[illegible] گفتند [illegible]
[illegible]
[illegible] روزه داشت [illegible] رسول علیه [illegible]
که والذین یؤتون ما آتوا [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] روزه دارند و صدقه دهند [illegible] ایشان قبول نکنند و این قراءت [illegible]
ایشان [illegible] خیرات [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] لا نکلف نفسا [illegible] تکلیف [illegible]
[illegible] ولدینا کتاب [illegible] ینطق بالحق [illegible]
[illegible] فرشتگان [illegible] ظلم نکنند [illegible]
[illegible] بل قلوبهم فی غمرة [illegible]
[illegible]
[illegible] از غیب [illegible]
رفت حتی اذا اخذنا مترفیهم بالعذاب اذا هم یجأرون لا تجأروا الیوم انکم منا لا تنصرون قد کانت آیاتی
تتلی علیکم فکنتم علی اعقابکم تنکصون مستکبرین به سامرا تهجرون افلم یدبروا القول ام جاءهم ما لم
یأت آباءهم الاولین ام لم یعرفوا رسولهم فهم له منکرون ۵ [illegible]
[illegible] اللهم اشدد وطأتک علی
مضر واجعلها علیهم سنین کسنی یوسف [illegible]
[illegible] عبدالله عباس گفت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] افلم یدبروا القول [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ام یقولون به جنة بل جاءهم بالحق واکثرهم للحق کارهون

ولو اتبع الحق اهواءهم لفسدت السموات والارض ومن فیهن بل اتیناهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون ام تسألهم
خرجا فخراج ربک خیر وهو خیر الرازقین وانک لتدعوهم الی صراط مستقیم وان الذین لا یؤمنون بالآخرة
عن الصراط لناکبون ۵ این کافران می‌گویند که با این محمد جنونی و دیوانگی هست و ایشان میدانند که او دیوانه نیست و عاقلترین جهانیان است
ولیکن او حق را آورد که مخالف طبع و هوای ایشان است و دفع آن نمی‌توانند کردن از این سبب بهتان می‌نهند و دیوانه اش میخوانند بل جاءهم بالحق
ذکر ایشان آمد و حق آورد و بیشترین ایشان حق را کاره اند و اگر آن بودی که حق هوای ایشان را متابعت کردی آسمان و زمین و هر چه در آسمان و زمین
است همه فاسد گشتی و تباه شدی یعنی آسمان و زمین و آنچه درمیان است بحق قایم است اگر حق تبع هوای ایشان بودی باطل بودی نظام عالم و قوام
عالم باطل گشتی و خراب شدی و این برای آن گفت که حق داعی حسنات باشد و هوا داعی قبایح و اگر حق متابعت هوا کند لیو داعی حسن بود داعی
قبیح گرد و افساد و اختلاط پدید آید و ادلّه باطل شود و وثوق بصحت استدلال بر مدلول ادله و تهم این نباشند از وعید و وعد بر ضیف بود عدو
وعید و این نباشند از انقلاب حال حکیم و گفته‌اند که مراد بحق اسلام است یعنی اگر اسلام متابعت هوای ایشان کند شرک گیرد و خدای تو عالم را
هلاک کند و قیامت ظاهر گرداند صاحبی گفت مراد بحق توحید است یعنی اگر توحید متن بر مراد و هوای ایشان بودی با من ایشان خدایان بودندی و اگر چنین بودی آسمان
و زمین تباه شدی بیانش قوله لو کان فیهما آلهة الا الله لفسدتا بل اتیناهم بذکرهم که ما ایشان آوردیم ذکر ایشان یعنی کتابی که ذکر ایشان و
شرف ایشان در آنست چنانکه گفت وانه لذکر لک ولقومک و گفته‌اند که با ایشان آوردیم که آرزو آورده اند و آرزومند آن بوده و می‌گفتند لو ان عندنا
ذکرا من الاولین چون آن ذکر با ایشان آوردیم ایشان از آن روی بگردانیدند و قبول نکردند ام تسألهم خرجا یا تو از ایشان خرجی میخواهی یعنی برای
بهای ایشان المکرمه مزدی میطلبی بر قدر خرجی فخراج ربک خیر پس عطای خدای تو بهتر است و نیکوتر و او نیکوترین روزی دهنده کان است ابو العلا
گفت خراج آنچه که برتو واجب بود و خراج آن از مال و خرج آن باشد که تبرع کنی بآن فخراج ربک خیر یعنی ثواب او و روزی او و اجر آن دو
آنجا ثواب بهتر است و نیکوتر از عطای خلق وانک لتدعوهم و تو ایشان را با راه راست دعوت میکنی و میخوانی و آن راه دین اسلام است وان الذین
بقیامت ایمان ندارند از آن صراط که راه حق است و دین اسلام برگردند و دور می‌شوند ۸ ولو رحمناهم وکشفنا ما بهم من ضر للجوا فی
طغیانهم یعمهون ولقد اخذناهم بالعذاب فما استکانوا لربهم وما یتضرعون حتی اذا فتحنا علیهم بابا ذا عذاب
شدید اذا هم فیه مبلسون وهو الذی انشأ لکم السمع والابصار والافئدة قلیلا ما تشکرون وهو الذی ذرأکم
فی الارض والیه تحشرون وهو الذی یحیی ویمیت وله اختلاف اللیل والنهار افلا تعقلون ۵ و اگر ما بر ایشان رحم کنیم
و لیو ایشان از مضرت و بیچارگی و بلا دفع کنیم و آن محنت از روی ایشان باز بریم ایشان لجاج کنند و در ضلالت و طغیان خود سرگشته و متحیر شوند
بمانند و اگر کنند باز دیگر با سر آن شوند چنانکه گفت ولو ردوا لعادوا لما نهوا عنه ولقد اخذناهم و ما بگرفتیم ایشان را بعذاب ایشان خاشع نشدند
و فروتنی نکردند و از برای خدای خود تضرع و بیچارگی ننمودند و گفته‌اند که چون ثمامة بن اثال الحنفی اسلام آورد و بیمامه رفت نگذاشت که از یمامه طعام
بمکه آورند و خدای تعالی اهل مکه را بقحط مبتلا گردانید تا چنان شدند که استخوانها و مردگان بخوردند ابو سفیان نزدیک رسول آمد و گفت سوگند میدهم ترا بخدای
و حرمت خویشی نه تو دعوی میکنی که تو رحمت عالمیانی فرستاده اند گفت بلی گفت پدرانرا بشمشیر هلاک کردی و پسران را بگرسنگی چرا
بخواهی و در رحمت خداوند که اگر ما بر ایشان رحمت کنیم و این رنج قحط از ایشان باز داریم ایشان بار دیگر با سر استکبار و کفر گشتی روند
یعنی که چون ما ایشان را بعذاب شدید بگرفتیم در روز بدر و از ایشان هیچ استکانت و خشوع پدید نیامد و آنکه بودند هیچ بهتر نگشتند
حتی اذا فتحنا تا آنگه که بگشودیم بر ایشان دری از درهای عذاب سخت و آن قحط و گرسنگی است که سخت تر از کشتن و اسیر کردن است ایشان نا امید شدند
و آن عذاب آنگاه ایشان را تقریع و توبیخ و ملامت کرد و نعمتها یاد کرد بر ایشان داده و گفت اوست آن خدای که بیافرید شما را گوشها و چشمها و دلها که آن
شنیدن و دیدن و دانستن است شما اندک گزارید شکر خدای را و قلیلا ما تشکرون شما خدای را اوست آنکه بیافرید شما را در
زمین و بپراکند بتناسل و توالد و حشر شما با او باشد

ولنا

تواند چنانکه گفت یا عزیز بمیراند و چنانکه ببراند واو راست اختلاف روز و شب و آمد و شد و زیادت و نقصان ایشان افلا تعقلون
آیا در نمی یابید و نمی‌دانید و عقل را کار نمی فرمایید بل قالوا مثل ما قال الاولون قالوا ءاذا متنا وکنا ترابا و
عظاما ءانا لمبعوثون لقد وعدنا نحن وآباؤنا هذا من قبل ان هذا الا اساطیر الاولین قل لمن الارض ومن
فیها ان کنتم تعلمون سیقولون لله قل افلا تذکرون قل من رب السموات السبع ورب العرش العظیم سیقولون
لله قل افلا تتقون ۵ کافران همان گفتند که مانند ایشان پیشینیان گفتند قالوا گفتند چون ما بمیریم و خاک و استخوان شویم و گوشت از ما بپوسد و استخوانها خاک
گردد و ریزیده شود ما را باز انگیزند این آن گفتند که اندیشه نکردند که خدای تو قادرست بر اختراع اجسام ابتدا اذ حیرانی قادر باشد بر اعادت آن که
اعادت از روی قیاس آسانتر بود از ابتدا اگر گفتند لقد وعدنا این ما را وعده کردند و پدران ما را پیش از این هم وعده بعث و نشور کردند انکرون و اقف
نشدند بحقیقت آن گفتند که جز این الا افسانه پیشینگان یعنی این وعده بعث و نشور افسانه است بگوی ای محمد ایشان را بر سبیل احتجاج و تبکیت
که این زمین کراست با هر چه در وی است اگر شما میدانید بهرحال گویند خدای را و نتوانند این را منکر شوند عند آن حال بجواب ایشان بگوی که خدا راست
پس شما اندیشه نکنید که آنکس که قادر باشد که زمین با هرچه در وی است بیافریند قادر باشد که احیاء موتی کند و اعادهٔ مردگان پس از آنکه خاک
شده باشند قل من رب السموات السبع بگو کیست خداوند آسمانهای هفت و خداوند عرش عظیم تا ایشان جواب دهند و بگویند خدای راست که نام او
الله است قل افلا تتقون بگوی ای شما نمی ترسید که با چندین دلایل اخلاص شرک ورزید قل من بیده ملکوت کل شیء وهو
یجیر ولا یجار علیه ان کنتم تعلمون سیقولون لله قل فانی تسحرون بل اتیناهم بالحق وانهم لکاذبون
ما اتخذ الله من ولد وما کان معه من اله اذا لذهب کل اله بما خلق ولعلا بعضهم علی بعض سبحان الله عما
یصفون عالم الغیب والشهادة فتعالی عما یشرکون ۵ بگوی ای محمد که کیست آنکه ملک و ملکوت هر چه هست بدست وی است
او حمایت کند و زینهار دهد و کس را زحمایت نماند بگویند خدای است تو بگو ایشان را پس شما چگونه از وی بی فرمانید و بی
گردانید شما را از توحید خدای بل اتیناهم بالحق آوردیم بایشان ولیکن گفتیم که شرک و نسبت فرزند با او محالست و ایشان دروغ میگویند با آن دعوی
که میکنند که خدا را شریکست و انباز و فرزند ما اتخذ الله من ولد خدای هیچ فرزند نگرفت و لیو مشرکان گفتند که فرشتگان دختران خدای اند و جهودان
عزیر را و ترسایان عیسی را پسر خدا گفتند دروغ گفتند و ما کان معه و نبوده و نباشد با او هیچ خدای که اگر بودی بعضی بر بعضی ترفع و علو جستی و هر یکی از
ایشان خود مستقلی که او به دیگر با شد و هر یکی از ایشان لیو آفریدن بعضی و با فرمان خود منفرد گشتی و ملکت و هر از دیگری ممتاز شدی و چون آثار
این چنین است و ملک هر یکی از ایشان ممتاز ظاهر نیست معلوم شد که خدای یکی است و او منزه است از آنکه ورا شریکی و فرزندی باشد پاکست
از آنچه ایشان صفت میکنند عالم الغیب والشهادة داننده پیدا و نهان است آشکارا و نهان بر وی یکسانست پس او خدای که صفت
وی اینست متعالی و بزرگوارست از آنچه بوی شرک آرند قل رب اما ترینی ما یوعدون رب فلا تجعلنی فی القوم الظالمین
وانا علی ان نریک ما نعدهم لقادرون ادفع بالتی هی احسن السیئة نحن اعلم بما یصفون وقل رب
اعوذ بک من همزات الشیاطین واعوذ بک رب ان یحضرون حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون
لعلی اعمل صالحا فیما ترکت کلا انها کلمة هو قائلها ومن ورائهم برزخ الی یوم یبعثون ۵ بگوی ای محمد
بار خدایا اگر بمن نمایی ایشان را بدان هم که وعده از عذاب ایشان که ظالم اند مرا در آن عذاب با ایشان قرین مکن و این بر سبیل خشوع
و انقطاع فرمود این آیه لیو داند که خدای نخواهد کردن لا محاله بر سبیل خشوع و خضوع و تعبد
چه اگر رسول این دعا نکردی و اگر نه خدای او را در جمله کافران عذاب نکردی که این ظالم کند با جاهل و انا علی ان نریک و ما قادریم و توانا بر آنکه تو را
عذاب و هلاکت با تو نماییم یعنی قبل تا تو ببینی حسن بصری گفت خدای رسول را کرامت او را عذاب کند و
کرد و بعد با بعد از وفات وی کرد در حال حیوة تو باشد تو در میان ایشان نباشی عبدالله عباس و جابر بن عبدالله الانصاری

روایة کرده‌اند که رسول علیه السلم در حجة الوداع گفت واو بر منی بود لا ترجعوا بعدی کفارا یضرب بعضکم رقاب بعض گفت پس از من کافر مشوید که گردن یکدیگر زنید خدای که اگر کافر

شوید و گردن یکدیگر زنید شما بینید مرا در میان لشکری با شمشیر می زنند روی شما ... پس گفت وی بشتاب و برا عزم کرده باز پس نگاه کرد و گفت یا علی

پس این آیات فرود آمد ادفع بالتی هی احسن دفع کن بدی را از خود و باز دار بخصلتی که آن نیکوتر باشد و بهترین آن اعراض کردنست از آن که کنند و گویند

و مقابله کردن با احسان و نکو کردن و چون این سخن ملکی گویند تو در برابر آن کوی و موعظه کن و بنده ده ایشانرا تا ازان باز می کنند و می گویند برو حلیف باز گوید

اگر بر سبیل بلند بدو وعید گفت ما عالم تریم بانچه ایشان می گویند و صفت می کنند از احوال تو که بر خلاف آنست ما بر حق ایشان بر سیم و جزای ایشان بر زا

در کنار ایشان نهیم اگر رسول را فرمود که بگو که من پناه با تو می دهم ای خدای از نزغات شیاطین و وسوسهای ایشان تو هم و غیره و در حوادث یکی اند

الاانست که همز نخزات و غمز اسانز و زعیز ازهر دو کنتر و اعوذ بک و پناه با تو می دهم از آنکه شیاطین بنزدیک من حاضر آیند و مرا وسوسه کنند و از حق مشغول کنند عبداللّه

عباس گفت این در وقت خواندن قرآن و نماز و در همه احوال بر سبیل عموم او لیزات حتی اذا جاء احدهم الموت ایشان چنین کافر و عاصی و مفسد باشند در کار

آخرت که چون ناگاه مرگ ایشان آید در آن حال تمنای رجوع و بازگشتن کنند گفت چون آید یکی از ایشان مرگ در آن وقت گوید خداوندا مرا بازگردانید و با

دنیا فرستید و مهلت دهید تا تلافی تقصیری که کرده ام بکنم در نماز و زکوة و ذکر واجبات لعلی اعمل صالحا تا باشد که من کار نیکو کنم در آنچه گذاشته ام

از مال و وقت گذاشته ام از طاعات و خیرات کلا ردع است و زجر و بطلان تمنا که کند و از رد که خواید و انکار و استبعادات انها کلمة هو قائلها یعنی گواینده

بازایست که این هرگز نباشد و این که می گوید سخنیست که بر زبان می راند و از آن هیچ حقیقتی نیست که اگر و را بازگردانند بازهمان کند که کرده است و این خود

هرگز نباشد که از پیش ایشان حاجزی و برزخی است تا بروزی که ایشانرا باعث کنند و برانگیزند یعنی روز قیامت عبداللّه عباس گفت برزخ حجابی

است مجاهد گفت اجل است قتاده گفت بقیه دنیاست و آن مدتی که از میان مرگ و بعث باشد از رسول علیه السلم روایة کنند که چون مومن در وقت مرگ ان

فرشتگان را ببیند او را گویند بر طریق امتحان میخواهی تا ترا بگذاریم تا با دنیا روی گوید نه که دنیا سرای رنج و محنت است خواهم که پیش خدای روم و اما چون

محنت باز رسیم اما چون کافر فرشتگان را ببیند گوید رب ارجعون خداوندا مرا بازگردانید و این خطاب فرشتگان راست یا بر روایت که گفته شد و گفتند که

خطاب با خدای است جل جلاله و لفظ جمع برای تعظیم است فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم یومئذ و لا یتساءلون فمن ثقلت موازینه

فاولئك هم المفلحون ومن خفت موازینه فاولئك الذين خسروا انفسهم في جهنم خالدون تلفح وجوههم النار

وهم فيها كالحون الم تكن آياتي تتلى عليكم فكنتم بها تكذبون ۵ چون در صور دمند انجا هیچ نسبی نباشد در میان ایشان که بدان تفاخر

سود کنند و از نسبتها نپرسند که نسب تو چیست پرسند که عمل تو چیست و چه کردی روز قیامت حسب فی نیارند و از حال یکدیگر نپرسند از آنکه

میان ایشان تفرقه کرده باشند فرزند را از پدر و پدر را از فرزند جدا کرده باشند و هر یکی بخود و بکردار خود مشغول باشند تا از عهده آن بیرون نیایند

با دیگری نپردازند که از حال وی پرسند عبداللّه عباس گفت این در نفخه اول باشد که یکدیگر را نپرسند اما در نفخه دوم پرسند و هم از وی روایتست

که روز قیامت را احوال مختلف باشد در بعضی احوال یکدیگر را نشناسند و از یکدیگر حالها پرسند و در بعضی احوال از شدت و صعوبت احوال از احوال هم

و از سوال مشغول شوند زاذان گفت نقد بکر عبداللّه مسعود شدم جمعی تونگران پیش وی بودند با جامهای فاخر و بعدها بیعتی من تو نشستم

زدیکی روم را تکلیف نکردند من گفتم ای عبداللّه مسعود این برای آنست که من مردی عجمی ام مرا دور کردی و اینهارا نزدیک خود کردی گفت بنشین

ای مرد نزدیک خود بنشانم جنانکه میان من و او کسی نبود آنگه گفت چون روز قیامت باشد خدای تعالی منادی بفرماید تا دست بنده و برستار بگیرند و بخلایق

نماید بر سبیل مخاطبه کر این فلانست پسر فلان هر کس را که بر وی از مظالم است کو بیا و مطالبه کن اصحاب حقوق شادمان شوند از آنکه باید در شوم

او پدر و برادر بر برادر و پسر بر فرزند آنکه بر خواند فلا انساب بینهم یومئذ و لا یتساءلون خدای تعالی گوید حق ایشان بده گوید بار خدایا از کجا دهم دنیا

رفت و ملک دنیا فانی شد و مرا چیزی نیست گوید از ثواب اعمال او بگیرید و با صاحب حقوق دهید بمقدار حق ایشان تا خشنود شوند لیکن او را

باشد بمدعیان دهند اگر او را بنقال حبه از خود حسنه بماند آنرا مضاعف گردانند و آن او را بهشت برند آنگه برخواند ان اللّه لا یظلم مثقال

ذرة و ان تک حسنة یضاعفها و اگر بنده شقی باشد فرشتگان گویند بار خدایا او را هیچ حسنت نماند او را بمقدار آنکه در بار عصیان ایشان افکند گوید

کناهان ایشان بگیرید و بر وی نهید و او را بگناه او و گناهان ایشان بدوزخ برید این قول اصحاب حسنات و مذهب اصحاب اخبار و مذهب محققان است که

هر کس بکس ندهند و گناه کسی بکسی نگیرند لقوله و ان لیس للانسان الا ما سعی و لا تزر وازرة وزر اخری اما اصحاب مظالم که مردم را

بر ایشان حقوقها باشد خدای تعالی آن اعواض این ظالم ایشانرا خشنود گرداند و اگر خدای داند که اعواض ظالم بآن وفا نکند و ظالم را تمکین نکند از ظلم کردن و این

قول مرتضی است که او گفت خدای هیچ ظالم را تمکین نکند از ظلم الا که او را چندانی عوض باشد که مستحق گرداند حال انتصاف و آن که در میان ظالم و مظلوم

فمن ثقلت موازینه پس هر که ترازوی حسنات او گران بود یعنی حسنات او بسیار بود چنانکه اگر ترازوی عمل او در یکی نهند و اگر در ترازو نهند ترازو

بدان گران شود ایشان ظفر یافتگان و رستگاران باشند و هر کس که بر عکس این بود یعنی ترازوی حسنات او سبک باشد پس ایشان آنانند که نفس

خود را زیان کرده باشند یعنی نقصان نفس خود کرده باشند از ثواب و در دوزخ جاویدان باشند تلفح وجوههم النار یعنی دوزخ روی‌های ایشانرا

می سوزد و ایشان در آنجا ترش رویان باشند عبداللّه مسعود گفت کلوح چه باشد گفت آنکه لبهای او بهم باز شود چنانکه دندانها پیدا شود

چنانکه سر گوسفند بریان که دندانها پیدا شده باشد ابو سعید خدری از رسول علیه السلم روایة کرده است که گفت چون آتش بوی رسد لب زیرین

او برآماسد چندانی که بمیان سرش رسد و لب زبرین چندانی فرو آید که بناف رسد الم تکن آیاتی تتلی علیکم یعنی حال دوزخیان را گویند آیا نه آیات من

شما را بر شما میخواندند و شما تکذیب آن می کردید و بدروغ میداشتید قالوا ربنا غلبت علينا شقوتنا وكنا قوما ضالين ربنا

اخرجنا منها فان عدنا فانا ظالمون قال اخسؤوا فيها ولا تكلمون انه كان فريق من عبادي يقولون ربنا

آمنا فاغفر لنا وارحمنا وانت خير الراحمين فاتخذتموهم سخريا حتى انسوكم ذكري وكنتم منهم تضحكون ۵

ایشان در جواب گویند بار خدایا بایست تو بالله اما شقاوت و بدبختی ما بر ما غلبه کرد شقاوت مضرتی بود که بعاقبت برسد و سعادت منفعتی بود که بعاقبت

برسد و عبر از شقاوت بلای آن خواهد که عاقبت دوزخ و عذاب باشد و کنا قوما و ما مردمانی گمراه بودیم از راه بگشته و حق را بگوش نهاده الحمد و ما

کنند و نمای حال گیرند گویند بار خدایا ما را ازین دوزخ بیرون آر و با دنیا بر که اگر تو ما را با دنیا بری ما بازگردیم و بار دیگر راه معصیت رویم و ما کرده ستم

کاران بودیم و باشیم گویند اگر ایشانرا با دنیا ارند بار معصیت شوند برای آنکه شهوت غالب شد و مهلت در پیش و ملجا نباشد از اینجاگفت و لو ردوا

لعادوا لما نهوا عنه حسن بصری گفت آخر کلام دوزخیان باشد دیگر از پس این تکلیف کنند ایشانرا در کن گفتن بلکه گویند اخسؤوا فیها دور شوید در دوزخ و دور

باشید چنانکه سگان دور باشند و با من سخن مگوید درین باب که هیچ نخواهد بود و عذاب از شما دفع نخواهد شد آنکه ان بلد بستی

که او را شانست که گروهی از بندگان در دار دنیا میگویند در وقت دعا و تضرع ای خدای ما ما ایمان آوردیم و تصدیق کردیم ما را بیامرز و بر ما رحمت کن و

تو بهترین رحمت کنندگانی فاتخذتموهم و پس شما که کافرید ایشانرا بافسوس گرفتید و بر ایشان استهزا کردید بدان سبب که بحرب و استهزا ایشان

مشغول شدید و کنتم منهم و شما از ایشان و از حال و کار ایشان میخندید و در دعا و تضرع ایشان استهزا میکردید انی جزيتهم اليوم بما

صبروا انهم هم الفائزون قال كم لبثتم في الارض عدد سنين قالوا لبثنا يوما او بعض يوم فاسئل العادين قال

ان لبثتم الا قليلا لو انكم كنتم تعلمون افحسبتم انما خلقناكم عبثا وانكم الينا لا ترجعون فتعالى الله الملك الحق لا اله

الا هو رب العرش الكريم ومن يدع مع الله الها آخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا يفلح الكافرون

وقل رب اغفر وارحم وانت خير الراحمين ۵ من جزا دادم امروز ایشانرا بصبری که ایشان کردند در دنیا و گفت که ایشان هم ایشانند

که رستگار شدند از دوزخ و ظفر یافتند به بهشت قال کم لبثتم سوال کنند از ایشان که شمار زمین چند گاه درنگ کردید جواب گویند که روزی یا بعضی از روز

از شمار کنندگان بپرس و این برای آن گویند که خدای تعالی از یاد ایشان برده که چند گاه در دنیا بوده‌اند از شدت و سختی عذاب و نیز باشد که فراموش کنند

و شاید که برای استقلال و استحقار را گویند که بس تمام چند ما را در دنیا جنبیت با ما الابتهاج و گفتند که مراد مقام ایشانست در گور ایشانرا سوال کنند

که چند گاه است که شما در گور بودید ایشان از یادکردن بوجود ندانند گویند روزی یا بعضی از روزی این جمعی از شمار کنندگان بپرس فرشتگان

که ایشان در شمار اعمار بندگان دانند قال ان لبثتم خدای گوید ایشانرا که شما مقام نکردید مگر اندکی اگر میدانید و این تصدیق است که خدای ایشانرا کرد در قلت

وانکه [illegible] ایشان در دنیا [illegible] باخلود ایشان در آتش دوزخ و توبیخ است ایشان را [illegible] که ایشان [illegible] جباران بودند [illegible]
شما را عبث آفریدیم [illegible] و آنکه شما را بازگشت با ما نخواهد بودن اوزاعی گفت شنیدم [illegible] الآیت [illegible]
[illegible] خلقا [illegible] بدانستندی که ایشان را [illegible] کار آفریده [illegible] ایشان [illegible] گفتند که خدای [illegible]
خلقان را [illegible] رحمت [illegible] ایشان آفرید [illegible] و غرض [illegible] مکلفات [illegible] تا [illegible] شوند [illegible]
[illegible] مستحق ثواب شوند از صادق [illegible] رسیدند که خدای [illegible] خلقان را چرا آفرید گفت [illegible]
[illegible] ان الله خلق الخلایق [illegible] لم یکلفهم [illegible]
[illegible] وارسل الیهم الرسل لیفصلوا بین الحق والباطل [illegible] الجنة [illegible] النار [illegible]
[illegible] ایشان را [illegible] مستحق [illegible] ایشان را [illegible] پیغمبران [illegible] ایشان [illegible]
[illegible] تمیز کنند میان حق و باطل و هر که احسان کند او را مکافات کنند [illegible] و هر که بدی و عصیان کند او را مکافات کند [illegible]
[illegible] وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون [illegible] مکلفان است [illegible] عبادت که ایشان [illegible]
[illegible] ایشان را [illegible] الا از آن طریق [illegible] خدای [illegible] مکلفان [illegible] در بهشت
[illegible] استحقاق [illegible] تعظیم و تبجیل [illegible] مستحق را تعظیم کردن [illegible] تکلیف [illegible]
[illegible] رساند [illegible] گفت [illegible]
[illegible] و بلند [illegible] خدای [illegible] و پادشاهی [illegible] خداوند [illegible]
[illegible] خدای [illegible] باشد [illegible] و فلاح و ظفر [illegible]
[illegible] فلاح و ظفر نیابند و هر که [illegible] بیرون [illegible]
[illegible] آورده اند که عبدالله مسعود روزی [illegible] این آیة [illegible]
[illegible] رسول [illegible] گفت [illegible] این آیتها [illegible] سوره [illegible] رسول [illegible]
[illegible] این آیة [illegible] سورة النور مدنی است و شصت و چهار آیت [illegible] ابی بن کعب روایة کرد که پیغمبر
صلی الله علیه و آله گفت هر که او سوره نور بخواند خدای تعالی او را [illegible] مؤمنی [illegible] هشام بن عروه از عایشه
روایة کرد که رسول علیه گفت زنان را [illegible] و سورة النور [illegible] غفور والله اعلم

بسم الله الرحمن الرحیم سورة انزلناها وفرضناها وانزلنا فیها
آیات بینات لعلکم تذکرون الزانیة والزانی فاجلدوا کل واحد منهما مائة جلدة ولا تأخذکم بهما رأفة
فی دین الله ان کنتم تؤمنون بالله والیوم الآخر ولیشهد عذابهما طائفة من المؤمنین ۵ این سوره ایست که ما [illegible]
[illegible] حلال و حرام و شرایع و احکام [illegible]
[illegible] حلال و حرام [illegible] احکام است [illegible] و انزلنا فیها [illegible]
روشن و دلالات [illegible] الزانیة والزانی [illegible] زن زنا کننده و مرد زنا کننده را بزنید هر یکی از ایشان را
صد تازیانه [illegible] هر کس که [illegible] حرام [illegible]
[illegible] بالغ و عاقل [illegible] زنا [illegible] چهار بار و گواهی چهار [illegible] مسلمان عدل و آزاد [illegible]
[illegible] گواهی دهند [illegible] و اگر [illegible] گواهی دهند گواهی ایشان [illegible]
[illegible] تازیانه [illegible] و گواهی زنان [illegible] رجم [illegible] محصن باشند [illegible]

دو هزار [illegible] و بکر [illegible] زن [illegible] باید زدن [illegible] امیرالمؤمنین علیه السلام روز [illegible]
[illegible] گواهی دادند [illegible] رجم کردند [illegible]
[illegible] حکم مختلف [illegible] احوال مختلف است [illegible] رجم [illegible] محصن [illegible]
[illegible] محصن [illegible] رجم [illegible]
[illegible] و لا تأخذکم بهما رأفة فی دین الله [illegible]
[illegible] ایشان در دین خدای [illegible] رحمت [illegible] عبدالله عمر را
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ان کنتم تؤمنون بالله والیوم الآخر [illegible]
[illegible]
[illegible] ایشان [illegible] عبدالله عباس [illegible] شافعی گفت
[illegible]
[illegible] ولیشهد عذابهما طائفة من المؤمنین ابو هریره گفت اقامة حد [illegible]
[illegible] رسول علیه گفت یا معشر الناس اتقوا الزنا فان فیه ست
خصال ثلاث فی الدنیا وثلاث فی الآخرة [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول علیه [illegible] زانی و زانیه [illegible]
[illegible] الزانی لا ینکح الا زانیة او مشرکة والزانیة لا ینکحها الا زان او مشرک
وحرم ذلک علی المؤمنین والذین یرمون المحصنات ثم لم یأتوا باربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین جلدة
ولا تقبلوا لهم شهادة ابدا واولئک هم الفاسقون الا الذین تابوا من بعد ذلک واصلحوا فان الله غفور
رحیم ۵ [illegible] سبب نزول این آیة [illegible] مهاجران [illegible] زنان [illegible]
[illegible] رسول [illegible]
این آیة [illegible] زنا کننده [illegible] زنان صالحه [illegible]
[illegible] زنا کننده [illegible] زنا و [illegible] شرک [illegible]
[illegible] زنا کننده [illegible] زنان صالحه [illegible]
[illegible] زنا کننده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

والذين يرمون ازواجهم ولم يكن لهم شهداء الا انفسهم فشهادة احدهم اربع شهادات بالله انه لمن الصادقين والخامسة ان لعنة الله عليه ان كان من الكاذبين ويدرؤا عنها العذاب ان تشهد اربع شهادات بالله انه لمن الكاذبين والخامسة ان غضب الله عليها ان كان من الصادقين ولولا فضل الله عليكم ورحمته وان الله تواب حكيم

[illegible]

[illegible]

ان الذين يحبون ان تشيع الفاحشة في الذين آمنوا لهم عذاب اليم في الدنيا والآخرة والله يعلم وانتم لا تعلمون ولولا فضل الله عليكم ورحمته وان الله رؤف رحيم يا ايها الذين آمنوا لا تتبعوا خطوات الشيطان ومن يتبع خطوات الشيطان فانه يأمر بالفحشاء والمنكر ولولا فضل الله عليكم ورحمته ما زكى منكم من احد ابدا ولكن الله يزكي من يشاء والله سميع عليم

[illegible]

ولا يأتل اولوا الفضل منكم والسعة ان يؤتوا اولي القربى والمساكين والمهاجرين في سبيل الله وليعفوا وليصفحوا الا تحبون ان يغفر الله لكم والله غفور رحيم ان الذين يرمون المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا في الدنيا والآخرة ولهم عذاب عظيم يوم تشهد عليهم السنتهم وايديهم وارجلهم بما كانوا يعملون

[illegible]

يومئذ يوفيهم الله دينهم الحق ويعلمون ان الله هو الحق المبين الخبيثات للخبيثين والخبيثون للخبيثات والطيبات للطيبين والطيبون للطيبات اولئك مبرؤن مما يقولون لهم مغفرة ورزق كريم يا ايها الذين آمنوا لا تدخلوا بيوتا غير بيوتكم حتى تستأنسوا وتسلموا على اهلها ذلكم خير لكم لعلكم تذكرون

[illegible]

فان لم تجدوا فيها احدا فلا تدخلوها حتى يؤذن لكم وان قيل لكم ارجعوا فارجعوا هو ازكى لكم والله بما تعملون عليم ليس عليكم جناح ان تدخلوا بيوتا غير مسكونة فيها متاع لكم والله يعلم ما تبدون وما تكتمون

[illegible]

قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم ويحفظوا فروجهم ذلك ازكى لهم ان الله خبير بما يصنعون وقل للمؤمنات يغضضن من ابصارهن

[illegible]

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَكُمْ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُبِينٌ لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ

[illegible]

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

[illegible]

ويحفظن فروجهن ولا يبدين زينتهن الا لبعولتهن او آبائهن او آباء بعولتهن او ابنائهن او ابناء بعولتهن او اخوانهن او بني اخوانهن او بني اخواتهن او نسائهن او ما ملكت ايمانهن او التابعين غير اولي الاربة من الرجال او الطفل الذين لم يظهروا على عورات النساء ولا يضربن بارجلهن ليعلم ما يخفين من زينتهن وتوبوا الى الله جميعا ايها المؤمنون لعلكم تفلحون

[illegible]

امر

[illegible]

وانكحوا الايامى منكم والصالحين من عبادكم وامائكم ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله والله واسع عليم وليستعفف الذين لا يجدون نكاحا يغنيهم الله من فضله والذين يبتغون الكتاب مما ملكت ايمانكم فكاتبوهم ان علمتم فيهم خيرا وآتوهم من مال الله الذي آتيكم ولا تكرهوا فتياتكم على البغاء ان اردن تحصنا لتبتغوا عرض الحيوة الدنيا ومن يكرههن فان الله من بعد اكراههن غفور رحيم

[illegible]

الزنی بالنکاح [illegible]

ولو

دیگر [illegible]

ولقد انزلنا اليكم آيات مبينات ومثلا من الذين خلوا من قبلكم وموعظة للمتقين الله نور السموات والارض مثل نوره كمشكوة فيها مصباح المصباح في زجاجة الزجاجة كانها كوكب دري توقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية ولا غربية يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار نور على نور يهدي الله لنوره من يشاء ويضرب الله الامثال للناس والله بكل شيء عليم

[illegible]

فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ أَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمِ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ

وليبدلنهم من بعد خوفهم امنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا ومن كفر بعد ذلك فاولئك هم الفاسقون ۝

[illegible]

واقيموا الصلوة واتوا الزكوة واطيعوا الرسول لعلكم ترحمون لا تحسبن الذين كفروا معجزين في الارض وماويهم النار ولبئس المصير يا ايها الذين امنوا ليستاذنكم الذين ملكت ايمانكم والذين لم يبلغوا الحلم منكم ثلث مرات من قبل صلوة الفجر وحين تضعون ثيابكم من الظهيرة ومن بعد صلوة العشاء ثلث عورات لكم ليس عليكم ولا عليهم جناح بعدهن طوافون عليكم بعضكم على بعض كذلك يبين الله لكم الايات والله عليم حكيم ۝

[illegible]

واذا بلغ الاطفال منكم الحلم فليستاذنوا كما استاذن الذين من قبلهم كذلك يبين الله لكم اياته والله عليم حكيم والقواعد من النساء اللاتي لا يرجون نكاحا فليس عليهن جناح ان يضعن ثيابهن غير متبرجات بزينة وان يستعففن خير لهن والله سميع عليم ۝

[illegible]

ليس على الاعمى حرج ولا على الاعرج حرج ولا على المريض حرج ولا على انفسكم ان تاكلوا من بيوتكم او بيوت ابائكم او بيوت امهاتكم او بيوت اخوانكم او بيوت اخواتكم او بيوت اعمامكم او بيوت عماتكم او بيوت اخوالكم او بيوت خالاتكم او ما ملكتم مفاتحه او صديقكم ليس عليكم جناح ان تاكلوا جميعا او اشتاتا فاذا دخلتم بيوتا فسلموا على انفسكم تحية من عند الله مباركة طيبة كذلك يبين الله لكم الايات لعلكم تعقلون ۝

[illegible]

انما المؤمنون الذين امنوا بالله ورسوله واذا كانوا معه على امر جامع لم يذهبوا حتى يستاذنوه ان الذين يستاذنونك اولئك الذين يؤمنون بالله ورسوله فاذا استاذنوك لبعض شانهم فاذن لمن شئت منهم واستغفر لهم الله ان الله غفور رحيم ۝

[illegible]

لا تجعلوا دعاء الرسول بينكم كدعاء بعضكم بعضا قد يعلم الله الذين يتسللون منكم لواذا فليحذر الذين يخالفون عن امره ان تصيبهم فتنة او يصيبهم عذاب اليم الا ان لله ما في السموات والارض قد يعلم ما انتم عليه ويوم يرجعون اليه فينبئهم بما عملوا والله بكل شيء عليم ۝

[illegible]

سورة الفرقان

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم تبارك الذي نزل الفرقان على عبده ليكون للعالمين نذيرا الذي له ملك السموات والارض ولم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك وخلق كل شيء فقدره تقديرا واتخذوا من دونه الهة لا يخلقون شيئا وهم يخلقون ولا يملكون لانفسهم ضرا ولا نفعا ولا يملكون موتا ولا حيوة ولا نشورا

[illegible]

[illegible]

الذين كفروا ان هذا الا افك افتريه واعانه عليه قوم اخرون فقد جاءو ظلما وزورا وقالوا اساطير الاولين اكتتبها فهي تملى عليه بكرة واصيلا قل انزله الذي يعلم السر في السموات والارض انه كان غفورا رحيما وقالوا مال هذا الرسول ياكل الطعام ويمشي في الاسواق لولا انزل اليه ملك فيكون معه نذيرا او يلقى اليه كنز او تكون له جنة ياكل منها وقال الظالمون ان تتبعون الا رجلا مسحورا انظر كيف ضربوا لك الامثال فضلوا فلا يستطيعون سبيلا

[illegible]

تبارك الذي ان شاء جعل لك خيرا من ذلك جنات تجري من تحتها الانهار ويجعل لك قصورا بل كذبوا بالساعة واعتدنا لمن كذب بالساعة سعيرا اذا رأتهم من مكان بعيد سمعوا لها تغيظا وزفيرا واذا القوا منها مكانا ضيقا مقرنين دعوا هنالك ثبورا لا تدعوا اليوم ثبورا واحدا وادعوا ثبورا كثيرا قل اذلك خير ام جنة الخلد التي وعد المتقون كانت لهم جزاء ومصيرا لهم فيها ما يشاءون خالدين كان على ربك وعدا مسئولا

[illegible]

ويوم يحشرهم وما يعبدون من دون الله فيقول ءانتم اضللتم عبادي هؤلاء ام هم ضلوا السبيل قالوا سبحانك ما كان ينبغي لنا ان نتخذ من دونك من اولياء ولكن متعتهم واباءهم حتى نسوا الذكر وكانوا قوما بورا فقد كذبوكم بما تقولون فما تستطيعون صرفا ولا نصرا ومن يظلم منكم نذقه عذابا كبيرا

[illegible]

وما ارسلنا قبلك من المرسلين الا انهم لياكلون الطعام ويمشون في الاسواق

وجعلنا بعضكم لبعض فتنة أتصبرون وكان ربك بصيرا ۝ وقال الذين لا يرجون لقاءنا لولا أنزل علينا الملائكة أو نرى ربنا لقد استكبروا في أنفسهم وعتوا عتوا كبيرا ۝ يوم يرون الملائكة لا بشرى يومئذ للمجرمين ويقولون حجرا محجورا ۝

[illegible]

وقدمنا إلى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا ۝ أصحاب الجنة يومئذ خير مستقرا وأحسن مقيلا ۝ ويوم تشقق السماء بالغمام ونزل الملائكة تنزيلا ۝ الملك يومئذ الحق للرحمن وكان يوما على الكافرين عسيرا ۝ ويوم يعض الظالم على يديه يقول يا ليتني اتخذت مع الرسول سبيلا ۝ يا ويلتى ليتني لم أتخذ فلانا خليلا ۝ لقد أضلني عن الذكر بعد إذ جاءني وكان الشيطان للإنسان خذولا ۝ وقال الرسول يا رب إن قومي اتخذوا هذا القرآن مهجورا ۝

[illegible]

[illegible]

وكذلك جعلنا لكل نبي عدوا من المجرمين

[illegible]

وإذا رأوك إن يتخذونك إلا هزوا أهذا الذي بعث الله رسولا ۝ إن كاد ليضلنا عن آلهتنا لولا أن صبرنا عليها وسوف يعلمون حين يرون العذاب من أضل سبيلا ۝ أرأيت من اتخذ إلهه هواه أفأنت تكون عليه وكيلا ۝ أم تحسب أن أكثرهم يسمعون أو يعقلون إن هم إلا كالأنعام بل هم أضل سبيلا ۝

[illegible]

[illegible]

ألم تر إلى ربك كيف مد الظل ولو شاء لجعله ساكنا ثم جعلنا الشمس عليه دليلا ۝ ثم قبضناه إلينا قبضا يسيرا ۝ وهو الذي جعل لكم الليل لباسا والنوم سباتا وجعل النهار نشورا ۝ وهو الذي أرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته وأنزلنا من السماء ماء طهورا ۝ لنحيي به بلدة ميتا ونسقيه مما خلقنا أنعاما وأناسي كثيرا ۝

[illegible]

وكفى بربك هاديا ونصيرا وقال الذين كفروا لولا نزل عليه القرآن جملة واحدة كذلك لنثبت به فؤادك ورتلناه ترتيلا ولا يأتونك بمثل إلا جئناك بالحق وأحسن تفسيرا الذين يحشرون على وجوههم إلى جهنم أولئك شر مكانا وأضل سبيلا

[illegible]

ولقد آتينا موسى الكتاب وجعلنا معه أخاه هارون وزيرا فقلنا اذهبا إلى القوم الذين كذبوا بآياتنا فدمرناهم تدميرا وقوم نوح لما كذبوا الرسل أغرقناهم وجعلناهم للناس آية وأعتدنا للظالمين عذابا أليما وعادا وثمود وأصحاب الرس وقرونا بين ذلك كثيرا وكلا ضربنا له الأمثال وكلا تبرنا تتبيرا ولقد أتوا على القرية التي أمطرت مطر السوء أفلم يكونوا يرونها بل كانوا لا يرجون نشورا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

ولقد صرفناه بينهم ليذكروا فأبى أكثر الناس إلا كفورا ولو شئنا لبعثنا في كل قرية نذيرا فلا تطع الكافرين وجاهدهم به جهادا كبيرا وهو الذي مرج البحرين هذا عذب فرات وهذا ملح أجاج وجعل بينهما برزخا وحجرا محجورا

[illegible]

وهو الذي خلق من الماء بشرا فجعله نسبا وصهرا وكان ربك قديرا

[illegible]

[illegible]

امیرالمؤمنین علیه السلام [illegible]

[illegible]

السلام علیک یا رسول الله و رحمة الله و برکاته [illegible] و علیک السلام و رحمة الله و برکاته [illegible]

[illegible]

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَى بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

... و آن دوازده برجست حمل و ثور و جوزا و سرطان و اسد و سنبله و میزان و عقرب و قوس و جدی و دلو و حوت ...

... زحل و مشتری و مریخ و شمس و زهره و عطارد و قمر ...

[illegible]

گذرانات دور شبانها • و الذین اذا انفقوا لم یسرفوا و لم یقتروا و کان بین ذلک ووقفاً و الذین لا یدعون مع الله الها آخر و لا یقتلون النفس التی حرّم الله الا بالحق و لا یزنون و من یفعل ذلک یلق اثاما یضاعف له العذاب یوم القیمة و یخلد فیه مهانا الا من تاب و آمن و عمل عملا صالحا فاولئک یبدل الله سیئاتهم حسنات و کان الله غفورا رحیما ۵ و آنکه چون نفقه کنند اسراف نکنند و تنگ نگیرند [illegible]

[illegible]

[illegible]

که گناهان فاولئک یبدل الله سیئاتهم حسنات گناهان را بحسنات بدل کند و کان الله غفورا رحیما و خدای آمرزنده و مهربان است •
و من تاب و عمل صالحا فانه یتوب الی الله متابا و الذین لا یشهدون الزور و اذا مرّوا باللغو مرّوا کراما و الذین اذا ذکّروا بآیات ربهم لم یخرّوا علیها صمّا و عمیانا و الذین یقولون ربنا هب لنا من ازواجنا و ذریاتنا قرة اعین و اجعلنا للمتقین اماما اولئک یجزون الغرفة بما صبروا و یلقّون فیها تحیة و سلاما خالدین فیها حسنت مستقرا و مقاما قل ما یعبؤ بکم ربی لولا دعاؤکم فقد کذبتم فسوف یکون لزاما ۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

گوشما عذاب دایم خواهد بودن و تتابع سورة الشعرا مکیّست تا اینجا که و الشعراء یتبعهم الغاوون و از اینجا تا آخر سوره مدنیست و دویست و بیست آیت [illegible]

[illegible]

بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم طسم تلک آیات الکتاب المبین لعلک باخع نفسک الا یکونوا مؤمنین ان نشأ ننزل علیهم من السماء آیة فظلت اعناقهم لها خاضعین و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن محدث الا کانوا عنه معرضین فقد کذبوا فسیأتیهم انباء ما کانوا به یستهزؤن اولم یروا الی الارض کم انبتنا فیها من کل زوج کریم ان فی ذلک لآیة و ما کان اکثرهم مؤمنین و ان ربک لهو العزیز الرحیم ۵ از عبدالله عباس روایتست که طسم نامیست از نامهای خدای [illegible]

[illegible]

[illegible]

که او عزیز و غالبست [illegible] و العفو عن قدرة فعل الکریم • و اذ نادی ربک موسی ان ائت القوم الظالمین قوم فرعون الا یتقون قال رب انی اخاف ان یکذبون و یضیق صدری و لا ینطلق لسانی فارسل الی هرون و لهم علیّ ذنب فاخاف ان یقتلون قال کلا فاذهبا بآیاتنا انا معکم مستمعون فأتیا فرعون فقولا انا رسول رب العالمین ان ارسل معنا بنی اسرائیل قال الم نربک فینا ولیدا و لبثت فینا من عمرک سنین و فعلت فعلتک التی فعلت و انت من الکافرین قال فعلتها اذا و انا من الضالین ففررت منکم لما خفتکم فوهب لی ربی حکما و جعلنی من المرسلین و تلک نعمة تمنها علیّ ان عبدت بنی اسرائیل
[illegible]

[illegible]

حتی مصر رکه صفوان است که تو بان از کار آوردی بنی اسرائیل را بنده کرفتی و مال ایشان بستدی [illegible]
بنی اسرائیل را بعد ازین بنده نباید ❁ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا
بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ
قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ
تَعْقِلُونَ قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَٰهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ
بِشَيْءٍ مُبِينٍ قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ
وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ❁ چون موسی این سخن بگفت فرعون [illegible]
[illegible]
[illegible]

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ قَالُوا أَرْجِهْ
وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ وَ
قِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ
قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ❁ ❁

[illegible]

قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ
الْغَالِبُونَ فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ
رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ
لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ إِنَّا
نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ ❁ موسی علیه [illegible]
[illegible]
وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ
مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ
قَلِيلُونَ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ
كَرِيمٍ كَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَتْبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ فَلَمَّا تَرَاءَى الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ
مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرَكُونَ ❁ [illegible]
[illegible]

[illegible]

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ فَأَوْحَيْنَا
إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخَرِينَ
وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ
وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ❁ [illegible]
[illegible]
وَاتْلُ عَلَيْهِمْ
نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَاكِفِينَ قَالَ
هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ
قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمُ الْأَقْدَمُونَ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ الَّذِي
خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ
وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ❁ ای محمد [illegible]
[illegible]

با ایشان باید که لیکن ایشان می پرستند استحقاق عبادت ندارند [illegible] شوند وازان باز گفتند ایشان جواب دادند که ما بتان می پرستیم و
هر روز بر عبادت ایشان مقیم می باشیم [illegible] فرق میان صنم و وثن آنست که صنم آن باشد که او صورتی دارد و وثن را صورتی نباشد [illegible]
بیان آن آورده که ایشان بتان را بزرگ می داشتند [illegible] و جان [illegible] اولیزات قال هل یسمعونکم ابرهیم [illegible] گفت
پرستید و گفت آیا شما چون بخوانید بشنوند و جواب دهند یا شما را سود کنند یا مضرت رسانند یعنی عبادت کسی را باید کرد [illegible]
بشنود و اگر اورا بخوانی [illegible] و کسی را باید پرستید که چون تو با پرستی [illegible] دهد [illegible]
از ایشان که شما می پرستید هیچ ازین چیزها باید پرستیدن ایشان [illegible] پرستان در پرستیدن بتان [illegible]
آن است که گفتند عبادت ما الودات و اتقضیر [illegible] اد مخلوقات او چیزی را [illegible]
[illegible] الا لیقربونا الی الله زلفی یعنی [illegible] می پرستند [illegible] شفیعان ما باشند [illegible]
هؤلاء شفعاؤنا عند الله [illegible] جواب [illegible]
[illegible]
[illegible] ابرهیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فانهم عدو لی الا رب العالمین [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] عبدالکریم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] واطلط التراب [illegible] فاذا جاء القدر [illegible] مقام السوال [illegible]
[illegible]
[illegible] والتقوى [illegible] واذا [illegible] واذا [illegible]
[illegible] فی الارض الا علی الله رزقها [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حجاج [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

علت خود مبالغه [illegible] جوابی [illegible] وسببهای صلاح بدنی بجا آمده
[illegible] گفت [illegible] گناه را دوا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] والذی یمیتنی [illegible]
یمیتنی بالعدل ویحیینی بالفضل یمیتنی بالفراق ویحیینی بالتلاق یمیتنی بالخذلان ویحیینی بتوفیق الایمان [illegible]
[illegible]
[illegible] رب اغفر لی خطیئتی یوم الدین [illegible]
[illegible] • رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ
جَنَّةِ النَّعِيمِ وَاغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا
بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۞ بار خدایا [illegible]
[illegible] عبدالله عباس گفت [illegible]
[illegible] واجعل لی لسان صدق فی الاخرین [illegible]
[illegible]
[illegible] واجعلنی من ورثة [illegible]
[illegible]
[illegible] واغفر لابی [illegible] الا عن موعدة وعدها ایاه ولا تخزنی [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
فی قلوبهم مرض • وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ مِنْ
دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ يَنْتَصِرُونَ فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ قَالُوا
وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ إِذْ نُسَوِّيكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَمَا أَضَلَّنَا
إِلَّا الْمُجْرِمُونَ فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ۞ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فکبکبوا فیها [illegible]
[illegible] جنود ابلیس [illegible] قالوا وهم فیها [illegible]
[illegible]
[illegible] وما اضلنا [illegible]

شیاطین [illegible]
من شافعین [illegible]
عبدالله انصاری [illegible]
[illegible]
[illegible] فما لنا من شافعین ولا صدیق حمیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
ولا صدیق حمیم • فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ
مُؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ
أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ وَمَا أَسْأَلُكُمْ
عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۞ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قوم نوح [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] امیرالمؤمنین علی [illegible] الا تتقون
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] • قَالُوا أَنُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ قَالَ وَمَا عِلْمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ إِنْ حِسَابُهُمْ
إِلَّا عَلَى رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ قَالُوا لَئِنْ
لَمْ تَنْتَهِ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ فَافْتَحْ بَيْنِي
وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ
ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ
لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۞ [illegible]
[illegible]
[illegible] عبدالله عباس گفت [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] • كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ
هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ
أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ
تَخْلُدُونَ وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ
أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا
أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ فَكَذَّبُوهُ
فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ
الرَّحِيمُ ۞ [illegible] اذ قال لهم [illegible]
[illegible] هود الا تتقون [illegible] انی لکم [illegible]
[illegible] فاتقوا الله
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فاتقوا الله [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ قَالَ هَٰذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

[illegible]

[illegible]

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

[illegible]

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأَوَّلِينَ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

[illegible]

[illegible]

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةً أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

[illegible]

[illegible]

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ

[illegible]

و شنیدن سخن اهل ایمان ممنوع اند و چنانک پیش ازین شنیدندی اکنون نتوانند [illegible]

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ إِلٰهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ وَتَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ

[illegible]

هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلُ الشَّيَاطِينُ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللّٰهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

[illegible]

... وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ... جعفر بن محمد الصادق است ... والحمد لله رب العالمین

والصلوة والسلام علی محمد و عترته الطاهرین المعصومین

فرغ من تسویده فی التاسع [illegible] محرم الحرام ۸۴۹ [illegible]

رحم الله لمن نظر [illegible] فیه [illegible] للاصلاح ودعا لکاتبه بالرحمة والغفران آمین [illegible]

[illegible] خدای و فرشتگان و انبیا و ائمه معصومین [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین واختم بالخیر

سورة النمل مکی است نود و سه آیه است در عدد کوفیان و پنج در عدد مدنیان و چهار در عدد بصریان ابی بن کعب از رسول خدای روایت کرد که هر که او طس سلیمان برخواند خدای تع او را ده حسنه بنویسد بعدد هر که بسلیمان ایمان داشت و تکذیب هود و شعیب و صالح و ابراهیم و بعدد آنانک کافر شدند بایشان و روز قیامت از گور برخیزد می گوید لا اله الا الله

بسم الله الرحمن الرحیم طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ

ابن عباس گفت طس نامی است از نامهای خدای [illegible]

[illegible]

که قدرت بر آنکه چوب را ماری کردانند کلام شیاطین است و عبرا ایشان و وجهی دیگر آنست که خدای تو خواست تا مستانس شود بدان و پیش فرعون این معجزه نماید و از آن خایف نشود فلما راها چون موسی علیه بدید عصا را که متحرک شد و بنشاط میرفت چنانک گفتی ماریست کوچک و سبک در موسی علیه السلام بترسید و بگریخت و باز نگشت بر عقب خود و باز بر نیامد درین آیة جان گفت و در آیتی دیگر ثعبان و در دیگر حیة و این مناقض نیست برای آنک این همه صفت در یک وقت بود یکی این و دیگر در پیش فرعون و سیم در پیش جادوان و جادوییهای ایشان [illegible] بموسی خطاب کرد و گفت مترس که پیغمبران نزدیک من نترسند ترس موسی از شک نبود از هول منظر و غرابت آن کار بود الا من ظلم یعنی هر که ظلم کرد و آنک بدل کرد بدی و ستم را بنکویی من او را بیامرزم هر که من آمرزنده بخشاینده ام وادخل یدک وای موسی دست خود را در گریبان خود کن تا بیرون آید سپید و روشن بی بدی و آفتی و برصی و مراد بایشان سوء برص است باتفاق مفسران و این معجزه دیگر بود موسی که دست در گریبان کردی چون آنرا از گریبان بر آوردی چندان نور دادی بآفاق که آفتاب را غلبه کردی فی تسع آیات در نه آیات و معجزه که موسی را بدان بفرستادند بفرعون و قوم او و آن [illegible] عصا بود و ید بیضا و ملخ و شپش و بزغ و خون و شکافتن دریا و کوه و طوفان انهم بدرستی که اشراف فرعون و اتباع او قومی بودند از فرمان خدای بیرون آمده و عاصی گشته فلما جاءتهم آیاتنا مبصرة قالوا هذا سحر مبین وجحدوا بها واستیقنتها انفسهم ظلما وعلوا فانظر کیف کان عاقبة المفسدین چون آمد بایشان آیات و معجزات ما روشن و هویدا ایشان گفتند که این جادویی روشن است وجحدوا بها انکار کردند و حال آن بود که نفس ایشان را یقین میدانست یعنی بدل میدانستند و میشناختند و بزبان انکار میکردند از ظلم و تکبری که ایشان را بود پس بنگر و ببین که عاقبت و سرانجام کار مفسدان چگونه بود از عذاب و هلاک و غرق کردن ایشان ولقد آتینا داود وسلیمان علما وقالا الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین وورث سلیمان داود وقال یا ایها الناس علمنا منطق الطیر واوتینا من کل شیء ان هذا لهو الفضل المبین بدرستی که ما داود و پسرش سلیمان را علم دادیم باحکام شرعیه و گفتند علم زبان مرغان ایشان هر دو گفتند که سپاس و ستایش آن خدای را که ما را تفضیل داد و بسیاری از بندگان مومن خود بعلم و نبوت و ورث میراث گرفت سلیمان از پدر خویش داود این دلیلست بر آنک از پیغمبران میراث گیرند بخلاف آنک مخالفان روایت کنند که نحن معاشر الانبیاء لانورث ولا نورث و حقیقت میراث در مال باشد نه در علم و نبوت [illegible] بمیراث باشد وقال و گفت سلیمان بر سبیل شکر نعمت و نشر احسان و بر آنکه ذی کرامت که ای مردمان ما را آواز و سخن مرغان آموخته اند و سخن هر مرغی منطق خواند برای آنک از آواز ایشان سلیمان را چیزی مفهوم می شد چنانک از آواز آدمیان واوتینا ما را داده اند از هر چیزی بهترین و نیکوترین و مراد کثرت ایشانست بدرستی که این فضلی است از خدای ظاهر و روشن ۵ وقد سمع گفت روزی بلبلی بر سلیمان بگذشت و صفیری میزد سلیمان گفت میگوید اکلت نصف تمرة وعلی الدنیا العفا نیم خرما بخوردم خاک بر سر دنیا ۵ کعب الاحبار گفت روزی مرغکی [illegible] بنزدیک سلیمان آوازی کرد سلیمان گفت میگوید لدوا للموت وابنوا للخراب بزایید برای مرگ و بنا کنید برای خرابی و هدهد بنزدیک وی آواز کرد گفت میگوید من لا یرحم لا یرحم هر که او رحمت نکند بر وی رحمت نکنند ۵ وحشر لسلیمان جنوده من الجن والانس والطیر فهم یوزعون حتی اذا اتوا علی واد النمل قالت نملة یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم لا یحطمنکم سلیمان وجنوده وهم لا یشعرون فتبسم ضاحکا من قولها وقال رب اوزعنی ان اشکر نعمتک التی انعمت علی وعلی والدی وان اعمل صالحا ترضاه وادخلنی برحمتک فی عبادک الصالحین ۵ و گرد کرده شد برای سلیمان لشکرها از پریان و آدمیان و مرغان و ایشان را الهام دادند و هر گروهی را از ایشان ریشی بود که ایشان را منع کردی از تفرق و یوزعون من الوزع باشد و وزع بازداشتن بود محمد بن کعب گفت که ما را روایت کردند که لشکر سلیمان صد فرسنگ بود بیست و پنج فرسنگ آدمیان را بود و بیست و پنج فرسنگ جنیان را بود و بیست و پنج فرسنگ وحوش را و بیست و پنج فرسنگ مرغان را و او را هزار خانه بود از آبگینه بر چوب نهاده سیصد از آن آزاد در وی بودند و هفتصد کنیزکان و بفرمودی تا باد عاصف ایشان را برگرفتی و باد رخا ایشان را بردی ۵ مقاتل گفت جنیان برای سلیمان بساطی ساختند از زر و ابریشم یک فرسنگ در یک فرسنگ [illegible] و در میان بساط نهادندی و سه هزار کرسی از زر و سیم بر اطراف آن سریر بنهادندی تا پیغمبران بر آن کرسیهای زر نشستندی و علما بر کرسیهای سیم و گرد بر گرد ایشان انس بایستادندی و از پس ایشان جن و از بالا [illegible]

و ایشان مرغان پر در پر کشیده چنانک آفتاب بر بساط نیفتادی و باد صبا بساط برداشتی بامداد یکماهه راه ببردی و نماز شام یکماهه راه باز آوردی یک روز سلیمان علیه السلام بدین مرتبت بر زمین میگذشت و او زمین شیار میکرد برنگرید سلیمان را دید با این جلالت گفت سبحان الله لقد اوتی آل داود ملکا عظیما [illegible] باد آن سخن بگوش سلیمان رسانید سلیمان باد را فرمود تا بساط را بنهاد و برزگر را بخواند و گفت بسمع من رسید [illegible] گفت خدای تو [illegible] ... سلیمان [illegible] ۵ وهب گفت چون سلیمان بر نشستی جمله خدم و حشم با خود ببردی ... حتی اذا اتوا تا آنگاه که آمدند بوادی مورچگان ... [illegible] ... ایمان آورده ... چون زنگ و سیه در پیرامن کعبه ... [illegible] ... بوادی النمل ۵ ... نملة مورچه گفت که او ... سلیمان [illegible] ... هم لا یشعرون ۵ ... سلیمان گفت [illegible] ... داود ... وهب گفت ... تا سلیمان بخندید از گفتار وی و گفت خداوندا مرا الهام ده تا شکر نعمت تو کنم ... و ادخلنی برحمتک و در رحمت خود مرا در میان بندگان صالح خود بر تا من از جمله صالحان باشم ۵ وتفقد الطیر فقال ما لی لا اری الهدهد ام کان من الغائبین لاعذبنه عذابا شدیدا او لاذبحنه او لیاتینی بسلطان مبین فمکث غیر بعید فقال احطت بما لم تحط به وجئتک من سبا بنبا یقین انی وجدت امراة تملکهم واوتیت من کل شیء ولها عرش عظیم ۵ سلیمان [illegible] مرغ را بازجست چون نیافت گفت چیست مرا که نمی بینم یعنی هدهد را آیا حاضر است و من نمی بینم یا خود از جمله غایبان ... لاعذبنه ... عذاب کنم ... ذبح کنم ... ببرم ... جای ... میان او و میان ... سلیمان ... روغن ... زمین ... و سلیمان ... آب ... نماز ... جای ... آب ... سلیمان گفت ... از بنای بیت المقدس فارغ شد خواست که بزمین حرم آید ... هزار ... و بیت هزار گوسفند می کشتند ... آخر الزمان پیغمبری بیاید ... سلیمان ... مقام کرد تا ... آمد

... و سیدانند ... خدای که جز او خدایی دیگر نیست خداوند عرش عظیمست ... قال سننظر اصدقت ام کنت من الکاذبین اذهب بکتابی هذا فالقه الیهم ثم تول عنهم فانظر ماذا یرجعون قالت یا ایها الملا انی القی الی کتاب کریم انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی واتونی مسلمین ۵ سلیمان ... هدهد ... و لشکر ... هدهد ... نامه نوشت من عبد الله سلیمان بن داود الی بلقیس ملکة سبا السلام علی من اتبع الهدی بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی واتونی مسلمین چون نامه بنوشت مهر بر آن ... و ملک ... هدهد ... نامه ... بلقیس ... هدهد ... نامه ... ۵ ... و وهب گفتند ... آفتاب ... بلقیس ... هدهد ... نامه ... ملک ... بلقیس ... لشکر ... ۵ ابن عباس ... یا ایها الملا ای جماعت ... نامه ... کریم ... ملک ... نامه ... مهر ... نامه ... سلیمان بن داود ... قالت یا ایها الملا افتونی فی امری ما کنت قاطعة امرا حتی تشهدون قالوا نحن اولوا قوة واولوا باس شدید والامر الیک فانظری ماذا تامرین قالت ان الملوک اذا دخلوا قریة افسدوها وجعلوا اعزة اهلها اذلة وکذلک یفعلون وانی مرسلة الیهم بهدیة فناظرة بم یرجع المرسلون ۵ بلقیس چون نامه برخواند ... ای جماعت اشراف ... فتوی ... هیچ کار قطع نکرده ام ... شما ... بلقیس ... ایشان ... سلیمان ... هدیه ... بادشاهست ...

و دیو زمین ... وقتی ... خواست تا نماز کند ... هدهد ... ۵ عبد الله عباس گفت سبب تفقد سلیمان هدهد را آن بود که جای هدهد بر چشم سلیمان بود ... آفتاب بر چشم سلیمان ... سبب رفتن آن بود که گفت سلیمان مشغول ... بوستانی دید از آن بلقیس ... هدهد ... سلیمان ... شام ... سلیمان داود ... پادشاه جن و انس و وحش و طیر و باد ... بلقیس ... دوازده هزار ... سلیمان ... هدهد ... ملک و پادشاهی و خدم و حشم بلقیس ... سلیمان هدهد ... عقاب ... هدهد ... عقاب ... سلیمان ... هدهد ... سلیمان ... هدهد ... سلیمان علیه ... هدهد ... شهر سبا ... بلقیس ... سلیمان ... بلقیس ... بلقیس ... ۵ عبد الله عباس گفت ... وجدتها وقومها یسجدون للشمس من دون الله وزین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لا یهتدون الا یسجدوا لله الذی یخرج الخبء فی السموات والارض ویعلم ما تخفون وما تعلنون الله لا اله الا هو رب العرش العظیم ۵ ... هدهد ... آفتاب ... خدای ... شیطان ... خدای ... آسمان و زمین ...

انکه صد غلام و صد کنیزک را بخواند و همه را یکرنگ جامه در پوشید برای امتحان را تا سلیمان نداند که غلام کدام است و کنیزک کدام است ٥
ثابت البنانی گفت همچنان ازند با آن صدها راست کرد در جامهای دیبا بپیچید چون این خبر بسلیمان رسید بفرمود تا جنیان خشتها
از زر بخوردند کردند و در راهها بینداختند چون ایشان برسیدند و آن خشتها بدیدند گفتند ما چیزی آورده ایم که ایشان
بر راهها بینداخته اند ٥ وهب گفت با نصد غلام و با نصد کنیزک فرستاد غلامان را جامها و حلهای زنان بپوشانید و کنیزکان را جامها و
سلاحهای مردان تا بر وی مشتبه شود و اسپان تازی با زینها مرصع بانواع جواهر و سلبی مشک و عنبر و دری یتیم ناسفته و با نصد
خشت زرین و سیمین و تاجی مرصع در جهه و مهره ثمین گفت سفته این همه بر دست مردی از اشراف قوم او که او را منذر بن عمرو گفتندی
بفرستاد و نامه نوشت و این هدیها را انجا بتفصیل یاد کرده و گفت اگر پیغمبری فرق کن تا غلام کدام است و کنیزک کدام و بگوی تا
درین حقه چیست و ناسفته را سوراخ کن و انچ سفته است درو کش و رسول را گفت چون در شوی اگر بکبر و خشم در تو نگرد پادشاه است
ما او را غلبه کنیم و اگر براه و دقت نگرد پیغمبرست سخن او نیکو بشنو و جواب نامه باز آور و رسول ساز رفتن کرد هدهد از پیش
بیامد و سلیمانرا خبر کرد از آن هدیها که او ساخته بود بفرمود جنیانرا تا خشتهای زرین و سیمین راست کردند چندانکه میدان او بود و شرف
میدان ان خشتها بنهادند و فرش میدان بگسترانیدند و بفرمود تا از دریا اسپانی مختلف الوان که از آن نیکوتر نباشد بیاوردند و همه را زینها
زرین بنهادند و بر وصف در میان میدان بداشتند و بفرمود تا لشکر انس و جن و وحوش و طیور حاضر امدند و تخت سلیمان بمیدان بنهادند
و چهار هزار کرسی زرین و سیمین بر دست راست او بنهادند و چهار هزار بر دست چپ و وزرا و علما و اعیان بنشستند و لشکر صف بر
کشیدند چهل فرسنگ در چهل فرسنگ در پیش او و آدمیان بایستادند و از پس ایشان جنیان و از پس ایشان سباع و از پس ایشان وحوش
و مرغان در هوا بر سر پر کشیدند چون رسولان برسیدند اسبان را دیدند بر سر خشتهای زرین و سیمین ایستاده انچ داشتند در چشم ایشان
حقیر شد چون بمیدان آمدند همه از خشت زر و سیم بود چون بسباع رسیدند بر ایشان بترسیدند گفتند مو کلان که مترسید که بگذرید
اینها جز بفرمان سلیمان کاری نکنند کار نکردن چون بشیاطین رسیدند منظرهای مهول و بیمناک دیدند فرو ماندند گفتند که بگذرید
بکس نخند چون پیش سلیمان رسیدند در پیش وی بایستادند سلیمان در ایشان نگرید کشاده روی و خندان و ایشانرا بشفقت بپرسید
رئیس قوم پیش امد و نامه بلقیس بداد سلیمان گفت حقه کجاست حقه پیش او نهادند او برگرفت و بجنبانید جبرئیل علیه السلام
امد و خبر داد او را که درین حقه دری یتیم است ناسفته و مهره ثمین گفت سفته سلیمان علیه گفت رسول را گفت راست میگوی اکنون
تا ناسفته را بسنبند و سفته را ریسمان در کشند سلیمان گفت کیست که این بکند آدمیان عاجز آمدند و پریان هم شیاطین
گفتند که اسن لبنگ تواند کرد سلیمان ویرا بخواند او موی در دهن گرفت و انجا که سلیمان نشان کرد بسفت و از دیگر سوی بیرون امد
انگاه سلیمان گفت که ریسمان درین مهره کشد کرم سفته کرمکی سفید گفت من این بکنم انگاه ریسمان در دهن گرفت و از
این جانب در رفت و از دیگر جانب بیرون آمد سلیمان گفت چه خواهی گفت از خدای بخواه تا روزی من میوه کند گفت کرده شد
انگاه گفت غلامان و کنیزکان را پیش من آرید پیش وی بردند بفرمود که آب آرید و گفت دست و روی بشوئید آنان که کنیزکان بودند آب
از این یکدست بر گرفتند و بر دیگر دست ریختند و انگاه بر روی زدند و کنیزکان آب بر باطن ساعد نهادند و غلامان بر ظاهر بدین فرق
کرد میان ایشان و آن هدیها همه باز بر فرستاد ٥ فلما جاء سلیمان قال اتمدونن بمال فما آتان الله خیر مما آتاکم بل انتم بهدیتکم
تفرحون ارجع الیهم فلنأتینهم بجنود لا قبل لهم بها ولنخرجنهم منها اذلة وهم صاغرون ٥ چون رسول با هدیه بنزدیک سلیمان
امد هدیه را قبول نکرد و گفت مرا بمال مدد میکنید انچ خدای مرا داده است بهتر از انست که شما را داده است شما باشید که بهدیه خود
شادان و خوش دل باشید ارجع الیهم ای رسول باز گرد بدیشان رو و بگوی که غرض من مال و حطام دنیا نیست غرض من انست که ایشان
بدین و طاعت من در ایند اگر امدند خود بهتر و اگر نه بایشان لشکری فرستم که طاقت ان لشکر ندارند و ایشانرا از شهرهای ایشان بیرون کنم

اسیرو
اسیر و ذلیل و خوار رسولان بنزدیک بلقیس آمدند و پیغام بگذاردند بلقیس گفت من بدانستم که این مرد پادشاه نیست پیغمبرست و ما طاقت او نیاریم
کس بنزدیک سلیمان فرستاد که من می آیم تا سخن تو بشنوم و بدانم که این دین چیست که تو ما را بان دعوت میکنی انگاه بفرمود تا تخت او در هفت
خانه بنهادند بر حصنی قوی بر کوشکی بلند و لشکر بران کماشت و نگاه بانان را موکل او کرد و نایبی بدید کرد و ملک و ولایت بدو سپرد
و لوی بهات با دوازده هزار امیر روی بلشکرگاه سلیمان نهادند قال یا ایها الملأ ایکم یأتینی بعرشها قبل ان یأتونی مسلمین
قال عفریت من الجن انا آتیک به قبل ان تقوم من مقامک وانی علیه لقوی امین قال الذی عنده علم من الکتاب انا آتیک
به قبل ان یرتد الیک طرفک فلما رآه مستقرا عنده قال هذا من فضل ربی لیبلونی أأشکر ام اکفر ومن شکر
فانما یشکر لنفسه ومن کفر فان ربی غنی کریم چون سلیمان علیه خبر یافت که او در راهست گفت ای جماعت کیست از شما که عرش
بلقیس را پیش از انک ایشان برسند گرد نهند و اسلام ارند که گفتند که سلیمان برای ان گفت که پیش از انک او اید عرش بیارید
که او دانست که بیاید و اسلام ارد مالش حرام شود بروی خواست تا سراها بردارد بر سبیل غنیمت و او کافر باشد تا حلال باشد ٥ این
نید گفت برای ان کرد تا عقل بلقیس را امتحان کند تا باز می شناسد یا نه و درست انست که این برای ان کرد تا معجزه باشد خارق عادت
و دلالتی بود بلقیس را بر نبوت و تصدیق او یکی از جمله جنیان که وی قوی و داهی بود گفت من بیاورم پیش از انک تو از مقام خود بر
خیزی و سر بدین که میگویم قوی و استوارم قوی ام بر اوردن آن و امینم بر انچ بر وی است از زر و جواهر سلیمان گفت زودتر ازین می
باید انکس که بنزدیک او علمی بود از کتاب گفت من بیارم بنزدیک تو پیش از انک چشم بر هم زنی تا این که بود گفتند جبرئیل بود و گفتند
اصف بن برخیا بود و او وصی سلیمان بود نام بعضی بن خدای بنزدیک وی بود بعضی گفتند که این خود سلیمان بود چه در عهد او از و فاضلتر
و بهتر کسی نبود و بیشتر بر انند که اصف بود سلیمانرا گفت چشم برهم نه چشم برهم نهاد اصف دعا کرد پیش از انک سلیمان چشم بگشاد سریر
بلقیس را پیش او حاضر کردند ٥ از رسول علیه روایت است که وی خدای را بدین نامها بخواند یا حی یا قیوم ٥ زهری گفت این بود که
الها واحدا لا شی ولا اله الا انت فلما راه چون سلیمان بدید سریرا نزدیک او قرار گرفته بود و بنهاده گفت این از فضل خدای منست
تا مرا ابتلا و امتحان کند تا من نعمت ویرا شکر کنم خواهم گفت یا کفران نعمت وی خواهم کرد و هر که او شکر نعمت خدای کند بدرستی که
خدای از شکر او مستغنیست کریمست با فضال و انعام بر بندگان کافر نعمت ٥ قال نکروا لها عرشها ننظر اتهتدی ام تکون
من الذین لا یهتدون فلما جاءت قیل اهکذا عرشک قالت کانه هو واوتینا العلم من قبلها وکنا مسلمین وصدها ما
کانت تعبد من دون الله انها کانت من قوم کافرین ٥ سلیمان علیه گفت تخت بلقیس را منکر و متغیر گردانید بزیادت و بالا و زیادت
و نقصان و تقدیم و تاخیر از شکل وی بگردانید تا بنگریم و ببینیم که بلقیس بدان راه می یابد یا از جمله انهاست که راه نیابد
وهب گفت سلیمان در آن وقت زن نداشت جنیان بترسیدند که چون بلقیس را ببیند رغبت کند که او را بزنی کند و از وی فرزند آید
و ایشان از قهر و ان شر او رهایی نیابند سلیمانرا گفتند بلقیس ناقص عقلست و در عقل وی خللست و پایش پای خر می ماند
سلیمان عقلش را بتنکیر عرش امتحان کرد و پایش را بصرح ممرد چون بلقیس بنزدیک سلیمان امد او را گفت اهکذا عرشک ای تخت
تو همچنین است و همچنین باین ماند بلقیس گفت کانه هو بنداری که این خود انست و گفته اند که سلیمان این برای ان کرد تا ویرا دلیلی باشد
بر صدق دعوی نبوتش یعنی بلقیس راه یابد براه راست و پیغمبری وی و برای ان گفت کانه هو بر وجه تشبیه که سوال هم بر وجه
تشبیه بود و نیز برای ان گفت تا دلیل باشد بر رجحان عقل وی از انک در موضع ان احتمال قطع نکرد انگاه بلقیس گفت واوتینا العلم
و ما را علم داده اند بیگانگی خدای و نبوت سلیمان پیش از این معجزه و این حالت بان ایات که دیدیم در هدهد و خبر دادن
سلیمان از انچ در حقه بود و فرمان بردن حیوانان لا یعقل ویرا و ما مسلمان بودیم و گردن نهنده و گفته اند که این سخن سلیمانست
و صدها وبان داشت و بگردانید بلقیس را پرستیدن افتاب او پرورده شدن او در میان کافران از انک بخدای ایمان ارد

بدرستی که وی از قومی کافران بوده است ٥ قیل لها ادخلی الصرح فلما رأته حسبته لجة وکشفت عن ساقیها قال انه صرح ممرد
من قواریر قالت رب انی ظلمت نفسی واسلمت مع سلیمان لله رب العالمین مفسران گفتند سبب آن بود که جنیان سلیمانرا گفتند
که پای وی بپای خر ماند تا ویرا بچشم سلیمان زشت کنند سلیمان بفرمود تا جنیان برای وی کوشکی ساختند از ابگینه سپید
برنگ آب و بفرمود تا آب در زیر آن کردند و ماهی و حیوانی که در آب باشد انجا جمع کردند انگاه سریر اوردند و در صحن ان
کوشک نهادند و بلقیس را بفرمود تا در اوردند چون در امد ویرا گفتند ادخلی الصرح در کوشک رو و چون این حالت بدید بپنداشت
که ان اب عظیم است جامه را از ساق خود برداشت سلیمان نگاه کرد ساق وی چون ساق ادمیان بود و این دلیلست بر انک چون
کسی زنی بخواهد خواست ویرا روا باشد که محاسن ویرا ببیند سلیمان چون ویرا بدید روی بگردانید و گفت این کوشکیست نسو کرده
از ابگینه گفته اند که چون سلیمان ساق وی بدید ویرا بخاموی بود و ویرا خوش نیامد با ادمیان رجوع کرد در علاج ان بعضی گفتند
که باسترد پاک باید کرد گفت نباید که اعضای خود مجروح کرده اند با شیاطین رجوع کرد از بهر وی نوره ساختند و اهک دارو راست کردند
چون سلیمان در گرمابه شد کس گرمابه ناساخته بود ویرا خوش امد بپیوارهان کاشکی بتنش بسوخت گفت اه من عذاب الله بلقیس
نوره استعمال کرد موی از پای وی برفت گفته اند که بلقیس روزی سلیمانرا گفت مرا خبر ده تا ان کدام ابست که نه از اسمانست و نه از زمین
گفت این عرقست که از تن ادمیانست گفت راست گفتی گفت مرا خبر ده تا خدای تو بر چه لونست سلیمان چون این بشنید بانگ بر وی زد
و از تخت بیفتاد امد و روی بر خاک نهاد بلقیس بترسید و لشکر سلیمان متفرق شدند حق تعالی سلیمان وحی کرد که بلقیس را بان
خوان و لشکر را و او را بگوی که توچه پرسیدی سلیمان همچنان کرد گفت ای بلقیس چه پرسیدی گفت از ابی پرسیدم که نه از
اسمان باشد و نه از زمین گفت دیگر چه پرسیدی گفت هیچ دیگر نپرسیدم با لشکر رجوع همین گفتند خدای تو از یاد ایشان
باز برد انگاه سلیمان او را دعوت کرد باسلام او اسلام اورد و ذلک قوله قالت رب انی ظلمت نفسی جیش گفت بار خدایا بر خود ستم کردم اکنون
پشیمان شدم و گردن نهادم با سلیمان بخدای عالمیانرا تا بعد از انک بلقیس اسلام اورد کار او چون بود علما در ان خلاف کرده اند بعضی گفتند
سلیمان او را بزنی کرد و او را بفرمان او در ملک و ولایت او بدو داد و جنیانرا بفرمود تا برای وی سه حصن کردند بزمین یمن که ادمیان
نتوان کرد یکی سلحون و دیگر بینون سیم غمدان و او را با ولایت فرستاد و در هرماهی یکبار بزیارت او رفتی و سه روز پیش او مقام کردی
با مداد از شام بیامدی و نماز پیشین بیمن بودی و بعضی گفتند که سلیمان ویرا گفت که اختیار کن کسی را تا ترا بوی دهم گفت مرا رغبت نیست
گفت روا نباشد که در اسلام کسی بنکاح رغبت نکند گفت چون چاره نیست تبع را که ملک همدانست اختیار کردم او را بوی داد و یمن
و زوبعه را که امیر جن بود در فرمان وی کرد تا برای وی حصنی چند بنا کرد چون سلیمان فرمان یافت جنیان بدانستند از کار باز ایستادند
یکی از ایشان بیامد و بر سنگی بزرگ نقش کرد که ما بنا کردیم سلحین و صرواح و بینون و هنده و هنیده و فیلوم را و این حصنها
است بیمن که عمل شیطانانست ٥ ولقد ارسلنا الی ثمود اخاهم صالحا ان اعبدوا الله فاذا هم فریقان یختصمون قال
یا قوم لم تستعجلون بالسیئة قبل الحسنة لولا تستغفرون الله لعلکم ترحمون قالوا اطیرنا بک وبمن معک قال طائرکم
عند الله بل انتم قوم تفتنون ٥ حق تعالی درین ایه میگوید که بفرستادیم بقبیله ثمود برادر ایشان را صالح برسالت
و پیغمبری تا دعوت کند ایشانرا با عبادت و گویدا ای قوم خدایرا بپرستید صالح ایشانرا دعوت کرد با عبادت پس ایشان دو گروه شدند
گروهی مومن و گروهی کافر و گفتند هر یکی از ایشان که حق با ماست ٥ مقاتل گفت خصومت کردند و گفتند هر یکی از ایشان
و خصومت ایشان انست که در سورة الاعراف گفت قال الملأ الذین استکبروا من قومه للذین استضعفوا لمن امن منهم
الی قوله یا صالح قد کنت فینا مرجوا قبل هذا ٥ صالح ایشانرا گفت ای قوم چرا تعجیل میکنید ببلا و عقوبت پیش از رحمت و عافیت
و این جواب ان بود که ایشان گفتند صالح را که انچ تو اورده اگر حق است ما را از خدای خود عذاب خواه صالح گفت لولا تستغفرون
الله

چرا از خدای استغفار نمیکنید و از شرک توبه نمیخواهید تا باشد که بر شما رحمت کند و شما را بیامرزد و در دنیا عذاب نکند ایشان گفتند که ما بتو
فال بد گرفتیم و بکسی که با تواند و بتو ایمان اورده است و این را برای آن گفتند که در ان سال ایشانرا باران نیامد گفتند این بشومی
صالحست صالح گفت فال بد شما بنزدیک خدایست یعنی سبب خیر شما و شر شما از انست از بنزدیک خدایست و ان تقدیر خدای و حکم اوست و شاید که طایر
بمعنی عمل باشد چنانک گفت وکل انسان الزمناه طائره فی عنقه یعنی ان عملی که کرده اید از کفر و معصیت بنزدیک خدایست و بشومی ان بشما
میرسد بل انتم قوم تفتنون بلکه شما گروهی اید که ابتلا میکنید شما را بخیر و شر چنانک گفت ونبلوکم بالشر والخیر فتنة ٥ وکان فی المدینة تسعة
رهط یفسدون فی الارض ولا یصلحون قالوا تقاسموا بالله لنبیتنه واهله ثم لنقولن لولیه ما شهدنا مهلک اهله وانا لصادقون
ومکروا مکرا ومکرنا مکرا وهم لا یشعرون ٥ و در شهر ایشان نه مرد بودند که جرات ایشان بودند از اشراف قوم او که قدار از ولایت از
ایشان بود و را صلاح نمیفرمودند ناقه صالح را ایشان پی کردند و بکشتند و نام ایشان قدار است و مصدع و اسلم و رهمی و رهیم و دعمی
و دعیم و قبال و صداق ایشان گفتند که سوگند خورید بخدای و عهد کنید که همه اتفاق کنیم و شبیخون بر صالح بریم و اهل او را
بکشیم انگه ولی را که طلب خون وی کند گوییم که ما حاضر نبودیم بکشتن و هلاک کردن و ما صادق و راست گوییم ومکروا مکرا و ایشان بدی مکر سگالیدند
در حق صالح بشبیخون کردن و کشتن وی و ما نیز بدی سگالیدیم در حق ایشان بعذاب فرستادن و هلاک کردن ایشان بر کم ایشان و ایشان
ازین خبر نداشتند و توقع نکردند ٥ فانظر کیف کان عاقبة مکرهم انا دمرناهم وقومهم اجمعین فتلک بیوتهم خاویة بما
ظلموا ان فی ذلک لایة لقوم یعلمون وانجینا الذین امنوا وکانوا یتقون ٥ پس بنگر که عاقبت و سرانجام مکر ایشان چگونه بود آن
بود که ما ایشانرا همه هلاک کردیم این نه کس چنان بود که ایشان در هوای صالح رفتند تیغها کشیده خدای فرشتگان را فرستاد تا ایشانرا بسنگ
هلاک کردند سنگ میدیدند که می امد و کس را نمی دیدند ٥ مقاتل گفت که ایشان در اسن کوهی وعده گاه خود کرده بودند که انجا جمع
شوند چون جمع شدند کوه بر سر ایشان امد و همه هلاک شدند و قومی از ایشانرا بصیحه هلاک کرد فتلک بیوتهم پس ان سراهای ایشان
از ایشان خالی ماند پس از هلاک ایشان بسبب ظلمی که کردند بدرستی که درین ایتی و علامتی هست که همه از کار ایشان عبرت گیرند و دانا
باشند و برهانیدیم انانرا که ایمان اوردند و متقی و پرهیزکار بودند از ان صیحه و جراح که بر دستهای کافران بدید امد ٥ مقاتل گفت
وقت هلاک ایشان جراحی بر دست بدید امد مقدار نخودی روز اول سرخ بود روز دوم زرد شد روز سیم سیاه شد روز چهارم ترکانید
شد در عقب این جبرئیل بانگی برایشان زد همه هلاک شدند و ببردند بجای مومنانی که نجات یافتند چهار هزار بودند صالح ایشانرا
بحضرموت برد و انجا بجوار رحمت خدای رفت قبیل حضرموته انجا را حضرموت نام کردند ٥ ولوطا اذ قال لقومه
اتأتون الفاحشة وانتم تبصرون ائنکم لتأتون الرجال شهوة من دون النساء بل انتم قوم تجهلون فما کان
جواب قومه الا ان قالوا اخرجوا آل لوط من قریتکم انهم اناس یتطهرون فانجیناه واهله الا امرأته قدرناها من الغابرین
وامطرنا علیهم مطرا فساء مطر المنذرین ٥ و لوط را نیز بفرستادیم برسالت و پیغمبری چون گفت قوم خویش را ای قوم شما می
آیید بکار زشت یعنی لواطه میکنید و زشتی لواطه می شناسید و می بینید که ان فعلی زشت است و کاری منکر و گفته اند که برای
ان گفت وانتم تبصرون که ایشان اظهار در مقابله یکدیگر کردندی و شاید که معنی این بود و حال انست که شما اثار عاصیان می بینید که از
پیش شما بوده اند ای شما بر مردان می آیید بر شهوت و با ایشان مواقعت میکنید و شهوت می رانید از جز نهان یعنی محل شهوت زنانند
زنانرا فرو گذاشته اید و بمردان از زنان کفایت کرده اید که شما قومی جاهل و نادانید عاقبت و سرانجام کار خود نمیدانید چون لوط سخن
این بگفت جواب ایشان جز این نبود که لوط را و قوم او را از شهر خود بیرون کنید که ایشان مردمانی اند که ازین کار خود را پاک می
دارند و انچ ما میکنیم ایشان نمیکنند ٥ ابن عباس گفت که این بر سبیل استهزا گفتند پس ما لوط را و اهل او را نجات دادیم مگر
زن او را که تقدیر چنان کردیم که از جمله باقیان باشد در عذاب و بباریدیم بر ایشان از سنگ بارانی پس بد بارانی بود باران آنان

کافر نباشند بعذاب خدای وایشان ترسیدند قل الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی آلله خیر اما یشرکون امن خلق السموات والارض
وانزل لکم من السماء ماء فانبتنا به حدائق ذات بهجة ما کان لکم ان تنبتوا شجرها ءاله مع الله بل هم قوم یعدلون ٥ اکثر مفسران
برانند که این خطاب بمحمد است میگوید که ای محمد بگوی که سپاس مر خدایرا بر نعمتهای او واز جمله نعمتها هلاک کافران ودشمنان دین است
وسلام بر بندگان او انانک خدای ایشانرا برگزید وبنبوت وامامت داد بعضی گفتند که ایشان اصحاب رسول اند واز جمله ائمه روایتست
که محمد است وعلی وائمه طاهرین ودرین آیه بحث است بانک در سخن گفتن ابتدا بحمد خدای وسلام وصلوات رسول کنند تا مبارک باشد
وبرکه این سخن را بنزدیک سامعان قبول بود انگاه گفت بر سبیل الزام حجت بر صورة استفهام که ای خدای بحضرت کسی را که خدای را پرستید
یا آنچ شما انرا با خدای شریک میکردانید ٥ حضرت که چون رسول علیه این آیه خواندی گفتی بل الله خیر وابقی واجل واکرم امن
خلق السموات نه انکس که آسمانها وزمینها را بیافرید بحضرت وانزل فرو فرستاد برای شما آب از آسمان وبرو بیافریدیم بآن آب
خرماستانها وبوستانها خداوند بهجة وزیبایی که نباشد شمارا وشوانید که درختان او برویانید ای خدای دیگر هست با خدا
که قادر است وتوانا بر این افعال نه که ایشان قومی اند که از حق بمی کردند وعدول میکنند ٥ امن جعل الارض قرارا وجعل
خلالها انهارا وجعل لها رواسی وجعل بین البحرین حاجزا ءاله مع الله بل اکثرهم لا یعلمون امن یجیب المضطر اذا
دعاه ویکشف السوء ویجعلکم خلفاء الارض ءاله مع الله قلیلا ما تذکرون امن یهدیکم فی ظلمات البر والبحر ومن
یرسل الریاح بشرا بین یدی رحمته ءاله مع الله تعالی الله عما یشرکون ٥ یا کیست انکه زمین را جای قرار شما کرد اید وجوی که
دروی این قرارها میکنید ودر میان زمین جویهای آب روان کرد اید تا آنرا میخورید وزراعت میکنید وبرای ثبات وقرار
زمین کوهها بیافرید وبلند کرد اید تا نجنبد ومیان دو دریا یکی شور ویکی شیرین مانع وحاجزی بدید کرد تا بهم آمیخته نشوند وبعضی
گفته اند که این حاجز جزیرهاست در میان دریاها ای با این خدای خدای دیگرست که ویرا یاری میدهید نه که بیشتر ایشان نمیدانند
که خود انکس خدایست ویا نیست که وی اجابت کند بیچاره ای درمانده که ویرا بخواند تا بلای ومکروهی از وی دفع کند ٥ سدی گفت مضطر آن
باشد که او را حول وقوت نباشد ٥ ذوالنون گفت آن باشد که هر علاقه که از میان وی وجز خدای باشد منقطع کرده اند ٥ سهل ابن عبد الله گفت
آن باشد که چون دست بخدای برآرد ویرا از طاعت وسیلتی نباشد ویجعلکم خلفاء الارض وشمارا خلفای زمین کرد اید گروهی
را ببرد وشمارا بجای ایشان بداشت ای با این خدا که باشما این نعمت کرد خدایی دیگرست که یاد میکنید یعنی هیچ یاد نمیکنید واندیشه
را کار نمی فرمایید امن یهدیکم یا انکس که راه مینماید شمارا در تاریکیهای بیابان ودریا چون بسفرها میروید وکیست که بادها می
فرستد برای پراکنده کردانیدن ابر از پیش رحمت خویش یعنی باران ای با این خدای که قادر باشد برین خدای دیگر هست متعالی
وبزرگوارست او از آنچ بدو شرک می آرند ٥ امن یبدأ الخلق ثم یعیده ومن یرزقکم من السماء والارض ءاله مع الله قل
هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین قل لا یعلم من فی السموات والارض الغیب الا الله وما یشعرون ایان یبعثون ٥ یا انکس
که او ابتدای خلق افرید انگاه بمیراند وبا فنا برد وبعد از فنا اعادت کند خلق را وزنده کرداند آنچ خدای از آن اعادت کند دو
نوعست یکی انست که بقا بر وی روا باشد چون علم واراده وجوانی وانچ از آن بقا باشد عین آن اعادت کند وانچ از آن بقا نباشد
مثل آن اعادت کند وانکس که روزی میدهد شمارا از اسمان بفرستادن باران واز زمین برو بانیدن گیاه ونبات ای با این خدا
خدای دیگرست یعنی نیست بگوی ای محمد که بیارید حجت وبرهان خود اگر راست میگویید بگوی ای محمد که هیچکس از انان
که در اسمان وزمین اند غیب ندانند مگر خدای یعنی خدای که در اسمان باشد یا در زمین جز از وی کسی دیگر غیب نداند وما یشعرون
ونداند ایشان که ایشان را زنده کند وبرانگیزند ٥ بل ادارک علمهم فی الآخرة بل هم فی شک منها بل هم منها عمون
وقال الذین کفروا ءاذا کنا ترابا وآباؤنا ائنا لمخرجون لقد وعدنا هذا نحن وآباؤنا من قبل ان هذا الا

اساطیر الاولین قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المجرمین ٥ بل ادارک نه که علم وادراک ایشان ادراک کرد ودریافت در کار آخرت
ومعلوم ایشان کردید ٥ ابن عباس گفت که این بر سبیل تهکم وسخریه است ایشانرا چنانکه یکی از ما کوید داری تو هنر از من در ازی
وحالانک اندرک وبیندیک بعض بل بمعنی ام است معادل همزه استفهام بر سبیل جحود وانکار یعنی علم ایشان متدارک نشد ٥ مجاهد
گفت انست که علم ایشان در اخرت متتابع شود انجا بدانند آنچ امروز نمیدانند برای انکه انجا علم ضروری شود مومن وکافر را بثواب
وعقاب انگاه گفت نه که ایشان در شکند از کار آخرت واز دانش آن کورند وگفتند آنانک کافر شدند بر سبیل انکار که ما چون بمیریم
وخاک شویم وپدران ما آیا ما را زنده خواهند کرد وما را از خاک برون آورد یعنی که این چیزی است از عقل دور بلکه هستی که مارا این
وعده کرده اند وپدران ما را هم وعده کردند پیش ازین این نیست الا افسانه پیشینگان انگاه رسول را فرمود که بگوی
این منکران بعث ونشور را که درین زمین بروید وبنگرید تا عاقبت سرانجام گناه کاران چگونه بود وکار ایشان بکجا رسید ٥
ولا تحزن علیهم ولا تکن فی ضیق مما یمکرون ویقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین قل عسی ان یکون ردف
لکم بعض الذی تستعجلون وان ربک لذو فضل علی الناس ولکن اکثرهم لا یشکرون وان ربک لیعلم ما تکن صدورهم
وما یعلنون وما من غائبة فی السماء والارض الا فی کتاب مبین ٥ ای محمد بر ایشان وانده مخور بانک ایمان نمی آرند و
متابعت تو نمیکنند ومباش در تنگدلی از آن مکرها که میکنند که ما انرا از تو دفع کنیم ویکدا ایشان از تو باز داریم این آیه در حق مستهزیا
آمد ویقولون ومیگویند این کافران که این وعده که شما میدهید وبیم که شما میکنید کی خواهد بودن اگر راست میگویید یعنی وعده عذاب
در قیامت وبعث بگوی ای محمد که شاید که نزدیک باشد شمارا یعنی از آنچ شما بدان استعجال میکنید وزود بود که بشما رسد وخدای توای
محمد خداوند فضل ورحمتست بر مردمان بتاخیر عذاب ولیکن بیشترین ایشان حق نعمت نشناسند وشکر نعمت بجای نمی آرند وخدای
تو میداند آنچ سینهای تو پوشیده میدارد از آنچ ایشان اشکار میکنند ظاهر وباطن ایشان می شناسد ونیست هیچ چیز که
او داند از غیب وحقایق تمام باشد در آسمان وزمین الا انکه در کتابی روشن است یعنی لوح محفوظ ٥ ان هذا القرآن یقص علی بنی
اسرائیل اکثر الذی هم فیه یختلفون وانه لهدی ورحمة للمؤمنین ان ربک یقضی بینهم بحکمه وهو العزیز العلیم فتوکل
علی الله انک علی الحق المبین ٥ براستی وحقیقت که این کتاب قرآن قصه میکند وبیان میکوید بپسران یعقوب را بیشترین انچ
درو خلاف میکنند از امور دین وانکار عیسی مریم وغیر این از احکام واین قرآن رحمت وهدایتست مر مؤمنان را ولطف وبیان ایشانرا
براستی که خدای تو حکم کند در میان ایشان بحکم وحکمت خود واوست خدایی که غالب ودانا است بر توای محمد تو توکل کن واعتماد
نمای بر خدای تا ترا کفایت کند وشر این کافران از تو باز دارد که تو بر حقی وصاحب حق سزاوار باشد که بنصرت خدای واثق باشد
انک لا تسمع الموتی ولا تسمع الصم الدعاء اذا ولوا مدبرین وما انت بهادی العمی عن ضلالتهم ان تسمع الا من یؤمن بایاتنا
فهم مسلمون واذا وقع القول علیهم اخرجنا لهم دابة من الارض تکلمهم ان الناس کانوا بایاتنا لا یوقنون ٥
حق سبحانه وتعالی بر طریق مثل میگوید رسول خود را که ای محمد تو نتوانی شنوانیدن سخن خویش مردگان را ونه کران را که کری
کرانند یعنی ایشان بمثابه مردگانند وکرانند چنانک ممکن نیست که انرا ومردگان را سخن شنوانیدن ٥ ایشانرا هم ممکن نیست از ان سبب که نظر
نا او میل نیست ایشانرا در راه معرفت من انکه این معنی را موکد کرد اند بانک گفت چون پشت بر کنند چه انک شنوا باشد چون روی
بگرداند نشنود تکیف ان کر باشد چنانک کرانرا نتوانی شنوانیدن کورانرا هم نتوانی نمودن از ضلالت وگمراهی ایشانرا تو نتوانی
شنوانیدن مگر کسی را که او ایمان آرد بایات ما وتصدیق کند معجزات ودلالات را وطالب هدایت باشد پس انان چنین باشند
اسلام آرند وگردن نهند انگاه گفت واذا وقع القول علیهم چون واجب شود بر ایشان گفتاری که گفته ایم ووعده که داده ایم ایشانرا
از علامات قیامت ونزول عذاب بیرون آریم برای ایشان جانوری از زمین تا با ایشان سخن گوید که مردمان بآیات ونشانهای ما

بیقین نمی شدند ونکان نمیکردند ٥ از ابو سریحه انصاری روایتست که رسول علیه گفت که این دابه سه نوبت خروج بود یکبار باقصی یمن
بیرون آید وخبر او در بادیه فاش شود وبمکه نرسد خبر او تا انک یکروز مردمان در مکه در مسجد الحرام باشند واز جانبی از مسجد بیرون آید
مردمان ازو بترسند وبگریزند جماعتی که دانند که از خدای شوان گریختن پیش او شوند رویهای ایشان روشن شود چون ستاره درفشان
انگاه روی در زمین نهد کسی که ویرا جوید بوی نرسد وکسی که از وی کریزد از وی فایت نگردد انکس که دشمن او باشد پناه با
نماز دهد وچنان نماید که نماز میکنم از پس پشت وی درآید وگوید اکنون نماز میکنی وی روی باوی کند وداغی بر روی نهد بامردمان
مجاورت کند در سفر ودر حضر با ایشان باشد ودر مالهای ایشان مشارکت کند مومن را از کافر بشناسد ٥ حذیفه وابو هریره روایت
کرده اند که عصای موسی باوی باشد وانگشتری سلیمان بانگشتری روی مومن را نقش کند وبعصا داغ بر پیشانی کافر نهد مومن را گوید ای
مومن وکافر را گوید ای کافر بالای وی شصت ارش باشد ٥ از امیر المؤمنین علی علیه پرسیدند که او دنبال دارد یا نه گفت دنبال ندارد
وپشم ندارد ومحاسن دارد چنانکه مردان واین اخبار روایتست از طریق عامه ومخالفان وبعضی از اصحاب ما روایت کرده اند که دابة
کنایتست از صاحب الزمان که مهدی امت است ٥ حذیفه گفت رسول را پرسیدم که این دابة از کجا بیرون آید گفت از معظمی
که محترمتر بنا بنزدیک خدای یعنی مسجد حرام عیسی طواف میکند مسلمانان باوی طواف میکنند زمین در زیر قدم ایشان
بجنبد چنانک قندیلها بجنبد وکوه صفا شکافته شود از جانب مشعر از کوه صفا بیرون آید مردم را بنام ایمان وکفر بخواند مومن
را نقطه سپید بر روی زند که همه روی او روی نورانی کرده وکافر را نقطه سیاه که همه روی وی سیاه شود ٥ عبد الله عمر گفت
از شکاف کوه بیرون آید سه روز بیرون می آید که مقدار ثلثی بیرون نیامده باشد ٥ حسن بصری گفت موسی علیه از خدای تعالی
درخواست تا دابة باوی نماید سه شبانروز بیرون می آمد ودر هوای شد خلقی ومنظری عظیم دید وموسی گفت بار خدایا
فرمان ده تا با جای خود شود ویوم نحشر من کل امة فوجا ممن یکذب بایاتنا فهم یوزعون حتی اذا جاؤا
قال اکذبتم بایاتی ولم تحیطوا بها علما اماذا کنتم تعملون ووقع القول علیهم بما ظلموا فهم لا ینطقون
ویاد کن ای محمد آن روز که ما حشر کنیم وبرانگیزیم از هر امتی گروهی را از انان که آیات ما را بدروغ دارند بر ایشان باز داشته شوند تا آخر
ایشان رسند تا انگاه که همه را بدوزخ برند اصحاب ما بدین آیه تمسک میکنند در صحت رجعت وگفتند این روز نه روز قیامتست
برای انکه در آن روز همه را حشر کند چنانک گفت وحشرناهم فلم نغادر منهم احدا ودرین روز بعضی را زنده کند پس این روز
خلاف روز قیامت باشد ٥ صادق را علیه پرسیدند که در رجعت خدای تعالی کرا زنده کند گفت دو گروه را من محض الایمان محضا
او محض الکفر انک او ایمان محض دارد یا کفر محض واز آل محمد روایت کرده اند یاد تا بدین را انست که خدای تعالی زنده کرداند در وقت
قایم آل محمد جماعتی را از دشمنان ایشان که در دشمنی بغایت رسیده باشند وجماعتی از دوستان مخلص ایشان را زنده کرداند که در محنت
وبلا بوده باشند در ولا ودوستی ایشان تا داد ایشان از دشمنان ایشان بستانند وهر یکی را ازین دو گروه آنچ مستحق آن باشد
از ثواب وعقاب بایشان رسانند واین در عقل محال نیست وقرآن بدین ناطقست ومانند این در داستان گذشته بوده است
چنانک گفت الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا ثم احیاهم ٥ وپیغمبر خدای گفته
است روا باشد که باشد در امت من هر انچ در بنی اسرائیل بوده است حذو النعل بالنعل والقذة بالقذة حتی اذا
جاؤا تا انگاه که با پیش خدای آیند وایشانرا گویند بر سبیل تقریع وملامت ای آیات مارا تکذیب کردی وعلم بدان حاصل
نکردی یا خود شما چه میکردی چون شما تقصیر کردی در نظر وتفکر در آیات خدای ووقع القول وواجب شد وواقع گشت بایشان
عذاب خدای بسبب ظلم وکفر ایشان سر ایشان سخن نگویند یعنی چیزی که ایشانرا در آن حجتی باشد یا از برای انکه بر دهن
ایشان مهر نهاده باشند چنانک گفت الیوم نختم علی افواههم ٥ الم یروا انا جعلنا اللیل لیسکنوا فیه والنهار

مبصرا ان فی ذلک لآیات لقوم یؤمنون ویوم ینفخ فی الصور ففزع من فی السموات ومن فی الارض الا من شاء الله
وکل اتوه داخرین وتری الجبال تحسبها جامدة وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه
خبیر بما تفعلون ٥ ای نمی بینند ونمیدانند که ما شب را افریدیم تا ایشان درو بیارامند وبخسبند وروز را روشن
کرد اندیم تا در جستن معاش بروند وراه مکاسب بدانند بدرستی که درین گفتیم وکردیم آیاتی ودلالاتی هست مر قومی
را که ایمان آرند واندیشه کنند واعتبار گیرند وروزی که صور دردمند تا جمله مردمان زنده شوند ٥ ابو هریره از
رسول علیه روایت کرد که خدای تعالی چون از خلق آسمان وزمین بپرداخت صور بیافرید وباسرافیل داد او بستد ودر
دهن گرفت وچشم در زیر عرش کشید تا که فرماید وی را که در صور دردم گفت من گفتم یا رسول الله صور چه باشد گفت سروی
است بزرگ که دوری آن چند آسمان وزمین است اسرافیل سه بار در وی دمد یکی نفخه فزع باشد وآن انست که درین آیه گفت
ودوم نفخه صعق باشد وسیم نفخه احیاء اول که اسرافیل را فرماید که در صور دردمد هرچه در اسمان وزمین باشند بترسند
الا انکس که خدای خواهد که ایشانرا از ترس نگاه دارد وآن جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل وگفته اند که شهیدان اند
چون در صور دردمند کوهها در جنبش آیند ودر هوا بروند چنانک ابر دود وزمین بجنبد جنبیدنی سخت که ساکنان شود چنانک
کشتی بر سر آب یا قندیلی اویخته که از باد سخت بجنبد واین ان حال باشد که خدای تعالی خبر داد یوم ترونها تذهل کل مرضعة
عما ارضعت مادران از هول فرزندان شیرخواره را فرو گذارند وزنان آبستن بار بنهند وکودکان از ترس پیر شوند وشیاطین
از فزع برمند وباقطار زمین شوند وفرشتگان بر روی ایشان زدن گیرند تا بجای خود باز شوند ومردم مدهوش ومتحیر
کردند ویکدیگر را ندا میکنند چنانک گفت یوم التناد یوم تولون مدبرین ما لکم من الله من عاصم ایشان درین باشند که
خدای فرمان دهد تا زمین شکافته شود از کنار تا کنار کاری عظیم بینند که چشم ایشان ندیده باشند در آسمان نگرند آسمانرا
چون مهل کداخته بینند آسمان شکافته کرده وستارگان فرو ریزند وآفتاب وماه گرد شوند ٥ ابو هریره گفت ایشان که از
که خدای ایشانرا استثنا کرد گفت شهیدانند که فزع بایشان نرسید فزع بزندگان رسد که اینجا باشند ایشان زندگانی باشند
که بنزدیک خدای اند بل احیاء عند ربهم واین عذابی باشد علی شرار خلق الله انکه بر عمل باشند چندانک خدای خواهد
انگه اسرافیل را فرماید تا بار دیگر در صور دردمد واین نفخه صعق باشد هرچه در آسمان وزمین باشد بمیرند مگر جبرئیل
ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل ندا آید که که ماندست گوید جبرئیل ومیکائیل واسرافیل ومن بنده
مانده ایم وتو که خداوندی وسرگ بر تو روا نیست وحاملان عرش مانده اند جبرئیل ومیکائیل را خطاب آید که بمیرند
ایشان بمیرند حاملان عرش را گوید موتوا بمیرند اسرافیل را گوید صور بعرش ده وتو نیز بمیر اسرافیل صور بعرش بسپارد
وجان بدهد ملک الموت را گوید که مانده است واو عالمتر باشد گوید بار خدایا تبارک اسمک ملک الموت عالمتری که جز از من
کس نمانده است ویرا نیز خطاب آید که مت کما هو ما تو نیز بمیر چنانک بمرد ایشان عزرائیل بمیرد انگاه این ندا
دهد لمن الملک الیوم لله الواحد القهار انگاه زمین را بکشد وراست کند چنانک گفت لا تری فیها عوجا ولا امتا
انگاه فرمان دهد تا چهل روز بارانی ببارد مانند آب مردان تا از بالای زمین دوازده گز برآید انگاه چنانک
نبات بروید بیافرید نفسهای خلقان بآن آفریند انگاه حاملان عرش را زنده کرد اند جبرئیل ومیکائیل واسرافیل را
باز آفریند اسرافیل را گوید صور بر دار ودر صور دردم اسرافیل در صور دردمد حق تعالی فرمان دهد تا خلقانرا
جانها با تنها آید ارواح مؤمنان چون نور درفشان میان آسمان وزمین با ایشان برشده باشد ودر چشم مردگان
شوند ودر تن ایشان انگاه فرمان دهد تا زمین شکافته شود وایشان از گورها برخیزند سرها ودپاها برهنه ختنه ناکرده

وَدَالٌ قوله منطقین الی الفزع یقول الکافرون هذا یوم عسر وکل اتوه داخرین ه وجمیع ایشان ایمنه کان باشند ومطیع ومنقاد
وخوار وحقیر وتری الجبال و تو ببینی ای محمد کوهها را ثابت وایستاده برجای خود وانرا خود همچنان پندارد که ابر اند هوا همچنین باشد
اجرام کثیفه چون زود کس بنظر که واقفات ایستاده پندارد وصنع الله فعل خدای که نیکو کرد و محکم هرچه حکمت هر چیزی
کرد اوست آن خدایی که بدانچه شما میکنید آگاه است من جاء بالحسنة فله خیر منها وهم من فزع یومئذ امنون
ومن جاء بالسیئة فکبت وجوههم فی النار هل تجزون الا ما کنتم تعملون انما امرت ان اعبد رب هذه البلدة الذی
حرمها وله کل شیء وامرت ان اکون من المسلمین وان اتلوا القران فمن اهتدی فانما یهتدی لنفسه ومن ضل فقل انما
انا من المنذرین وقل الحمد لله سیریکم ایاته فتعرفونها وما ربک بغافل عما تعملون ه هر که نیکویی میکند اورا باشد جزای
ان بهتر از ان این حسنه گفتار لا اله الا الله است ه قتاده گفت مراد اخلاص است ه زین العابدین علیه گفت مردی بغزای روم رفت
واورا عادت بود که چون خالی بودی باواز بلند گفتی لا اله الا الله وحده لا شریک له روزی در [illegible] این کلمه بگفت
سواری [illegible] گفت [illegible] والله که این کلمات که خدای گفت من جاء بالحسنة فله
خیر منها وهم من فزع یومئذ امنون ه ابو عبدالله الجدلی گفت که امیرالمؤمنین مرا گفت ای عبدالله ترا خبر دهم بحسنه
که هر که ان بکند بهشت رود واو را بهتر ازان بدهند وبسیئه که هر که ان بکند بدوزخ شود وهیچ عمل با ان قبول نکنند گفتم
بلی یا امیرالمؤمنین گفت الحسنة حبنا اهل البیت والسیئة بغضنا حسنه دوستی ماست که از اهل البیتیم و سیئه دشمنی ماست
واز جابر بن عبدالله الانصاری روایتست که پیغمبر خدای گفت یا علی لو ان امتی صاموا حتی صاروا کالاوتاد و صلوا
حتی صاروا کالحنایا ثم ابغضوک لاکبهم الله علی مناخرهم فی النار یا علی اگر امت من روزه دارند تا از باریکی
ولاغری چون زه کمان شوند ونماز کنند تا انگاه که از کوژی بمانند کمان شوند وانگه ترا دشمن دارند خدای ایشانرا
در اتش دوزخ اندازد ه عکرمه گفت فله خیر منها معنی انست که بهتر ازان حسنه باشد برای انکه بهتر از ایمان و کلمه
توحید هیچ چیز نباشد معنی انست که او را ازان حسنه خیر وثواب باشد و گفته اند ایمان فعل بنده است وثواب فعل
خدای وفعل خدای از فعل بنده بهتر باشد وایشان که این حسنه کنند از ترس خدای روز قیامت ایمن باشند وهر که
بدی ارد ومراد بدی شرکت بر قول مفسران ایشانرا بروی در دوزخ افکنند پس نگون وگویند ایشانرا که شمارا جزا داده [illegible]
کرده اید انکه رسول [illegible] بگوی این قوم را که مرا فرموده اند که خدای این شهر را پرستم یعنی مکه آن خدایی که این
شهر را حرام کرده است ومارا حرم کرده تا در وی هیچ خون حرام نریزند وصید نکنند و درخت نبرند واو راست
هرچه هست همه ملک و ملک اوست ومرا فرموده اند که از جمله مسلمانان [illegible] باشم ومرا فرموده اند که قران خوانم
بر هر که او راه راست یابد واختیار ایمان وطاعت کند برای خود کند وهر که گمراه شود ضلاله و وبال بر نفس او باشد یعنی نفع طاعت
او بکسی دیگر نرسد و عذاب معصیت او بدیگری نرسد و بگوی که من از جمله واعظان وترسانندگانم [illegible]
بت گفته اند که این ایه بایه قتال منسوخست انگاه ویرا فرمود که بگوی الحمد لله سپاس خدایی را که [illegible] نبوة و [illegible] اعدا
دین [illegible] بود که بنماید ایات خود چنانکه شما [illegible] مضطر شوید [illegible]
اخرة بود وشمارا سودی نکند [illegible] در دنیا بشما نماید ایات ودلالات خود در افاق وانفس چنانکه گفت سنریهم ایاتنا
فی الافاق وفی انفسهم وما ربک [illegible] و نیست خدای تو ای محمد غافل از انچ ایشان میکنند جزای هر کسی برای ایشان
رساند والله اعلم سورة القصص مکی است ابن عباس گفت یک ایه از وی مدنیست [illegible]
وهو قوله ان الذی فرض علیک القران لرادک الی معاد وهشتاد وهشت ایتست از ابی کعب روایتست که رسول خدای

که هر که این سوره بخواند هیچ فرشته نماند الا که بر صدق وی گواهی دهند روز قیامت که او صادق بود فی قوله کل شیء هالک الا وجهه له
الحکم والیه ترجعون بسم الله الرحمن الرحیم طسم تلک ایات الکتاب المبین نتلوا علیک من نبأ موسی
وفرعون بالحق لقوم یؤمنون ان فرعون علا فی الارض وجعل اهلها شیعا یستضعف طائفة منهم یذبح
ابناءهم ویستحیی نساءهم انه کان من المفسدین ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و
نجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثین ونمکن لهم فی الارض ونری فرعون وهامان وجنودهما منهم ما کانوا
یحذرون ه حق سبحانه وتعالی درین سوره قسم یاد کرده است [illegible] طوال [illegible] این ایات قران ایات
کتابیست روشن وروشن کننده یا خود خطاب [illegible] ایشان خبر میدهد که این حروف که طاوس [illegible] است که
من شمارا خبر داده ام که کتابی بپیغمبر اخر الزمان [illegible] بعضی از اوایل سورتهای وی حروف تهجی خواهد بود نتلوا علیک میخوانیم
بر تو ای محمد بعضی از خبر موسی وفرعون بحقیقت وراستی برای قومی که ما میدانیم که ایشان ایمان آورده اند تا بشنوند وایمان
ارند انگاه اغاز قصه فرعون کرد وگفت ان فرعون علا فی الارض فرعون در زمین علو وتکبر کرد یعنی در زمین مصر
واهل ان زمین را بچند گروه کرد یکی را از ایشان ضعیف گرفت وان بنی اسرائیل بودند پسران ایشانرا میکشت بتهمت موسی
وزنان ودختران ایشانرا رها میکرد واو یعنی فرعون از جمله مفسدان بود ونرید ان نمن وما خواستیم تا منت
نهیم بر انانکه ایشانرا ضعیف کرده بودند در زمین مصر از بنی اسرائیل وایشانرا امامان کنیم که مردم بایشان اقتدا کنند
در خیرات وپادشاهان ووالیان کنیم وایشانرا وارثان فرعون وقوم او بس از انکه ایشانرا هلاک کرده باشیم واصحاب
روایت کرده اند که ایه در شان مهدی است علیه السلام که خدای تعالی ویرا واصحاب ویرا از پس انکه ضعیف کرده باشد
ایشانرا بر ایشان منت نهد ومراد بزمین جمله زمین است وایشانرا امامان ووارث گرداند واین اولیتر است برای انکه مراد بارض
جمله است بلا تخصیص دیگر انکه امام در حقیقت [illegible] بنی اسرائیل مجاز و دیگر انکه وارث با ولیتر [illegible] است
ازانکه با زمین [illegible] است ومانند این درایتی دیگر قول خدای تبارک وتعالی ولقد کتبنا فی الزبور من بعد
الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون ه واز علی ابن الحسین زین العابدین علیه روایت کرده اند که او گفت
والذی بعث محمدا بالحق بشیرا ونذیرا بحرمت ان خدای که محمد را بحق بخلق فرستاد تا بشارت دهد و بیم کند
که نیکمردان از ما اند که اهل بیتیم وشیعه ایشان بمنزله موسی اند وشیعه وی ودشمنان ما وپیروان ایشان بمنزله
فرعون اند واتباع او ونری فرعون وهامان وبنماییم فرعون وهامان را بعد انکه این مستضعفانرا تمکین کرده باشیم
وقوة وقدرة وعلم داده از مستضعفان [illegible] ایشان انچ حذر میکنند ومیترسیدند وهمه را بر دست ایشان هلاک کردانیم
واوحینا الی ام موسی ان ارضعیه فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم ولا تخافی ولا تحزنی انا رادوه الیک وجاعلوه
من المرسلین فالتقطه ال فرعون لیکون لهم عدوا وحزنا ان فرعون وهامان وجنودهما کانوا خاطئین
وحی کردیم بمادر موسی یعنی الهام دادیم ودر دل افکندیم [illegible] بنت لاوی بن یعقوب بود در دل وی افکندیم
وگفتیم که ویرا یعنی موسی را شیر ده وچون بروی بترسی ویرا در رود نیل افکن [illegible]
اورا بسلامت باتو رسانیم واو را از جمله پیغمبران مرسل کردانیم درین ایه دو خبر است ودو امر ودو نهی است ودو بشارة
دو خبر اوحینا وخفت ودو امر ارضعیه والقیه ودو نهی لا تخافی ولا تحزنی ودو بشارة انا رادوه الیک وجاعلوه
من المرسلین مفسران گفته اند که فرعون در خواب دید که اتشی از بیت المقدس بیامد وگرد مصر [illegible]
وسرایهای ایشانرا بسوخت وبنی اسرائیل را تعرض نکرد علماء قوم خود بخواند واین خواب ازیشان بپرسید گفتند

ازینجا شهر مردی بیرون آید که هلاک تو وقوم تو بر دست او بود واین زمان هنگام ولادت اوست فرعون بفرمود تا [illegible] از زنان
ابستن بنی اسرائیل موکل کرد [illegible] تا هر مولودی که بزاید اگر پسر باشد بکشند واگر دختر باشد رها کنند ه عبدالله عباس گفت چون بنی اسرائیل در مصر
بسیار شدند معاصی [illegible] وخیار ونیکمردان ایشان [illegible]
ضعیف کردند [illegible] تا انگاه که خدای [illegible] ه ابن عباس گفت چون علامت حمل مادر موسی ظاهر گشت [illegible]
[illegible]

ایشان که کاران بودند وقالت امرأت فرعون قرة عین لی ولک لا تقتلوه عسی ان ینفعنا او نتخذه ولدا وهم لا یشعرون واصبح
فؤاد ام موسی فارغا ان کادت لتبدی به لولا ان ربطنا علی قلبها لتکون من المؤمنین ه گفت زن فرعون اسیه بنت مزاحم که این
کودک روشنایی چشم منست وروشنایی چشم تو اورا مکشید شاید که مارا نفع کند یا بفرزندی گیریم او را که در وی سیما ونشانت که نفع کند
[illegible] باشد وحال ان بود که ایشان نمیدانستند که [illegible] ایشان بود [illegible]
وکار ایشان بکجا خواهد رسید واصبح فؤاد ام موسی فارغا وگفت دل مادر موسی فارغ [illegible] وخوف [illegible]
وحی والهام که ویرا داده بودند [illegible] شیطان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
فعرفت ان موسی [illegible]
دل او برجای بداشتیم بالطاف تا او از جمله مؤمنان ومصدقان باشد بوعده خدای که گفت انا رادوه الیک ه وقالت لاخته قصیه
فبصرت به عن جنب وهم لا یشعرون وحرمنا علیه المراضع من قبل فقالت هل ادلکم علی اهل بیت یکفلونه لکم وهم له ناصحون
فرددناه الی امه کی تقر عینها ولا تحزن ولتعلم ان وعد الله حق ولکن اکثرهم لا یعلمون مادر موسی دختر خود را که خواهر موسی
بود مریم نام گفت برپی او برو وبنگر تا حال موسی بکجا رسد خواهر موسی برفت [illegible] تابوت [illegible]
[illegible] از تابوت بیرون گرفتند وایشان نمیدانستند که وی خواهر اوست وما حرام کردیم بروی پستانها یعنی باز داشتیم
ویرا ازان پستانهای زنان تا شیر هیچکس قبول نکرد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
هامان چون سخن بشنید گفت وی میداند که این فرزند ازان کیست [illegible]
[illegible]
واحوال موسی باز گفت مادر موسی بیامد موسی بوی مادر بشنید [illegible] در دهن کشید و شیر بخورد [illegible]
قوله فرددناه الی امه ما او را با مادرش دادیم [illegible] تا چشمش روشن شود [illegible]
حقست ولیکن بیشتر مردمان [illegible]
[illegible]
بوی داد واجر [illegible] خدای ویرا بانجا رسید ه ولما بلغ اشده واستوی
اتیناه حکما وعلما وکذلک نجزی المحسنین ودخل المدینة علی حین غفلة من اهلها فوجد فیها رجلین یقتتلان هذا من
شیعته وهذا من عدوه فاستغاثه الذی من شیعته علی الذی من عدوه فوکزه موسی فقضی علیه قال هذا من عمل
الشیطان انه عدو مضل مبین قال رب انی ظلمت نفسی فاغفر لی فغفر له انه هو الغفور الرحیم ه
وچون موسی علیه بغایت قوة خود رسید وتمام گشت مفسران گفتند اشده سی وسه سال باشد واستوی چهل سال
وان عمری که خدای بدو [illegible] سال گفت چون موسی بکمال رسید ومستحکم گشت مااورا نبوة وشریعت دادیم

وَدَخَلَ الْمَدِینَةَ و موسی علیه السلام در شهر مصر رفت بر هنگام غفلت از اهل آن شهر یعنی در وقتی که ایشان مشغول و غافل بودند و آن
وقت قیلوله بود که مردم در خانها بودند بقیلوله مشغول و گفته‌اند که میان نماز شام و خفتن بود و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده‌اند
عید بود که ایشان جمله بلهو و لعب مشغول بودند ه سدی گفت موسی علیه بزرگ شد وی همچنان جامه پوشیدی که فرعون را و بر مرکبان خاص فرعون
نشستی و او را موسی فرعون خواندندی یکروز فرعون برنشست و موسی غایب بود چون باز آمد گفت فرعون کجا رفت گفتند فلان جای
برنشست و از پی وی برفت وقت قیلوله بدین دیه رسیده بود در آن جای شهر خالی بود و مردم همه بقیلوله مشغول بودند ه ابن اسحق
گفت چون موسی علیه در حال صغر تپانچه بر روی فرعون زد فرعون گفت این آن دشمن منست که من در طلب او بسیار کودکان را بکشتم
خواست تا او را بکشد آسیه گفت او کودکست و طفل و نادان نداند که چه کرد بر او نشاید کرد پس گفت چنین است گفت خواهی که بدانی
بفرمای تا یاقوت بیارند و پارهٔ آتش تا او دست بکدام کشد بیاوردند موسی دست فراز کرد و پارهٔ آتش برگرفت و در دهن نهاد
زبانش بسوخت و بندی بر زبانش افتاد فرعون بفرمود تا او را از سرای بیرون کردند و از شهر وی براندند یکی ایشان رفتند تا آنگاه که
بزرگ شد در شهر شد در وقتی که مردم از او غافل شده بودند و او را فراموش کرده فَوَجَدَ فِیهَا رَجُلَیْنِ دو مرد را یافت در شهر مصر که با
یکدیگر برآویخته بودند و جنگ میکردند یکی از شیعهٔ وی بود سامری و دیگری از دشمنان وی فیلثون طباخ فرعون که این
را گفته بود تا هیزم مطبخ فرعون ببرد ه سعید جبیر گفت چون موسی بزرگ شد بنی اسرائیل بروی جمع شدند و در حمایت وی بودند
و کس نیارستی که با ایشان خطابی کند بخصوص ... که وی قوتی تمام داشت و چون خوانندهٔ فرعون بود روزی فرعونیی بنی اسرائیلی را
گرفته بود چون موسی را بدید فریاد خواست موسی گفت دست از وی بدار گفت نداریم که هیمه بر مطبخ بار میکنیم موسی بر سبیل مدافعه
مشتی بر وی زد و گفته‌اند که سر انگشتان فرا وی زد و عمر وی بر وی بر آورد فَقَضَىٰ عَلَیْهِ یعنی قتل آمد فقضی علیه ای نجع یعنی بکشت وی را و چون
مرد کشته شد موسی بترسید و پشیمان شد و گفت این خصومت که سبب وی قتل واقع شد از عمل دیو بود و دیو دشمنی گمراه کننده
می‌پنداشت آنگاه وی را در زیر ریگ پنهان کرد و برفت آنگاه بر سبیل تضرع و خشوع و خضوع و انقطاع با خدای گفت بارخدایا
من بر خود ستم کردم بدین که کردم و اگر قوم بدانند که این قبطی را کشته‌ام مرا بکشند و گفته‌اند که خدای وی را اعلام کرده بود که او
کشتنی است و لیکن وی را فرموده باشد بر سبیل ندبت که تأخیر قتل کن وی تعجیل کرد ترک مندوب کرد برای این گفت
بر خود ظلم کردم یعنی نقصان ثواب خویش کردم فَاغْفِرْ لِی بیامرز مرا بیامرزید وی را او خدای است آمرزنده و مهربان ه
قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَیَّ فَلَنْ أَکُونَ ظَهِیرًا لِّلْمُجْرِمِینَ فَأَصْبَحَ فِی الْمَدِینَةِ خَائِفًا یَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِی اسْتَنصَرَهُ بِالْأَمْسِ یَسْتَصْرِخُهُ
قَالَ لَهُ مُوسَىٰ إِنَّکَ لَغَوِیٌّ مُّبِینٌ فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَن یَبْطِشَ بِالَّذِی هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ یَا مُوسَىٰ أَتُرِیدُ أَن تَقْتُلَنِی کَمَا قَتَلْتَ
نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِن تُرِیدُ إِلَّا أَن تَکُونَ جَبَّارًا فِی الْأَرْضِ وَمَا تُرِیدُ أَن تَکُونَ مِنَ الْمُصْلِحِینَ موسی گفت بارخدایا بدین نعمت
که با من کردی عهد کردم که یار مجرم گناهکار نباشم و این برای آن گفت که اگرچه آن مرد بنی اسرائیلی بود کافر بود و نیز در
خصومت با قبطی متعدی بود ه عبدالله مسلم بعطا بن رباح کس فرستاد و گفت میخواهم تا عطا اهل بخارا در دست تو کنم
نامه هرگز بدهی و این عبدالله امیر خراسان بود عطا گفت نخواهم وی را گفتند تو از چه زیان باشد چون تو چیزی
نخواهی گفت نخواهم که یار ظالمان باشم در عمل ایشان در خبرست که فردای قیامت که خلایق را در موقف سیاست بدارند
منادی از قبل رب العزة ندا کند این الظلمة و اعوان الظلمة کجااند ظالمان و یاران ظالمان همه را جمع کنند و بدوزخ اندازند
و آورده‌اند که یکی از صالحان در دیوان رفت بشفاعتی تا دفع ظلمی کند از مظلومی صاحب آن دیوان گفت قلمی نیکو کن تا بنویسم
که از وی چیزی نخواهند قلم نیکو کرد او بنوشت که بنا واجب از وی چیزی نخواهند و کسانی که رفته‌اند باز کردند چون قلم
از دست بنهاد آن مرد صالح قلم را برگرفت و بر شکست گفت چرا چنین کردی گفت ترسیدم که تو بدین قلم ظلم چیزی بر کسی بنویسی

وَمِن از جملهٔ آنان باشم که تا بظلم یاری کرده باشم فَأَصْبَحَ فِی الْمَدِینَةِ پس موسی در آمد در آن شهر در بامداد خایف و ترسان که از آنکه
چون آشکارا شود وی را بگیرند و بقصاص قبطی بکشند و چشم میداشت مکروه را که لحظه بلحظه کس بوی رسد پس چون نگاه کرد همان
مرد را دید که دی از وی نصرت خواسته بود و قبطی دیگر او را میکشد و بانگ میکرد و از وی یاری میخواست موسی علیه از حادثهٔ دی
تنگ بود و خایف روی بوی آورد و ویرا گفت إِنَّکَ لَغَوِیٌّ مُّبِینٌ تو مردی جاهل و نادانی من هر روز بلای تو با کسی خصومت خواهم
کرد آنگاه روی بدیشان آورد تا اسرائیلی را از دست قبطی برهاند اسرائیلی نگاه کرد موسی را دید از اول ملامت وی شنیده و زخم دیده بود
دید بر خود بترسید و شتاب کرد پیش از آنکه موسی دست بقبطی کشد تا او را دور کند مردی بسی خو کرده و گفت أَتُرِیدُ أَن تَقْتُلَنِی ای میخواهی که
مرا نیز بکشی چنانکه دی مرد دیگر را بکشتی تو نمیخواهی الا آنکه جباری باشی در زمین و نمیخواهی که از جملهٔ مصلحان باشی چون اسرائیلی
این سخن بگفت موسی باز ماند و دست کوتاه کرد و بر اسرائیلی انکار نکرد ایشان را رها کرد و برفت قبطی چون این بشنید بدانست که آن مرد
را وی کشته است که دی دو قبطیان پیش فرعون آمده بودند و تظلم کرده که اسرائیلیان مردی از آن ما کشته‌اند فرعون ایشان را گفته بود که بی حجتی
و بینه بیگناهی را نتوان کشت بروید و تفحص کنید ایشان از پیش فرعون بیامدند و در تفحص ایستادند چون آن مرد از زبان بنی اسرائیلی
این سخن بشنید بدانست که کشنده موسی بوده است بیامد و فرعون را خبر کرد فرعون کسان خود فرستاد تا موسی را بگیرند یکی از جملهٔ شیعهٔ
موسی این خبر بدانست بیامد و موسی را خبر کرد ه وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِینَةِ یَسْعَىٰ قَالَ یَا مُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ یَأْتَمِرُونَ بِکَ لِیَقْتُلُوکَ
فَاخْرُجْ إِنِّی لَکَ مِنَ النَّاصِحِینَ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا یَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ ه و بیامد مردی که او از اقصی و آخر
شهر بود می‌شتافت و تعجیل میکرد در آمدن و این مرد مؤمن آل فرعون بود پسر عم فرعون را نام حزقیل بن صبور گفت شمعون بود
چون بموسی رسید گفت ای موسی این قوم با یکدیگر مشورت میکنند در کشتن تو و قصد تو دارند و طلب تو میکنند بگوی از آن شهر بیرون
رو که من از جملهٔ نصیحت کنندگانم ترا چون بشنید بیرون رفت از آن شهر خایف و ترسان متوقف و منتظر تا ناگاه در طلب وی بیرون
آیند و از بر وی نگاه میکرد و پناه با خدای داد و گفت بارخدایا مرا ازین ظالمان نگاه دار و نجات ده ه وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْیَنَ قَالَ
عَسَىٰ رَبِّی أَن یَهْدِیَنِی سَوَاءَ السَّبِیلِ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْیَنَ وَجَدَ عَلَیْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ یَسْقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ امْرَأَتَیْنِ
تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُکُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِی حَتَّىٰ یُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَیْخٌ کَبِیرٌ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّی لِمَا أَنزَلْتَ
إِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیرٌ ه موسی علیه از آن شهر بیرون آمد و چون روی براه آورد بجانب مدین راه نمیدانست اعتماد بر کرم خدای
کرد و هدایت از وی خواست و گفت شاید که خدای مرا راه راست بنماید باوی زادی و راحله و رفیقی نبود و از پای افزار نعلین
سعید جبیر گفت پای برهنه بود و از مصر تا مدین هشت روزه راه است چون از خدای یاری خواست خدای فرشته را فرستاد
بر اسبی نشسته نیزه در دست گرفته گفت ای موسی کجا میروی گفت بمدین گفت راه دانی گفت نه گفت برو که من راه برم و بدرقهٔ تو باشم
موسی علیه باوی رفت و در راه طعام وی برگ درخت بود وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْیَنَ چون بمدین رسید بسر آب ایشان و آن چاهی بود
که ایشان آب از آنجا کشیدندی برای چهارپایان بر سر آن آب گروهی را یافت از مردان که آنجا گوسفندان را آب میدادند و فرو
تر ایشان دو زن را یافت که گوسفندان را باز میراندند و منع میکردند تا ایشان را بر آب زحمت ندهند و بگوسفندان دیگر مردمان آمیخته
نکردند آنگاه که مردمان فارغ شوند ایشان گوسفندان خود را آب دهند موسی علیه چون ایشان را بدید گفت چیست کار و حال
شما چرا گوسفندان را آب نمیدهید گفتند ما گوسفندان را آب نتوانیم داد تا آنگاه که شبانان گوسفندان خود را آب دهند و باز گردند
گفت چرا چنین است گفتند برای آنکه ما دو زن ضعیفیم و با مردان مزاحمت نتوانیم کردن گفت شما را هیچ مردی نیست گفتند ما را پدری
هست پیر و بزرگ موسی علیه گفت اینجا هیچ چاهی دیگر هست گفتند هست و لیکن متروکست و سنگی بزرگ بر سر آن نهاده است که آن را
ده مرد برگرفتندی گفت آنرا بمن نمایید بوی نمودند بیامد و دست فراز کرد و سنگ از سر چاه برگرفت و گفت هیچ دلو و رسن دارید

کشنده گفت هیچ پارهٔ آب دارید گفتند اندکی در مشکهاست از ایشان بستد و در دهن کرد و در چاه ریخت آب تا بر سر چاه بر آمد گوسفندان
پای خود بر نهادند و آب خوردند و سیر شدند و بناخای گوسفندان بر شیر کردند و رعاة دیگران که سر دهانه آن چاه دور کرده و دلو
رسن گرفت و گوسفندان را آب داد و ذلک قوله فَسَقَىٰ لَهُمَا پس آب داد گوسفندان ایشان را آنگاه برگشت و با سایهٔ درخت گرفت و مانده
گفت بارخدایا من بدانچه تو مرا روزی دهی از آنکه بسی محتاجم یا بدانچه تو فرستادهٔ از روزی بمن بدان محتاجم ه در خبرست که در آن
وقت که او این دعا کرد سبزی گیاه از پوست شکم او ظاهر بود ه مفسران گفته‌اند که در آن وقت که او این دعا کرد سبزی گیاه از پوست او ظاهر بود ه
مفسران گفته‌اند که در آن وقت او از خدای نان جوین خواست ه محمد باقر علیه گفت این آنگاه گفت که محتاج بیم خرمایی بود چون ایشان با خانه
رفتند گفت چون است که امروز چنین زود آمدید از هر روز گفتند مردی گوسفندان را آب داد گفتند دادیم و قصه باز گفتند مجاهد و ضحاک و غیر ایشان
گفتند که پدر ایشان شعیب بود ه سعید جبیر گفت که برادرزادهٔ شعیب بود نام او یثرون شعیب گفت چه مردی بود گفتند مردی صالح بود و حیم
شعیب یکی را از ایشان گفت برو و او را بخوان تا مزدش بدهیم ه فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِی عَلَى اسْتِحْیَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِی یَدْعُوکَ لِیَجْزِیَکَ أَجْرَ مَا سَقَیْتَ
لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَیْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا یَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَیْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ
الْقَوِیُّ الْأَمِینُ ه پس یکی از ایشان بنزدیک موسی علیه آمد در حالی که چون شرم زده بود روی بپوشید و گفت اندکی آستین بر روی افکند و گفت
پدرم ترا میخواند تا مزدت بدهد بدانکه تو گوسفندان ما را آب دادی موسی برخاست و در قفای او برفت و آنگه باد بر وی زد و کفش برد
میخواستم زن در پیش میرفت بادی بر آمد و جامهٔ زن بجنبید گفت ای زن باز پس آی تا من از پیش میروم گفت راه ندانی گفت هر
کجا راه غلط کنم سنگی از آن جانب که راه است بینداز تا از آن جانب بروم پس آنگاه که موسی بنزدیک شعیب آمد و قصهٔ خود باوی بگفت شعیب
وی را بشارت داد و گفت مترس که از دست ظالمان نجات یافتی چه فرعون را بدین زمین دستی نباشد قَالَتْ إِحْدَاهُمَا یکی از ایشان گفت ای
پدر کار بدو ده که این مرد بس قوی موسی و شعیب ویرا بموسی داد گفت ای پدر ویرا بمزد گیر که بهترین مردی است که تو ویرا بمزد گیری مردی باشد
که با قوت و امانت بود پدر شعیب گفت از کجا شناختی قوت و امانت وی را گفت از آنجا شناختم که سنگی که جمعی بسیار بر نتوانستند گرفتن وی
تنها برداشت و بینداخت بقوت گفت امانت وی از کجا شناختی گفت در راه میرفت مرا باز پس داشت تا مرا ندید ه و مانند این معجزه
امیرالمؤمنین علیه بود و آنچنان بود که روی بصفین نهاد در بعضی منازل فرود آمد آب نبود و مردم و چهارپایان تشنه بودند
آب طلب کردند نیافتند امیرالمؤمنین را خبر دادند امیرالمؤمنین علیه برفت و لشکر با وی برفتند و امیرالمؤمنین از دور
دیری بدید آمد در میان بیابان آنجا رفتند امیرالمؤمنین گفت راهب را آواز دهید آواز دادند بر کنار دیر آمد امیرالمؤمنین گفت
ای راهب بدین نزدیکی هیچ آبی هست گفت از اینجا تا آب دو فرسنگ است قوم گفتند یا امیرالمؤمنین اگر صواب بینی تا آنجا رویم
که هنوز قوتی مانده است گفت حاجت نیست آنگاه بجانب قبله بجایی اشارت کرد که اینجا بکنید بکندند سنگی سپید و بزرگ پیدا شد گفتند زمین را با پاره‌ای
بیکنند سنگی سپید و بزرگ پیدا شد پس اینرا این سنگ باز کردند خواستند که بردارند نتوانستند امیرالمؤمنین گفت این سنگ بر
سر آب است جهد کنید هرچند کوشیدند ممکن نبود گفتند یا امیرالمؤمنین این بقوت ما راست نیاید امیرالمؤمنین پای از رکاب
بیرون کرد و آستین باز بر کرد و دست در سنگ زد و بجنبانید و برکند و چند گام بینداخت آبی پدید آمد از برف سردتر و از
شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر آب خوردند و چهارپایان را سیراب کردند و مشکها پر آب کردند و راهب از بالای دیر می‌نگریست آنگاه
امیرالمؤمنین علیه بیامد و سنگ با جای نهاد و بپوشید تا خاک بر سر آن کردند و آن را ناپدید کردند راهب چون چنان دید
گفت أَیُّهَا النَّاسُ أَنزِلُونِی مرا فرود آرید فرود آوردند او بیامد و در پیش امیرالمؤمنین بایستاد و گفت أَنْتَ نَبِیٌّ مُرْسَلٌ گفت نه
پیغمبر مرسلی گفت مَلَکٌ مُقَرَّبٌ فرشتهٔ مقربی گفت نه و لیکن وصی رسول الله محمد بن عبدالله خاتم النبیین وصیّ
خاتم پیغمبرانم محمد بن عبدالله راهب گفت دست بیار تا ایمان آرم آنگاه دست فراز کرد و گفت أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّکَ وَصِیُّ رَسُولِ اللَّهِ وَأَحَقُّ النَّاسِ بِالْأَمْرِ مِنْ بَعْدِهِ امیرالمؤمنین عهود و شرایط اسلام بر وی عرضه کرد و گفت ترا
چه بر مسلمانی داشت پس از آنکه مدتی بر خلاف ملت اسلام مقام کردی گفت بدانکه این دیر که بنا کرده‌اند بطلب و امید تو بنا کرده‌اند و عالمی
از پیش من رفته‌اند و این کرامت نیافته‌اند خدای تعالی روزی من کرد و سبب آن بود که در کتب ما نوشته‌اند که اینجا چشمه‌ایست سنگی بر سر وی
پیدا نشود مگر بر دست پیغمبری یا وصی پیغمبری و چون این آیه بر دست تو پیدا شد بدانستم که آن وصی تویی بر دست تو اسلام آوردم و بولایت
تو معترف شدم امیرالمؤمنین علی بگریست چنانکه محاسن مبارکش تر گشت آنگاه گفت الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ أَکُنْ عِنْدَهُ مَنْسِیًّا الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذِی ذَکَرَنِی فِی کُتُبِهِ سپاس آن خدای را که مرا فراموش نکرد و در کتب اوایل یاد کرد مسلمانان چون این بشنیدند شکر خدای
کردند و راهب با امیرالمؤمنین علی بشام رفت و کارزار کرد در پیش او و شهید شد و امیرالمؤمنین بر وی نماز کرد و دفن کرد و
هرگه ذکر وی کردی بر وی ترحم کردی چون از آنجا باز برفت امیرالمؤمنین علی گفت کیست در میان شما که راه بدان چشمه برد گفتند ما
میتوانیم و راه بدو بریم چون این دیر علامت اوست گفت بروید و بجویید برفتند چندانکه جستند نیافتند گفت ارجعوا
و بگذارید هرگز کس تا قیام الساعة ه قَالَ إِنِّی أُرِیدُ أَنْ أُنکِحَکَ إِحْدَى ابْنَتَیَّ هَاتَیْنِ عَلَىٰ أَن تَأْجُرَنِی ثَمَانِیَ حِجَجٍ فَإِنْ
أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِندِکَ وَمَا أُرِیدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَیْکَ سَتَجِدُنِی إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِینَ قَالَ ذَٰلِکَ بَیْنِی وَبَیْنَکَ
أَیَّمَا الْأَجَلَیْنِ قَضَیْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَیَّ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَکِیلٌ ه شعیب گفت موسی را که من میخواهم که از این دو دختر
یکی را بتو دهم موسی گفت من چیزی ندارم که بمهر بوی دهم گفت من از تو چیزی نخواهم که تو ندادی ویرا بتو دهم بدانکه تو مرا هشت سال
مزدوری کنی و این اجرت آن باشد مهر کنی پس اگر چنان باشد که ده سال تمام کنی آن تبرعی باشد از تو و اگر نکنی بر تو واجب نیست
و من نمیخواهم که بر تو رنجی و مشقتی نهم و ان شاء الله که مرا از جملهٔ صالحان و شایستگان یابی موسی گفت آن میان من و تو است
این دو اجل هشت سال یا ده سال هر کدام که بسر برم بر من عدوانی و حرجی نباشد و زیادت نجویند و خدای تبارک و تعالی
بر آنچه میگوییم وکیلست یعنی گواه و این دختران یکی را صفورا نام بود و یکی را لیا و گفته‌اند که صفورا دختر مهین بود صفورا را بوی
داد و عقد و نکاح ببستند و موسی را قبول کرد آنگاه شعیب را گفت مرا شبانی میفرمایی مرا عصایی باید تا گوسفندان را بدان برانم و
سباع را از گوسفندان باز دارم شعیب دختر را گفت برو در آن خانه که چند عصا نهاده است یکی بردار و بوی ده دختر برفت
و عصا برگرفت و بیاورد تا بوی دهد چون شعیب بدید گفت این عصا را بگذار و دیگری بیار و آن عصا را باز پس برد و بنهاد خواست
تا دیگری برگیرد همان بدست او آمد بیرون آمد شعیب گفت این همانست دیگر باره باز پس برد همان بدستش آمد گفت من قصد میکنم جز
این چوب بدست من نمی‌آید گفت برو ده دختر بوی داد چون موسی برفت شعیب پشیمان شد گفت این عصا ودیعتی بود که بمن داده‌اند و این ودیعه
است روا نباشد ه سدی گفت این چنان بود که روزی فرشته‌ای آمد بر صورت مردی و آن عصا پیش شعیب نهاد و برفت شعیب بر
و از پس موسی برفت گفت این عصا ودیعه است با من ده و دیگری بستان موسی گفت این عصا تو بمن دادی و مرا نمی‌باید که این را از
دست بدهم آنگاه هر دو اتفاق کردند که اولین کسی که بدیشان آید او را حاکم کنیم حق تعالی فرشته را بر صورت مردی بفرستاد گفتند میان
ما حاکم باش و قصه با وی بگفتند وی گفت حکم من آنست که عصا را بنهید آنکس او را به است که از زمین بر دارد آنگاه عصا را بستند و بر زمین
نهادند گفت بردارید شعیب خواست تا بر دارد نتوانست موسی علیه از زمین برگرفت و بر دوش نهاد حاکم گفت ترا است این عصا موسی
برفت و عصا بوی بماند بحکم آن حاکم عکرمه گفت آن عصای آدم بود که از بهشت بیاورد چون آدم از دنیا برفت جبرئیل عصا
برگرفت و چون موسی از شعیب عصا خواست جبرئیل بیامد و آن عصا بشعیب داد و گفت بموسی ده ه ابوصالح از عبدالله عباس
روایت کرد که گفت شعیب را خانه‌ای بود که هیچکس در آنجا نشدی الا او و آن دختر که بموسی داد و در آن خانه سیزده عصا بود و او را
یازده پسر بود هر کس که بالغ شدی ویرا گفتی برو و از آن عصاها یکی بردار او رفتی تا یکی بر دارد آتشی بیامدی و آن پسر را بسوختی

تا جمله هلاک شدند جون دختر را گفت برو عصا بیار برفت عصایی نیکوتر بیاورد و هیچ اف بوی نرسید گفت ای دختر ترا بشارت باد که
این شوهر تو پیغمبری خواهد بود جون عصا بوی داد موسی را گفت جون از اینجا بیرون روی بمفرق الطریقین رسی دو راه بدین آید
بر دست جپ برو اکرچه بدست راست کیاه بیشترست ولیکن انجا مرغزار اژدهایی عظیم است مردم و جهار پای را هلاک کند جون
بدانجا رسید کوسفندان روی بجانب راست نهادند موسی هرچند خواست بازان نتوانست داشت وی نیز براثر رفت مرغزاری دید
در کیاه بسیار کوسفندان قوی جوا کرد و بخفت و عصا برهمین فرو زد اژدها بیامد و آهنگ کوسفندان کرد عصا جانوری گشت و
باوی برآویخت و اورا بکشت موسی از خواب برخاست عصا خون آلوده دید و اژدها کشته شادمانه گشت و شعیب را خبر داد دختر را گفت
این شوهر تو پیغمبری خواهد بود و اورا درین عصا شانی بود شعیب جون بدید که موسی مردی مبارکست و حسن رعایت او در کوسفندان
بدید خواست تا او را رعایتی کند و نیکویی گفت هر بچه که امسال ازین کوسفندان اید ابلق باشد سیاه سفید ترا ست خدای تعالی وحی کرد
بموسی که این عصا برای زن که کوسفندان ازان میخورند عصا در آب زد و کوسفندان ازان آب بخوردند آن سال نتایجی که حاصل
امد مجموع ابلق بود شعیب بدانست که روزی ویست که خدای بوی داده بوی تسلیم کرد ۵ فلما قضی موسی الاجل وسار
باهله انس من جانب الطور نارا قال لاهله امکثوا انی انست نارا لعلی آتیکم منها بخبر او جذوة من النار لعلکم
تصطلون فلما اتیها نودی من شاطئ الواد الایمن فی البقعة المبارکة من الشجرة ان یا موسی انی انا الله رب العالمین
وان الق عصاک جون موسی علیه السلام اجل بسر برد ابن عباس از رسول علیه السلام پرسید که کدام اجل بسر برد گفت آن اجل که ده ساله بود
یعنی ده سال سعید جبیر گفت جهودی از من پرسید که گوید که موسی ازین دو اجل کدام بسر برد من سال حج میکردم من گفتم
که نمیدانم بمکه خواهم رفت از حبر امت عبدالله عباس بپرسم جون رفتم وازوی می پرسیدم گفت اکثرهما واطیبهما پیغمبران و نیکوترین
پیغمبران خلاف وعده نکنند جون باعراق امدم جهود را گفتم گفت راست گفت والذی انزل التوریة علی موسی ۵ مجاهد گفت
جون موسی علیه السلام اجل ده سال بسر برد شعیب دختر بوی داد ده سال دیکر نیز نزدیک شعیب مقام کرد انکاه دستوری خواست تا با مصر
رود بزیارت مادر و برادر و خواهر شعیب ویرا دستوری داد اهل خود را برکرفت و مال و کوسفندان خود را و روی بمصر نهاد
و راه راست رها کرد که از ملوک شام احتراز میکرد و فصل زمستان بود و زن وی حامله بود تنها در بیابان میرفت بکوه طور
بجانب راست افتاد شبی بود تاریک و سرمای سخت زن را درد زادن بکرفت خواست که اتش در زند جندانک می زد اتش فرو نمی امد بجانب
طور نکاه کرد اتش دید اهل خود را گفت شما درنک کنید که من از جانب کوه طور اتشی بدیدم تا بروم و خبری ارم یا پاره اتش بیارم تا
شما اتش برکیرید اینجا و کرم شوید موسی علیه السلام جون قصد اتش کرد و باتش رسید اورا اواز داد ندا از کناره رود از جانب راست دران
بقعه مبارک از درخت عوسج ۵ عبدالله مسعود گفت درخت عوسج بود درختی سبز و تازه اواز و ندا این بود که منم خدای که افریدکار عالمیان
وانک گفت عصای خود بیفکن ازین ایه دلیلست برانک کلام خدای محدثست و متکلم فاعل کلامست نه انک کلام بوی قایم باشد برای
انک خدای تعالی موسی را گفت از درخت ندا کردند و تا کلام بدرخت قایم نشود یعنی حلول موسی ازوی نتواند شنیدن و جون
جنین بود کلام کلام درخت بوده باشد و جون از درخت شنید انی انا الله بر خدای درخت بوده باشد و این باطلست بر نماند
الا انک کلام کلام خدای بود و درخت محل کلام بود که خدای دروی افرید و جون جنین باشد متکلم فاعل کلام بود نه انک کلام بوی
قایم بود فلما راها تهتز کانها جان ولی مدبرا ولم یعقب یا موسی اقبل ولا تخف انک من الامنین اسلک یدک
فی جیبک تخرج بیضاء من غیر سوء واضمم الیک جناحک من الرهب فذانک برهانان من ربک الی فرعون وملائه
انهم کانوا قوما فاسقین ۵ موسی را علیه السلام جون خطاب امد که عصا بیفکن موسی عصا بیفکند ماری گشت بر جون بدید
که حرکت میکند حرکتی سریع جنانک ماری کند بترسید و پشت بر کرد و روی بکریز اورد دو نکاه باز بر عقب کرد ویرا خطاب
کردند

که ای موسی اقبل روی فرا کن و مترس که تو از جمله ایمنانی اسلک یدک فی جیبک دست در کریبان خود کن تا بیرون اید سفید نورانی
نه انک سپیدی باشد جون برص که ان بد باشد واضمم الیک جناحک و با خود کیر دست خود را یعنی دست در زیر بازوی خود کن
از ترسی که ترا رسد از جهت ان مار و گفتند که معنی انست که جون تو دست سپید از کریبان بیرون اری ترسی و خوفی در دل تو اید
دیکر باره دست در کریبان در زیر بغل اور تا جنان شود که بود تا خوف زایل شود و بعضی گفتند که جون ترا خوفی در دل اید دست
بر دل نه تا خوف زایل شود و گفته اند این کنایتست از انک با خود باش و خود را ساکن کردان ۵ اصمعی گفت اعرابی را دیدم
که یکی را میگفت اعطنی فی ما ذهبک گفتم ذهب جه باشد گفت استین واین لغت حمیر است پس معنی این باشد که ای موسی دست از استین
بیرون کن که موسی جون عصا بدست کرفتی دست در استین کردی فذانک برهانان این هر دو یعنی عصا و ید بیضا دو معجز است ترا از خدای تو
پیش فرعون و قوم او که ایشان کروهی اند فاسق و کافر از فرمان بیرون امده قال رب انی قتلت منهم نفسا فاخاف
ان یقتلون واخی هرون هو افصح منی لسانا فارسله معی ردءا یصدقنی انی اخاف ان یکذبون قال سنشد عضدک
باخیک ونجعل لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بایاتنا انتما ومن اتبعکما الغالبون ۵ موسی را علیه السلام جون خطاب آمد
که پیش فرعون و قوم او رو با این دو معجز و ایشان را دعوت کن گفت بارخدایا من از ایشان یکی را کشته ام قبطی را میترسم که مرا
بکشند و برادرم هرون که از من فصیح ترست و زبان او روانتر او را با من بفرست تا مرا یاری و معینی باشد و بران دارندم و مراد بتصدیق
انست که او جون فصیح تر بود با کافران مجادله کند و حجت انکیزد و دلیل و برهان نماید تا تصدیق کنند بواسطه وی انکی که از
تکذیب وی میترسند و جون سبب تصدیق وی بود اسناد باوی کرد بر سبیل استعاره انی اخاف بدرستی که میترسم که ایشان مرا
دروغ زن دارند حق تعالی دعای وی مستجاب کرد و گفت سنشد عضدک ما دست تو قوی کنیم ببرادر تو یا بازوی ترا در نبوة قرین تو کردانیم و شما را
غالب و مسلط کردانیم و برای شما حجتی و برهانی کنیم که ایشان بشما نرسند بسبب آیات و معجزات ما شما را و هر که متابعت شما کند غالب
باشید کسی را بر شما غلبه نباشد ۵ فلما جاءهم موسی بایاتنا بینات قالوا ما هذا الا سحر مفتری وما سمعنا بهذا فی آبائنا الاولین
وقال موسی ربی اعلم بمن جاء بالهدی من عنده ومن تکون له عاقبة الدار انه لا یفلح الظالمون وقال فرعون
یا ایها الملا ما علمت لکم من اله غیری فاوقد لی یا هامان علی الطین فاجعل لی صرحا لعلی اطلع الی اله موسی وانی
لاظنه من الکاذبین ۵ بس انکه موسی بایشان امد با ایات ظاهر و معجزات باهر ایشان گفتند که نیست این که تو اوردی الا جادوی
کفوا یافته و نکو ساخته از قبل خود نه از قبل خدای ما این که تو میکویی در زمان پدران خود انها که کذشته اند نشنیده ایم موسی علیه السلام
در جواب ایشان گفت ربی اعلم خدای من عالمتر و داناترست بحال انکی که اورا اهلیت نبوة باشد و اورا بفرستد تا بیاید با هدی
و راه راست از نزدیک وی و نیز عالمترست و داناتر بانکس که عاقبة و سرانجام سرای اخرة ویرا باشد بثواب و نعیم بدرستی
وحقیقت که ظالمان و ستمکاران فلاح و ظفر نیابند انکاه حکایت کرد از فرعون و گفت که فرعون عند این حال گفت قوم خود را که ای اعیان
واشراف من ندانم شما را خدایی جز از خویش انکاه وزیر خود را گفت ای هامان برافروز برای من بر کل اتش یعنی برای من خشت
بخت کن و اجر ساز گفتند که او اول کسی که خشت بخته ساخت و کوشک بلند فرعون بود گفت برای من کوشکی بلند کن تا باشد که من ازان
کوشک بر خدای موسی مطلع شوم که من می بندارم که موسی از جمله دروغ زنانست که این میکوید که من پیغمبرم دروغ میکوید
اهل سیر گفتند که هامان فرمود تا ویرا کوشکی بنا کردند بنجاه هزار مرد بنا و استادان صنعت از درودکر و اهنکر بیاوردند
خلاف مزدوران وانرا جندان در هوا بیفراشتند که ممکن بود در روی زمین هیچ بنا ازان بلندتر نبود جون فارغ شدند
فرعون بیامد و بر انجا رفت و تیر در کمان نهاد و بینداخت برای امتحان و فتنه او تیر خون آلوده باز کشت او کمان برد که خصم را
کشته است گفت فارغ شدم از خدای موسی انکاه خدای تعالی جبریل را فرستاد تا پر بران کوشک زد و انرا سه پاره کرد یکی بر

لشکرکاه فرعون زد هزار هزار مرد بکشت و دیکر پاره در دریا ریخت و یکپاره بمغرب انداخت و از انان که دران کوشک عملی کرده بودند
کس نماند الا همه هلاک شدند واستکبر هو وجنوده فی الارض بغیر الحق وظنوا انهم الینا لا یرجعون فاخذناه وجنوده
فنبذناهم فی الیم فانظر کیف کان عاقبة الظالمین وجعلناهم ائمة یدعون الی النار ویوم القیامة لا ینصرون
واتبعناهم فی هذه الدنیا لعنة ویوم القیامة هم من المقبوحین ۵ فرعون و لشکرش در زمین استکبار کردند و
ترفع و بزرکی نمودند بناحق خدای جل جلاله که اورا کردن کشی و جباری باشد بحق و کمان بردند که ایشان با ما نخواهند امدن
و مرجع ایشان با ما نخواهد بودن بس او را فرا کرفتیم و لشکرش را بیکبار و در دریا انداختیم ۵ قتاده گفت که ان دریاییست وراء
مصر که انرا اساف کویند فانظر بنکر ای محمد که عاقبة کار ظالمان و کافران بکجا میرسد و جکونه بود وجعلناهم و خواندیم
ایشانرا و نام نهادیم ایمه را که مردم را باتش دوزخ دعوة میکردند و روز قیامت ایشانرا ناصری و یاری نباشد که یاری ایشان
کند واتبعناهم و درعقب ایشان داشتیم لعنتی یعنی بر ایشان لعنت کردیم لعنتی که از ایشان مفارقت نکند روز قیامت ایشان
از جمله زشت رویان و ملعونان باشند ۵ عبدالله عباس گفت رویهای ایشان سیاه کنند و جشمهای ایشان ازرق و انجار
دوزخیان باشد ولقد اتینا موسی الکتاب من بعد ما اهلکنا القرون الاولی بصائر للناس وهدی ورحمة لعلهم یتذکرون
وما کنت بجانب الغربی اذ قضینا الی موسی الامر وما کنت من الشاهدین ولکنا انشانا قرونا فتطاول علیهم العمر
وما کنت ثاویا فی اهل مدین تتلوا علیهم ایاتنا ولکنا کنا مرسلین ۵ ما موسی را کتاب دادیم یعنی توریة بس از انکه
هلاک کردیم کروهان پیشین را کتابی که ایشان را حجتها و برهانها و بینایهای دل ایشان باشد و هدایت و رحمتی مر کسی را
که بوی ایمان اورد تا باشد که اندیشه کنند و بند کیرند انکاه رسول را ص بسبیل تنبیه و تعجب گفت تو بجانب غربی از کوه طور
حاضر نبودی جون ما وحی کردیم و خبر دادیم اورا باوامر و نواهی و عهد کردیم باوی و تو از جمله حاضران نبودی انجا
تا معاینه کردیی و مشاهده دیدیی انچ انجا رفت ولیکن ما انشا کردیم و بیافریدیم بعد از انک وحی کردیم بوی تا زمان
تو کروهانی را و دراز شد بر ایشان عمر منقطع شدن وحی یعنی غایت ان و علم مندرس کشت الکتر اوهستادیم و قصص پیغمبران را
حکایت کردیم بوحی و قصه موسی با تو بازکفتیم وما کنت ثاویا فی اهل مدین و تو مقیم نبودی در میان اهل مدین و شعیب و
و مومنان ان وقت ایات ما بر ایشان بیخواندی بر سبیل تعلم واز ایشان استفادت میکردی ولیکن ما فرستادیم ترا و
از جهت وحی اعلام کردیم تا ایشانرا خبر دهی ۵ وما کنت بجانب الطور اذ نادینا ولکن رحمة من ربک لتنذر
قوما ما اتاهم من نذیر من قبلک لعلهم یتذکرون ولولا ان تصیبهم مصیبة بما قدمت ایدیهم فیقولوا ربنا
لولا ارسلت الینا رسولا فنتبع ایاتک ونکون من المومنین و تو ای محمد بجانب کوه طور نبودی جون ما ندا کردیم موسی
را در شب مناجاة ولیکن ما ترا تعلیم کردیم وازان خبر دادیم ۵ وهب منبه گفت ندا این بود که موسی در مناجات گفت بارخدایا
امت محمد را بمن نمای گفت تو ایشانرا در نیابی واکر خواهی ندا کنم ایشانرا تا جواب دهند و اواز ایشان بشنوی گفت خواهم
خدای بر ندا کرد و گفت یا امت محمد همه از اصلاب پدران و ارحام مادران اواز دادند که لبیک اللهم لبیک ۵ از رسول
خدای روایتست که حق سبحانه و تعالی گفت یا امت محمد ان رحمتی سبقت غضبی ای امت محمد رحمت من سبقت برد بر خشم
شما را بدادم پیش از انک بخواستی و بیامرزیدم پیش از انک استغفار کردی هر کس که با پیش من اید از شما و کواهی دهد که جز
من خدایی نیست و محمد رسول منست او را ببهشت برم ولکن رحمة لیکن ما بتو اموختیم ان اخبار و علوم را تا رحمتی
باشد از خدای تو برای ان تا بترسانی و بیم کنی کروهی را که نیامد بایشان از پیش تو در زمان فترة میان تو و میان عیسی
وان پانصد و پنجاه سال باشد از هیچ پیغمبری یعنی اهل مکه تا باشد که ایشان ذاکر شوند و بند کیرند و اندیشه کنند و اکر

انکه مصیبتی بایشان رسد بانچ دستهای ایشان تقدیم کرده از کناه و سبب آن بس انکاه ایشان کویند و بحجت خود کنند که جرا تو ای بارخدای
ما رسولی نفرستادی تا متابعت ایات تو کردیمی و از جمله مومنان بودیمی اکر نه بهر این بودی ما ترا نفرستادیمی بایشان به پیغمبری ولیکن ترا
فرستادیم تا ایشانرا حجت نماند و عذر منقطع کردد ۵ فلما جاءهم الحق من عندنا قالوا لولا اوتی مثل ما اوتی موسی اولم یکفروا
بما اوتی موسی من قبل قالوا سحران تظاهرا وقالوا انا بکل کافرون قل فاتوا بکتاب من عند الله هو اهدی منهما اتبعه
ان کنتم صادقین فان لم یستجیبوا لک فاعلم انما یتبعون اهواءهم ومن اضل ممن اتبع هویه بغیر هدی من الله ان الله
لا یهدی القوم الظالمین ۵ بس انک بایشان امد حق یعنی محمد صلی الله علیه وآله با معجزات گفتند ایشان جرا محمد را ندادند
از معجزات مانند ان که موسی را دادند از عصا و ید بیضا ای نه ایشان کافر شدند بانچ موسی را دادند پیش ازین یعنی توریة و آیات
و گفتند که ایشان دو ساحرند و دو جادواند که پشت باهم نهاده اند یعنی موسی و هرون ۵ کلبی گفت این مقالت انکه گفتند که جماعتی از
کفار قریش بمدینه امدند و احبار جهودان را پرسیدند از حدیث محمد ایشان گفتند نعت و صفت وی در کتاب ماهست ایشان
بیامدند و اهل مکه را خبر دادند اهل مکه گفتند که ایشان دو جادواند یعنی موسی و محمد و ما بهمه کافریم از توریة و قران و موسی و
محمد قل فاتوا بکوی ای محمد بیارید شما که کفار مکه اید کتابی از نزدیک خدای که ان کتاب راه نماینده تر باشد از توریة و قران
تا من انرا متابعت کنم اکر شما راست میکویید فان لم یستجیبوا لک پس اکر ترا اجابت نکنند و انچ التماس تو است بجای نیارند
بدانک ایشان متابعت هوای خود میکنند و که باشد کمراه تر از انکس که او متابعت هوا کند بی هدایتی و بیانی از خدای و خدای تعالی
هدایت نکند و حکم نکند براه نماید ببهشت و ثواب کسانی را که ایشان ظالمان و ستمکاران باشند ۵ ولقد وصلنا لهم القول
لعلهم یتذکرون الذین اتیناهم الکتاب من قبله هم به یومنون واذا یتلی علیهم قالوا امنا به انه الحق من ربنا
انا کنا من قبله مسلمین اولئک یوتون اجرهم مرتین بما صبروا ویدرءون بالحسنة السیئة ومما رزقناهم ینفقون
واذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه وقالوا لنا اعمالنا ولکم اعمالکم سلام علیکم لا نبتغی الجاهلین ۵ بدرستی که ما پیوسته کردیم برای
ایشان کفتار را و بیانی کردانیدیم وعد و وعید و عبرة و امثال قرانرا تا باشد که ایشان متعظ شوند و بند کیرند انانک ما ایشانرا
کتاب دادیم پیش از محمد ایشان بدو ایمان می اورند یعنی مومنان اهل کتاب و جون بر ایشان خوانند از قران ایتی کویند که ما
ایمان اوردیم باو بدرستی که او حقست از خدای ما و ما پیش ازین مسلمان و کردن نهنده بودیم گفته اند که اینان جهل تن
بودند که با جعفر بن ابی طالب بیامدند از حبشه و هشت از شام بودند همه اهل انجیل اولئک یوتون ایشانرا بدهند مزد
ایشان دو باره یکی برای ایمان ایشان بپیغمبران کذشته و بکتاب ایشان و دوم برای ایمان ایشان بمحمد و بقران بما صبروا بصبری
که ایشان کردند بر رنجی که از جهودان دیدند و باز میدادند و دفع میکنند بنیکویی بدی را بتوبه معصیت را و بسخن نیکو
لغو کافرانرا و ازانچ ما ایشانرا روزی کرده ایم نفقه میکنند و جون بشنوند سخن ناهنجار و بی فایده ازان اعراض کنند و روی
بکردانند و با ایشان خصومت نکنند و کویند عملها ما را و کردار شما را سلام بر شما باد ما جاهلانرا نمیجوییم و سخن با ایشان
نمیخواهیم ۵ انک لا تهدی من احببت ولکن الله یهدی من یشاء وهو اعلم بالمهتدین وقالوا ان نتبع الهدی
معک نتخطف من ارضنا اولم نمکن لهم حرما امنا یجبی الیه ثمرات کل شیء رزقا من لدنا ولکن اکثرهم لا یعلمون
وکم اهلکنا من قریة بطرت معیشتها فتلک مساکنهم لم تسکن من بعدهم الا قلیلا وکنا نحن الوارثین ۵ حق تعالی
درین ایه باز نمود که جایی که لطف باشد و اسبابی که مقرب بود با نماز و طاعة و الت باشد دو جون قدرت و عقل و تمکین و ازاحة علت
و نصب ادلة و مانند این بر رسول تعلق ندارد جه او بر هیچ ازینها قادر نباشد و بعضی انست که اکرجه مقدور او بود گفته اند که ان کدام است
که مکلف را لطف باشد و مقرب گفت تو این نوع هدایت نتوانی کردن انانکه تو خواهی بلکه این نوع هدایت بخدای تعلق دارد انچ بتو تعلق

دعوت وَاِنَّکَ لَتَهْدِی اِلیٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ و مخالفان باین آیه تمسک کرده‌اند که ابوطالب کافر بود و گفته‌اند که آیه در شان وی آمده است
و در ظاهر این ایشانرا تمسکی نیست الا که مسلم دارند که آیه در حق ابوطالب آمده است در آیه بیش از این نیست که تو این نوع هدایت نتوانی کردن
این نوع هدایت بمن تعلق دارد و گفته است که من هدایت ندادم او را و اگر تسلیم کنند که بمن احببت مراد ابوطالب است دلیل میکند بر ایمان او
زیرا که در این لفظ اثبات محبت رسول ابوطالب را و محبت و موالات کافر روا نیست چنانکه گفت لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّی وَعَدُوَّکُمْ اَوْلِیَاءَ پس لازم
که وی مومن بوده باشد تا مخالفت خدای لازم نیاید رسول را و رسول خدا گفت اَوْثَقُ عُرَی الْاِیمَانِ الْحُبُّ فِی اللّٰهِ وَالْبُغْضُ فِی اللّٰهِ استوار
ترین رکنی از ارکان ایمان دوستی است با دوستان خدای و دشمنی با دشمن خدای ٥ و از زین العابدین علیه روایت است که او گفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِی لَمْ یَجْعَلْ لِلْفَاجِرِ عَلَیَّ یَدًا کَیْلَا یَرْزُقَهُ فِی قَلْبِی مَوَدَّةً فَاِنَّ مَوَدَّةَ الْفُجَّارِ تَجُرُّ اِلَی النَّارِ سپاس مر خدای را که هیچ کافر را
بر من دست نعمت نکرد تا او را در دل من دوستی نباشد که دوستی کافران مردم را بدوزخ برد پس کدام عاقل مسلمان روا دارد که پیغمبر علیه
دوستدار کافر باشد و اخباری که آمده است بر ایمان او از طریق خاصه و عامه متواترات که نتوان شمرد ٥ از محمد باقر علیه روایت است از
پدرش از پدرانش که جبرئیل علیه رسول را گفت اِنَّ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ حَرَّمَ عَلَی النَّارِ صُلْبًا اَنْزَلَکَ وَبَطْنًا حَمَلَکَ وَثَدْیًا اَرْضَعَکَ
و حجرا کفلک حرام کرد خدای بر آتش پشتی که ترا بر داشت و شکمی که ترا برداشت و پستانی که ترا شیر داد و کناری که ترا بپرورد و کفالت
کرد آن پشت که او را حمل کرد عبدالله بود و آن شکم که او را برداشت آمنه بود و آن پستان که او را شیر داد حلیمه بود و کناری که او را بپرورد
و کفالت کرد ابوطالب بود و فاطمه بنت اسد ٥ اصبغ نباته از امیرالمومنین روایت کرد و گفت وَاللّٰهِ مَا عَبَدَ اَبِی وَلَا جَدِّی عَبْدُالْمُطَّلِبِ
وَلَا هَاشِمٌ وَلَا عَبْدُ مَنَافٍ صَنَمًا قَطُّ گفت بخدای که پدرم و جدم و هاشم و عبد مناف هرگز بت نپرستیدند گفتند چه پرستیدند
گفت خدای را پرستیدندی و در نماز روی بکعبه کردندی متمسک بودند بدین ابراهیم و هم از وی روایت کرده‌اند که وی در رحبه نشسته
بود یکی وی را گفت یا امیرالمومنین اَنْتَ بِالْمَکَانِ الَّذِی اَنْزَلَکَ اللّٰهُ وَاَبُوکَ یُعَذَّبُ بِالنَّارِ امیرالمومنین وی را گفت مَهْ فَضَّ اللّٰهُ فَاکَ خاموش
باش که خدای دهنت بشکناد وَالَّذِی بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِیًّا لَوْ شَفَعَ اَبِی فِی کُلِّ مُذْنِبٍ عَلیٰ وَجْهِ الْاَرْضِ لَشَفَّعَهُ اللّٰهُ فِیهِمْ بدان ٢١
خدای که محمد را براستی بخلق فرستاد که اگر پدرم شفاعت کند در جمله گناه کاران روی زمین شفاعت وی قبول کنند اَبِی یُعَذَّبُ بِالنَّارِ
وَابْنُهُ قَسِیمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ ٥ از رضا علیه روایت کرده‌اند از پدرانش که نقش نگین انگشتری ابوطالب این بود رَضِیتُ بِاللّٰهِ رَبًّا
وَبِابْنِ اَخِی مُحَمَّدٍ نَبِیًّا وَبِابْنِی عَلِیٍّ لَهُ وَصِیًّا ٥ و از صادق علیه روایات است که او گفت اولین نمازی جماعت که در اسلام کردند
آن بود که ابوطالب بگذشت رسول را دید که نماز میکرد و علی بر دست راست او ایستاده و جعفر با ابوطالب بود جعفر را گفت
صِلْ جَنَاحَ ابْنِ عَمِّکَ او بیامد و بر دست چپ رسول بایستاد و رسول علیه السلام با ایشان نماز کرد و ابوطالب علیه السلام
این بیتها بگفت و اشعار او دلیلست بر ایمان او اِنَّ عَلِیًّا وَجَعْفَرًا ثِقَتِی عِنْدَ مُلِمِّ الزَّمَانِ وَالْکُرَبِ
وَاللّٰهِ لَا اَخْذُلُ النَّبِیَّ وَلَا یَخْذُلُهُ مِنْ بَنِیَّ ذُو حَسَبِ لَا تَخْذُلَا وَانْصُرَا ابْنَ عَمِّکُمَا اَخِی لِاُمِّی مِنْ بَیْنِهِمْ وَاَبِی
اَلَمْ تَعْلَمُوا اَنَّا وَجَدْنَا مُحَمَّدًا نَبِیًّا کَمُوسیٰ خُطَّ فِی اَوَّلِ الْکُتْبِ وَاَنَّ عَلَیْهِ فِی الْعِبَادِ مَحَبَّةً وَلَا حَیْفَ فِیمَنْ خَصَّهُ اللّٰهُ بِالْحُبِّ
وَقَالَ اَیْضًا قُلْ لِمَنْ کَانَ مِنْ کِنَانَةَ فِی الْعِزِّ وَاَهْلِ النَّدَی وَاَهْلِ الْفَعَالِ قَدْ اَتَاکُمْ مِنَ الْمَلِیکِ رَسُولٌ
فَاقْبَلُوهُ بِصَالِحِ الْاَعْمَالِ وَانْصُرُوا اَحْمَدَ فَاِنَّ مِنَ اللّٰهِ رِدَاءً عَلَیْهِ غَیْرَ مُذَالِ وَقَالَ اَیْضًا
یَا شَاهِدًا بِاللّٰهِ عَلَیَّ فَاشْهَدْ مَنْ ضَلَّ فِی الدِّینِ فَاِنِّی مُهْتَدِی وچون ابوطالب رحمة الله علیه وفات نزدیک آمد وصیت
کرد پسران و اقربای خود را بیاری کردن محمد و گفت اُوصِی بِنَصْرِ النَّبِیِّ الْخَیْرِ مَشْهَدُهُ عَلِیًّا اِبْنِی وَشَیْخَ الْقَوْمِ عَبَّاسَا
وَحَمْزَةَ الْاَسَدَ الْحَامِی حَقِیقَتَهُ وَجَعْفَرًا اَنْ یَذُودُوا دُونَهُ النَّاسَا کُونُوا فِدًی لَکُمُ نَفْسِی وَمَا مَلَکَتْ فِی نَصْرِ اَحْمَدَ دُونَ النَّاسِ اَتْرَاسَا
شبهه در مخالفان آنست که او ایمان پنهان داشت و اظهار نکرد برای آن تا رسول را حمایت تواند کرد بعلت خویشی نه بعلت هم ملتی

چه گرچنین بودی نتوانستی نصرت کردن از غلبه کفار و کشتن ایشان و چون او را وفات رسید جبرئیل آمد و گفت خدای ترا میفرماید
که از مکه برو که ترا در مکه ناصری نیست پس از این ایمان ابوطالب بر معلوم شد از این جهت ایمان او و مراد بهدی در این آیه ایمان نیست
طریق اعانت و اما ثواب بایمان و اما حکم و تسمیه خدای میگوید رسول خود را که تو هدایت نتوانی کرد باین وجه کسی را که دوست
داری لیکن خدای هدایت کند آنرا که خواهد و او عالم تر است و داناتر بآنانکه راه یابند وَقَالُوا اِنْ نَتَّبِعِ الْهُدیٰ مَعَکَ مفسران گفته‌اند که آیه در حق
حارث بن عثمان آمد که او رسول را علیه گفت اگر متابعت دین اسلام کنیم با تو بیم باشد ما را که از زمین ما که مکه است بیرون آیند و ما را
غارت کنند و تاراج کنند که جهانی دشمن تو اند در خلاف دین تو اند حق جواب گفت اَوَلَمْ نُمَکِّنْ لَهُمْ گفت ما ایشان را ممکن کرده‌ایم در حرمی
ایمن که ایشان درین حرم ایمن بودند و گرد بر گرد آن عرب یک یک را میکشتند و غارت میکردند و کس متعرض ایشان نمیشد چون ما ایشانرا
نگاه داشتیم در وقتی که کافر و بت پرست بودند چگونه نگاه نداریم در وقتی که مومن موحد باشند یُجْبیٰ اِلَیْهِ باین حرم می آورند و جمع
میکنند میوه‌های هر چیزی روزی از نزدیک ما و لیکن بیشتر ایشان نمیدانند که آن روزی از خداست و اگر دانستندی سر نپیچیدندی
وَکَمْ اَهْلَکْنَا بسی که هلاک کردیم از شهری که اهل آن شهر بطر گرفته بودند در معیشت و نعمت خویش طاغی و کافر گشته و این تخویفات اهل
مکه را از سر انجام بد فَتِلْکَ پس این مسکنها و جایهای ایشان مسکون نگشت و کسی در آن آرام نگرفت پس از هلاک ایشان الا اندکی بدانکه مسافران
بآنجا رسند و اندکی مقام کنند آنگاه بروند و ما وارثان ایشان بودیم یعنی ایشان هلاک شدند و از ایشان هیچ وارثی نماند ٥
وَمَا کَانَ رَبُّکَ مُهْلِکَ الْقُریٰ حَتّیٰ یَبْعَثَ فِی اُمِّهَا رَسُولًا یَتْلُو عَلَیْهِمْ آیَاتِنَا وَمَا کُنَّا مُهْلِکِی الْقُریٰ اِلَّا وَاَهْلُهَا ظَالِمُونَ
وَمَا اُوتِیتُمْ مِنْ شَیْءٍ فَمَتَاعُ الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا وَزِینَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَیْرٌ وَاَبْقیٰ اَفَلَا تَعْقِلُونَ آنگاه بر طریق اعتذار گفت
خدای تو ای محمد هیچ شهری را از شهرهای ایشان هلاک و خراب نکرداند تا آنکه رسولی فرستاد در معظم‌ترین از شهرها یعنی
مکه که اصل زمین است تا حجت بر ایشان لازم شود آنگاه عذاب فرستد و هلاک کرداند و این آیه دلیلست بر تنزیه خدای از ظلم از
آنجا که ظالمانرا هلاک نمیکند تا آنگاه که حجت بر ایشان تمام کند بفرستادن رسولان یَتْلُو عَلَیْهِمْ میخوانند بر ایشان رسول آیات ما
و ما هیچ اهل شهری را هلاک نکردیم و نکنیم الا که اهل آن شهر ظالمان باشند آنگاه وعظ گفت و زجر کرد از اختیار کردن دنیا
بر آخرت و گفت هر چه شما را داده‌اند از متاع دنیا و زینت و آرایش دنیاست ای بقایی نباشد آنچه نزد یک خدای است بهتر است و باقی‌تر ای عقل
ندارید که فانی بر باقی اختیار میکنید اَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِیهِ کَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا ثُمَّ هُوَ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ
مِنَ الْمُحْضَرِینَ وَیَوْمَ یُنَادِیهِمْ فَیَقُولُ اَیْنَ شُرَکَائِیَ الَّذِینَ کُنْتُمْ تَزْعُمُونَ قَالَ الَّذِینَ حَقَّ عَلَیْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هٰؤُلَاءِ
الَّذِینَ اَغْوَیْنَا اَغْوَیْنَاهُمْ کَمَا غَوَیْنَا تَبَرَّاْنَا اِلَیْکَ مَا کَانُوا اِیَّانَا یَعْبُدُونَ ٥ ای آنکه ما او را وعده نیکو دهیم از ثواب
و بهشت پس او بآن رسد و آنرا بیند او همچون کسی باشد که ما او را برخوردار کردیم بمتاع دنیا پس او در روز قیامت از جمله حاضر
کنندگان باشد برای جزا و حسنات ٥ مجاهد گفت در آیه رسول خدای آمد و ابوجهل محمد کعب گفت در حمزه و علی آمد و ابوجهل
سدی گفت در عمار آمد و ولید مغیره وَیَوْمَ یُنَادِیهِمْ و روزی که ایشانرا ندا کند و گوید کجااند انبازان من آنانکه شما دعوی میکردی
و میگفتی که انبازان خدااند گویند آنان که گفتار و کلمه عذاب بر ایشان واجب گشت بار خدایا اینانرا که ما گمراه کردیم از آنجا گمراه
کردیم که ما گمراه بودیم این سخن روسا و ضلالت گویند تَبَرَّاْنَا اِلَیْکَ ما امروز از ایشان تبرا کردیم و بدرگاه تو آمدیم
ایشان ما را نمی پرستیدند هوای نفس خود را می پرستیدند و بر حسب شهوت ما را طاعت میداشتند اجبار نکردیم ما ایشانرا
باختیار خود کردند ٥ وَقِیلَ ادْعُوا شُرَکَاءَکُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ یَسْتَجِیبُوا لَهُمْ وَرَاَوُا الْعَذَابَ لَوْ اَنَّهُمْ کَانُوا یَهْتَدُونَ وَیَوْمَ
یُنَادِیهِمْ فَیَقُولُ مَاذَا اَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِینَ فَعَمِیَتْ عَلَیْهِمُ الْاَنْبَاءُ یَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا یَتَسَاءَلُونَ روز قیامت کافران و مشرکان را گویند بخوانید
انبازان خود را و خدایان خود را ایشان بخوانند هیچ جواب نشنوند و با ایشان ندهند ایشانرا و ببینند عذاب را معاینه و دوزخ را

انکار که ایشان نتوانستندی و راه یافتندی بوجهی از وجوه تا عذاب از خود دفع کنند و دفع کردندی و لیکن نتوانند و راه نیابند آنگاه ایشانرا تقریع و
توبیخ کنند و از آمدن رسولان و اجابت کردن ایشانرا سوال کنند سوال تقریع وَیَوْمَ یُنَادِیهِمْ و روزی که ندا کند ایشانرا و گوید چه جواب
دادید پیغمبران مرسل را خبرها بر ایشان پوشیده شود یعنی راه حجت نجویند و عذر نتوانند آوردن در آن روز برای آنکه عذری و حجتی
نباشد ایشانرا و حجت خدای را باشد بر ایشان پس ایشان از یکدیگر نپرسند و سوال نکنند برای آنکه ایشان همه متساوی باشند
در آنکه جواب ندارند و عذری نباشد که سازند فَاَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسیٰ اَنْ یَکُونَ مِنَ الْمُفْلِحِینَ وَرَبُّکَ یَخْلُقُ مَا یَشَاءُ وَ
یَخْتَارُ مَا کَانَ لَهُمُ الْخِیَرَةُ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَتَعَالیٰ عَمَّا یُشْرِکُونَ وَرَبُّکَ یَعْلَمُ مَا تُکِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا یُعْلِنُونَ وَهُوَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ
الْحَمْدُ فِی الْاُولیٰ وَالْاٰخِرَةِ وَلَهُ الْحُکْمُ وَاِلَیْهِ تُرْجَعُونَ اما آنکس که توبه کرد و ایمان آورد و عمل صالح کرد شاید که از جمله
ظفریافتگان و رستگاران باشد آنگاه گفت وَرَبُّکَ یَخْلُقُ و خدای تو می آفریند آنچه بخواهد ایشانرا اختیار نیست برای آنکه عالم بمصالح خلقان
خداست و ایشان ندانند که مصلحت در چه چیز است و مفسده در چه چیز است حق تعالی درین آیه خلق و اختیار حوالت بخود کرد و خلق از غیر خود
نفی کرد چه خلق جزو راست چنانکه گفت وَاللّٰهُ خَلَقَکُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ و اختیار را از خلقان نفی کرد بقول مَا کَانَ لَهُمُ الْخِیَرَةُ چنانکه خلاف
این کرد که خلق بحث و بین دیگران هم باشد که گفت لَا خَالِقَ اِلَّا اللّٰهُ و اینجا که اختیار کرد حواله خلق را اختیار داد تا هرکه ایشانرا
باید مقدم و پیشوا کردانند سُبْحَانَ اللّٰهِ خدای پاک و منزه است از آنکه بوی شرک آرند و خدای تو ای محمد میداند آنچه سینه‌های ایشان
از آن باز می پوشند و آنچه ایشانرا آشکارا میکنند یعنی که سر و علانیه نزدیک او یکی است و اوست آن خدای که بجز از او خدای نیست حمد و سپاس
و ثنا او راست درین سرای و در آن سرای انواع نعمت که باید کان کرد و حکم او راست هم در دنیا و هم در آخرت و مرجع و بازگشت جمله خلقان باوست
قُلْ اَرَاَیْتُمْ اِنْ جَعَلَ اللّٰهُ عَلَیْکُمُ اللَّیْلَ سَرْمَدًا اِلیٰ یَوْمِ الْقِیٰمَةِ مَنْ اِلٰهٌ غَیْرُ اللّٰهِ یَاْتِیکُمْ بِضِیَاءٍ اَفَلَا تَسْمَعُونَ قُلْ اَرَاَیْتُمْ اِنْ جَعَلَ اللّٰهُ
عَلَیْکُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا اِلیٰ یَوْمِ الْقِیٰمَةِ مَنْ اِلٰهٌ غَیْرُ اللّٰهِ یَاْتِیکُمْ بِلَیْلٍ تَسْکُنُونَ فِیهِ اَفَلَا تُبْصِرُونَ وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَکُمُ اللَّیْلَ وَ
النَّهَارَ لِتَسْکُنُوا فِیهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ رسول را میفرماید که بگوی این کافرانرا ای می بینید و می شناسید اگر
خدای شب را بر شما همیشه دایم کرداند تا روز قیامت همه جهان شب باشد کیست خدایی بجز خدای عز و جل که روز را روشن آرد بشما تا در
روشنایی تصرف کنید در معاش و طلب روزی خود یعنی هیچکس نباشد که برای ایشان روز روشن آورد ای نمی‌شنوید این ادله را یا
و تفکر و اندیشه نمیکنید آنگاه هم برین طریق دلیل دیگر فرمود و گفت بگوی ایشانرا که می دانید شما اگر خدای روز را بر شما دایم و سرمد
و همیشه کرداند هیچکس هست جز خدای که شما را شبی آرد که در آن شب ساکن شوید و آرام گیرید هیچ نمی بینید و نمی شناسید که این همه نعمتها
از وی بر شما از رحمت و کرم و فضل اوست نه باستحقاق سابقه که شما را بوده است آنگاه گفت و از جمله رحمت وی بر شما آنست که برای شما شب و
روز آفریده است تا در شب آرام گیرید و بآسایش مشغول شوید و در روز طلب فضل او و نعمت او کنید و تا باشد که شما شکر نعمت وی کنید
در دنیا شب آفرید و روز برای آنکه دنیا سرای محنت و رنج است تا چون کلفت و مشقت در روز بکشند در شب از آن رنج جهت آسایش و راحتی
یابند و در آخرت شب نباشد برای آنکه آن سرای رنج نیست تا بآسایش شب محتاج باشند ٥ وَیَوْمَ یُنَادِیهِمْ فَیَقُولُ اَیْنَ شُرَکَائِیَ
الَّذِینَ کُنْتُمْ تَزْعُمُونَ وَنَزَعْنَا مِنْ کُلِّ اُمَّةٍ شَهِیدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَکُمْ فَعَلِمُوا اَنَّ الْحَقَّ لِلّٰهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا کَانُوا یَفْتَرُونَ
و در روز که ندا کنند ایشانرا و خدای گوید که کجااند انبازان من آنانکه شما دعوی کردید که انبازان منند حق سبحانه و تعالی این
آیه را مکرر کرد تا اعلام کند که شرک جمع کننده ترین چیزهاست مر خشم خدای را چنانکه توحید جمع کننده ترین چیزهاست مر رضای
خدای را آنگاه گفت وَنَزَعْنَا و ما بیرون آوردیم از هر گروهی گواهی و از هر امتی پیغمبری که برای ایشان گواهی دهند بدانچه کرده باشند و گفته‌اند
که ایشان گواهان عدل آخرت‌اند که هیچ زمان از ایشان خالی نباشد فَقُلْنَا پس گفتیم مر این امتانرا که بیارید حجت و برهان خود
و آنچه بوده و برآنچه رفته پس آنگاه که ایشانرا بیانی نباشد و برهانی بیقین بدانند که حق خدای راست و رسول او و گم شود از ایشان آنچه

افترا کرده باشند و بدروغ نام خدای بر آن نهاده از بتان ٥ اِنَّ قَارُونَ کَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسیٰ فَبَغیٰ عَلَیْهِمْ وَآتَیْنَاهُ مِنَ الْکُنُوزِ مَا اِنَّ
مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ اُولِی الْقُوَّةِ اِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ اِنَّ اللّٰهَ لَا یُحِبُّ الْفَرِحِینَ وَابْتَغِ فِیمَا آتَاکَ اللّٰهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ
لَا تَنْسَ نَصِیبَکَ مِنَ الدُّنْیَا وَاَحْسِنْ کَمَا اَحْسَنَ اللّٰهُ اِلَیْکَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِی الْاَرْضِ اِنَّ اللّٰهَ لَا یُحِبُّ الْمُفْسِدِینَ ٥ حق تعالی
قصه قارون میکند میگوید که قارون از قوم موسی بود بر قوم موسی بغی و ستم کرد مفسران گفته‌اند که قارون پسر عم موسی بود برای آنکه او قارون
بن یصهر بن قاهث بن لاوی بن یعقوب بود قتاده گفت او را منور خواندند و موسی پسر عمران بن قاهث بود قتاده گفت که او را منور
خواندندی از نیکویی صورت او و توریة نیکو خواندی اما منافق بود بکثرة مال و فرزندان بر ایشان ظلم کردی و تکبر نمودی و گفته‌اند که وی خازن
موسی بود وَآتَیْنَاهُ ما او را دادیم از گنجها چندانی که کلید آن گنجها خداوندان قوت را گران بار کردی و پشت ایشان دوتا کردی از گرانی بار
و گفته‌اند مراد بمفاتح خزاین است عصبه از ده تا پانزده باشد ٥ قتاده گفت از ده تا چهل ابن عباس گفت از سه تا ده خیثمه گفت در انجیل
که کلیدهای گنجهای قارون بر پشت استر نهادندی و هرکجا رفتی با خود ببردی قَالَ لَهُ چون گفتند او را که قوم او که ای قارون شاد مباش بمال
گنجها و تکبر مکن که خدای متکبران را دوست ندارد و بطر و غره مباش بنعمت و بنا گو شکوری وَابْتَغِ و بجوی در آنچه خدای ترا داده است
از مال و نعمت برای آخرت را و ثواب آنرا بهره خود از دنیا فراموش مکن و آنچه ترا کفاف برداری مجاهد گفت نصیب مکن در طاعت تا ترا بهره
و آخرت امیرالمومنین علیه روایت که گفت نصیب خود فراموش مکن از تندرستی و قوت و جوانی و نشاط و توانگری که بدین آلات طلب آخرت
کنی وَاَحْسِنْ نیکویی کن با خلقان چنانکه خدای با تو نیکویی کرد و طلب فساد مکن در دنیا که خدای مفسدانرا دوست ندارد ٥ قَالَ
اِنَّمَا اُوتِیتُهُ عَلیٰ عِلْمٍ عِنْدِی اَوَلَمْ یَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ قَدْ اَهْلَکَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ اَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَاَکْثَرُ جَمْعًا وَلَا یُسْاَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ
الْمُجْرِمُونَ فَخَرَجَ عَلیٰ قَوْمِهِ فِی زِینَتِهِ قَالَ الَّذِینَ یُرِیدُونَ الْحَیٰوةَ الدُّنْیَا یَا لَیْتَ لَنَا مِثْلَ مَا اُوتِیَ قَارُونُ اِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِیمٍ ٥
قارون گفت این مال که مرا داده‌اند بر علمی داده‌اند که مراست و این علم مرا خدای داده و بآن علم بر شما تفضیل نهاد گفته‌اند که این علم کیمیا بود
سعید بن مسیب گفت موسی علم کیمیا دانست ثلثی از آن یوشع بن نون را بیاموخت و ثلثی کالب بن یوفنا را بیاموخت و ثلثی قارون را هر یک
در صنعت ناتمام بودند قارون ایشانرا بفریفت و آن دو ثلث از ایشان بیاموخت چون این صنعت او را تمام شد از آن مالی عظیم حاصل کرد
بعضی گفته‌اند که خواهر خود را بیاموخت و خواهر شو را بیاموخت و گفته‌اند که مراد باین علم علم تجارت و وجوه مکاسب است و گفته‌اند علی علم
عندی یعنی این مال که مرا دادند باستحقاق دادند و بعلم دادند که من بدان از دیگران فاضلترم و اعلم ترین بنی اسرائیل بود بتورات
قارون ندانست و در علم او بود و توریة بخواند که خدای هلاک کرد پیش از وی قومی را که از وی بقوة محکمتر بودند و بمال بیشتر و این بر سبیل
تهدید و وعیدست وَلَا یُسْاَلُ و نپرسند گناه کافرانرا یعنی کافرانرا از گناه ایشان بل که بی حساب ایشانرا بدوزخ برند مجاهد گفت برای آن
نپرسند که ایشانرا بسیمای ایشان شناسند فَخَرَجَ بیرون آمد قارون بر قوم خود بزینتی که او را بود ابن زید گفت چون بیرون آمد در هفتاد هزار سوار بیرون آمد
با سازهای معصفری و ارغوانی با سیصد کنیزک با جامها و حلها بر استران اشهب نشسته قَالَ الَّذِینَ چون آن حال بدیدند گفتند کسانی
که رغبت در دنیا داشتندی ای کاش ما را نیز بودی مثل آنچه قارون را داده‌اند که او خداوند بهره تمامست از مال دنیا وَقَالَ
الَّذِینَ اُوتُوا الْعِلْمَ وَیْلَکُمْ ثَوَابُ اللّٰهِ خَیْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا یُلَقَّاهَا اِلَّا الصَّابِرُونَ فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْاَرْضَ فَمَا کَانَ لَهُ مِنْ
فِئَةٍ یَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَمَا کَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِینَ آنانکه ایشانرا علم دادند بجواب ایشان که طالبان دنیا بودند گفتند ویلکم وای
بر شما ثواب خدای بهتر و نیکوتر کسی را که ایمان آرد و عمل صالح کند از آنچه قارون جمع کرده است و تلقین نکنند و پیش باز نبرند این کلمه وصیت
که عمل کنند مگر صابرانرا فَخَسَفْنَا بِهِ ما بزمین فرو بردیم قارون را و سرای او را و سبب آن بود که موسی علیه دریا را قطع کرد و فرعون و قومش هلاک
شدند موسی ریاست و ولایت مذبح و قربان بهرون داد هر که قربانی بودی بهرون دادی تا هرون بر مذبح نهادی آتش بیامدی و آن
قربان را بسوختی قارون را حسد آمد گفت ای موسی نبوت تراست و ریاست برادرت را و مرا از این نصیبی نیست موسی گفت این در دست من نیست تعلق

انرا دهد که خواهد قارون گفت من ترا باور ندارم تا ایتی نمایی موسی گفت شاید دو سا و بنی اسرائیل را جمع کرد و گفت هر یکی عصای خود
بنهید مهجان کردند و قارون و هرون نیز عصای خود انجا بنهادند موسی علیه گفت امشب بگذارید و فردا بنگرید تا فضیلت کرا باشد در عصاهای خود
مهجان کردند روزی دیگر نگاه کردند عصای هر یکی بر حالت خود بود و عصای هرون بر کرده بود و بار داشت [illegible]
جل کشید سار افضل هرون معلوم بود معلوم تر گشت قارون گفت این اسم ازان سحرهاست که تو میکنی انگاه برخاست و ان موسی جدا
شد موسی ع اتباع او را می رنجانید و موسی علیه تحمل میکرد برای قرابتی که میان ایشان بود و او هر روز موسی را دشمن تر بود
وهر روز خانه سرایی ساخت بود و ان سرای از زر کرده و دیوار ان و صحنهای زر کرد بنی اسرائیل پیش او میرفتند و او مردم را بامداد و
شبانگاه طعام دادی چون طعام بخوردندی با یکدیگر حدیث کردندی و مضاحک کردندی چون خدای ع زکوة واجب کرد موسی ع قارون
را گفت خدای ع زکوة واجب کرده است از مال زکوة می باید داد گفت اینک تو میگویی مبلغهای عظیمت نتوانم دادن خدای ع وحی کرد
موسی قارون هلاک میکند وی اندکی و بسیار ندهد اگر میگوید و میخواهی با وی سامحه بکن موسی گفت من چیزی کمتر از تو بستانم کمتر میکرد
وحی مد تا انگاه که از هزار دینار یکی دینار بده و از هزار درم یکی درم و از هزار گوسفند یکی گوسفند گفت تا اندیشه کنم اندیشه کرد بسیاری برامد گفت
شو انجا کی بسیارات انگاه کس فرستاد و بنی اسرائیل را حاضر کرد و گفت موسی و هرون هر روز ما را بلایی و تکلیفی دیگر می اورند بیامد اندر
از ما مال میخواهند تا ما را درویش کنند در بیچ رای است گفتند تو مهتری بهتر دانی گفت فلان زن نابارسا را بیاوریم و او را مال بدهیم تا او را
موسی آویزد و او را متهم کند بنی اسرائیل چون این بشنیدند بر وی برون ایند تا وی را بکشند یا با نان وی شکسته شود وی را رها کنند انگاه
کس فرستاد و ان زن فاجره را بخواند و گفت ترا هزار دینار بدهیم این کار بکن وی قبول کرد انگاه قارون برخاست و جمع بنی اسرائیل آمد
وانجا موسی علیه خلق را وعظ میگفت و صحرایی بود و جمع عظیم از بنی اسرائیل حاضر بودند موسی علیه در وعظ گفت و میگفت هر که دزدی کند دستش
باید برید و هر که قذف کند بکناهی احدش بباید زد و هر که زنا کند و زن ندارد صد تازیانه بباید زد و هر که زنا کند و زن دارد سنگسار
باید کرد قارون گفت و اگرچه تو باشی گفت اگرچه من باشم قارون گفت پس بنی اسرائیل دعوی میکنند که تو با فلان زن فاجره زنا کرده موسی علیه
گفت اگر وی گوید بر قول او اعتماد کنیم کس فرستاد و او را حاضر کرد موسی علیه روی بوی اورد گفت ای فلانه قوم من این دعوی میکنند بهمن و من
ترا سوگند میدهم بدان خدای که دریا بشکافت برای بنی اسرائیل و سامرا رها بندو ایشان را غرق کرد که انچه راستست درین حال بگوی آن زن
اندیشه کرد که اگر راست بگویم و از گناه گذشته توبه کنم همانا که خدای بر من رحمت کند گفت واله که تو ازین مبرایی و انانک این میگویند
دروغ میگویند و قارون مرا چیزی داده است تا بر تو دروغ بگویم و ترا بخود متهم کنم موسی علیه روی بر زمین نهاد و گفت اللهم ان کنت
رسولک فاغضب لی بارخدایا اگر من پیغمبر توام بر من خشم گیر جبرئیل امد که خدای ع میگوید که من زمین را در فرمان تو کردم بهر انچه
خواهی در حق او موسی علیه گفت بدانید که خدای تعالی مرا بقارون فرستاده است چنانک بفرعون فرعون طغیان کرد خدای ع وی را هلاک کرد
و قارون باقی شدهم کرا اهل وی است با وی باشد و هر که با من است از وی دور شود همه بجز دو کس همه موسی علیه گفت یا ارض خذیهم
ای زمین بگیر ایشان را ایشان تا بزانو بزمین فرو شدند دیگر بار گفت ای زمین بگیر ایشان را تا میان بزمین فرو شدند دیگر بار گفت یا ارض خذیهم
تا بگردن بزمین فرو شدند درین میان تضرع کردند و فریاد میخواستند و سوگند میدادند بحق رحم و خویشی و موسی علیه سخت خشمناک بود
اجابت نکرد و گفت یا ارض خذیهم ای زمین بگیر ایشان را همه بزمین فرو شدند در ضرب که هفتاد بار از موسی فریاد خواستند خدای ع وحی کرد
بموسی که ای موسی از تو هفتاد بار فریاد خواستند و فریاد شان نرسیدی بجلال و عزت من که اگر یکبار از من فریاد خواستندی فریادشان رسیدمی
چون قارون بزمین فرو شد و تا بقیامت بهر روز بزمین فرو رود بنی اسرائیل گفتند موسی دعا کرد تا قارون هلاک شد تا مال و ملک او را
باشد موسی چون بشنید گفت بارخدایا سال و ملک او همه بزمین فرو بر فذلک قوله فخسفنا به و بداره الارض بزمین فرو بردیم قارون را
و سرای وی را و او را هیچ گروهی نبود و لشکری که یاری وی کنند بدون خدای و از جمله انان نبود که انتقام تواند کشیدن واصبح الذین

تمنوا مکانه بالامس یقولون ویکان الله یبسط الرزق لمن یشاء ویقدر لولا ان من الله علینا لخسف بنا ویکانه لا یفلح الکافرون تلک
الدار الاخرة نجعلها للذین لا یریدون علوا فی الارض ولا فسادا والعاقبة للمتقین ۵ وانجا که تماشای حال قارون میکردند و جاه و
منزلت و مال وی باد و میخواستند چون ان حالت بدیدند و عذاب قارون مشاهده کردند گفتند که ما اکنون بدانستیم که خطا کردیم و منزلت
قارون خواستیم حالت قارون بان ما بدانیم که خدای ع هر کی را که میخواهد روزی فراخ میکند بر کرامت وی نزدیک خدای و کی را که میخواهد
تنگ میکند بر اهانت و حقارت وی نزدیک خدای بر وی گسترده کی میخواهد و تنگ میکند بر انک میخواهد لولا ان من الله علینا
اگر نه اذا نستی که خدای منت نهاد بر ما ما را نیز بزمین فرو بردی چنانک قارون را بزمین برد ویکانه وجه میماند این حالت بان که هیچ
فلاحی و ظفری نخواهد بود کافر را از ثواب خدای و نجاتی از عقاب وی تلک الدار الاخرة ان سرای باز پسین که سرای ثوابست برای آنان
کرده ایم و ساخته که خدای را بشناسند و در زمین فساد نکنند و نخواهند و استکبار و علو نطلبند و بگویند چنانک قارون جست از امیر المومنین
علی علیه روایتست که هر که خواهد تا دوال نعلین وی بهتر بود از دوال نعلین صاحبش او در زیر این آیه داخل بود فضیل چون این آیه بخواند گفت جمله
ارزوها باطل و نیست گشت و عاقبت حمیده و سرانجام پسندیده پرهیزکاران را خواهد بود که از معاصی حذر کنند و بطاعت خدای قیام
نمایند من جاء بالحسنة فله خیر منها ومن جاء بالسیئة فلا یجزی الذین عملوا السیئات الا ما کانوا یعملون ان الذی فرض
علیک القران لرادک الی معاد قل ربی اعلم من جاء بالهدی ومن هو فی ضلال مبین هر که حسنه ارد و نیکویی کند
وی را باشد بهتر ازانک سیئه یعنی ثواب و نعیم بهشت و چگونه بهتر ازان باشد که ان رنج و مشقت او منقطع شد و بهشت با تعظیم و تمجید
ابد الاباد او را حاصل گشت و هر که سیئه ارد و کاری بد جزای او بمقدار او کند که او کرده باشد و مقادیر ثواب و عقاب و جهت استحقاق ان
جز خدای نداند ان الذی فرض علیک القران ۵ عبدالله عباس گفت این آیه نه مکی است نه مدنی بجحفه فرو آمده است میان مکه و مدینه و آن
جنان بود که رسول علیه شب از مکه بیرون امد و بغار رفت و سه روز در غار ببود بیرون امد و براه مدینه نهاد چون بجحفه رسید
بشناخت و اندوهگین شد که مکه بر وی مستولی شد که مولد او و مولد پدران وی بود جبرئیل امد گفت ای محمد خدایت سلام میرساند
و میگوید ترا بمکه اندوهگین می باشی من ترا بمکه برم بافتح و ظفر و اعزاز و اکرام و این آیه اورد بدرستی که ان خدای که بر تو فرض کرده قرآن
یعنی امتثال اوامر و نواهی از آن خدای که فرو فرستاد بتو قرآن فضل فضل و ابیه ترا با جای خود برد و بشهر خود ترا رساند یعنی
مکه ابوصالح و ابو مالک گفتند مراد بمعاد بهشت است قل ربی اعلم بگوی ای محمد که خدای من عالم ترست و او بهتر داند کی را کی او رهنما
باشد و راه راست وارد که او در ضلالت و گمراهی هویدا و روشن باشد ۵ وما کنت ترجوا ان یلقی الیک الکتاب الا رحمة من ربک فلا تکونن
ظهیرا للکافرین ولا یصدنک عن ایات الله بعد اذ انزلت الیک وادع الی ربک ولا تکونن من المشرکین ولا تدع
مع الله الها اخر لا اله الا هو کل شیء هالک الا وجهه له الحکم والیه ترجعون و تو ای محمد امید نداشتی
و در خاطر نبود که این کتاب قرآن بتو القا کنند و بتو وحی فرستند و ترا پیغمبر جهانیان کردانند لیکن برای رحمتی بود از خدای تو که بتو
کتاب فرستاد تا قصص و احوال امم سالفه بر اهل مکه میخوانی و تو ان نادیده و از کسی ناشنیده و در کتابی ناخوانده پس هیچ
تا یار کافران نباشی و یاور ایشان نگردی بدانست که پیغمبر خدای وقتی یار ایشان بود و یا در خاطر او گذشته است تا وی را ازان نهی
کردند چه که نهی درست باشد از فعلی که منهی آن هرگز نکرده باشد و گفته اند اگرچه خطاب برسول راست مراد امه وی اند ولا یصدنک
و نباید تا این کافران ترا بگردانند و مانع شوند از ایات خدای بعد ازانک نازل شد و بر تو فرود امد وادع الی ربک و تو خلقان را
دعوت کن و با خدای خوان و از جمله مشرکان مباش و با خدای جهان خدایی دیگر را مخوان که جز او وی خدایی نیست هر چیزی همه
هلاک خواهد شد و نیست خواهد گردید مگر ذات وی جل جلاله و صادق علیه گفت الا دینه و سا اوید به وجهه مگر ان
طاعتی که برای او کرده باشد شهر حوشب روایت کرد که روز قیامت اعمال خلایق عرضه کنند خدای ع گوید انچه مراست و برای من

کرده اند جدا کنید انگاه بفرماید تا انچه مانده باشد در دوزخ افکنند این کیسان گفت الا ملکه له الحکم حکم او راست و هیچکس را حکم نرسید
که حکم عقلی است بتعقیب اوست در عقول که وی شرعیت بانزال وحی برسول فمن این للناس القیاس و مرجع خلقان و معاد ایشان باوست
جزای هر کس بدانچ کرده باشد بوی رساند سورة العنکبوت مجاهد گفت جمله مکی است قتاده گفت عشر اول مدنی است و باقی
مکی قاتل شصت و نه ایتست و از رسول خدای روایتست که هر که او سورة العنکبوت برخواند خدای ع وی را بعدد هم مومنی و منافقی
که بوده اند و باشند تا بقیامت ده حسنه بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم الم احسب الناس ان یترکوا
ان یقولوا امنا وهم لا یفتنون ولقد فتنا الذین من قبلهم فلیعلمن الله الذین صدقوا ولیعلمن الکاذبین ام حسب الذین
یعملون السیئات ان یسبقونا ساء ما یحکمون من کان یرجوا لقاء الله فان اجل الله لات وهو السمیع العلیم ومن جاهد
فانما یجاهد لنفسه ان الله لغنی عن العالمین قتاده و شعبی گفتند که این آیه در حق گروهی امد که از مکه بیرون امدند تا
هجرت کنند مشرکان از پس ایشان امدند ایشان باز گشتند و بمکه شدند چون این آیه امد ایشان بشنیدند بیرون آمدند و با
مشرکان بر او بخشیدند گروهی را بکشتند و گروهی بجستند و بامدینه شدند و گفتند که در حق عمار یاسر امد چون مشرکان وی را عذاب
کردند بمکه و وی بدان صبر کرد الم منم خدای میدانم احسب الناس چه پندارند مردمان می پندارند که ایشان را رها کنند و بگزارند بانک ایشان
گویند که ما ایمان آوردیم و ایشان را امتحان نکنند و نیازمایند و بتکالیف شاق از مفارقت اوطان و مجاهدت اعداء دین و
اولیاء شیطان بلکه ایشان را امتحان کنند بضروب مکاره تا مومن از منافق و موحد از ملحد ممتاز گردند روایت کرده اند که عباس
پیش علی امد و گفت بیا تا مردم را بتو بیعت کنند امیر المومنین گفت چگونه می بینی مردم را بیعت کنند یا نه گفت کنند امیر المومنین گفت پس
کجا شد قول خدای ع الم احسب الناس ان یترکوا الایات ولقد فتنا الذین من قبلهم بحقیقت که ما بیازمودیم کسانی را که پیش از
ایشان بودند از امتان گذشته بفرایض و شداید و بلیات تا در حدیث امده است که بیش از شما کس بوده است که اره بر سر وی نهاده
اند و بدو فرو می بریدند ان بحث او را از دین برنگردانیدند و کس بوده که بشانهای اهنین گوشت و پوست از استخوانهاشان بر میکندند
تا از دین برگردد برنگشت و چون امتحان کنند برای ان کنند تا چیزی که ندانند بدانند بر سبیل مناسبت و مجاز گفت تا بدانند
خدای انان را که صادقند و راست گویی و انان را که دروغ زنانند و حقیقت آن بر خدای روا نباشد گفته اند که مراد ایست که این برای ان
تا جزا بران دهد که کرده اند زیرا که خواسته کرد ام حسب الذین یا میپندارند انانک سیئات و معاصی میکنند که بر ما سبقت گیرند
و از عذاب ما در گذرند بد حکمی است که میکنند و غلط کاری است که می برند انگاه گفت من کان یرجوا هر کس که امید میدارد ثواب
خدای را یا می ترسد از عذاب وی باید که عمل صالح کند تا بثواب خدای برسد و از معاصی اجتناب کند تا بعذاب وی مبتلا نگردد
که اجل خدای یعنی مرگ و رسیدن بثواب و عقاب امدنی است و اینجا هرایند برسد و اوست خدای که شنوا و داناست هر کس را که دهد
خود جزا دهد انگاه گفت و هر که مجاهده کند با نفس و شیطان و اعدای دین از جهاد برای خود کرده باشد نفع ان با وی راجع بار و ع
ان وی را باشد که خدای جهانیان از طاعات بندگان مستغنی و بی نیازست والذین امنوا وعملوا الصالحات لنکفرن
عنهم سیاتهم ولنجزینهم احسن الذی کانوا یعملون ووصینا الانسان بوالدیه حسنا وان جاهداک لتشرک بی ما
لیس لک به علم فلا تطعهما الی مرجعکم فانبئکم بما کنتم تعملون والذین امنوا وعملوا الصالحات لندخلنهم فی
الصالحین و انان که ایمان ارند و عمل صالح کنند ما سیات و معصیت ایشان را مکفر کردانیم و از ایشان محو کنیم تا چنان باشد
که گویی ایشان هیچ بدی نکرده باشند و ما ایشان را بفضل و کرم خود کنیم که خط عفو در جریده اعمال ایشان کشیم و جزا و پاداش
دهیم ایشان را بنیکوترین انچه ایشان کرده باشند تا در ین فضل ما و عدل ما اشکارا گردد انگاه گفت ما وصیت کردیم ادمی را در حق

وبدر شر بنیکویی و وصیت از خدای امر باشد یا نهی ولان جاهداک واگر با تو مجاهده کنند و سختی نمایند بران تا بمن شرک اری و باس
انباز گیری چیزی که اگر ترا بان علم حاصل باشد و از نادانی برای انکه ان خود نباشد یعنی انباز من ایشان را یعنی مادر و پدر را اطاعت
مدار و فرمان مبر خطابست با مخاطبی مبهم و گفته اند در سعد بن وقاص امد که چون او اسلام اورد مادرش ام جمیل بنت ابی
سفیان بن امیه او را گفت ای سعد صابی شدی بخدایی که هیچ سر را سایه نکند از افتاب و باد یعنی در هیچ سایه ننشینم و طعام و شراب
نخورم تا انگاه که محمد کافر شوی سعد گفت نشوم مدت سه روز مادرش هیچ نخورد مردم او را ملامت کردند که مادرت هلاک
خواهد شد سعد بیامد و رسول را خبر کرد و رسول گفت برو و با وی بهمه چیزی بیان و رضای او نگاه دار مگر در دین یک چیز که رضای
خدای نگاه باید داشت و رضای مادر در ان رها باید کرد انگاه بر سبیل تهدید گفت الی مرجعکم باز گشت شما با منست شما را خبر دهم
بانچ کرده باشید یعنی جزا دهم شما را بکرده شما و انها که ایمان اوردند و عمل صالح کنند ما ایشان را در میان صالحان ادریم در دنیا از صالحان
باشند و در اخرت در بهشت با صالحان باشند از انبیا و اولیا و شهدا ومن الناس من یقول امنا بالله فاذا اوذی فی الله جعل فتنة
الناس کعذاب الله ولئن جاء نصر من ربک لیقولن انا کنا معکم اولیس الله باعلم بما فی صدور العالمین ولیعلمن الله الذین
امنوا ولیعلمن المنافقین ۵ حق ع درین آیه وصف منافقان کرده است که ایشان باندک رنجی که بایشان رسد در دین از دین
بر گردند میگوید که از جمله مردمان گروهی است که میگویند که ما ایمان اوردیم بخدای و این بزبان میگویند نه بدل برای انکه چون او را
در راه خدای و دین او رنجانند فتنه و رنج مردمان را چون عذاب خدای کند و چنانک عذاب خدای از کفر و معصیت باز دارد
مومنان را عذاب مردم یعنی عذاب کافران وی را از ایمان باز میکرداند با خود عذاب مردم چون عذاب خدای میدانند غیدانند
که در جنب عذاب خدای هیچ نباشد و اگر بتو اید از خدای نصرتی و ظفری گویند که ما با شما بودیم در کارزار ما را بجهدان نصیب باشد
از غنیمت که شما راهست انگاه خدای ع گفت اینجاست که کو طاریشان است و گفتار ایشان این میدانند خدای عالمترست و داناتر بدانچ در
سینه عالمیانست انچ ایشان در دل دارند از نفاق ایشان را می شناسد و میداند انگاه گفت و هر اینه خدای میداند مومنان را و می شناسد
منافقان را مومن و منافق بر وی پوشیده نیست از ابن عباس روایتست که این آیه در حق گروهی امد که مومنان ایشان را با خود بغزای
بدر برده بودند چون ان قتل و سختی بدیدند مرتد شدند و ایشان انان بودند که در حق ایشان امد الذین توفیهم
الملائکة ظالمی انفسهم ۵ وقال الذین کفروا للذین امنوا اتبعوا سبیلنا ولنحمل خطایاکم وما هم بحاملین من
خطایاهم من شیء انهم لکاذبون ولیحملن اثقالهم واثقالا مع اثقالهم ولیسالن یوم القیمة عما کانوا
یفترون ۵ حق ع حکایت میکند ازانچ کافران با مومنان گفتند میگوید که گفتند انان که کافر شدند مر انان را که مومنان
باشند بیایید و راه ما گیرید و متابعت ما کنید تا ما گناه شما برداریم و عقوبت شما بکشیم حق ع تکذیب ایشان کرد و گفت
دروغ میگویند از گناههای ایشان هیچ بر ندارند انگاه گفت ولیحملن اثقالهم ایشان گناههای خود بر گیرند و بارهای
گران با بار گران گناه خویش یعنی عقوبت گناه خویش و مثل عقوبت گناه کسانی که ایشان را اضلال کرده باشند و بی راه کرده اند
لقوله علیه من سن سنة سیئة فله وزرها ووزر من عمل بها الی یوم القیمة من غیر ان ینقص من وزره شیء ومن سن
سنة حسنة فله اجرها واجر من عمل بها الی یوم القیمة من غیر ان ینقص من اجره شیء و خدای ع در ایتی دیگر گفت
لیحملوا اوزارهم کاملة یوم القیمة ومن اوزار الذین یضلونهم بغیر علم الا ساء ما یزرون ۵ و حسن بصری از رسول
روایت کرد که او گفت ایما داع دعا الی هدی فاتبع علیه و عمل به فله مثل اجور الذین اتبعوه لا ینقص ذلک من اجورهم
شیء و ایما داع دعا الی ضلالة فاتبع علیها و عمل بها فعلیه مثل اوزار الذین اتبعوه لا ینقص ذلک من اوزارهم شیء هر
داعی که دعوت با راه راست کند و او را متابعت کنند او را باشد مانند مزد انانک ان عمل کرده باشند بی انک از مزد ایشان چیزی
بکاهند

وهر داعی که دعوة کند با ضلالت واو را بران متابعت کنند وبدان عمل کنند هر بوح مانند کناه ایشان وازان هیچ نکاهند ویرسند از ایشان
الی اخر افترا کردند وبدروغی که برخدای ورسول نهادند   ولقد ارسلنا نوحا الی قومه فلبث فیهم الف سنة الا خمسین عاما فاخذ
هم الطوفان وهم ظالمون فانجیناه واصحاب السفینة وجعلناها آیة للعالمین وابراهیم اذ قال لقومه اعبدوا الله
واتقوه ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون انما تعبدون من دون الله اوثانا وتخلقون افکا ان الذین تعبدون من دون الله
لا یملکون لکم رزقا فابتغوا عند الله الرزق واعبدوه واشکروا له الیه ترجعون ۵ عبدالله عباس گفت خدای نوح را بفرستاد
واو چهل ساله بود هزار سال کم پنجاه سال پیش از طوفان دعوة کرد واز پس طوفان چندان بماند که مردم از تناکح وتناسل بسیار شدند
وشیخ ابوجعفر بابویه در کتاب النبوة اورده است که نوح دو هزار سال و پانصد سال عمر داشت چون وقت وفاتش رسید ملک الموت ویرا گفت
یا شیخ الانبیا کیف وجدت الدنیا چگونه یافتی دنیا را گفت چون خانه که ویرا دو در باشد بیکدر در امدم وبدیگر در بیرون شدم میگوید
ما نوح را بقوم او فرستادیم برسالت واو درمیان ایشان هزار سال کم پنجاه سال مقام کرد وپیغام گزارد چون قبول نکردند ایشان را طوفان
بگرفت وهمه هلاک شدند وحال انکه ایشان ظالمان وکافران بودند وما برهانیدیم نوح را واصحاب کشتی را که باوی در کشتی بودند وان را ایتی
وعلامتی کردانیدیم برای عالمیان تا ایشان بدان اعتبار کنند وبنزدیک طوفان فتنه اخر زمان در کشتی نجاة اهل بیت نشینند وابرهیم
را نیز بفرستادیم در وقتی که ابرهیم بمقامی رسید که قوم خود را وعظ توانست گفت و با ایمان دعوت توانست کرد قوم خود را گفت ای قوم خدا را
بپرستید واز خدای بترسید که این شما را بهترست اگر شما چیزی میدانید و نیک از بد تمییز می توانید کرد بدرستی که شما بدون خدای می پرستید
بتان را ودروغ فراهم می بافید بانکه بتان را خدای میخوانید وشرکا وشفعا میکوئید انان را که شما می پرستید بدون خدای ایشان مالک روزی
شما نیستند وشما را روزی نتوانند داد روزی از خدای جوئید وخدای را پرستید وبر نعمتهای خدای شکر کوئید که مرجع وباز گشت شما با
وی خواهد بود وان تکذبوا فقد کذب امم من قبلکم وما علی الرسول الا البلاغ المبین اولم یروا کیف یبدئ الله الخلق
ثم یعیده ان ذلک علی الله یسیر قل سیروا فی الارض فانظروا کیف بدأ الخلق ثم الله ینشئ النشأة الاخرة ان الله علی کل
شیء قدیر یعذب من یشاء ویرحم من یشاء والیه تقلبون ۵ واکر ای کافران شما بدروغ نسبت دهید مرا شما را ضرری
نتواند رسانیدن تکذیب که پیش از شما امتان کذشته پیغمبران خود را تکذیب کرده اند وبدروغ داشته اند وبر پیغمبر جز رسانیدن
رسالت نباشد ای نمی بینند ایشان که خدای چگونه ابتدا کرد خلقان را پس اعادة کند و باز افریند ایشان را چنانکه بار اول
بیافرید واین برخدای آسانست انکاه گفت بگوی مرین مشرکان ومتکبران را که بروید در زمین واندیشه کنید تا خدای چگونه ابتدا کرد خلقان
یعنی در دیار واثار امتان کذشته نظر کنید تا بدانید که ایشان چه مردمان بوده اند وچه قوت وشوکت داشتند من ایشان را بیافریدم و انکاه
هلاک کردم تا بدانید که از کسی ابتدا بر وی متعذر نباشد ثم الله پس خدای باز افریند افریدنی دیگر بدرستی که بر همه چیزی قادر وتواناست عذاب کند
انرا که خواهد از مستحقان عذاب وانرا که خواهد رحمت کند وبخشاید وازهر گناه وی درگذرد چه او راهست که او عقوبت کند واو راهست که
عفو کند چه عقاب حق اوست وقبض واستیفاش بدوست ودر استیفاش تعلق دارد ودر اسقاطش اسقاط حق غیری نیست با یکه
اسقاطش نیکو بود چون وام که اسقاط کردن پسندیده است ومحمود ۵ وما انتم بمعجزین فی الارض ولا فی السماء وما لکم من دون الله
من ولی ولا نصیر والذین کفروا بایات الله ولقائه اولئک یئسوا من رحمتی واولئک لهم عذاب الیم ۵ وشما خدای را عاجز
نتوانید کردن نه در زمین ونه در اسمان یعنی هر زمین شما را عذاب فرستد ازوی نتوانید گریخت واکر در اسمان باشید هم از قبضه قدرت او نتوانید
جست وشاید که معنی این بود که بر امر وی در اسمان ودر زمین سبقت نتوانید گرفت یعنی بلایی که از اسمان فرستد ومصیبتی وعذابی که از زمین
پدید آرد فرا گرفت معنی است که نه شما خدای را در زمین عاجز توانید کرد ونه انانکه در اسمان اند ویرا عاجز توانند کرد وچون بلای وی
بر سد شما را بدون خدای هیچ یاری وناصری نباشد والذین کفروا انانکه کافر شدند بخدای وبایات وی وجزای وی ملکوفان را جول

بآخرت

بآخرة ورسید ایشان الذی که از رحمت من که خدا ام نا امید نکردند وایشانند که ایشان را بود عذابی دردناک پنج باید که از رحمت خدای نا امید نباشد
وان عذاب خدای ایمن نباشد ودایما میان خوف ورجا باشد تا از اهل این ایه نباشد که لا ییأس من روح الله الا القوم الکافرون ۵
فما کان جواب قومه الا ان قالوا اقتلوه او حرقوه فانجاه الله من النار ان فی ذلک لایات لقوم یؤمنون وقال انما اتخذتم
من دون الله اوثانا مودة بینکم فی الحیوة الدنیا ثم یوم القیامة یکفر بعضکم ببعض ویلعن بعضکم بعضا ومأواکم
النار وما لکم من ناصرین ۵ نبود قوم او را جوابی الا انکه کفتند ابرهیم را بکشید یا باتش بسوزید اخ کفتند بکردند واسبابها
ان بساختند خدای تعالی او را نکاه داشت وازان اتش برهانید واتش را بر وی سرد و با سلامت کردانید تا اتش ویرا نسوخت مکر بندی که بر وی
نهاده بودند بدرستی که درین ایات ودلایل هست قومی را که ایمان ارند وبخدای بکروند وقال وکفت ابرهیم علیه السلام ایشان را که شما بدون خدای
بتانی کرفته اید که بر عبادة ایشان بایکدیکر دوستی میکنید وایشان را سبب دوستی یکدیکر ساخته اید اری این دوستی شما در دنیا باشد
روز قیامة از یکدیکر تبرا کنید وبعضی بعضی کافر شوید ویکدیکر را لعنت کنید وجای ومسکن شما دوزخ باشد وشما را یاری وناصری نباشد
فامن له لوط وقال انی مهاجر الی ربی انه هو العزیز الحکیم ووهبنا له اسحق ویعقوب وجعلنا فی ذریته النبوة والکتاب
واتیناه اجره فی الدنیا وانه فی الاخرة لمن الصالحین ۵ ایمان اورد وتصدیق کرد ابرهیم پیغمبر را لوط واو خواهرزاده ابرهیم بود
واولین کسی که او را تصدیق کرد او بود چون دید که اتش بر وی سرد وبا سلامت کشت وگفت یعنی ابرهیم علیه السلام من هجرة خواهم کرد با جایی که مرا
فرموده است وهجرة ان سواد کوفه بود تا حران از زمین شام وان حران بفلسطین ولوط باوی بود وزن وی ساره واو در ان وقت
هفتاد وپنج ساله بود انه بدرستی که او خدای است غالب که او را هیچکس غلبه نتواند کرد حکیم است انچ کند وفرماید بر وجه حکمة
وصواب باشد ووهبنا له وما بدادیم ابرهیم را اسحق فرزند وی واز اسحق یعقوب فرزند وی ونهادیم در فرزندان وی پیغمبری
وکتاب چه جمله پیغمبران بنی اسرائیل از اسحق بودند وبدادیم او را مزد او در دنیا یعنی ثنا ونیکویی وفرزندان صالح جبائی کفت اخ خدای
فرموده است مکلفان را از تعظیم انبیا ونشاید که خدای تعالی مکلفان را در دنیا ثواب اعمال ایشان دهد برای انکه حق ثواب انست که خالص باشد
از شوایب ودر سرای تکلیف این نبود ودیکر انکه ثواب نفعی عظیم است که بلا ان نفعی دیکر نبود اگر در دنیا این نفع دهد مکلفان را همه
ملجا شوند وتکلیف نبود ومراد بکتاب توریة است وانجیل وزبور وفرقان وانه بدرستی که او در اخرة از جمله صالحان باشد
ولوطا اذ قال لقومه انکم لتأتون الفاحشة ما سبقکم بها من احد من العالمین ائنکم لتأتون الرجال وتقطعون
السبیل وتأتون فی نادیکم المنکر فما کان جواب قومه الا ان قالوا ائتنا بعذاب الله ان کنت من الصادقین قال
رب انصرنی علی القوم المفسدین ۵ ولوط را فرستادیم بنبوة وپیغمبری چون کفت قوم خود را که شما کاری میکنید زشت وناشایست
که کسی بدان سبقت نکرده است وازجمله عالمیان هیچکس پیش از شما ان کار نکرده است انکاه تفسیر فاحشه کرد وکفت ای شما بمردان می ایید
وبا ایشان خلوة می سازید چنانک بازنان سازند وراه می زنید ومالهای ایشان می برید ودر انجمن خود کار منکر میکنید ۵
ام هانی بنت ابی طالب کفت رسول را پرسیدم که ان منکر چه بود که ایشان می کردند کفت بر راهها بنشستندی وسنگ بر مردمان انداختندی
وبر ایشان افسوس کردندی قاسم بن محمد کفت بر یکدیکر تیز دادندی مجاهد کفت در حضور یکدیکر با غلامان لواطه کردندی مکحول کفت
ده خصلت که در قوم لوط بود در این امت هست کندر خاییدن وانکشت شکستن وازار بای کشادن وسر انکشتان خابستن وسیلی زدن
وکمان کروهه انداختن وسنگ انداختن ولواطه کردن وبر یکدیکر ضراط کردن وصفیر زدن فما کان نبود جواب قوم او مکر این که کفتند
عذاب خدای بیار اکر تو از جمله راستکویانی لوط کفت بار خدایا مرا نصرة ده برین جماعت مفسدان ۵ ولما جاءت رسلنا ابرهیم
بالبشری قالوا انا مهلکوا اهل هذه القریة ان اهلها کانوا ظالمین قال ان فیها لوطا قالوا نحن اعلم بمن فیها لننجینه
واهله الا امرأته کانت من الغابرین ۵ وچون امدند رسولان ما یعنی جبرئیل ومیکائیل بابرهیم علیه السلام بابشارت ومژده

باسحق ویعقوب قالوا کفتند ان رسولان که ما اهل این شهر را هلاک خواهیم کرد برای انکه ایشان ظالمان وستمکارانند چون رسولان
این سخن بکفتند ابرهیم کفت لوط در میان ایشانست که شما هلاک خواهید کرد کفتند که ما عالمتریم بانکه در انجا کیست ما او را واهل او را برهانیم واز هلاک نجات دهیم مکر زن او که
او از جمله ماندکانست در عذاب خدای ولما ان جاءت رسلنا لوطا سیء بهم وضاق بهم ذرعا وقالوا لا تخف ولا تحزن انا منجوک و
اهلک الا امرأتک کانت من الغابرین انا منزلون علی اهل هذه القریة رجزا من السماء بما کانوا یفسقون ولقد
ترکنا منها آیة بینة لقوم یعقلون ان رسولان چون ابرهیم را بفرزند بشارت دادند واز هلاک کردن قوم لوط خبر کردند واز پیش او بیامدند و
بشهر لوط رسیدند وبنزدیک لوط امدند چون لوط ایشان را بدید بسبب ایشان دلتنگ شد برای انکه بر صورت امردان بودند وخبث فعل قوم
می شناخت وکفتند که سبب دلتنگی او ان بود که ایشان کفتند ما بهلاک ایشان امده ایم واو درمیان ایشان بود وامت او ومومنان ایشان دیگر
کفتند که مترس واندوه مبر که ما ترا واهل ترا برهانیم مکر زنت را که او از جمله انانست که در عذاب ماند انا منزلون ما باهل این شهر عذابی فرود ایم
بان فسقی که ایشان میکنند وان عذاب سنگ بود که از اسمان بر ایشان بباریدیم ولقد ترکنا اثر ان شهر علامتی وعبرتی روشن ودلالتی واضح از اثار ومنازل
ایشان وآب سیاه که از زمین ایشان برامد مر قومی را که ایشان دریابند وعقل را استعمال کنند والی مدین اخاهم شعیبا فقال یا قوم اعبدوا الله
وارجوا الیوم الاخر ولا تعثوا فی الارض مفسدین فکذبوه فاخذتهم الرجفة فاصبحوا فی دارهم جاثمین وعادا
وثمودا وقد تبین لکم من مساکنهم وزین لهم الشیطان اعمالهم فصدهم عن السبیل وکانوا مستبصرین   وبمدین فرستادیم
برادر ایشان شعیب را وایشان را کفت ای قوم خدای را پرستید وکاری کنید که بان امید روز باز پسین باشد یا بترسید از روز باز پسین ودر زمین فساد مکنید
فکذبوه ایشان شعیب را بدروغ داشتند وکفتار وی قبول نکردند تا فرا کرفت ایشان را زلزله سخت بر کشتند ایشان در شهر ومقام خویش بزانو افتاده ومرده
وهلاک کردیم عاد را که قوم هود بودند وثمود را که قوم صالح بودند وشما را ظاهر شد انچه وصف کرده شد از هلاک ایشان از جهت منازل ومساکن ایشان چون نگاه
کنید ان وقت که در کذر شما باشد و بیاراست ابلیس ایشان را اعمال بد ایشان از کفر ومعاصی وبکردانید ایشان را از راه حق با انکه ایشان عاقلان ومستبصران بودند
خلقی که ایشان را از اعمال ناخفاف در نظر نیامدند در عقل وبصیره وقارون وفرعون وهامان ولقد جاءهم موسی بالبینات
فاستکبروا فی الارض وما کانوا سابقین فکلا اخذنا بذنبه فمنهم من ارسلنا علیه حاصبا ومنهم من اخذته الصیحة
ومنهم من خسفنا به الارض ومنهم من اغرقنا وما کان الله لیظلمهم ولکن کانوا انفسهم یظلمون   وهمچنین هلاک کردیم قارون
را وفرعون را وهامان را که موسی بایشان امد بپیغمبری بایات ومعجزات ایشان تکبر کردند در زمین چون ما ایشان را بعذاب بکرفتیم بر ما سبقت نبردند واز عذاب
ما نجستند انکاه بیان کرد که هر قومی را بچه هلاک کردیم وکفت هر یکی از ایشان را بکناه وی بکرفتیم بعضی را از ایشان باد هلاک کردیم بادی که انرا حاصب خوانند وان
بادی باشد سخت که سنگ ریزه اورد وخدای تعالی سنگ بباریدی وایشان قوم لوط بودند بقول عبدالله عباس وازیشان بعضی ان بودند که ایشان را صیحه بکرفت
یعنی اواز وان اواز جبرئیل بود وایشان قوم ثمود بودند قوم صالح واز ایشان کس بود که ما ایشان را بزمین فرو بردیم وان قارون بود وقومش واز ایشان کس بود
که او را غرق کردیم وان فرعون بود واتباعش وقوم نوح انکاه کفت وما کان الله لیظلمهم خدای تعالی برایشان ظلم نکرد برای انکه ایشان مستحق ان بودند
ولیکن بر خود ظلم کردند بکفر وفسق وناسپاسی مثل الذین اتخذوا من دون الله اولیاء کمثل العنکبوت اتخذت بیتا وان اوهن
البیوت لبیت العنکبوت لو کانوا یعلمون ان الله یعلم ما یدعون من دونه من شیء وهو العزیز الحکیم وتلک
الامثال نضربها للناس وما یعقلها الا العالمون خلق الله السموات والارض بالحق ان فی ذلک لایة للمؤمنین
مثل انانکه بدون خدای دوستان ومعبودان کرفتند از اصنام واوثان چون مثل عنکبوت است که او خانه کیرد وضعیف ترین خانها خانه عنکبوت
است اکر بدانند اعتقادی که ایشان کرده اند ومذهبی که ایشان کرفته اند در ضعف با خانه عنکبوت ماند که بهر بادی ویران شود یعنی بجستوی دلیل مذهب
ومعتقد ایشان خراب کردد صادق از پدرانش از امیر المومنین علی علیه السلام روایت کرده است که خانه را از نسج عنکبوت پاک کردانید که درویشی بار اورد انکاه
کفت خدای میداند انچه شما انرا می پرستید بدون خدای از هر چه هست از جمله معبودان شما واو خدایست غالب وقاهر ومحکم کار وبکو کن داد

انکاه کفت وتلک الامثال ما این مثلها میزنیم وان داستانها می اوریم تا بدان متعظ شوند ودران اندیشه کنند وبدانند وما یعقلها ودر نیابد این مثلها را
مکر انانکه عالمان ودانایان باشند ۵ جابر بن عبدالله انصاری کفت که چون رسول علیه السلام این ایه برخواند کفت العالم من عقل عن الله فعمل
بطاعته واجتنب سخطه عالم انکس باشد که او از خدای تعالی اوامر ونواهی وی بطاعت او عمل کند واز خشم او اجتناب کند بیافرید خدای آسمان و
زمین براستی وحکمت نه باطل وعبث تا مسکن بندکان وعبرت متبصران باشد انانکه درو ایتی ودلالتی هست بر وحدانیت خدای وکمال قدرة
وی مومنانرا اتل ما اوحی الیک من الکتاب واقم الصلوة ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر ولذکر الله اکبر
والله یعلم ما تصنعون ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن الا الذین ظلموا منهم وقولوا امنا بالذی انزل
الینا وانزل الیکم والهنا والهکم واحد ونحن له مسلمون بخوان ای محمد آنچه وحی کرده شد بتو از کتاب قرآن ونماز بپای
دار که نماز نهی کند وباز دارد از معاصی وناشایست ابن عمر کفت مراد بصلوة قرائت است لقوله ولا تجهر بصلوتک وپیغامبر خدای
کفت اقرء القران ما نهاک فاذا لم ینهک فلست تقراه قرآن میخوان مادام که ترا نهی میکند وچون نهی نکند ترا تو قرآن نخوانده باشی
ودیگر مفسران کفتند که نماز حمل بر ظاهر بیانش قول رسول است من لم تنهه صلوته عن الفحشاء والمنکر لم یزدد من الله الا بعدا
هر که نماز او را از منکر وناشایست باز ندارد او را نیفزاید از خدای مکر دوری ۵ انس مالک کفت رسول را کفتند که فلانکس با تو
پنج نماز بجماعت بکند ولیکن هیچ معصیت نیست تا که ارتکاب میکند کفت نماز او را منع کند انس کفت پس دیر بر نیامد که توبه کرد از
معاصی ولذکر الله اکبر یعنی یاد کردن خدای ما را بهتر از یاد کردن ما خدای را چه ذکر او ما را تشریف وتفضیل باشد وذکر ما
او را تعبد وتذلل ذکر او ما را بخیر قطع باشد برحمت ومغفرت وذکر ما او را بر سبیل دعا وتضرع قطع نباشد در اجابت ذکر او ما را از سر
استغنا است وذکر ما او را از سر احتیاج ۵ ذوالنون کفت برای ان ذکر او ما را مقدمست بر ذکر ما او را تا او ما را یاد نکرد ما او را یاد نکردیم
ذکر او ما را سابقه است وذکر ما او را بمقدمه لطف وتوفیق بعضی مفسران کفتند ذکر خدای بزرکتر است از همه چیزها معاذ جبل کفت با رسول
در بعضی راهها میرفتم مرا کفت ای معاذ این السابقون کجااند سابقانی که بر ذکر خدای حریص بودند انکاه کفت هر که خواهد که در مرغزارهای بهشت
چرا کند باید که ذکر خدای بسیار کند ۵ ابوالدردا کفت خبر دهم شما را بهترین عملهای شما ودوستر بنزدیک خدای در درجات وبهتر از جهاد
کردن وزر ودرم بصدقه دادن کفتند ان کدام است کفت ذکر خدای لقوله ولذکر الله اکبر معاذ کفت از رسول پرسیدم که از عملها کدام
فاضلترست کفت انکه مرگ بتو رسد وزبان تو بذکر خدای تر باشد ۵ ابو سعید خدری روایت کرد که رسول علیه السلام کفت هیچ مجلسی نباشد
که اهل ان مجلس ذکر خدای کنند الا فرشتکان کرد ایشان در ایند ورحمة ایشان را بان بپوشند وخدای تعالی ذکر ایشان کند در ملاء اعلی والله
یعلم وخدای میداند انچ شما میکنید از خیر وطاعت بران ثواب دهد وجزا رساند ولا تجادلوا وجدل مکنید با اهل کتاب الا برای وجهی
نیکوتر باشد ۵ قتاده کفت ایه منسوخست بایة قتال ودیکران کفتند که منسوخ نیست حکمش بر جای خویش است باول نوبت دعوة باید کردن
وایشان را بحجت براه حق خواندن چون قبول نکنند انکاه قتال کردن ومجادله بر وجه احسن باید کرد تا ایشان با ایمان نزدیک شوند
واصل جدل فتل خصم است یعنی باز کردانیدن خصم از مذهبش بطریق محاجه مجاهد کفت معنی انست که اکر ایشان سخن زشت کویند
تو سخن نیکو کوی انکاه استثنا کرد از ایشان جماعتی را وکفت مکر انانکه ظلم کنند از ایشان با بتدا کردن قتال با تو ودر حجت کفتن
وشنیدن تن در ندهند ودر قول لطف را با ایشان فایده نبود انکاه کفت بکویید در مجادله که ما ایمان داریم بکتاب ما که قرانست وبکتاب
شما که توریة است وانجیل خدای ما وخدای شما یکیست وما ویرا کردن نهنده ایم ابو سلمه روایت کرد که جهودان توریة میخواندند بعبرانی
وتفسیر ان بتازی میکردند برای مسلمانان رسول علیه السلام کفت اهل کتاب را در انچه میکویند تصدیق مکنید وتکذیب مکنید که شما
ندانید که ایشان راست میکویند یا دروغ ایشان را این کویید که امنا بالذی انزل الینا وانزل الیکم وکذلک انزلنا الیک
الکتاب فالذین اتیناهم الکتاب یؤمنون به ومن هؤلاء من یؤمن به وما یجحد بایاتنا الا الکافرون

ماکنت تتلوا من قبله من کتاب ولا تخطه بیمینک اذا لارتاب المبطلون بل هو آیات بینات فی صدور الذین
اوتوا العلم وما یجحد بآیاتنا الا الظالمون

وهمچنین فرستادیم کتاب را یعنی قرآن چنانک پیغمبران پیشین فرستادیم کتاب
چون توریة وانجیل وزبور پس آنها که ایشانرا کتاب دادیم یا ما کتاب قرآن ایمان

وقالوا لولا انزل علیه آیات من ربه قل انما الآیات عند الله وانما انا نذیر مبین اولم یکفهم انا انزلنا علیک الکتاب
یتلی علیهم ان فی ذلک لرحمة وذکری لقوم یؤمنون قل کفی بالله بینی وبینکم شهیدا یعلم ما فی السموات والارض
والذین آمنوا بالباطل وکفروا بالله اولئک هم الخاسرون

فانو و نادانند یعنی باسباب معیشت از تجارت و زراعت و غیر آن عالمند که حق گفت که علم ایشان بجایی رسیده است در انتظام دنیا اگر یکی از ایشان درمی را بر سر ناخن بگرداند بگویند که چند است و ندانند که نماز نخود چنانکه فرموده اند بجای آرد

اولم یتفکروا فی انفسهم ما خلق الله السموات والارض وما بینهما الا بالحق واجل مسمی وان کثیرا من الناس بلقاء ربهم لکافرون اولم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم کانوا اشد منهم قوة واثاروا الارض وعمروها اکثر مما عمروها وجاءتهم رسلهم بالبینات فما کان الله لیظلمهم ولکن کانوا انفسهم یظلمون

که از دنیا تجاوز نکند و باخرت ... وایة اول چون بان نمود که جهل و علم ایشان تا بدانند ... ایة استفهام کرد و گفت هم ایشان تفکر نمیکنند در نفس خویش که نزدیکترین جمله مخلوقات و اولی در میان آسمان و زمین است جز بحق نیافریدند و بتقدیر اجلی نام برد که چون بان اجل برسد و ابرسد معدوم گردد و ان وقت قیام ساعت است انکاه گفت وان کثیرا بدرستی که بسیاری از مردمان بلقای خدای و ثواب خدای و عقاب او کافرانند تصدیق نمیکنند و ایمان نمی آورند اولم یسیروا آیا نمی روند در زمین تا در نگرند و ببینند که چگونه بود عاقبت و سرانجام کسانی که پیش از ایشان بودند بقوة بیشتر و محکمتر از ایشان بودند چون قوم عاد و ثمود زمینها شورانیدند عمارت و زراعت زمین بیشتر از ایشان کردند پیغمبران بایشان آمدند و ایشان را دعوت کردند و معجزات عرض کردند ایشان ایمان نیاوردند تا خدای تعالی ایشان را هلاک کرد ... بهلاکت ایشان ظلم نکرد لیکن ایشان بر نفس خود ظلم کردند که ایمان نیاوردند تا مستوجب و مستحق خشم خدای و عقاب او گشتند

ثم کان عاقبة الذین اساؤا السوای ان کذبوا بایات الله وکانوا بها یستهزءون الله یبدؤا الخلق ثم یعیده ثم الیه ترجعون ویوم تقوم الساعة یبلس المجرمون ولم یکن لهم من شرکائهم شفعاؤا وکانوا بشرکائهم کافرین

پس عاقبت و سرانجام آنانکه بدی کردند در خدای و رسول عاصی ... آیات خدای را تکذیب کردند و بان استهزا و افسوس داشتند سرانجام آن بود ایشان را که در دنیا هلاک شدند و در آخرت ... گفته اند سوای نامی است از نامهای دوزخ چنانکه ... و شاید که معنی چنین بود آنانکه بدی کردند ... بیان کرد و گفت آن است که ایشان آیات خدای را بدروغ داشتند و بان استهزا کردند عاقبت ایشان هلاکت بود در دنیا انکاه ... گفت که خدای است که ابتدای خلق آفرید پس انکاه اعادة کند و بان آفرینند چون بمیرانند باشد انکاه ... و در آن روز که قیامت برخیزد و حشر و نشر پدید آید مجرمان که کافرانند ... ایشان را هیچ شفیع و خواهشگری باشد و بخدای در آن وقت کافر شوند و گفته اند که شریکان ایشان بایشان کافر بوده باشند ... و این محال باشد ...

ویوم تقوم الساعة یومئذ یتفرقون فاما الذین آمنوا وعملوا الصالحات فهم فی روضة یحبرون واما الذین کفروا وکذبوا بایاتنا ولقاء الآخرة فاولئک فی العذاب محضرون

و روزی که قیامت برخیزد مسلمانان از کافران متفرق گردند و کافران نیز از یکدیگر جدا شوند ... باطل مجتمع بودند در آخرت متفرق شوند اما آنانکه ایمان آوردند و عمل صالح کردند در مرغزاری از مرغزارهای بهشت شادان و خوش دل باشند و حبره شادی باشد رسول علیه گفت ... بالسماع است یعنی ایشان را بسماع خوش لذت دهند ... خوش آواز تر از اسرافیل چون او بسماع در آید ... مردی برپای خاست و گفت یا رسول الله من مردی ام که آواز خوش دوست دارم در بهشت آواز خوش باشد گفت ای والذی نفسی بیده ... خدای را در بهشت درختی است چون بان درخت وحی کند که سماع بشنوان بندگانی را که در دار دنیا از سماع و ملاهی و معازف باطل ... درخت باواز در آید بتسبیح و تهلیل آوازی که خلایق مثل آن نشنیده باشند ...

کر چون اهل بهشت را سماع باید خدای تعالی از زیر عرش بادی بفرستد تا بران درختان آید ... و ذکر جزای کافران کرد و گفت اما کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند و برسیدن آخرت و ثواب و عقاب ایمان نیاوردند ایشان را در عذاب خدای حاضر کرده اند و از آنجا غایب نشوند

فسبحان الله حین تمسون وحین تصبحون وله الحمد فی السموات والارض وعشیا وحین تظهرون یخرج الحی من المیت ویخرج المیت من الحی ویحیی الارض بعد موتها وکذلک تخرجون

بعد باید که نماز گزینیا انکاه که در شب آیید و انکاه که در بامداد آیید نافع بن الازرق عبدالله عباس را پرسید که پنج نماز در قرآن هیچ جایی هست گفت بلی قوله فسبحان الله حین تمسون وحین تصبحون ... این آیة را بخواند تلافی هر عبادتی باشد که از وی فوت شده باشد ... انس مالک روایة کرد که هر که میخواهد که روز قیامت ... این آیة بخواند ... و آخر سوره والصافات سبحان ربک رب العزة عما یصفون تا آخر سوره ضحاک روایت کرد که هر که این آیات بخواند ثواب او برابر آنکس باشد که ... فرزندان اسمعیل فسبحان الله ای صلوا لله نماز کنید خدای را چون در شبانگاه آیید گفته اند باین نماز دیگر خواست و نماز شام وحین تصبحون و هنگام آنکه در بامداد آیید یعنی نماز بامداد و او راست حمد و ثنا در آسمانها و عشیا و در شبانگاه و باین نماز خفتن خواست وحین تظهرون و چون در نیمروز آیید یعنی نماز پیشین یخرج الحی من المیت از مرده زنده بیرون آرد و مرده را از زنده بیرون آرد زمین را پس از مردن همچنانکه زمین مرده را بنبات زنده میکرداند شما را نیز زنده گرداند و از خاک بر آرد

ومن آیاته ان خلقکم من تراب ثم اذا انتم بشر تنتشرون ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجا لتسکنوا الیها وجعل بینکم مودة ورحمة ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون ومن آیاته خلق السموات والارض واختلاف السنتکم والوانکم ان فی ذلک لآیات للعالمین

از آیات و دلایل و بینات او است که شما را بیافرید از خاک یعنی جد شما آدم را خود اصل شما از خاک آفرید از خاک نطفه از غذا بود و غذا از آب و خاک باشد ثم اذا انتم پس انکاه که آفریده شدی آدمی شدی پراکنده و منتشر در زمین یعنی پس روزگاری بر نیامد که آدم را و فرزندانش را بیافرید و ایشان در زمین پراکنده شدند و هر جای برای خود وطن ساختند و از آیات و دلایل او است که بیافرید برای شما هم از نفس شما زنانی که با ایشان آرام گیرید و میان شما مودتی و رحمتی پدید کرد تا هر یکی بر یکی شفقت برند ... رسول الله مرا ... عجب است و آن جای تعجب است که مردی و زنی هر کس یکدیگر را ندیده ... یکی را جان دوست گیرند که عظیم تر از آن ممکن باشد رسول علیه گفت ... ان فی ذلک لآیات بدرستی که درین آیتی و دلالتی است کسانی را که اندیشه کنند و از آیات و دلالات او آفریدن آسمان و زمین است و اختلاف زبانها و لغتهای شما تازی و پارسی و هندی و رومی و اختلاف الوان از سیاه و سپید و سرخ و زرد هر یکی بر رنگی دیگر و همه از یک پدر و مادر از آدم و حوا بدرستی و حقیقت که درین دلایلی هست عالمیان را

ومن آیاته منامکم باللیل والنهار وابتغاؤکم من فضله ان فی ذلک لآیات لقوم یسمعون ومن آیاته یریکم البرق خوفا وطمعا وینزل من السماء ماء فیحیی به الارض بعد موتها ان فی ذلک لآیات لقوم یعقلون ومن آیاته ان تقوم السماء والارض بامره ثم اذا دعاکم دعوة من الارض اذا انتم تخرجون وله من فی السموات والارض کل له قانتون

و از آیات و دلالات او است که شما را شبی پدید کرد تا در وی بخسپید و بیاسایید و روزی بیافرید تا در او از پی روزی بروید و طلب معاش کنید بحقیقت درین آیاتی و علاماتی هست کسانی را که بشنوند و از آیات و دلالات او است که بشما می نماید برق را برای خوف و طمع تا خایف باشید از صاعقه او و امید دارید بباران او و فرو می فرستد از آسمان آب باران بس زنده میگرداند بان آب زمین را پس از آنکه مرده شده باشد بدرستی که درین آیاتی و علاماتی هست کسانی را که درک کنند

برخود را کار فرماید و از آیات و عجایب او است که آسمان و زمین بامر و فرمان او قایم است ... و گوید یا اهل القبور اخرجوا ای اهل گورستانها از گورها بیرون آیید ... ناگاه شما اجابت کنید و بیرون آیید از گورها برای حساب ... انکاه گفت او راست هر چه در آسمانها و زمین است و همه او را مطیع و فرمان بردارند

وهو الذی یبدؤا الخلق ثم یعیده وهو اهون علیه وله المثل الاعلی فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم ضرب لکم مثلا من انفسکم هل لکم من ما ملکت ایمانکم من شرکاء فی ما رزقناکم فانتم فیه سواء تخافونهم کخیفتکم انفسکم کذلک نفصل الآیات لقوم یعقلون بل اتبع الذین ظلموا اهواءهم بغیر علم فمن یهدی من اضل الله وما لهم من ناصرین

او است آن خدای که بیافرید خلق را بی آنکه از وی هیچ بود و باز هم او اعادة کند پس آنانکه بمیرانند زنده کند و اعادة کردن و باز آفریدن بر او آسانتر باشد از ابتدا زیرا که کاری که یکبار کرده باشد دوم بار کردن آن کار آسانتر بود بعضی گفته اند اهون علیه من حیث الصورة ... برای آنکه در بدایة نطفه آفرید انکاه علقه کرد انکاه مضغه انکاه عظام انکاه ... یکبار بود بصیحه اسرافیل ... ابو صالح از عبدالله عباس روایت کرده است وله المثل الاعلی و او راست مثل رفیع و عالی و صفات برتر که او را صفت کنند در آسمان و زمین و آن است که او قادری است که عاجز نگردد ... و هو العزیز الحکیم و او است غالبی که کس او را غلبه نکند حکیمی که افعال او همه بر وجه حکمت واقع آید ضرب لکم مثلا مثلی زد و داستانی زد برای شما ... هل لکم هیچ هست شما را از آنچه مالک شد دستهای شما از بردگان و بندگان از شریکانی که با شما شریک باشند در آنچه ما شما را روزی کرده ایم ... تخافونهم که از ایشان بترسید ... کذلک نفصل الآیات ... بل اتبع الذین ظلموا ... بلکه آنانکه ظلم کردند و متابعت هوای نفس خود کردند بی دانشی و علمی یعنی از نادانی و جهل فمن یهدی من اضل الله پس کیست که راه نماید آنرا که خدای گمراه کرده ... و ایشان را هیچ یاری و ناصری نباشد

فاقم وجهک للدین حنیفا فطرة الله التی فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم ولکن اکثر الناس لا یعلمون منیبین الیه واتقوه واقیموا الصلوة ولا تکونوا من المشرکین من الذین فرقوا دینهم وکانوا شیعا کل حزب بما لدیهم فرحون

روی خود را بدین او راست دار ... ملازم و متابع دین خدای و مسلمانی باش که خدای تعالی بندگان را بران آفریده است ... از رسول علیه روایت کرد که کل مولود یولد علی الفطرة فابواه یهودانه وینصرانه ویمجسانه کما تنتج البهیمة هل تحسون فیها من جدعاء گفت هر مولودی و فرزندی که زاید بر فطرة زاید مادر و پدر او را ... چنانکه ... اسود بن سریع گفت با رسول علیه جهاد غزا کردم قومی از ما ... گفت والذی نفسی بیده ما من مولود الا یولد علی هذه الفطرة فما یزال علیها حتی یعرب عنه لسانه فابواه یهودانه وینصرانه ... گفت که خدای می فرموده است که ... حلالت ایشان ... بندگان خود را مسلمان آفریدم شیطان می آید و ایشان را می فریبد از دین و بر ایشان حرام میکند ...

حلال کرده ام ... لا تبدیل لخلق الله خلق خدای را تغییر و تبدیل نیست و صورة نفی است و معنی نهی یعنی خلق خدای را از آنچه بران آفریده است بگردانید ... و اسلام با جهودی و ترسایی بودن ذلک الدین القیم این دین راست و راه مستقیم ولیکن بیشترین مردمان نمیدانند منیبین الیه یعنی ملازم طریق اسلام باشید ... و باز گردنده باوی و بترسید از خدای و اجتناب کنید از معاصی و اقیموا الصلوة و نماز بپای دارید و اوقات و ارکان و شرایط آن بجای آرید و از جمله مشرکان مباشید که با وی شرک آوردند آن کسانی که از دین خود مفارقت کردند اسلام را و شریعت را بگذاشتند ... مختلف و پراکنده گشتند هر قومی دینی و هر طایفه طریقی اختیار کردند و هر طایفه با آنچه نزدیک ایشان است و اختیار کرده اند شادان ... عمر خطاب روایت کرد که رسول علیه عایشه را گفت ... اهل البدع و الاهواء ... گفت ایشان اهل بدعت و ضلالت اند ... من از ایشان بیزارم و ایشان از من بیزارند

واذا مس الناس ضر دعوا ربهم منیبین الیه ثم اذا اذاقهم منه رحمة اذا فریق منهم بربهم یشرکون لیکفروا بما آتیناهم فتمتعوا فسوف تعلمون ام انزلنا علیهم سلطانا فهو یتکلم بما کانوا به یشرکون واذا اذقنا الناس رحمة فرحوا بها وان تصبهم سیئة بما قدمت ایدیهم اذا هم یقنطون اولم یروا ان الله یبسط الرزق لمن یشاء ویقدر ان فی ذلک لآیات لقوم یؤمنون

و چون بآدمی رسد سختی و بیماری و درویشی با خدای گردند ... خلاص خواهند ... بچشاند ایشان را رحمتی و راحتی و آسایشی از عافیت و ... تا کافر شوند بانچه داده ایم ایشان را ... ام انزلنا علیهم یا ما فرو فرستادیم بر ایشان حجتی ... رسول نفرستادیم و هیچ کتابی ... و چون بایشان رسد بدی و سختی ... بایشان رسد بسبب آنچه کرده باشند ... اولم یروا آیا ایشان نمی بینند و نمیدانند که خدای تعالی روزی بگستراند و فراخ کرداند برانکه خواهد و تنگ گرداند ... ان فی ذلک بدرستی که درین آیاتی و دلالاتی هست گروهی را که ایمان آرند

فآت ذا القربی حقه والمسکین وابن السبیل ذلک خیر للذین یریدون وجه الله واولئک هم المفلحون وما آتیتم من ربا لیربوا فی اموال الناس فلا یربوا عند الله وما آتیتم من زکوة تریدون وجه الله فاولئک هم المضعفون

از ابو سعید خدری روایت کرده اند که چون این آیة آمد که فآت ذا القربی حقه رسول خدای فدک بفاطمه زهرا داد و بوی تسلیم کرد خطابت رسول را علیه خاص و جمله امت را عام میکوید که بخداوندان قرابه و خویشی خود حق و برایشان حق خویشان بایشان ده با ایشان مبرة و نیکویی کن و صلت الرحم بجای آور ... درویشان و مسکینان ... مستحق آن اند از زکوة و صدقات و نفقات ... ذلک خیر این نیکویی ... کسانی را که وجه خدای یعنی رضای خدای خواهند و ثواب خدای جویند و ایشان مفلحان و ظفر یافتگان باشند وما آتیتم من ربا ... ربا تا بیفزاید و افزون شود در مال مردمان آن نیفزاید نزدیک خدای گفته اند که مراد باین ربا حلال است چنانکه هدیه بکسی دهد تا عوض بیش از آن باز دهد و گفته اند که ربوا است که خدای تعالی آنرا حرام کرده است ... در آن هیچ خیری و برکتی نباشد در دنیا و در آخرة مستحق عقاب باشد وما آتیتم من زکوة و آنچه بدهید بوجه زکوة ... رضای خدای و ثواب او جوید ... سعید جبیر و مجاهد و طاوس گفتند که این مردی باشد که عطا بکسی دهد بطمع آنکه زیادت از آن باز ستاند این ربوا حلال باشد ... و این معنی

رسول نکردی و او را تصدیق کردن و ... سدی گفت آیه در حق ثقیف آمد که ایشان ربا دادندی خدای گفت اما بنزدیک خدای زیادتی باشد
وقوله فاولئک هم المضعفون یعنی هم اصحاب ضعف انانکه زکوة دهند خداوندان ضعف و افزونی باشند

اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَٰلِكُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

آنست آن خدای که شما را بیافرید ... رسانید ... میکند یا قادر باشد بر بعضی از این چیزها سبحانه و هو منزه است و متعالی آن خدای که این جمله از افعال اوست ... فساد آشکارا شد در بیابان و دریا ... قتاده گفت ... در یاها ... قایل بود ... کل سفینة غصبا ... معاصی و ناشایست باز ایستند

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ...

[illegible]

یا بنیّ انها ان تک مثقال حبة من خردل فتکن فی صخرة او فی السموات او فی الارض یأت بها الله
ان الله لطیف خبیر و ... [illegible]
طاعت ... با ایشان در دنیا مصاحبت بنیکویی کن ... [illegible]
... [illegible]
برنکرده انکاه باز حکایت وصیت لقمان ... [illegible]
و انکاه در میان سنک باشد در اسمان یا در زمین ... [illegible]
... جعفر بن محمد الصادق علیه کفت ایاکم
والمحقرات من الذنوب فان لها من الله طالبا ... ان الله یعلمه ... [illegible]
از کناهان خرد که ... [illegible] ... مثقال حبة تا
اخر عبدالله عباس کفت مراد ... [illegible]
از وی است ان الله لطیف خبیر ... یا بنی اقم الصلوة وأمر بالمعروف وانه عن المنکر
واصبر علی ما اصابک ان ذلک من عزم الامور ولا تصعر خدک للناس ولا تمش فی الارض مرحا ان الله لا یحب کل مختال
فخور واقصد فی مشیک واغضض من صوتک ان انکر الاصوات لصوت الحمیر ای پسرک من نماز را بپای دار ... [illegible]
... [illegible]
از جمله کارهای واجب ... عبدالله عباس کفت من عزم الامور ... ولا تصعر خدک للناس
... [illegible]

[illegible]

ند ایشان بلقای خدای و ثواب و عقاب او کافرند و بازگشت را با سرای اخرة منکرند بگو ایشان را ای محمد که جان شما بر دارد ملک الموت که
اورا بر شما موکل کرده اند برای قبض روح شما در خبرست که رسول علیه گفت شب معراج مرا باسمان بردند دیدم فرشتگان در روی من می
خندیدند با طلاقه و بشاشه فرشته را دیدم با سهم و سیبق لوحی در دست گرفته درو می نگرید بروی سلام کردم جواب داد و در روی
من تبسم نکرد گفتم یا جبرئیل این فرشته کیست گفت ملک الموت است تا خدای او را افریده است نخندیده است من نزدیک وی شدم و
گفتم تو بیک ساعت بهمه جهان چگونه رسی گفت این جهان در پیش من چنانست که خوانی در پیش کسی نهاده باشد و دست بهر جا که خواهد
بنهد و نیز مرا اعوانی باشند از فرشتگان رحمت و عذاب انجا که خواهم ایشان را فرستم گفتم که این لوح چیست گفت برین لوح نام ایشان
که آجال ایشان درین سال خواهد بود من می نگرم هر کرا وقت رسیده باشد جان او بر دارم شهر بن حوشب گفت یک روز ملک الموت در پیش سلیمان شد
از هم نشینان او در یکی چند بار نگاه کرد چون برفت آن مرد گفت یا رسول الله این مرد که بود گفت ملک الموت گفت در روی من بسیار می نگرید
ترسم که مرا اجل نزدیک باشد باد را فرمای تا مرا بزمین هند برد سلیمان بفرمود باد او را ببرد روزی دیگر ملک الموت پیش سلیمان آمد
سلیمان گفت یا ملک الموت در روی فلان مرد از هم نشینان من نگاه بسیار میکردی چرا گفت تعجب انکه خدای فرموده بود که جان او در زمین
هند بردارم و من او را بر تو دیدم گفت بوجه کردی گفت جانش بر داشتم ندانم تا چون رسید بود نزدیک انجا و هو قوله علیه اذا اراد
الله قبض عبد الله بارض جعل له فیها حاجة چون خدای خواهد تا جان بنده بزمینی بردارد او را دران زمین حاجتی بدید ارد ولو تری
اذ المجرمون واگر بینی ای محمد چون گناه کاران بنزدیک خدای سرها در پیش انداخته باشند از شرم گناهانی که کرده باشند می گویند
بار خدایا بدیدیم و بشنیدیم ما را باز دنیا فرست تا عمل صالح کنیم ما را علم یقین حاصل شد اگر این حال ایشان بینی کاری عظیم و امری
سخت دیده باشی ولو شئنا لاتینا کل نفس هدیها ولکن حق القول منی لاملأن جهنم من الجنة والناس اجمعین
فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا انا نسیناکم و ذوقوا عذاب الخلد بما کنتم تعملون انما یؤمن بایاتنا الذین
اذا ذکروا بها خروا سجدا و سبحوا بحمد ربهم و هم لا یستکبرون ما اگر خواهیم هر نفسی را هدایت توانیم دادن بر سبیل قهر
تا او عذاب ملجا شود بایمان ولیکن مصلحت در تکلیف خلاف ان اقتضا میکند چه مکلف باید که باختیار خود ایمان اورد تا مستحق
ثواب و مدح باشد ولیکن گفتار من سابق شده است و واجب شده که دوزخ را پر کنم از ادمیان و پریان و هو قوله
لابلیس لاملأن جهنم منک و ممن تبعک منهم اجمعین و تقدیم این قول برای ان بود که عالم بود باستحقاق عذاب ایشان
فذوقوا اهل دوزخ را گویند که بچشید بجزای انکه فراموش کردید فرمان خدای را که ما نیز شما را فراموش کردیم در دوزخ و رها کردیم
تا از جملهٔ فراموشکاران شوید یعنی با شما معاملهٔ فراموشان کنیم و این کنایة از طول عذاب چنانکه یکی را گویید فلانی در زندان فراموشان
است چون او را بمحال در زندان کرده باشند و ذوقوا بچشید عذاب جاودانه بانچه کردید در دنیا از معاصی کعب الاحبار گفت روز قیامت
چون خلق را در صعید سیاست بدارند و حساب بازکنند اهل دوزخ را بدوزخ برند فرشتگان برخیزند و شفاعت کنند مقبول
باشد گروهی را بشفاعت ایشان از دوزخ بیارند و گروهی را بشفاعت شهیدان و گروهی را بشفاعت مومنان انگاه رحمت بیاید و گوید
بار خدایا مرا بفرمای شفاعت میرسد گوید بلی شفاعت کن گوید در حق بنده و پرستاری که مرا یاد کرده باشد
یا از من بترسیده یا بمن امید داشته یا در همه عمر یکبار مرا خوانده بخوف یا رجا او را از دوزخ بر ارند تا که در دوزخ بماند
خدای تو بدو مبتلا نکند انگاه بفرماید تا در دوزخ ببندند بر انگاه هیچ راحت در وی نباشد و هیچ از وی بیرون نیاید فرشتگان
دران وقت گویند فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم الایة انما یؤمن بایاتنا بتحقیق ایمان آرند بآیات ما که چون ایشان را
تذکیر کنند و ذکر من یاد دهند بروی در افتند بسجده و تسبیح کنند بحمد و ستایش خدای خود و استنکاف نکنند و گردن کشی
و نزدیک اصحاب ما اینجا سجده بر خواننده و شنونده واجب است که گوش بدان داشته باشد و بر سامع واجب نیست چون گوش بدان

تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربهم خوفا و طمعا و مما رزقناهم ینفقون فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قرة اعین جزاء
بما کانوا یعملون افمن کان مؤمنا کمن کان فاسقا لا یستوون اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فلهم جنات المأوی
نزلا بما کانوا یعملون و اوصف ان مؤمنان است که پهلوهای ایشان بر بستر بیارامد مالک دینار گفت انس مالک را پرسیدم
که این جماعت که اند و عبادت ایشان چه بود گفت جماعتی از اصحاب رسول از میان نماز شام و خفتن نماز کردند ایه در حق ایشان
امد عبد الله عمر گفت که رسول علیه گفت هر که او نفلی خواند میان نماز شام و خفتن خدای تعالی برای او دو کوشک بنا کند در بهشت یکی را
ده که ان نماز بجهت کند نماز تایبان باشد و انرا ساعة غفلة گویند و هر دعا که میان نماز شام و خفتن کنند مستجاب بود و شاید
از صادق علیه روایت کرده که هر که میان نماز شام و خفتن ده رکعت نماز کند در رکعت اول الحمد بخواند و ذا النون اذ ذهب مغاضبا
تا اخر و کذلک ننجی المؤمنین و در دوم الحمد و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها تا اخر ایة انگاه دست بر اورد و بگوید اللهم انی اسألک
بمفاتح الغیب لا یعلمها الا انت ان تصلی علی محمد و آله اللهم انت ولی نعمتی و القادر علی طلبتی تعلم حاجتی فاسالک بحق محمد و آله ان تصل
علی محمد و آله و ان تفعل بی کذا هیچ حاجت نخواهد الا که روا کند معاذ جبل از رسول علیه روایة کرد که ایة در حق آنان امده است که نماز
شب کنند و گفت یا رسول الله در سفری بودم در بعضی سفرها و بر اثر تو گفتم یا رسول الله مرا عملی بیاموز که بهشت مرا نزدیک کند و از دوزخ دور کند
گفت ای معاذ از چیزی پرسیدی و این سهلست برای انکه خدای سهل کرده خدای را پرستی و با او شرک میار و نماز بپای دار و زکوة مال
بده و روزه ماه رمضان بدار و حج خانه بکن انگاه گفت ترا بر ابواب خیر راه نمایم روزه سپرست و صدقه خشم خدای بنشاند و نماز شب در میانه شب
انگاه این ایة بخواند تتجافی جنوبهم انگاه گفت خبر دهم بقوام این جمله گفتم بلی زبان خود بدست خود گرفت و گفت اکفف لسانک زبان خود نگاه
دار من گفتم یا رسول الله ما را بگفتار باز مواخذه کنند گفت یا معاذ ثکلتک امک و هل یکب الناس فی النار علی وجوههم الا حصائد السنتهم
مردم را در دوزخ بیفکند الا از زبان ایشان اسماء بنت عمیس گفت از رسول علیه شنیدم که گفت چون روز قیامت باشد و خلایق را در موقف
حاضر ارند منادی ندا کند و گوید لیقم الذین کانت تتجافی جنوبهم عن المضاجع باید که شب خیزان که ان در دنیا برخیزند جماعتی که چنین بودند
ایشان را بهشت برند انگاه در حساب خلایق گیرند یدعون ربهم تا خدای خود را خوانند بخوف و طمع گاه از عقاب بترسند و گاه چشم
امید دارند و ازانچه ما ایشان را روزی کرده ایم نفقه کنند انگاه خدای برای ترغیب و تحریص مومنان را گفت فلا تعلم نفس نداند که
چه نهاده اند و چه ساخته اند برای ایشان عبد الله مسعود گفت که در توریة نوشته است لقد اعد الله للذین تتجافی جنوبهم
عن المضاجع ما لا عین رأت و لا اذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر و لا یعلمه ملک مقرب خدای بساخت برای انانکه پهلو از بستر بر
دارند برای خدای انچه هیچ چشم ندیده باشد و هیچ گوش چنان نشنیده باشد و بر خاطر هیچ ادمی نگذشته و هیچ فرشتهٔ مقرب ان
نداند و این معنی در قران هست قوله فلا تعلم نفس ما اخفی لهم من قرة اعین انگاه بیان کرد که این جزا و مکافات بود بر انچه کردند در دنیا
از طاعت یعنی بواجب و استحقاق افمن کان مؤمنا هیچ انکس که مؤمن بود همچنان بود که انکه کافر و فاسق و نافرمان بود لا یستوون
هرگز یکسان نباشد مفسران گفتند ایة در حق امیر المؤمنین علی علیه امد و ولید بن عقبة بن ابی معیط که برادر عثمان بود از مادر میان ایشان
چیزی رفت ولید گفت علی را که تو کودکی و انا ابسط منک لسانا و احد سنانا و املاء منک حشوا فی الکتیبة من از تو بزبان فصیح تر
و بسنان تیز ترم و در میان لشکر از تو پایدار ترم امیر المؤمنین علیه گفت اسکت فانک فاسق خاموش باش که تو فاسقی خدای این ایه
فرستاد لا یستوون گفت و لا یستویان نگفت اگر چه ایة در شان هر دو امد تا عام باشد در جملهٔ مکلفان هیچ فاسق با
هیچ مومن برابر نیست و نظم کلام اقتضای ان میکند که فاسق در ایة یعنی کافرست برای انکه جمع میان ایمان و فسق درست باشد و
میان کفر و ایمان درست نباشد چه یک شخص هم مؤمن باشد و هم فاسق اما مومن و کافر نتواند بود و این ولید عتبه انست
که از دست عثمان بر کوفه والی بود شبی از شبها خمر خورد و بامداد بمسجد امد در محراب رفت و نماز بامداد را چهار رکعت بکرد

انگاه با قوم نگاه کرد و گفت لا ازیدکم فانی نشیط بر چهار رکعت بیفزایم که من بنشاطم مردم بدانستند که او مست است نامه نوشتند بعثمان تا او را
باز خواند جماعتی از صالحان کوفه برفتند و گواهی دادند که او خمر خورده است و مست در نماز امد و نماز بامداد چهار رکعت بکرد و گفت لا ازیدکم فانی نشیط
عثمان با علی مشورت کرد گفت او را حد باید زد هشتاد تازیانه عثمان او را حد نزد و این حالت در کوفه شایع شد و این قصه را اشعار
اورده اند یکی از اهل کوفه گفت تکلم فی الصلوة و زاد فیها علانیة و جاهر بالنفاق و فاح الخمر من بین الصلوة و اما
ازیدکم کیما تحمدونی فالکم و مالی من خلاق فبئسا للولید و ما اتاه الی یوم التغابن و التلاقی و این ولید چون مهاجر
و انصار بر امیر المؤمنین علی بیعة کردند او با مروان حکم و سعید بن العاص بیعت نکردند امیر المؤمنین ایشان را بخواند و گفت چرا بیعة
نمیکنید ولید گفت برای انکه تو ما را کینه آورده پدر مرا بدر بکشتی و مروان را بعد بکشتی و عثمان را با مدینه اوردی تو وی را عتاب کردی
و ما را شرط آن بیعت کنیم که ما را از انچه خواهیم بر دیگران مزیت نهی دوم انکه چون از تو ترسیم بشام رویم پیش معاویه سوم انکه
کشندگان عثمان را بکشی امیر المؤمنین جواب داد و گفت انچه تو گفتی که تو ما را کینه اورده من نیاورده ام که خدا و رسول فرمود در حق شما
بکینه اورده اند اما انچه گفتی ما را مزیتی باشد شما را جز انچه شرع راه دهد نباشد و انکه ترس شما از من توانم کرد که شما را ایمن گردانم
و اما کشندگان عثمان را انچه شرع راه دهد با ایشان بکنم چون ولی دم مطالبه کند و بر کوهی معین درست شود گفت اگر بیعت نکنیم حکم
گفت شما را محبوس کنم تا بیعت کنید و عقوبة کنم تا در بیعت با مسلمانان یکسان شوید چون این بشنیدند بیعت کردند انگاه حکم
جزاء هر دو قوم بود بگفت اما الذین امنوا انانکه ایمان اوردند و عمل صالح کردند ایشان را بهشتها ماوی باشد و این جنات الماوی
نوعی از بهشت است که ارواح شهدا انجا قرار گیرد و ان جانب راست عرش است نزل ایشان باشد و نزل ان باشد که پیش آید مهمان بما کانوا
یعملون بجزاء انچه ایشان کردند در دنیا از طاعت و فرمانبرداری و اما الذین فسقوا فماویهم النار کلما ارادوا ان یخرجوا منها اعیدوا
فیها و قیل لهم ذوقوا عذاب النار الذی کنتم به تکذبون و لنذیقنهم من العذاب الادنی دون العذاب الاکبر لعلهم
یرجعون و من اظلم ممن ذکر بایات ربه ثم اعرض عنها انا من المجرمین منتقمون و اما انانکه فاسق شدند و از فرمان خدای
بیرون آمدند جای ایشان اتش دوزخ است هر گاه که بیرون اینده از انجا ایشان را باز بر برند و گویند ایشان را بچشید عذاب اتشی که شما آن عذاب
تکذیب میکردید و بدروغ میداشتید از انگاه گفت و لنذیقنهم و هر اینه بچشانیم ایشان را از عذاب نزدیکتر و کمتر جز از عذاب بزرگتر
ابی بن کعب و ضحاک گفتند عذاب ادنی رنج و مصایب دنیاست عبد الله مسعود گفت قتل روز بدرست مقاتل گفت قحط است که در مکه بود
هفت سال تا مردم را میخوردند و عذاب الاکبر عذاب دوزخ است محمد بن علی الباقر گفت خروج مهدی آل محمد بود بر ایشان لعلهم
یرجعون اما بهر برای ان گفتیم تا بود که باز ایند و توبه کنند و اختیار ایمان و طاعت کنند تا عذاب اکبر از ایشان دفع شود انگاه
گفت و من اظلم گفت ظالم تر و ستمکار تر از انکس که او را وعظ گویند و پند دهند بآیات خدای وی بر انگاه از و عدول کند و روی بگرداند
و گناه کند و کفر ارد آری ما از گناه کاران انتقام کشیم و کینه باز خواهیم و لقد اتینا موسی الکتاب فلا تکن فی مریة من لقائه و
جعلناه هدی لبنی اسرائیل و جعلنا منهم ائمة یهدون بامرنا لما صبروا و کانوا بایاتنا یوقنون ان ربک هو
یفصل بینهم یوم القیمة فیما کانوا فیه یختلفون اولم یهد لهم کم اهلکنا من قبلهم من القرون یمشون
فی مساکنهم ان فی ذلک لایات افلا یسمعون ما موسی را کتاب توریة دادیم برای محمد بشک مباش در لقای او
و جزای او مقاتل گفت شک نیست درانکه ان توریة از خدای تحقیق کرد بقبول و رضا و گفتند که ضمیر راجعست با موسی یعنی شک
مکن درانکه تو موسی را خواهی دیدن در شب معراج و در خبرست که رسول علیه گفت موسی را دیدم مردی دراز بالای
جعد موی و ما موسی را هادی و راه نماینده بنی اسرائیل کردیم و از ایشان امامانی و مقتدایانی را کردیم که ایشان راه
نماینده اند بانچه در توریة است از دین و شریعت با مر و فرمان ما انگاه صبر کردند بر رنج و مشقت یعنی اگر شما نیز صبر کنید از شما نیز امامان کنیم

مالک از بنی اسرائیل کردیم چون صبر کردند و ایشان بایات ما یقین بودند و شک نبردند انگاه رسول خود را گفت ای محمد خدای تو فصل کند و جدا کند
و حکم کند میان ایشان روز قیامت در انچه ایشان خلاف میکردند اولم یهد لهم ای راه ننمود ایشان را و متعظ نکرد ایشان را بسیاری از
امتها که ما ایشان را هلاک کردیم از امتان گذشته در راهها و مسکنهای ایشان میروند و اثار و علامات ایشان می بینند که چون بوده اند
و چند بوده اند و امروز از ایشان جز اثری نمانده است بدرستی که درین اباتی و علاماتی هست و عبرتی ایا نمی شنوند ایات خدای را و اخبار ایشان
متعظ شوند اولم یروا انا نسوق الماء الی الارض الجرز فنخرج به زرعا تاکل منه انعامهم و انفسهم افلا یبصرون
و یقولون متی هذا الفتح ان کنتم صادقین قل یوم الفتح لا ینفع الذین کفروا ایمانهم و لا هم ینظرون فاعرض
عنهم و انتظر انهم منتظرون ایا نمی بینند و نمیدانند که ما اب باران را بزمین خشک و درشت می باریم انگاه بکمال قدرت خود
بسبب ان اب ازان زمین زرعی و گیاهی بیرون می اریم که ایشان و چهار پایان ایشان ازان میخورند ایا چشم نمیدارند و نمی بینند و اندیشه نمیکنند
تا بدانند و یقولون میگویند این کافران که این فتح که محمد وعده میدهد که خواهد بود اگر شما راست میگویید مفسران گفتند که مراد بفتح حکم
یعنی این روز فصل و قضا و حکم که روز قیامت که خواهد بود کلبی گفت فتح مکه خواستند سدی گفت روز بدر خواستند قل یوم الفتح بگوی ای
محمد که روز فتح کافران را ایمان اوردن هیچ سود نکند انانکه گفتند مراد روز بدرست گفتند که عند ان که عذاب معاینه ببینند و کشته شوند
و جمعی که دانند که هیچ مخصوص نیست مثل این حالت اینجا باشد و وجهی دیگر انست که از روز فتح مکه را یا روز بدر از که شما را ظفر باشد انکار
میکنند مراد که از معاینه ببینند بیقین بدانند و براست دارند ان ایشان را نفعی نکند و سودی ندارد و نه ایشان را مهلت دهند و بر ایشان رحمت
کنند فاعرض عنهم از ایشان روی بگردان و منتظر عذاب می باش که ایشان نیز هم منتظر می باشند هلاک ترا و غلبه و ظفر یافتن بر تو

سورة الاحزاب مدنیست هفتاد و سه ایتست ابو امامه از ابی کعب روایة کرد که رسول علیه گفت هر که او سورة احزاب بخواند اهل و زن
دست اویش را بیامرزند و او را از عذاب گور امان دهند بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها النبی اتق الله و لا تطع
الکافرین و المنافقین ان الله کان علیما حکیما و اتبع ما یوحی الیک من ربک ان الله کان بما تعملون خبیرا و توکل
علی الله و کفی بالله وکیلا حق جل و علا خطاب میکند رسول را و مراد رسول و امت وی اند میگوید ای پیغمبر که کشیده و رفیع منزلت است
از خدای بترس و طاعت کافران و منافقان مدار و فرمان ایشان مبر ایة در ابو سفیان حرب امد و عکرمه بن ابی جهل و ابو الاعور السلمی
چون بمدینه امدند و بخانهٔ عبد الله سلول که سر و سرور منافقان بود فرود امدند بر اثر انکه جنگ احد بوده بود و رسول ایشان را
امان داده که بیایند و بگویند و بشنوند عبد الله بن ابی سرح و طعمة ابرق با این کافران و منافقان برخاستند و نزدیک رسول
امدند و گفتند ای محمد دست از خدایان ما بدار و بگوی که ایشان شفیعان ما اند و عبادت ایشان نافع است ما را تا ما نیز دست از
تو و خدای تو بداریم رسول را علیه سخت امد صحابه گفتند یا رسول الله دستوری باش تا همه را گردن بزنیم گفت نشاید که ایشان را امان
داده ام و لیکن از مدینه شان بیرون کنید و ایشان را گفت اخرجوا فی لعنة الله و غضبه و ایة اگر چه خاص است بر عموم حمل کنند ان
الله کان که بدرستی که خدای همیشه بوده است و باشد دانا و درست کار و درست گفتار جز ان نفرماید که مصلحت دران باشد و اتبع
ما یوحی متابعت ان کن که بتو وحی کرده اند از خدای تو که او بدانچه شما میکنید اگاه و داناست و این کافران و منافقان میگفتند
مدارا بعضی دیگر گفتند که جمعی از ثقیف امدند و گفتند ای محمد ما را دستوری ده تا یکسال ما با خدایان خود مشغول باشیم باذن تو
تا مردمان منزلت و اختصاص ما بدانند انگه بس زیانی بتو ایمان اریم رسول را از حرصی که برایمان بود توقف کرد با خود گفت اگر خدای
دستوری دهد ایشان را مهلت دهم خدای این ایة فرستاد که نگر تا فرمان ایشان نبری که دروغ میگویند تو روی بکار خود آور
و بر خدای خود توکل کن که او بسنده وکیلی و یاری ترا ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه و ما جعل ازواجکم اللائی
تظاهرون منهن امهاتکم و ما جعل ادعیاءکم ابناءکم ذلکم قولکم بافواهکم و الله یقول الحق و هو یهدی السبیل

ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا مفسران گفتند این آیه در مردی آمد نام او جمیل بن معمر و
او مردی بود عاقل و با رای و حافظ مردم گفتند همانا که این حفظ که این مرد راست بیک دل نباشد شاید که او را دو دل باشد گفت او را
دو دلست و این سخن هر وقت میگفت خدای تعالی این آیه فرستاد راوی خبر گوید که روز بدر این مرد را دیدم که هزیمت میرفت یکی پای نعل در
و یکی در پای من وی را گفتم چرا یک نعل در دست گرفته و در پای یکی گفت مرا خبر نبود از آنک این را در دست دارم گفتم نه تو دعوی میکنی
که مرا دو دلست اکنون از آن چنان شدی که ندانی که نعل در دست داری یا در پای بعضی دیگر گفتند که کافران چون حفظ و علم
شناختند گفتند همانا او را دو دلست رد کرد این سخن را که خدای تعالی نداد کسانی را که با وزن ظهار کردندی و کسانی را که پسر خوانده
گفتندی گفت چنانک محالست که مردی را دو دل باشد محالست که یک شخص هم زن او باشد و هم مادرش و یا پسر او باشد و پسر دیگری
این بیان را محقق کرداند و گفت خدای تعالی یکی را دو دل نکرد و نیافرید در شکم او و زنان نیز را که شما با ایشان ظهار میکنید مادران شما
نکرد و پسر خوانده کان را پسر شما نکرد این آیه اول در اوس بن الصامت آمد و زن او خولة بنت ثعلبة و دوم در زید بن حارثه کلبی و او بنده
رسول بود او را آزاد کرد و پسر خود خواند پیش از وحی و در اسلام میان او و میان حمزه برادری داد چون زید زن خود زینب بنت
جحش اسدی را رها کرد رسول علیه وی را بزنی کرد جهودان و منافقان طعنه زدند گفتند ما را نهی میکند از آنک مادر زن پسر را
بزنی کنیم و او زن زید را بزنی کرد خدای تعالی این آیه فرستاد و بیان نمود که پسر خوانده پسر نیست بحقیقت ذلکم قولکم این گفتاری
است که شما بزبان میگوئید و از حقیقتی نیست هر کسی پسر کسی دیگر نشود خدای تعالی حق میگوید و خلق را براه راست مینماید ادعوهم لابائهم
ایشان را نسبت با پدران کنید که ایشان را زاده باشند که آن نزدیک تر است پس اگر پدر ایشان را ندانید ایشان برادران شما اند در دین
و آزاد کردگان شما اند و لیس علیکم جناح بر شما حرجی و بزه نیست در آنچه خطا کنید چون نظام حال کسی را بپدر باز خوانید و او
بحقیقت پدر او نباشد و وارث او نباشد و شما ندانید بر شما در آن حرجی نباشد و لیکن بزه در آن باشد که دلهای شما در آن قصد
کنند و خدای تعالی آمرزنده و مهربانست النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ
بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ
ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا رسول اولیتر است بمومنان از ایشان بنفسهای ایشان یعنی حکم او در ایشان روانتر است از آنکه حکم ایشان
بر خود مقاتل گفت طاعت رسول داشتن اولیتر است از طاعت یکدیگر ابن زید گفت فرمان رسول بر ایشان روانتر است از فرمان خدای تعالی
بر خود و گفتند برای آن فرمان رسول اولیتر است از فرمان خود که رسول ایشان را بنجات خواند و هوای ایشان ایشان را بهلاک
و دوزخ خواند عطا گفت قرائت عبد الله چنینست که النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ او روایت اند که عمر خطاب غلامی بدید مصحفی
در کنار میخواند النَّبِيُّ أَوْلَىٰ وَهُوَ أَبٌ لَهُمْ عمر گفت ای غلام آن مصحف میخوانی گفت آری گفت حک کن او گفت این مصحف ابی است ابی را گفت
چرا چنین نوشتی گفت آنکه که شما در بازارها شدید و داد میکردید تمام من مصحف بود و طلب علم قرآن کردن وازواجه امهاتهم و زنان
رسول مادران شما اند یعنی در تحریم بعضی مفسران گفتند سبب نزول آیه آن بود که جماعتی منافقان گفتند ما بال محمد یتزوج نساءنا
و لا نتزوج نساءه چرا او زنان ما را بزنی کند و ما زنان او را بزنی نکنیم و الله که اگر او وفات رسد ما زنان او را بزنی کنیم
حق تعالی این آیه فرستاد و گفت زنان رسول مادران شما اند یعنی نکاح ایشان بر شما حرامست دلیل این تاویل آنست که زنی عایشه را گفت
یا امه ای مادر عایشه گفت لست لک بام انّما انا امّ الرجال من شما در نوشتیم ما مادران ام و دلیل بر آنک او بحقیقت
مادر را در شرع حجاب نفرموده اند آن فرزند و باتفاق نشاید که بهکانکان زنان رسول بیند و اولوا الارحام و خداوندان
رحم بعضی ببعضی اولیترند در کتاب خدای بعضی مفسران گفتند بمیراث قتاده گفت مسلمانان بهجرت میراث گرفتندی و بمواخاه چون

خدای تعالی این آیه فرستاد آن حکم منسوخ شد و این آیه دلیلست بر آنک با وجود مادر و دختر هیچ کس را از برادران و خواهران میراث نباشد
از آنک ایشان زن دیگرند و آنچه روایت کرده در این باب که انما ابقی الفرایض فلاولی عصبة ذکر خبر واحدست برای او ظاهر قرآن رها
نکنم و دست بدارند خویشان اولیترند بمیراث از ایشان بر خواهر مومنان بمواخاه و از مهاجران بالهجرة و مواخاه الا ان تفعلوا مگر کنید با
خویشان و دوستان خود نیکوئی و از وصیت و غیر آن کان ذلک بود این در کتاب نوشته یعنی در لوح محفوظ و گفتند مراد بکتاب توریة
است و بدین آیه استدلال کرده اند بر امامت امیر المومنین علی علیه و وجه استدلال در چنین گفتند که خدای تعالی گفت النبی اولی بالمومنین بر سول
مومنان اولیترست از آنک ایشان بنفس اکاه گفت و اولوا الارحام بعضهم اولی یعنی خویشان او بعضی اولیترند اکاه خویشان او را قصه کرد بدو چیز بایمان
و هجرت بس چون اندیشه کردیم این ولایت اولیة موقوف آمد بر دو چیز یکی قرابة و یکی ایمان دیگر هجرة و آن امامت دعوی در دو کس کردند
در علی و ابابکر و عباس اما ابابکر اگرچه مومن بود و مهاجر قرابة نداشت و عباس اگرچه ایمان و قرابة داشت مهاجر نبود طلیق بود
پس بماند الا امیر المومنین علی علیه وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ
وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا
نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا إِذْ جَاءُوكُمْ
مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا
یاد کن چون فرا گرفتیم ما از پیغمبران عهد و پیمان برسانیدن رسالت و گزاردن وحی و بانک بعضی بشارة دهند و یکدیگر را تصدیق کنند و
خاصه از تو و نوح و ابرهیم و موسی و عیسی و این پنج پیغمبر را برای آن تخصیص کرد که ایشان اصحاب شرایع و کتب بودند و با پیغمبری امامان
بودند این برای آن کردیم تا صادقان را از صدق ایشان بپرسیم که پیغام برسانیدید و بلیغ رسانیدید قصد شما چه بود خدای را رسانیدید
یا غیر او را صادق علیه گفت چون راست گوی را بپرسند که بر کدام وجه راست گفتی تا وی را جزا دهند حال دروغ گوی خود چگونه باشد و
أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ و ساخته است برای کافران عذابی دردناک اکاه گفت ای مومنان یاد کنید نعمت خدای را چون بشما آمد لشکر
کفار ما بر ایشان بادی فرستادیم و لشکری که شما ایشان را ندیدید از فرشتگان و این در جنگ احزاب بود چون مدینه را حصار دادند رسول علیه
فرمود تا خندق بکندند گرد مدینه باشارة سلمان و قصه این آن بود که چون جماعتی جهودان در کارزار احزاب مجتمع شدند چون ...
سلام بن ابی الحقیق بود و حیی بن اخطب و کنانة بن الربیع با جماعتی بنی النضیر و بنی قریظه و آنکه بیامدند بمکه و قریش را دعوت کردند با حرب
رسول و گفتند بیاید تا دست یکی داریم و محمد را و قوم او را مستاصل کردانیم قریش گفتند یا معشر الیهود شما اهل کتابید بگوئید تا دین ما بهتر
یا دین محمد او گفتند که دین شما بهترست ایشان را خوش آمد و خدای این آیه فرستاد الم تر الی الذین اوتوا نصیبا من الکتاب یومنون بالجبت و
الطاغوت و یقولون للذین کفروا هولاء اهدی من الذین آمنوا سبیلا تا آخر آیه اکاه بیامدند بقبیلة غطفان و ایشان را با حرب رسول دعوت
کردند ایشان اجابة کردند قریش از مکه بیرون آمدند قاید ایشان ابو سفیان بود و غطفان را قاید عیینة بن حصین بود و الحارث بن عوف با قبیلهٔ
بنی مرة و مسعر بن رحیله با قوم خود بیرون آمدند چون رسول بشنید که ایشان جمع شده اند و عزم قتال او کرده اند از مدینه بیرون آمد با سه
هزار مرد و در پیش قلع فرود آمدند و سلع با پس پشت او بود و در میان او و میان دشمن خندق بود و قریش و احزاب مجتمع للاسال بر
کنار وادی با ده هزار مرد فرود آمدند و بنی غطفان از جانب احد فرود آمدند و رسول علیه زنان و کودکان خود را و اهل مدینه
را با حصاری فرستاد که آنجا بود نزدیک و حیی بن اخطب نزد کعب بن اسید قرظی آمد و میان کعب و رسول عهدی بود حیی گفت
ای کعب در بکشای که ترا عزی آورده ام گفت برو که تو مردی شومی و میان من و محمد عهدست و من عهد نشکنم حیی بسیاری بگفت چون
فایده نبود گفت تو در حصن از بخل و خساست می کشایی تا ما را طعامی نبایی داد کعب را بخشم آمد در بکشاد و بسیاری سخن گفت اکاه
گفت ای کعب تو بند آری که محمد و لشکر او با ایشان مقاومت کند قریش با اهل مکه و غطفان و بنی کنانه و بنی مره و بنی فزاره و ما که جهودانیم

عهد شکستیم و عهد کرده بر و ما با ایشان نیکوئی در این کار با ما دست یکی نداری از این نوع میگفت تا دل او بگردانید و او عهد رسول بشکست
و با او عهد کرد که اگر دست محمد را باشد من با تو باقی بقلعه آیم تا آنچه بتو رسد بما نیز همان رسد چون رسول علیه خبر ایشان بشنید کس فرستاد
تا احوال معلوم کنند و باز آید اگر عهد آن باشد آشکارا نکردانید تا مردم شکسته دل نکردند و اگر خلاف آن باشد آشکارا کنید و از نقض عهد
جهودان و غطفان لشکر خبر داد رسول تکبیر کرد صحابه بدانستند که کار سهلست خوش دل شدند چون خبر منتشر شد نقض عهد مشرکان و
نقض عهد جهودان مسلمانان بترسیدند و خوف سخت شد معتب بن قشیر گفت عجب است که محمد ما را وعده ملک کسری و قیصر میدهد
و امروز ما چنانیم که بقضاء حاجت نمی یاریم شدن و ذلک قوله ما وعدنا الله و رسوله الا غرورا محنتی بدین حالت بیست و اند روز بماند
که میان ایشان کارزاری نبود جز سنگ و تیر انداختن چون کار دراز سخت شد رسول سعد معاذ را و سعد عباده را گفت من اندیشه میکنم
که این شهر باز خریم بثلث میوه مدینه تا غطفان باز گردند با آن کس که شما را در این چه رایست گفتند یا رسول الله اگر این کار که
یکنی ... خدای تعالی فرموده جان و مال ما فدای او و رسول خدای است رسول گفت درین باب وحی نیامد و لیکن من می نگرم و نکلم میکنم عرب
یکدست شده اند و میخواهم تا دفع ایشان کنم از این شهر سعد معاذ گفت یا رسول الله در جاهلیت هرگز این قوم طمع نبودند که ما از میوه خود ایشان را
چیزی دهیم مگر بیها یا بمهمانی امروز که خدای تعالی ما را باسلامت باسلام بزرگ کردانید و بتو دست داد بر ایشان زمال خود بدیشان
دهیم و الله لا نعطیهم الا السیف بخدای که ایشان را جز شمشیر ندهیم رسول علیه اختیار از این حدیث گفت تا ایشان را چگونه باید چون این
بشنید شاد گشت و بدانست که ایشان دل قوی دارند روز دیگر عمرو بن عبد ود برفت با جماعتی سواران قریش چون عکرمة بن ابی جهل
و هبیرة بن ابی وهب و نوفل بن عبد الله و غیر ایشان سلاحها بپوشیدند بیامدند و گرد لشکر گاه برآمدند بنی کنانه و بنی عامر گفتند
بسان کارزار کنید که امروز بدید آید که رسول کیست و آمدند تا بکنار خندق چون خندق بدیدند گفتند ان هذا المکیدة ما کانت العرب
تعرفها این کیدیست که عرب ندیده است اینجا اکاه تنگنایی طلب کردند و اسب را بانگ بر زدند و بجهانیدند مسلمانان چون آن دیدند
خوف سخت شد و طاقت شان نماند و این حالتیست که خدای تعالی وصف کرد وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ تا آخر آیه ۵
امیر المومنین علی علیه آمد با جماعتی و راه بر ایشان بگرفت عمرو از میان اسب بیرون تاخت و سواران جنگ کو مبارزت او اختیار نکرد او در میان میدان
اسب را جولان میداد و میگفت لقد بححت من النداء بجمعکم هل من مبارز ووقفت اذ جبن المشجع موقف القرن المناجز
امیر المومنین علی علیه پیش او برفت و جواب او گفت لا تعجلن فقد اتاک مجیب صوتک غیر عاجز ذو نیة و بصیرة و الصدق منجی کل فائز عمرو
او را گفت تو کیستی گفت من علی بن ابی طالب گفت برو که من نخواهم که تو بدست من کشته شوی که مرا با پدر تو صداقتی در میان است و دوستی بود علی علیه
گفت من میخواهم که تو بدست من کشته شوی و لیکن ای عمرو شنیده ام که تو گفته مرا هیچکس با خصلتی از دو خصلت نخواند الا که اجابت کردم و من ترا
با یک خصلت میخوانم گفت آن کدام است گفت آنکه بخدای ایمان آری و بپیغمبر گفت مرا باین حاجت نیست گفت دیگر چه خصلت خواهی گفت پیاده شو
تا کارزار کنیم گفت ای علی مرا دریغ آید که تو کشته شوی گفت تو چرا کشته نشوی گفت تو کشته شوی گفت ان شاء الله بتوفیق خدای عمرو خشم گرفت
از اسب بزیر آمد بیکدیگر نوبت بایکدیگر حرب کردند او در آمد و علی را ضربتی زد علی درقه در پیش کشید درقه را ببرید و مغفر ببرید و تیغ بسر مبارک
امیر المومنین رسید امیر المومنین علی با کنار آمد عمرو کمان برد که او را کشت منادی دیگر خواست امیر المومنین جراحت بست و با پیش او آمد
گفت تو کیستی گفت همانک اول بودم گفت سر کن ندانستم که کس از ضربت چنین برهد علی علیه گفت یا عمرو نوبت منست گفت بیار عمرو بایستاد
امیر المومنین علی علیه ... امیر المومنین ضربت بازوی بر ران او زد و رانش را بیفکند و بوسید و روی دشت و برنشست و این
بیت ... اردیت عمروا اذ طغی بمهند صافی الحدید مجرب بقضاب فصددت ترکته متجدلا
کالجذع بین دکادک وروابی وعففت عن اثوابه و لو اننی کنت المقطر بزت اثوابی محمد بن عمرو الواقدی گفت بسنا دادی
زهری که چون عمرو عبد ود از اسب و از خندق بجهانید رسول صحابه را گفت من لهذا اللعون علی رضی الله عنه گفت رسول گفت بنشین دوم بار گفت

سوم بار گفت سوم بار گفت مبارز ... ... که مسلمانان هر یکی مرغی بر سر او ندی یا دستند جنید رسول علیه
پیش خواند و عمامه از سر او برگرفت و عمامه خود بر سر او نهاد و تیغ خود با او داد و گفت امض لشانک اکاه گفت اللهم اعنه بار خدایا یار او باش ۵
جابر انصاری گفت با علی برفتم تا بنگرم تا حال میان ایشان چگونه باشد علی چون بدو رسید گفت ای عمرو ترا با یکی از سه خصلت میخوانم گفت
آن چیست گفت آنک ایمان آری گفت این را تاخیر کن دیگر چه گفت آنک بازگرده شوی تا کارزار کنیم گفت دیگر چه گفت آنک تو برگردی و ما را با ایشان گذاری
گفت تا زنان قریش گویند عمرو از علی بگریخت و بترسید نکنم گفت هرگز ندانستم که در عرب کسی باشد که با من این خطاب کند از اسب بزیر آمد و اسب را
رها کرد و با هم براه یختند از میان ایشان غباری برآمد و در آن میانه نابدید گشتند از علی شنیدم که گفت الله اکبر من بدانستم که علی عمرو را بکشت
از آنک با عمرو بود نه بر یختند نوفل بن عبد الله در خندق افتاد مسلمانان دست بسنگ بردند بکشادند علی گفت دوری بد یخندق فرو رفت و با او
براویخت و ویرا بکشت چون بازگشت عمر بن الخطاب گفت چرا درع عمرو باز نکردی که در همه عرب کسی چنان درع ندارد گفت نخواستم که کشف عورة
بر عم خود کنم ابو عیاش گفت دو ضربت زدند در اسلام عوض ضربتی زد علی را بر سر که آن شومتر در جهان ضربت نبود و سبب هزیمت مشرکان
علی بود که عمرو را و نوفل را بکشت رسول علیه گفت الآن نغزوهم و لا یغزونا اکنون ما غزای ایشان رویم و ایشان بغزای ما نیایند و حسان ثابت
در کشتن عمرو بیتی چند بگفت امسی الفتی عمرو بن عبد یبتغی بجنوب یثرب غارة لم تنظروا فلقد وجدت سیوفنا مشهورة و لقد وجدت جیادنا لم تقصر
چون این شعر بجی عامر رسید جوانی از ایشان جوابی بگفت این را در معنی آنک این کار را انصار نکرده اند و بدست ایشان بر نیامده هم بدست رسول
هاشمی برآمد و بیتها این است کذبتم و بیت الله لا تقتلوننا و لکن بسیف الهاشمیین فافخروا فلم تقتلوا عمرو بن عبد و لا ابنه
و لکنه الکفو الهزبر الغضنفر علی الذی فی الفخر طال بناؤه فلا تکثروا الدعوی علینا فتحقروا فلیس لکم فخر علینا بغیرنا
و لیس لکم فخر یعد یدو یکثر چون خبر کشتن عمرو بخواهران او رسید گفتند کیست آنک بر وی این دلیری کرد گفتند علی بن ابی طالب گفتند
بدست کفو کریم بود تا رزم نبود شجاعان کشت و کشتن او بدست کسی بهتر یا قریش بود که از فات دمی ان یکتب علیه اگر بروی بگریم ابد از
جنبش من منقطع مباد اکاه این بیتها گفت لو کان قاتل عمرو غیر قاتله بکیته ما اقام الروح فی جسدی لکن قاتله من لا یعاب به
و کان یدعی قدیما بیضة البلد راویان اخبار گفتند پس از آنک علی عمرو بن عبد ود را بکشت رسول علیه از کار صحابه رنجوری
دل می بود روزی نعیم بن مسعود پیش رسول آمد و گفت یا رسول الله من تازه ایمان آورده ام در میان قوم من کس را آشکارا اکنون مرا کاری
فرمای اگر من اهلان باشم گفت اگر میخواهی توانی که فتوری و خذلانی در این قوم اندازی بکن که کار زار چیزی خدعه است نعیم بن مسعود بیامد
و پیش دیگر بنی قریظه رفت و او را با ایشان دوستی بود در جاهلیت ایشان را گفت یا بنی قریظه شما دوستی و نصیحت من شناختید گفتند بلی من کویم تهمت
نصیحت مرا در آن متهم ندارید گفتند لا والله گفت بدانید که قریش و غطفان بحرب محمد آمده اند و شما را از جای حصن خود برانگیخته اند حکم
ایشان دیگرست و حکم شما دیگر ایشان اینجا غریب اند و زنان و فرزندان و املاک شما اینجاست اگر فرصتی و غنیمتی باشد ایشان ببرایند
و بروند و اگر کسری و هزیمتی باشد بروند و شما را با محمد گذارند و شما طاقت محمد ندارید مصلحت آنست که از ایشان باستظهار و وثیقتی بستانید
به همه حال با ایشان دست یکی نکنید در قتال محمد گفتند نیکو گفتی و نصیحت کردی اکاه بیامد بنزدیک ابو سفیان و جماعت قریش و گفت
شما دوستی و نصیحت من می شناسید و میدانید که من محمد را یکی خصم من امروز سخنی شنیده ام و این سری است اگر آشکارا نکنم ترسم که بگویند ایشان
عهد کردند گفت جهودان بر این که کردند پشیمان شده اند بمحمد پیغام فرستادند که ما را بعد کردیم پشیمانیم و معه بر آن عهدیم که با تو کرده ایم اگر
از ما راضی شوی ما بعلت و شعه و استظهار جماعتی اشراف و اماثل قریش و غطفان را بستانیم و بپیش تو فرستیم تا همه را گردن بزنی اکاه
با تو دست یکی داریم تا همه را بهلاک کنی محمد راضی شده است و قرار میان ایشان افتاده است اکنون اگر جهودان کس بشما فرستند و گروگانی را با ایشان خواهند که غدر
خواهند کردن چون این بگفت و برفت جماعت قریش و بزرگان غطفان بجهودان کس فرستادند که ما اینجا چند نشینیم اگر کارزار خواهیم آغاز باید کرد و با
ایشان بر قتال یاری کنید جهودان جواب دادند که فردا روز شنبه است ما و وقتی در شنبه کاری کردیم ما را آنچه رسید و دیگر آنک ما کارزار نکنیم تا از شما وثیقه بگیریم

از مردان شما چند کس با جنس بار … نمارا و ثیقتی باشد تا شما برود و ما مادرحق محمد بکذاریم و ما را با محمد طاقت باشد قریش و غطفان چون این شنیدند کفتند
نعیم مسعود است کفت جواب دادند که ما بر شما اعتماد نکنیم ایشان نیز کفتند ما با شما حرب نکنیم خذلان درمیان ایشان افتاد و خدای تعالی باد سرد
بفرستاد چنانک خیمهای ایشان ببرید و طنابها پاره شد و ذلک قوله یا ایها الذین امنوا اذکروا نعمة الله علیکم …
[illegible]

که بیند تمامت تا در ایشان حکم کند وان سعد است گفتند راضی باشیم و سعد درین وقت مجروح بود از تیری که با کحل وی آمده بود و بر بیه در غزای احزاب واو
در مسجد رسول خیمه زده بود و زنی رفیده نام او را مداوا میکرد اوس بیامدند و او را برنشاندند و همه راه با وی میگفتند که رسول خدا
ترا حاکم کرده است در بنی قریظه و ایشان موالی تواند با ایشان احسان کن چون بسیاری بگفتند گفت سعد را وقت آن جت که برای ملامت کنندگان
راه خدای بکذارد چون سعد نزدیک رسول رسید او را فرود آوردند و گفتند رسول خدای ترا حاکم کرده است در موالی تو بنی قریظه سعد گفت عهد
خدای بر شماست که از حکم من باز نیایید وان جانب رسول خدای همچنین است هم گفتند آری و رسول گفت تو از قبل من حاکمی بر ایشان حکم است
کی تو کنی گفت حکم اینست لقد حکمت علیهم بقتل الرجال وسبی النساء والذراری وقسمة الاموال چون من حاکم حکم من است که مردان ایشانرا
بکشند و کودکان و زنانرا بنده گیرند و مالشان قسمت کنند رسول گفت لقد حکمت علیهم بحکم الله من فوق سبعة ارقعة در ایشان آن حکم
کردی که خدای کرد از بالای هفت آسمان انگاه بفرمود تا ایشانرا بزیر آوردند و در سرای زنی از بنی النجار باز داشتند و ایشانرا بازار
مدینه است فرمود تا خندق بکنند و ایشانرا بیاوردند امیر المومنین و طلحه و زبیر راضب کردند تا ایشانرا گردن میزدند
و در آن خندق می انداختند حیی اخطب حله پوشیده داشت بر خویشتن پاره کرده تا کسی از وی برنکند و پیش رسول بایستاد و گفت والله ملامت
نفسی فی عداوتک ولکن من یخذل الله یخذل انگاه روی بقوم کرد و گفت کتاب و قدر و ملحمه کتبت علی بنی اسرائیل انگاه پیش رفت تا
گردنش بزدند عروة بن الزبیر از عایشه روایت کرده که درین میانه از جمله زنان زنی است را بکشتند و او پیش من بود بازی میکرد و میخندید بیکی
آواز داد که کجاست فلانه گفت اینجاست گفت برخیز ای او گفتم چه خواهند گفت بکشتن
جکونه گفت من مردی را از شما بکشتم بآسیاسنگی که از بام بینداختم و نام او خلاد بود او را بیرون بردند و بقصاص خلاد بکشتند چون از
کشتن ایشان فارغ شدند مالهای ایشان قسمت کردند سوار را دو سهم دادند و پیاده را یک سهم و خمس بیرون کردند بر مستحقان خمس قسمت کردند
و زنان ایشانرا بر دست سعد بن زید فرستادند تا بفروختند و اسب و سلاح بدادند و باجنس رسول آوردند چون کار بنی قریظه تمام
شد سعد بن معاذ را وفات رسید رسول علیه و صحابه بروی نماز بگزاردند و فتح بنی قریظه در آخر ذی القعده سنه خمس من الهجرة واورثکم
بشما داد زمین ایشان و سرایها و مالهای ایشان و زمینی که شما بپای نسپرده اید و آن زمین خیبر بود و گفته اند که مکانست
زمین با برهات که گشاده شود مسلمانانرا و خدای بهمه چیزی توانا بوده است و هست

یا ایها النبی قل لازواجک ان کنتن تردن الحیوة الدنیا وزینتها فتعالین امتعکن واسرحکن سراحا جمیلا وان کنتن تردن الله ورسوله والدار الآخرة فان الله اعد للمحسنات منکن اجرا عظیما یا نساء النبی من یأت منکن بفاحشة مبینة یضاعف لها العذاب ضعفین وکان ذلک علی الله یسیرا ومن یقنت منکن لله ورسوله وتعمل صالحا نؤتها اجرها مرتین واعتدنا لها رزقا کریما

مفسران گفتند سبب نزول آیه آن بود که زنان رسول هر یکی آرزویی دیگر خواستند ام سلمه برده خواست و میمونه حله خواست و زینب بنت جحش برد یمنی خواست
و ام حبیبه جامه سحولی خواست و حفصه جامه مصری خواست و جویریه چادری و سوده کلیمی و رسول را علیه از اینها
هیچ نبود و برا ناخوش آمد سوگند خورد که یکماه با زنان مقاربه نکند و از زنان هجران کرد و از صحابه نیز و درین وقت
نه زن بحکم رسول بودند پنج از قریش و باقی از قبایل دیگر خدای این آیه فرستاد و گفت ای پیغمبر بزرگوار بگوی زنان خود
را که اگر شما زینت دنیا میطلبید بیایید تا من شمارا متعه یعنی چیزی بدهم و رها بکنم رها کردن نیکو رسول علیه بیامد و
این آیه بر ایشان خواند و انگاه گفت شتاب مکنید تا انگاه که با پدران خود مشورت کنید ایشان گفتند یا رسول الله ما را درین
باب با کس مشورت نمی باید کرد خدای ما را درین باب مخیر کرده است میان اختیار کردن زینت دنیا و اختیار کردن خدای
و رسول و سرای آخرت ما خدا و رسول و آخرت را اختیار کردیم رسول علیه شاد شد و خدای این آیه فرستاد لا یحل لک النساء

من بعد چون ایشان ترا اختیار کردند تو نیز بر ایشان اختیار مکن وان کنتن و اگر میخواهید شما خدای را و رسول او و سرای آخرت را بدرستیکه خدای
بنهاده است و ساخته است برای زنانی که محسن و نیکوکارند از شما مزدی بزرگوار عایشه گفت رسول بسیار نازک سوگند خورده بود و بیست
و نه روز گذشته بود نزدیک من آمد من گفتم یا رسول الله تو ماهی سوگند خوردی و امروز بیست و نه روزست گفت ماهی سی روز باشد و بیست
و نه روز نیز باشد انگاه بر سبیل وعید گفت ای زنان رسول را ای زنان پیغمبر بزرگوار هر که از شما فاحشه کند هویدا و روشن عذاب او
افزون کرده اند و چند یک عذاب دیگران باشد و برا عذاب کنند و بعضی گفتند که ضعف چیزی همچند او باشد و بعضی گفتند که
دو چند او باشد وکان ذلک علی الله یسیرا آسانست انگاه گفت و هر که از شما که زنان رسولید خدای و رسول را طاعت دارید و عمل صالح کنید
مزد شما دو باره بدهیم و برای او بساختیم مزدی کریم و ثوابی عظیم و عذاب ایشان برای آن دو بار است که نعمت خدای بر ایشان بیشترست
برای آنکه پیغمبر در خانه ایشان بود و محل وحی و منزل رسالت بودند و زیادتی قبح معصیت تابع زیادتی نعمت است و هر که قبح فعل
وی زیادت باشد عقاب وی زیادت باشد یا نساء النبی لستن کاحد من النساء ان اتقیتن فلا تخضعن بالقول فیطمع
الذی فی قلبه مرض وقلن قولا معروفا وقرن فی بیوتکن ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولی واقمن الصلوة
وآتین الزکوة واطعن الله ورسوله انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا
ای زنان پیغمبر بزرگوار شما چون زنان دیگر نیستید در فضل و ساحت که شما راست اگر تقوی و پرهیزکاری میخواهید خضوع و فروتنی مکنید
در سخن گفتن یعنی سخن نرم گویید با مردمان که ایشانرا در تهمت اندازد پس طمع کند در شما انکه در دل وی ریبتی و تهمتی باشد و بگویید گفتاری
نیکو و درست در خبرست که چون این آیه آمد بعضی از زنان صحابه کسی در سرای او آواز دادی و مردی بودی تا جواب دهد و انگشت
در دهان کردی و آواز زشت بکردی انگاه فرمود تا ایشانرا وقرن فی بیوتکن قرار گیرید در خانهای خویش و ملازم باشید
و از خانهای خود بیرون نروید اعمش روایت کرده که هر گاه که عایشه این آیه خواندی چندان بگریستی که مقنعه اش تر شدی سوده زن رسول
را گفتند تو حج و عمره نمیکنی چنانک دیگران میکنند گفت یکبار واجب بود کردم بر ازین حج و عمره من آنست که از خانه بیرون نیایم
چنانک خدای فرموده و عزم من آنست که پای از این حجره که رسول مرا بنشانده است بیرون ننهم تا بمردن همچنین کرد بیرون نیامد تا انگاه
که جنازه اش بیرون آوردند انگاه گفت ولا تبرجن و آراسته پیش مردمان مروید و محاسن خود را ظاهر مکنید چنانک زنان در جاهلیت کردند
و درین جاهلیت خلاف کردند شعبی گفت میان عهد عیسی است و محمد ابو العالیه گفت روزگار داود و سلیمانست که در آن روزگار زنان
جامهای نادوخته داشتندی و اندامهای ایشان ظاهر شدی کلبی گفت روزگار ابراهیم پیغمبرست که زنان پیراهن خود را از در نظم
کردندی و برهنه بیازار بر آمدندی و مجموع مردان عکرمه از عبدالله عباس روایت کرده که جاهلیت میان ادریس و نوح بود و آن هزار سال
بود و دو بطن از فرزندان آدم یکی ساکن سهل بودند و یکی ساکن جبل مردان کوهستان خوبروی بودند و زنان ایشان زشت
و مردان دشت زشت روی بودند و زنان ایشان خوبروی ابلیس بصورت غلامی بیامد و در میان این جماعت نای و بربط ساخت
و زدن گرفت آوازی شنیدند که هرگز نشنیده بودند خبر در نواحی برفت مردم کوهستان بیامدند بنظاره آن و عیدی ساختند
و زنان ایشان مایل شدند آراسته بیرون آمدند مردان کوهستان ایشانرا بدیدند فواحش و ناشایست آشکارا شد فذلک
قوله ولا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولی انگاه امر کرد زنان رسول را بنماز و گفت اقمن الصلوة نماز بپای دارید و زکوة مال بدهید
و خدای را و رسول را فرمان برید که خدای میخواهد تا در برد از شما که اهل بیت رسولید پلیدی و شما را پاک کرده اند درین آیه دو قول گفته اند یکی
آنکه در حق زنان پیغمبرست و ظاهر قرآن موافقست از بهر آنکه گفت ویطهرکم و این خطاب مردانست و دیگر آنکه مراد اهل بیت رسول
اند علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین ابو سعید خدری گفت آیه در شان ایشان آمده است ام سلمه روایت کرده از عطا بن
رباح که این آیه در خانه من فرود آمد و آنجا که من بودم رسول علیه در حجره من بود فاطمه علیها السلام در آمد و دیگی آورد در آنجا

جزیره بود رسول علیه گفت علی را بخوان و حسن و حسین را ایشانرا بخواندند و با رسول آن طعام بخوردند و رسول علیه بر سر گلیمی خیبری نشسته بود
آن گلیم را برگرفت و بر ایشان افکند و گفت اللهم ان لکل نبی اهل بیت و هولاء اهل بیتی فاذهب الرجس عنهم وطهرهم تطهیرا
در حال جبرئیل آمد و این آیه آورد من گفتم یا رسول الله من نیز با شماام گفت تو با خیری و ایشان اهل بیت منند مجمع بن الحارث گفت با بکر
عایشه شدم و گفتم یا اماه خود از خانه بیرون آمدی و فرمان خدای را کار بستی فی قوله وقرن فی بیوتکن گفت ای قدری که از خدا
برفته گفتم حکونی در علی گفت از کسی می پرسی که رسول خدای از او دوستر کس نداشت من رسول خدا را دیدم که جامه بر ایشان در آورد و گفت
اللهم هولاء اهل بیتی وحامتی فاذهب عنهم الرجس وطهرهم تطهیرا خدای این آیه فرستاد انما یرید الله من گفتم یا رسول الله من
از اهل بیت تو هستم گفت تنحی فانک الی خیر دور باش که تو با خیری و لیکن اهل بیت من اینانند از عبدالله روایت کرده اند گفت از رسول
علیه شنیدم که او گفت خدای خلق را بدو قسمت کرد و مرا در بهترین قسمت کرد و ذلک قوله واصحاب الیمین ما اصحاب الیمین من بهترین اصحاب یمینم
انگاه دو قسمت سه کرد و مرا بهترین آن سه قسمت کرد و ذلک قوله واصحاب المیمنة ما اصحاب المیمنة اولئک المقربون پس من بهترین سابقانم
انگاه آن اثلاث را بقبایل کرد و مرا در بهترین قبیله کرد و ذلک قوله وجعلناکم شعوبا وقبایل من بهترین و کاملترین فرزندان آدمم و لا فخر
انگاه آن قبایل را بیوت کرد و مرا در بهترین خانها کرد فذلک قوله انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا واذکرن
ما یتلی فی بیوتکن من آیات الله والحکمة ان الله کان لطیفا خبیرا ان المسلمین والمسلمات والمؤمنین والمؤمنات
والقانتین والقانتات والصادقین والصادقات والصابرین والصابرات والخاشعین والخاشعات والمتصدقین
والمتصدقات والصائمین والصائمات والحافظین فروجهم والحافظات والذاکرین الله کثیرا والذاکرات
اعد الله لهم مغفرة واجرا عظیما
و یاد کنید ای زنان رسول آنچه در خانهای شما میخوانند از آیات خدای که قرآنست و حکمت که شریعت
اسلامست و احکام قرآن بدرستی که خدای لطف کننده و نیکوکار و آگاهست و دانا بهمه چیز ان المسلمین والمسلمات مفسران گفتند سبب نزول
آیه آن بود که زنان رسول بیامدند گفتند یا رسول الله خدای در قرآن مردانرا یاد کرد و ما را که زنانیم ذکری نیست مارا که طاعت ما قبول نیست
خدای این آیه فرستاد و رسول علیه این آیه بر منبر برخواند و من از شکاف حجره می شنیدم بدرستی که مردان مسلمانان و زنان مسلمانان
و مسلمان آنست که منقاد و مطیع است و در وی عنادی نیست مردان مومن و زنان مومنه و مومن آنست که تصدیق کرد خدای و رسول را و آنچه
واجبست تصدیق کردن او مردان فرمان برنده و فرمان کننده و زنان فرمان برداد و فرمان کن و قانتات آن باشد که بطاعت قیام نماید
و مردان راست گوی و زنان راست گوی و صادق آنست که در گفتار و کردار و نیت صادق باشد و مردان شکیبا و زنان شکیبا و صبر
کنند بر محنت و بلا و صابرات که بر طاعت کردن و از معصیت باز ایستادن صبر کنند و مردان ترسکار و زنان ترسکار و خاشع آنست که
متواضع باشد بدل و زبان و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دار و زنان روزه دار و مردانی که ذکر
بسیار کنند و زنانی که بسیار خدای را یاد کنند و بساختست خدای برای این مردان و زنان آمرزش و ثوابی بزرگ وان ابو سعید خدری
و ابو هریره از رسول روایت کردند که هر که در شب بیدار شود و اهل خود را بیدار کند و دو رکعت نماز کنند ایشانرا نزدیک خدای بنویسند
از جملهٔ آنان که ذکر خدای بسیار کنند از مردان و زنان عبدالله عباس گفت روزی میکاییل نزدیک رسول آمد و گفت یا رسول الله بگوی
سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله عدد ما علم وزنة ما علم وملء ما علم که این کلمات بگوید نام
او در میان آنان نویسند که خدای را بسیار یاد کنند عطا بن ابی رباح گفت که هر که کار با خدای خود تفویض
کند داخل باشد فی قوله والقانتین والقانتات و هر که زبان از دروغ نگاه دارد داخل باشد فی قوله والصادقین والصادقات
و هر که نماز کند داخل باشد فی قوله والصابرین والصابرات و هر که او صبر کند بر معصیت داخل باشد فی قوله والخاشعین
والخاشعات و هر که در هفته یکبار صدقه دهد داخل باشد فی قوله والمتصدقین والمتصدقات و هر که از هر ماهی ایام البیض

روزه دارد داخل باشد فی قوله والصائمین والصائمات و هر که فرج خود از حرام نگاه دارد داخل باشد فی قوله والحافظین فروجهم والحافظات
و هر که پنج نماز با اوقات و شرایط خود بجای آرد داخل باشد فی قوله والذاکرین الله کثیرا والذاکرات وما کان لمؤمن ولا مؤمنة
اذا قضی الله ورسوله امرا ان یکون لهم الخیرة من امرهم ومن یعص الله ورسوله فقد ضل ضلالا
مبینا واذ تقول للذی انعم الله علیه وانعمت علیه امسک علیک زوجک واتق الله وتخفی فی نفسک
ما الله مبدیه وتخشی الناس والله احق ان تخشاه فلما قضی زید منها وطرا زوجناکها لکی لا یکون
علی المؤمنین حرج فی ازواج ادعیائهم اذا قضوا منهن وطرا وکان امر الله مفعولا
مفسران گفتند آیه در زینب بنت جحش آمد و در برادرش عبدالله و این زینب دختر امیمه بود و امیمه دختر عبدالمطلب بود عمهٔ رسول علیه رسول کس فرستاد
بخواستن وی برای زید بن حارثه که آزاد کردهٔ رسول و فرزند خواندهٔ وی بود زینب پنداشت که رسول وی را برای خود میخواهد
اجابت کرد چون بدانست که برای زید میخواهد ابا کرد و گفت من دختر عمهٔ رسولم و از اشراف زنان قریشم کی روا دارم که زن مولایی آزاد کرده باشم
و او زنی بود بجمال و برادرش همچنین گفت خدای این آیه فرستاد و گفت نباشد هیچ مردی مومن و زنی مومنه که چون خدای و رسول وی حکمی کنند
بر ایشان در آن حکم اختیاری کنند هر که خدای را عاصی شود و در رسول خدای و هر که در خدا و رسول عاصی شد بدرستی که او گمراه شد گمراهی روشن و هویدا زینب
چون این بشنید گفت راضی شدم و کار در دست تو کردم آنچه فرمانت میفرمایی رسول علیه او را بزید داد و مهر رسول بداد ده دینار زرد و شصت درم و
مقنعه و ایزاری و چادری و پنجاه مد از طعام و سی صاع خرما واذ تقول للذی انعم الله علیه وانعمت علیه چون گفتی تو آنکس را که خدای
بر وی نعمت کرد بانکه توفیق داد تا اسلام آورد و تو بر وی نعمت کردی بانکه او را آزاد کردی و بر خود تخصیص دادی و پسر خواندی مخالفان گویند که سبب نزول
آیه آن بود که رسول علیه در سرای زید بن حارثه رفت زینب را دید خویشتن را بیاراسته محبت وی در دلش افتاد و گفت سبحان الله مقلب القلوب
والابصار چون زید باز آمد زینب این حکایت با وی بگفت زید بدانست که در دل رسول محبت او افتاده است خدای کراهت آن زن در دل زید افکند
زید بیامد و رسول را گفت مرا این زن نمی باید میخواهم که طلاقش دهم گفت چرا از او تهمتی هست گفت نه اما مرا با وی خوش نیست رسول علیه او را گفت برو زن
خود را نگاه دار و در دلش خلاف این بود میخواست تا زید طلاقش دهد تا او را بزنی کند زید او را طلاق داد چون عدتش بر آمد رسول زید را گفت
نزدیک او برو و زینب را برای من خواستاری کن گفت برفتم زینب را این حدیث گفتم و در چشم من بشکوه آمد روی نگاه
نیارستم کردن از حرمت رسول پشت بوی کردم و گفتم ای زینب ترا بشارت باد که رسول خدای ترا میخواهد گفت فرمان او راست رسول او را بخواست و
این همه روا باشد مگر آنکه نشاید که گویند رسول عاشق شد از آنکه عشق منفر باشد و خدای پیغمبران را از منفرات نگاه دارد تا موذی نباشد بنقض
غرض او در اجابت دعوت ایشان و نیز نشاید که در زن بیگانه چندان نگاه کند که شهوت او در حرکت آید و عشق بر وی مستولی شود اما آنچه درست است
مات و مفسران در تفسیر او نوع اند که رسول علیه روزی در سرای زید رفت زینب در میان حجره نشسته بود طیب میسود چون چشمش بروی افتاد گفت سبحان
خالق النور تبارک الله احسن الخالقین و باز گشت چون زید در آمد زینب وی را ازین خبر داد گفت شاید که تو در دل رسول افتاده باشی میخواهم که
ترا رها کنم گفت ترسم که تو رها کنی و او نخواهد مرا زید پیش رسول آمد و گفت میخواهم که زینب را رها کنم گفت چرا تهمتی افتاده است گفت لا والله من از او جز
نیکویی ندیدم ولیکن او با من بزرگی میکند برای شرفی که دارد رسول وی را گفت امسک علیک زوجک زن خود را نگاه دار از خدای بترس و
وی را طلاق مده و نیت مکن او را بار رها کردن تکبر بر تو وتخفی فی نفسک و پنهان میکنی در نفس خویش آنچه
خدای آنرا آشکارا میکند و آن آن بود که در نفس رسول بود و در خاطرش که اگر زید او را طلاق دهد وی را بنکاح کند و از ملامت مردمان میترسید
که مردمان گویند رسول زید را فرمود که زن خود را طلاق ده چون طلاق داد وی بخواست خدای تعالی با وی عتاب کرد و گفت از ملامت مردمان
می ترسی و خدای اولیترست از آنکه از وی بترسی مراد باین خشیت خشیت تقوی نیست بلکه خشیت حیا است یعنی از مردمان شرم میداری در اظهار
آن و اولیترست که از خدای شرم داری در اظهار آن فلما قضی زید پس از آنکه زید حاجت از وی تمام کرد و بکلی او وحشت او از وی گشت و طلاقش
داد

[illegible]

ما كان على النبي من حرج فيما فرض الله له سنة الله في الذين خلوا من قبل وكان أمر الله قدرا مقدورا الذين يبلغون رسالات الله ويخشونه ولا يخشون أحدا إلا الله وكفى بالله حسيبا ما كان محمد أبا أحد من رجالكم ولكن رسول الله وخاتم النبيين وكان الله بكل شيء عليما

[illegible]

يا أيها الذين آمنوا اذكروا الله ذكرا كثيرا وسبحوه بكرة وأصيلا هو الذي يصلي عليكم وملائكته ليخرجكم من الظلمات إلى النور وكان بالمؤمنين رحيما تحيتهم يوم يلقونه سلام وأعد لهم أجرا كريما يا أيها النبي إنا أرسلناك شاهدا ومبشرا ونذيرا وداعيا إلى الله بإذنه وسراجا منيرا وبشر المؤمنين بأن لهم من الله فضلا كبيرا ولا تطع الكافرين والمنافقين ودع أذاهم وتوكل على الله وكفى بالله وكيلا

[illegible]

يا أيها الذين آمنوا إذا نكحتم المؤمنات ثم طلقتموهن من قبل أن تمسوهن فما لكم عليهن من عدة تعتدونها فمتعوهن وسرحوهن سراحا جميلا يا أيها النبي إنا أحللنا لك أزواجك اللاتي آتيت أجورهن وما ملكت يمينك مما أفاء الله عليك وبنات عمك وبنات عماتك وبنات خالك وبنات خالاتك اللاتي هاجرن معك وامرأة مؤمنة إن وهبت نفسها للنبي إن أراد النبي أن يستنكحها خالصة لك من دون المؤمنين قد علمنا ما فرضنا عليهم في أزواجهم وما ملكت أيمانهم لكيلا يكون عليك حرج وكان الله غفورا رحيما

[illegible]

ترجي من تشاء منهن وتؤوي إليك من تشاء ومن ابتغيت ممن عزلت فلا جناح عليك ذلك أدنى أن تقر أعينهن ولا يحزن ويرضين بما آتيتهن كلهن والله يعلم ما في قلوبكم وكان الله عليما حليما لا يحل لك النساء من بعد ولا أن تبدل بهن من أزواج ولو أعجبك حسنهن إلا ما ملكت يمينك وكان الله على كل شيء رقيبا

[illegible]

يا أيها الذين آمنوا لا تدخلوا بيوت النبي إلا أن يؤذن لكم إلى طعام غير ناظرين إناه ولكن إذا دعيتم فادخلوا فإذا طعمتم فانتشروا ولا مستأنسين لحديث إن ذلكم كان يؤذي النبي فيستحيي منكم والله لا يستحيي من الحق وإذا سألتموهن متاعا فاسألوهن من وراء حجاب ذلكم أطهر لقلوبكم وقلوبهن وما كان لكم أن تؤذوا رسول الله ولا أن تنكحوا أزواجه من بعده أبدا إن ذلكم كان عند الله عظيما

[illegible]

إن تبدوا شيئا أو تخفوه فإن الله كان بكل شيء عليما لا جناح عليهن في آبائهن ولا أبنائهن ولا إخوانهن ولا أبناء إخوانهن ولا أبناء أخواتهن ولا نسائهن ولا ما ملكت أيمانهن واتقين الله إن الله كان على كل شيء شهيدا إن الله وملائكته يصلون على النبي يا أيها الذين آمنوا صلوا عليه وسلموا تسليما

[illegible]

مغفرة لك خدايت بيامرزاد خداي و فريشتكان كويند آمين إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ
لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ
قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا آنانكه برنجانند خدايرا و رسول خدايرا رنجانيدن در حق خداي صورة نبندد پس مراد آن باشد كه فعلي كنند كه اكر با غير
بود از آن متاذي شود يا اين كه دوستان خدايرا برنجانند و رنجانيدن دوستان خداي رنجانيدن خداي باشد از اينجا كه دست بريد [illegible]
بود عبد الله عباس كفت مراد جهودان اند كه ايشان كفتند يد الله مغلولة و ان الله فقير و نحن اغنياء و ترسايان كه كفتند ان الله ثالث
ثلثة و مشركان كه كفتند الملائكة بنات الله عكرمه كفت صورت كرانند از آنجا كه ميخواهند تا چون صورتي كه خداي آفريده صورت كنند در خبر آمده است
كه رسول عليه السلام كفت خداي تو كفته است كيست ظالمتر از آن كس كه ميخواهد تا چون خلق من خلقي آفريند كو بيافرينند دانه يا بيافرينند ذره و رسول
خداي كفت لعن الله المصورين آنانكه خداي و رسول را مي رنجانند خداي ايشانرا لعنت كرد در دنيا و در آخرة و بساخت و بنهاد براي ايشان
عذابي خوار كننده والذين يؤذون المؤمنين و آنانكه مي رنجانند مردان مؤمن را و زنان مؤمنه را ببهتان و دروغ و چيزي كه آنرا نكرده باشند
بتحقيق احتمال ميكنند و برميدارند آنچه در اثم و بزه سازند ببهتان و بزه هويدا و روشن كه آن رنجانيدن بزبانست مقاتل كفت آيه در حق
امير المؤمنين علي آمد كه جماعتي منافقان وي را برنجانيدند از علي بن ابي طالب روايتست كه روزي رسول خداي يك تاره موي خود بكرفت و كفت
يا علي من اذى شعرة منك فقد اذاني و من اذاني فقد اذى الله و من اذى الله فعليه لعنة الله هركه تاره موي ترا برنجاند از تو مرا رنجانيده
باشد و هركه مرا برنجاند خدايرا رنجانيده باشد و هركه خدايرا برنجاند خداي بر وي لعنت كند و از رحمت خودش دور كند ضحاك و سدي كفتند
جمعي متهتكان شب بيرون آمدندي و چون زنان بقضاء حاجت شدندي بر عقب ايشان رفتندي و انكشت بر ايشان زدندي اكر كسي
بيافتادي مراد خود حاصل كردندي و اكر ايشانرا زجر كردندي بكريختندي زنان اين حال با شوهران خود بكفتند شوهران ايشان
رسول را ازين خبر دادند خداي اين آيه فرستاد يا ايها النبي اي پيغمبر بكو قل لازواجك بكو زنان خود را و دختران خود
را و زنان مؤمنانرا تا فرو كذارند بر خود چادرهاي خود را و رويهاي خود را بآن باز پوشند و خود را از كنيزكان ممتاز كردانند
چنانكه در جاهليت عادة ايشان بود بيرون نرفتندي ذلك ادنى كه نزديكترست بآنكه ايشانرا بشناسند و بدانند كه زنان آزادند
با ايشان آن معاملت نكنند آنانكه ايشان آن معاملت با پرستاران كردندي و زنان آزاد در آن وقت اختيار زنا نكردندي از
رشك وكان الله و بود خداي و باشد آمرزنده و مهربان لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ
الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا
سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا
عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا خَالِدِينَ فِيهَا
أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا اكر منافقان باز نايستند از عداوة و دشمني رسول خداي و مؤمنان و اكر آنكه در دلهاي ايشان
مرضي و بيماريست از فاسقان از فجور و رنجانيدن زنان مؤمنان و كساني كه خبرهاي بدروغ در مدينه مي اندازند از منافقان و اين چنين
بود كه جماعتي بغزو رفتندي ايشان خبر در افكندندي كه آن قوم را بكرفتند و بكشتند و منهزم كردند و مانند اين خبرها كه سبب وهن و ضعف
اسلام بودي خداي تو كفت اكر اين منافقان از مثل اين سخنان باز نايستند ما ترا اي محمد بر ايشان مسلط كردانيم تا بكني با ايشان آنچه
ايشانرا ازو هلاك كرداند پس آنكاه مجاورت تو نكنند در مدينه مكر زماني اندك كه پس از آن هلاك و مستاصل شوند آنكاه وصف كرد ايشانرا
و بيان كرد حكم ايشانرا و كفت ملعونين ملعونان و راندكانند و در لعنت خداي ماندكانند هر جاكه ايشانرا بيابيد بكيريد و بكشيد كشتني بليغ
قتاده كفت منافقان خواستند تا نفاق خود آشكارا كردانند چون اين آيه آمد نتوانستند كه آشكارا كنند سنة الله سنتي نهاده و طريقي

پديد كرده خداي در حق اين منافقان بآنكه هر كجا يابند ايشانرا بكيرند و بكشند چنانكه سنة و طريقه او بود در حق آنانكه كذشتند از پيغامبران با منافقان عهد
ايشان ولن تجد و هركز نيابي سنة خدايرا تغييري و تبديلي آنكاه كفت يسالك الناس مي پرسند اين كافران از قيامت و وقت او بر سبيل انكار و جحود
بر سبيل امتحان بكو كه علم آن بنزديك خدايست و تو چه داني تواند بود كه قيامت نزديك باشد خداي تو لعنت كرد كافرانرا و بساخت و بنهاد براي ايشان
دوزخ را [illegible] از نامهاي قيامت خالدين فيها جاويد و مخلد باشند در آن دوزخ نيابند هيچ يار و ياوري كه نصرة ايشان كنند
يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَا وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا
فَأَضَلُّونَا السَّبِيلَا رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَا
لَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا روزي كه بكردانند رويهاي ايشان در آتش دوزخ [illegible] از اعضاي
ايشانرا و آن رويهاي ايشانست ايشان ميكويند بر وجه تمنا اي كاشكي ما طاعت خداي و رسول خداي داشتيمي [illegible] خداوندا ما فرمان سالاران و بزركان
خود برديم و مطيع ايشان بوديم ايشان ما را كمراه كردند خداوندا ايشانرا عذاب دو چندان ده كه ديكرانرا دهي كه ايشان هم كمراه بودند و هم كمراه كننده و لعنت كن ايشانرا
و از رحمت خود دور كردان لعنت كردني بسيار محمد بن ابي السري كفت در خواب ديدم كه با مردي مناظره ميكردم من ميكفتم كبيرا او ميكفت كثيرا در خواب رسول
را ديدم از حال بپرسيدم و كفتم السلام عليك يا رسول الله استغفر لي او هيچ نكفت بار ديكر كفتم او هيچ نكفت من كفتم يا رسول الله ما را از جابر بن عبد الله روايت كرده
اند كه ما سئلت شيئا قط فقلت لا هركز كسي از تو چيزي نخواست كه تو كفتي نه رسول بخنديد و كفت اللهم اغفر له كفتم يا رسول الله ما را با اين مرد خلافست در اين آيه كه والعنهم
لعنا كبيرا او ميكويد كثيرا من ميكويم كبيرا چكويي [illegible] يا ايها الذين امنوا اي مؤمنان [illegible] مباشيد چون كساني
كه برنجانيدند موسي پيغمبر را خداي تو بيزار كرد او را از آنچه در حق او كفتند و او بنزديك خداي با جاه و منزلت بود تا ايذاء موسي چه وجه كرده از ابو هريره روايت كويند
كه او كفت سبب نزول [illegible]
[illegible]
اورا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ابن عباس از امير المؤمنين علي روايت كرد [illegible]
[illegible]
و بني اسرائيل را خبر داد [illegible]
[illegible]
ما [illegible]
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ
رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ
مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ
وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا اي مؤمنان از خداي بترسيد و كفتار بصواب كوييد عكرمه كفت
كفتار بصواب كفتن لا اله الا الله است مقاتل كفت سخن حق كوييد در حق رسول و زينب بنت جحش يصلح لكم خداي كارهاي شما باصلاح آرد و كناهان شما بيامرزد
و هركه خداي را و رسول را فرمان برد برسيد بمراد و مطلوب خود ظفر يابد ظفري بزرك چون طاعت خود و طاعت رسول خود را بنظر عظيم معلق كردانيد
[illegible] كه ما عرضه كرديم امانت را بر آسمان و زمين و كوهها [illegible] بر دلالت ايشان با اين عظمت و بزركي كه ايشانراست مطيع و منقاد
فرمان كشتند در ايجاد و تكوين [illegible] هر يكي را بر شكلي ديكر و بر صفتي ديكر در وجود آورديم هيچ كدام از اين اجرام امتناع نكردند و ابا ننمودند

و انسان بر سبيل آدمي او را خلق و سائر مكلف را اباكرده و امتناع كرد از طاعت [illegible]
براي آنكه لازم آيد اداي آن و محل عبارتست از تركِ اداي امانت [illegible] فابين ان يحملنها اباكردند از آنكه اداي امانت
نكنند يعني اداكردند و از اداكردن نترسيدند و آدمي برداشت [illegible] و ترك امانت و نادان [illegible]
[illegible]
نماز و روزه و غسل جنابت [illegible]
[illegible]
بوقت خود و زكوة مال [illegible] و ماه رمضان روزه دارد و حج خانه كند چون استطاعت داشته باشد و اداء
امانت كند [illegible] غسل جنابت است و بعضي ديكر كفتند امانت [illegible]
[illegible] هابيل است و اين انسان قابيل [illegible]
[illegible]
كفتند حمل يعني خيانت است [illegible]
[illegible]
[illegible]
كه ظلوم و جهول [illegible] انه كان ظلوما جهولا
ليعذب الله المنافقين خداي تو [illegible] از منافقان و مشركان كه منافقان جهان كنند
و مشركان [illegible] از مردان و زنان بحفظ امانت و اداي آن [illegible]
كردن در امانت توبه كرده اند [illegible] و بالله التوفيق سورة السبا مكيست پنجاه و چهار آيت ابي بن كعب از رسول عليه السلام
روايت كرد كه هركه او سورة سبا بخواند هيچ پيغمبري نباشد الا كه رفيق و يار او باشد روز قيامت بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا
يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ شكر و سپاس و ستايش مر خدايي را كه او راست آنچه در آسمانها و زمين است ملك
و ملك و خلق و تصرف آن او راست [illegible] شكر و سپاس خاص بحق او در آخرة و او است خداي محكم كار [illegible]
داننده و آكاه [illegible] بزمين فرو مي رود از آب و باران و كنجها و مردكان و آنچه از زمين بيرون مي آيد از كياه و حبوب و
حيوانات و آنچه از آسمان فرو مي آيد از باران و فرشتكان و آنچه بر آسمان مي رود از اعمال بندكان و ارواح و فرشتكان [illegible]
و آمرزنده و مهربانست وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ
مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ لِيَجْزِيَ
الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ
أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ كافران كه منكران بعث اند كفتند بر طريق استهزاء و افسوس كه قيامت نخواهد آمد بكو اي محمد
بجواب ايشان كه آري بحرمت خداي من كه هر آينه خواهد آمدن بشما آن خداي كه داننده غيبست [illegible] و غايب نكردد از او و از علم او مثقال ذره
نه در آسمانها و نه اندر زمين نه خردتر از آن و نه بزركتر از آن الا كه در نوشته كتاب روشن يعني لوح محفوظ كه خداي تو كائنات بدو ثبت كرده است
تا فرشتكان بر آن مطلع شوند [illegible] و قيامت براي چه آيد براي آن تا جزا دهد آنانكه ايمان آوردند و عمل صالح كردند [illegible]
كه لازمست براي ايشان [illegible] كه ايشانراست از خداي تو آمرزش و روزي بزركوار يعني بهشت و آنانكه سعي كردند در ابطال آيات ما با خصم

تقدير كرده كه ما را عاجز كرده اند تا از ما فايت كردند و در كذشتند ايشانراست عذابي از عذاب رنجاننده وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقَّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ
عَلَى رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا
يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ
الْأَرْضِ إِنْ نَشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ
مي بينند و مي دانند آنانكه ايشانرا علم داده اند يعني صحابه رسول يا مؤمنان اهل كتاب چون عبد الله سلام و اصحابش كه انجيل بر ايشان فرستاده شد از
خداي تو يعني قرآن حقست و راه مي نمايد براه خداي كه عزيزست و ستوده و آن راه طريق اسلامست و كفتند آنانكه كافر شدند بر سبيل استهزا
كه هيچ شما را راه نماييم بر مردي كه شما را خبر دهد كه چون بميريد و در خاك پوسيده و پاره پاره شويد و بغايت ريزه ريزه كرديد شما را باز آفرينند در خلقي نو باشيد و آن
مرد رسول را ميخواستند افترى اي دروغ كفت بر خداي با خود يا او جنوني و ديوانكي هست و آن ديوانكي كفت را از اين معني ميخواستند آنانكه بآخرة ايمان نياورند
در عذاب و هلاكي دور اند چون عذاب از لوازم ضلالست كويي كه هر دو قرين يكديكر اند آنكاه تنبيه كرد ايشانرا بر دليلي كه راه نمايد بر صحت بعث و نشور و كفت
اي عجب نكرند و نمي بينند بآنچه در پيش ايشان و در پس ايشانست از آسمان و زمين و محيط بايشان و هر دو مقدور قدرت منست الكمن قادر باشد بر آن قادر باشد
بر بعث و نشور و كفته اند كه مورد اين آيه مورد تهديد و وعيد است يعني آسمان و زمين محيط ايشانست اكر خواهيم تا از اكناف و اقطار آن بيرون روند نتوانند
اكر خواهيم ايشانرا بزمين فرو بريم و اكر خواهيم پاره از آسمان بر ايشان اندازيم [illegible] در اين نظر و تفكر آيتي و علامتيست مر بنده با خداي كردنده را
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَلَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا
صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ
الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ
مِنْ مَحَارِيبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ
ما داود را داديم از نزد يك خود فضلي كه آن نبوتست و كتاب زبور و آواز خوش جواب دادن كوهها و كفتيم كوهها را كه با وي تسبيح كنيد و آواز خود با آواز
او يكي كردانيد چنانكه او ميكويد شما نيز ميكوييد و مرغانرا نيز كفتيم و امر كرديم بآنچه كوهها را كفتيم و كفته اند كه معني اوبي آنست كه با وي برويد و كفته اند كه
معني آنست كه ما كوهها را مسخر كرديم كه بدو ما مامور را كه او را بفرمايد و فرمان برند طاعت دارند و روا باشد كه خداي تو تسبيح در كوهها
آفريند چنانكه سخن در درخت بر آن معجزه داود و النا له الحديد ما براي داود آهن را نرم كردانيديم تا چنانچه خواستي بدست ميكردانيدي بي آتش
و خايسك و سندان وهب ابن ان بود كه داود در سياحت و سير عموم كس را كه ديدي ناشناخته او را از وي پرسيدي كه اين مرد كه والي شماست چكونه مردي است
كفتندي نيكو مرديست نيك سيرت مردي است و عادل پادشاهي است و او بيان خدا را شكر كردي يك روز فرشته بصورت مردي پيش او آمد داود همچنان بر
عادت خود از وي پرسيد كه والي شما چكونه مرديست او كفت نيك مرديست اكر در وي يك خصلت نبودي كفت آنچيست كفت آنكه از بيت المال ميخورد بايستي كه از كسب
دست خود خوردي او كفت بار خدايا مرا طريقي بديد كن كه من از كسب دست خود خورم خداي تو آهن را بر دست وي نرم كردانيد و او را صنعت زره كردن بياموخت
او زره ساختي و هر يكي را بچهار هزار درم فروختي چيزي بصدقه بدادي و چيزي نفقه كردي و اين يكي از معجزات وي بود ان اعمل سابغات چون آهن بر دست
وي نرم كرديم و بر الهام كفتيم زرههاي تمام و فراخ كن و قدر في السرد و باندازه كن در زره بافتن و ميانه نكاه دار نه دراز و نه كوتاه و كفتند كه معني آنست كه
ميخهاي زره باريك مكن تا بجنبد در حلقه و ستبر مكن تا حلقه بشكند و كفتند كه سرد حلقه زره بافتن است يعني اين حلقهها بيك شكل كن نا ملايم نباشد
و زره او را ميخ نبودي براي آنكه آهن بدست او نرم بودي بر هم مكيدي و در هم انداختي و بر هم پيوستي آنكاه داود و قوم وي را كفت اعملوا صالحا كار نيكو كنيد
و بورزيد كه من بآنچه شما ميكنيد بينايم و لسليمان الريح و باد را مسخر سليمان كرديم رفتن او بامداد بيكماهه راه بودي و شبانكاه بيكماهه راه و وهب منبه كفت
كه بعضي كسان جوانمرد كه بناحية دجله بر سنكي نوشته ديدند كه بعضي از اصحاب سليمان نوشته بودند كه بامداد از اصطخر بيامديم و قيلوله اينجا كرديم و شب را

انشاء الله که شام باشیم و روایت کرده اند که سلیمان علیه السلام بامداد از زمین عراق بیامد و قیلوله بمرو کرد و نماز دیگر بلخ کرد و بامداد از لشکرگاه او مرغان برگرفتی
و مرغان در هوا سایه بر ایشان گسترده بدندی انگاه از بلخ بترکستان امد و از انجا بچین رفت انگاه بر ساحل دریا برفت انجا که مطلع آفتاب است تا
بزمین قندهار رسید و از انجا بمکران رفت [illegible]

[illegible]

برمی بلا شد که آواز چه بود ترس از دل ایشان ساکن شود جبرئیل را گویند ماذا قال ربکم جبرئیل گوید الحق اهل آسمان یکبار آواز دهند الحق الحق جبرئیل بر منبر آید و وحی بگذارد و بعضی دیگر گفتند ترس ایشان از قیام الساعه باشد کلبی گفت میان عیسی علیه السلام و محمد فترتی دراز بود مدت پانصد و پنجاه سال خدای تعالی هیچ پیغمبری نفرستاد و وحی از آسمان نیامد چون خدای تعالی رسول ما را بفرستاد اهل آسمان آواز وحی شنیدند گمان بردند که قیامت است از ترس بیفتادند و بیهوش شدند چون جبرئیل با ایشان بگذشت سر برداشتند و خوف از ایشان زایل شده بود با یکدیگر میگفتند ماذا قال ربکم جواب میدادند یکدیگر را الحق و این تنبیهات مشرکان بیان کرد فرشتگان با قربت منزلت ایشان و صلابت خلق ایشان از ترس وحی خدای چنین ضعیف و ذلیل میگردند و ایشان را شفاعت جز بدستوری نیست و چون مستوجب دهند از وحی کلام خدای چنین ترسند معبودان ایشان با ایشان رسند چه رسند آنگاه خدای ترس از دل ایشان باز بحث را با آنچه وحی بشنیدند می دانند فرشتگان را گویند ماذا قال ربکم جواب گفت خدای شما گویند ایشان اقرار دهند در وقتی که اقرار سود نکند برای آنکه وقت العمل [illegible] وهو العلی الکبیر اوست خدای بزرگ و بزرگوار آنگاه گفت ای محمد مشرکان را بر سبیل تنبیه گفت که روزی میدهد شما را از آسمان و زمین از آسمان باران و از زمین نبات و اگر ایشان جواب ندهند تو جواب ده بگوی که خدای است روزی دهنده بر ایشان دراین خلاف نخواهند کردن آنگاه بر سبیل مجادله و طریق مناظره گفت احوال ما و شما از دو بیرون نیست یا ما و شما بر گمراهی ایم و یا ما و شما بر طریق راستیم یعنی از ما هر دو قوم یکی بر هدایت است و یکی بر ضلالت بر حکم آنکه با این دو قول متناقض هر دو بر حق باشیم و یا هر دو بر باطل از طریق نظر درانجا شکی نبود خدای را و رسول را و ابن عباس گفت که یکی با دیگری خصومت کند و او عالم باشد بانکه بر حق است و در دعوی صادق آنگاه یکی گوید از ما دروغ میگوید هر دو قول راست نخواهد بود و غرض آن [illegible] دروغ تو میگویی و این همچنانست که ابو الاسود الدئلی گفت یقول الارذلون بنو قشیر طوال الدهر لا تنسی علیا احب محمدا حبا شدیدا و عباسا و حمزة والوصیا بنو عم النبی و اقربوه احب الناس کلهم الیا فان یک حبهم رشدا اصبه ولست بمخطئ ان کان غیا بنو قشیر که او را ملامت میکردند بر دوستی اهل البیت گفتند در دین خود شک کرده گفت افترون ان الله شک پس خدای شک کرده باشد چون گفت وانا او ایاکم لعلی هدی او فی ضلال مبین او وهمسایگی بنو قشیر فرود آمده بود و ایشان مجبر بودند و ابو الاسود علی بود هر شب سنگ بر وی می انداختند او گفت شرم [illegible] سنگ می اندازید گفتند ما نه میاندازیم بل الله دماک ما نمی اندازیم خدای می اندازد او گفت دروغ بر خدای میبندید که اگر خدای انداختی خطا نشدی و بعضی دیگر گفتند او بمعنی واو است و کلام بر تمییز و تفصیل و تقدیر آن که وانا لعلی هدی وایاکم لفی ضلال ما براه راستیم و شما بر ضلالت چنانکه جریر گفت اثعلبة الفوارس او ریاحا عدلت بهم طهیة والخشابا یعنی واو است

قل لا تسألون عما اجرمنا ولا نسأل عما تعملون قل یجمع بیننا ربنا ثم یفتح بیننا بالحق وهو الفتاح العلیم قل ارونی الذین الحقتم به شرکاء کلا بل هو الله العزیز الحکیم وما ارسلناک الا کافة للناس بشیرا ونذیرا ولکن اکثر الناس لا یعلمون ویقولون متی هذا الوعد ان کنتم صادقین قل لکم میعاد یوم لا تستأخرون عنه ساعة ولا تستقدمون

بگوی ای محمد که از شما بپرسند و سوال نکنند از آنچه ما کرده ایم از گناه و معصیت و از ما نیز نپرسند آنچه شما کردید بگو ای محمد که خدای ما جمع کند و میان ما روز قیامت آنگاه حکم کند میان ما حکمی بحق و او داور داناست و حاکمی عادلست آنگاه گفت ای محمد بگوی که بمن نمایید آنان را که الحاق کردید بخدای در خدایی و شریک خدای کنید ایشان را نه چیز آفریده اند و هیچ کرده اند که بان مستحق عبادت شدند آنگاه رد و زجر کرد و گفت بان ایستادن نه که چنین است بلکه او خدایست غالب بر جمله اشیا حکیم کار و درست گفتار و ما ارسلناک و نفرستادیم ترا ای محمد مگر بجمله خلایق عرب و عجم و ترک و هند و گفتند الا با زدارنده مردمان از معاصی بوعظ و زجر و از کفر و بشارت دهنده ببهشت و بیم کننده از دوزخ ابن عباس از رسول علیه روایت کرده است که مرا پنج چیز داده اند و بایشان فخر نمی آرم یکی آنکه مرا بسپید و سیاه فرستادند و دوم آنکه زمین را طهور و مسجد من میکردند ... با ترس من بیکماهه راه میرفت و از پیش من و مرا شفاعت دادند و من آنرا ذخیره کردم برای گناهکاران امت من و شفاعت من برسد بانکه او بهیچ چیز شرک نیاورده باشد ولکن اکثر الناس و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند از آنک اندیشه نمیکنند و میگویند یعنی کافران که منکران بعث و نشور اند این وعده قیامت کی خواهد بود اگر چنانست که شما راست میگوید

بگوی ای محمد شما راست میعاد روزی که یکساعت از آن ناخیر نکنند و بازپس ندارند و فراپیش نیارند

وقال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرآن ولا بالذی بین یدیه ولو تری اذ الظالمون موقوفون عند ربهم یرجع بعضهم الی بعض القول یقول الذین استضعفوا للذین استکبروا لولا انتم لکنا مؤمنین قال الذین استکبروا للذین استضعفوا انحن صددناکم عن الهدی بعد اذ جاءکم بل کنتم مجرمین وقال الذین استضعفوا للذین استکبروا بل مکر اللیل والنهار اذ تأمروننا ان نکفر بالله ونجعل له اندادا واسروا الندامة لما رأوا العذاب وجعلنا الاغلال فی اعناق الذین کفروا هل یجزون الا ما کانوا یعملون

گفتند آنانکه کافر شدند که ما ایمان نیاوریم باین قرآن و نه بانچه از پیش اوست از توریة و انجیل و زبور و صحف و این مشرکان عرب بودند که بهیچ پیغمبر ایمان نداشتند آنگاه از حال ایشان حکایت کرد و گفت اگر بینی ای محمد آنگاه که ظالمان و کافران را بدارند نزدیک حکم خدای ایشان روز قیامت بعضی از ایشان بازگردانند گفتار را با بعضی یعنی با یکدیگر خصومت کنند و سوال و جواب کنند مستضعفان و اتباع گویند متکبران و روسا را که اگر نه شما بودی ما مؤمن بودیمی شما ما را اغوا کردید و از راه ببردید متکبران و گردن کشان آن روسا گویند مستضعفان و اتباع را ای ما شما را بگردانیدیم و از راه ببردیم پس از آنکه هدی و بیان بشما آمد یعنی ما شما را منع کردیم بلکه شما خود گناهکاران و کافران بودید مستضعفان جواب دهند و گویند نه از ما بود بلکه از مکر و کید شما بود که با ما میکردید شب و روز چون میفرمودید ما را که کافر شویم بخدای و مر او را انباز و شریکان گیریم آنگاه گفت واسروا الندامة متکبران و مستضعفان پشیمانی ظاهر کردند چون عذاب معاینه ببینند آنگاه که پشیمانی سود ندارد و گفته اند که پنهان کنند پشیمانی را و گفتیم غلها در گردن کافران از اتباع و متبوعان و ایشانرا جزا دهند الا بدانچه کرده باشند یعنی جزا دهند و جزا ندهند جز بدانچه کرده باشند

وما ارسلنا فی قریة من نذیر الا قال مترفوها انا بما ارسلتم به کافرون وقالوا نحن اکثر اموالا واولادا وما نحن بمعذبین قل ان ربی یبسط الرزق لمن یشاء ویقدر ولکن اکثر الناس لا یعلمون وما اموالکم ولا اولادکم بالتی تقربکم عندنا زلفی الا من آمن وعمل صالحا فاولئک لهم جزاء الضعف بما عملوا وهم فی الغرفات آمنون

ما هیچ شهری و هیچ دهی هیچ پیغمبری نفرستادیم بیم کننده الا که مترفان و متنعمان آن جایگاه گفتند که ما کافریم بانچه شما را فرستاده اند از کتاب و شریعت و معجزه و ادله و گفتند که ما بیشتریم بمال و فرزند ما بمالها و فرزندان ما بیشتر است از مال و فرزند پیغمبران و ما را عذاب نکنند از خدای که ما را برای آن داد که در دنیا نعمت داد اگر کفر ما ناحق است در آخرة ما را عذاب نکند قل ان ربی بگوی ای محمد که خدای من روزی بگسترانند و فراخ کرده اند آنرا که خواهد و تنگ کرده اند و باندازه دهد آنرا که خواهد بر حسب مصلحتی که داند و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند آنگاه گفت وما اموالکم و نیست مالهای شما و فرزندان شما آنکه شما را بما نزدیک کرده اند و قربت و منزلت دهد نزدیک بخدای جز عمل صالح نزدیک نکرداند الا من آمن لیکن آنانکه ایمان آورند و عمل صالح کردند ایشانرا جزا و پاداش دهد با پنج کردند در جهان و در غرفهای بهشت ایمن باشند

والذین یسعون فی آیاتنا معاجزین اولئک فی العذاب محضرون قل ان ربی یبسط الرزق لمن یشاء من عباده ویقدر له وما انفقتم من شیء فهو یخلفه وهو خیر الرازقین ویوم یحشرهم جمیعا ثم یقول للملائکة اهؤلاء ایاکم کانوا یعبدون قالوا سبحانک انت ولینا من دونهم بل کانوا یعبدون الجن اکثرهم بهم مؤمنون فالیوم لا یملک بعضکم لبعض نفعا ولا ضرا ونقول للذین ظلموا ذوقوا عذاب النار التی کنتم بها تکذبون

وآنانکه سعی کنند در ابطال آیات ما یا خود تقدیر کرده که عاجز توانند کردانیدن و گفتند که گمان بردند که از قبضه قدرت ما بیرون روند و از ما فایت شوند ایشان در عذاب حاضر کرداند یعنی در دوزخ که جای عذابست بگوی ای محمد که خدای من روزی فراخ کرداند بر آنکه خواهد و تنگ دارد این آیات که اول خطاب با کافران است وعدم وعظ مؤمنان و توانگر کردانیدن کافران برای کرامت ایشان نیست و توانگر کردانیدن مؤمنان شاید که برای زیادتی سعادت

بلکه از راه خدای نفقه کنید وما انفقتم من شیء و هرچه شما نفقه کنید از هرچیزی که باشد خدای تعالی آنرا عوض بدهد یا در دنیا یا در قیامت ابو هریره از رسول علیه روایت کرد که خدای تعالی گفته است عبدی انفق انفق علیک ای بنده من نفقه کن در راه حق تا بر تو نفقه کنم و رسول علیه گفت هیچ روز آفتاب بر نیاید الا که بجانب او دو فرشته باشد میگویند اللهم عجل لمنفق خلفا و ممسک تلفا بار خدایا تعجیل کن بر نفقه کننده را عوض و هر مسکی و بخیلی را تلف مال و انس روایت کرد از رسول که هر شب فرشته است که ندا میکند لدوا للموت وابنوا للخراب بزایید برای مرگ و بنا کنید برای خراب شدن و دیگری ندا میکند هب للمنفق خلفا نفقه کننده را عوض ده و دیگری میگوید اعط لممسک تلفا تلف کن مال نگاه دارنده را و دیگری میگوید کاشکی مردم را نیافریدی و دیگری میگوید چون افرید کاشکی بدانستندی که ایشانرا چرا افرید جابر بن عبدالله انصاری روایت کرد ما انفق المؤمن من نفقة فعلی الله خلفها ضامنا الا ما کان من نفقة فی بنیان او معصیة هر نفقه که مؤمن کند خدای تعالی ضامن است که عوض بدهد الا آنچه در بنا یا در معصیت نفقه کند که آنرا عوض ندهد ابو امامه گفت باید تا شما باین آیه اسراف نکنید که من از رسول شنیدم و الا گوش من کر باد که او گفت ایاکم والسرف فی المال والنفقة و علیکم بالاقتصاد فما افتقر قوم قط اقتصدوا از اسراف دور باشید در مال و نفقه کردن و بر شما باد که میانه نگاه دارید که هیچ کس درویش نشد هر که او اقتصاد کرد و میانه نگاه داشت وهو خیر الرازقین و او بهترین روزی دهندگانست

ویوم یحشرهم و یاد کن ای محمد آن روز که ما حشر کنیم این کافران آنگاه فرشتگان را گوییم ایشان شما را میپرستیدند و این بر سبیل تقریع است کافران را فرشتگان گویند منزهی تو و پاکی از آنچه نادانان بتو حوالت کنند و بتو شرک آورند خداوند مایی بدون ایشان تو ولی مایی نه ایشان ایشان اجنی را می پرستیدند و بیشتر ایشان بدیو ایمان آوردند آنگاه ایشانرا گویند امروز برخی از شما برای برخی مالک نیست نه نفع را و نه ضر را هیچکس را قوة آن نباشد که چیزی را از زبان کند باسوء ونقول للذین ظلموا و گوییم ظالمان و کافران را بچشید عذاب دوزخی که آنرا بدروغ میداشتید چون شما را آن خبر دادند

واذا تتلی علیهم آیاتنا بینات قالوا ما هذا الا رجل یرید ان یصدکم عما کان یعبد آباؤکم وقالوا ما هذا الا افک مفتری وقال الذین کفروا للحق لما جاءهم ان هذا الا سحر مبین وما آتیناهم من کتب یدرسونها وما ارسلنا الیهم قبلک من نذیر وکذب الذین من قبلهم وما بلغوا معشار ما آتیناهم فکذبوا رسلی فکیف کان نکیر

چون آیات ما بر کافران خوانند آیاتی واضح و روشن از آیات قرآن گویند نیست این محمد الا مردی که او میخواهد تا شما را بگرداند از آنچه پدران شما آنرا میپرستیدند و نیست این که میخواند یعنی قرآن الا دروغی فرو بافته و گفتند کافران حق واضح را و قرآن روشن را که بایشان آمد که نیست مگر جادویی روشن و ندادیم ما ایشان را هیچ کتابی که آنرا خوانند و درس کنند که دراینجا بر نافی باشند و دلیلی بر صحت شرک و پیش از تو پیغمبری بیم کننده نفرستادیم بایشان تا ایشانرا بیم کند بعقاب اگر شرک نیارند یعنی شرک نه مهم و بدروغ زن داشتند کافرانی که پیش از ایشان بودند پیغمبران خود را چنانکه ایشان ترا بدروغ زن میدارند و ایشان بعشر آن نرسیدند که ایشانرا دادیم از عمر و مال و قوة و تمکین بسر ایشان باین همه نعمت که با ایشان کردیم پیغمبران مرا بدروغ داشتند ما ایشانرا عذاب کردیم پس آنگاه دمی و عذاب من ایشانرا چگونه بود یعنی چنان بود که کس نشناسد چرا عذر نمیکنند این جماعت از مثل آن عذاب و بی خوف نمی ترسند از آن

قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی وفرادی ثم تتفکروا ما بصاحبکم من جنة ان هو الا نذیر لکم بین یدی عذاب شدید قل ما سألتکم من اجر فهو لکم ان اجری الا علی الله وهو علی کل شیء شهید قل ان ربی یقذف بالحق علام الغیوب قل جاء الحق وما یبدئ الباطل وما یعید قل ان ضللت فانما اضل علی نفسی وان اهتدیت فبما یوحی الی ربی انه سمیع قریب

بگوی ای محمد من شما را وعظ میکویم و پند میدهم بیک خصلت و میفرمایم شما را بیک چیز و آن است که برخیزید برای خدای و طلب حق را دو دو و یک یک و چون از این مجلس برخیزید اندیشه و تفکر کنید در کردار و گفتار من تا بدانید که بر که صاحب شما هیچ جنونی و دیوانگی نیست و بدانید که او جز پیغمبری نیست که بیم کننده شما را از پیش عذابی سخت که آن عذاب دو نوع است آنگاه گفت بگوی ای محمد من از شما هیچ مزدی نخواهم

بر دین حق بر خلاف بعث و او بر حجت بر آن گواه است بگوی ای محمد که خدای حق را بر می اندازد و وحی پیغام میرساند و هیچ کار بر منا نپوشیده بماند از آنکه خدای را مراد و آگاهی علام الغیوب است بگوی که حق آمد و باطل هیچ نکند نه ابتدا و نه انتها و این حق قرآنست باسلام محمد باقر گفت مراد تیغ است بر اهل ضلال و جهلا و مراد باطل معبودهاست که بدون خدای پرستند عبدالله مسعود گفت رسول علیه در مکه رفت و برامون کعبه سیصد و شصت بت نهاده بود و بدانچه چوبی بدست داشت در بتان می زد و میگفت جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقا آنگاه گفت بگو ای کافران اگر من گمراهم بر من است و بال گمراهی من و بزه آن نه بر شما و اگر من مهتدی و بر راه راست باشم این از آن است که خدای من وحی میکند بمن و مرا بدان ارشاد کرده و لطف میکند و خدای است شنوا و نزدیک بندگان خود هیچ چیز از او غایب نگردد

ولو تری اذ فزعوا فلا فوت واخذوا من مکان قریب وقالوا آمنا به وانی لهم التناوش من مکان بعید وقد کفروا به من قبل ویقذفون بالغیب من مکان بعید وحیل بینهم وبین ما یشتهون کما فعل باشیاعهم من قبل انهم کانوا فی شک مریب

اگر تو بینی ای محمد این کافران را آنگاه که ایشان بترسند در وقت بعث و هیچ فوت شدنی و در گذشتنی نباشد ایشانرا و گریختنی از عذاب خدای و بگیرند ایشانرا از مکانی و جایی نزدیک یعنی گور و گفتند این فزع وقت مرگ باشد و گروهی ایشان در جایی که بنزدیک وگفتند که حسنی بن بعید حدیفه یمانی گفت از رسول شنیدم در وقتی که حدیث فتنه آخر الزمان میکرد گفت سفیانی خروج کند از وادی خشک و دمشق آید لشکری بمشرق فرستد و یکی بمغرب با بابل بمدینه ملعون و بغداد حبیثه لشکر او آنجا بالای سه هزار مرد بکشند و صد زن را بشکم بدرند و سیصد مرد از بنی عباس بکشند آنگاه بکوفه آیند و نواحی کوفه را خراب کنند آنگاه روی بشام نهند در پیش باشند که رایت هدی از کوفه پدید آید و عقب ایشان برود و بدو روزه راه ایشانرا دریابد و قتلی عظیم کنند و غنیمتی که دارند بستانند و بردگان از دست ایشان بیرون کنند لشکری دیگر بشتر مدینه آیند سه روز غارت کنند و از آنجا بمکه آیند ببیدا رسند خدای تعالی جبرئیل را گوید برو ایشانرا هلاک کن او بیاید و پای بر زمین زند و ایشانرا یکبار بزمین فرو برد و ذلک قوله ولو تری اذ فزعوا فلا فوت واخذوا من مکان قریب از ایشان دو کس بجهد یکی بشیر و یکی نذیر یکی بشارت دهد بمردمان بهلاک ایشان و آن هر دو مرد از جهینه باشند و از اینجا مثل شد و عند جهینة الخبر الیقین ایشان را از روزنه بر معنی اول که از گور دعا بر خیزند گویند امنا به ما ایمان آوردیم محمد و بقیامت و انچه او خبر داد و انی لهم التناوش و از کجا بود و چگونه بود ایشانرا دریافتن آسمان از مکانی دور یعنی چنانکه از مکان دور چیزی فرا گرفتن محالست و ممکن نباشد ایمان آوردن ایشان در وقتی که از گور بر خیزند و عذاب معاینه ببینند ممکن نباشد که در محل قبول آید و سود مند بود و قد کفروا به من قبل ایشان کافر بودند پیش از این محمد را و روز قیامت و می انداختند محمد کاهنی بر دند و در حق وی سخنهایی گفتند که دیوانه است از جای دور از حال او نه لایق باحوال او یکی میگفت که ساحرست و یکی میگفت که شاعرست و دیگری میگفت دیوانه است و مراد بغیب اینجا ظن است و حیل بینهم و ایزانند میان ایشان و آنچه آرزو دارند و روی ایشان است از قبول توبه و زوال عقاب و رسیدن بثواب چنانکه با اشیاع و اشباه ایشان کردند که از معصوم و مراد حق شان دور کردانیدند بدرستی که ایشان در محمد و کار قیامت در شک اند در شکی بشک اندازنده و تهمتی عظیم بودند

سورة الملائکة مکی است پنجاه و شش آیه است ابی کعب روایت کرد که هر که این سوره بخواند هشت در بهشت او را بخوانند و میگویند از هر در که میخواهی در آی

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله فاطر السماوات والارض جاعل الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی وثلاث ورباع یزید فی الخلق ما یشاء ان الله علی کل شیء قدیر

شکر و ثنا و ستایش خدای را که آفریننده آسمانها و زمینهاست و شکافنده و پدید آرنده است از کتم عدم بصحرای وجود آن خدای که فرشتگان را رسولان و پیغام گذاران خود میکرداند تا وحی و پیغام او به پیغمبران میرسانند فرشتگانی که خداوندان بالها اند دو دو و سه سه و چهار چهار یعنی بر از ایشان دو دو بال آفرید و بعضی را سه و بعضی را چهار و یزید فی الخلق می افزاید در آفرینش بالهای فرشتگان آنچه میخواهد و غیر این از درازی قامت و نیکویی صورت و روی و موی و آواز خوش و خدای تعالی بر همه چیز قادر و تواناست ابن شهاب روایت کرد از رسول علیه

فاطر

[illegible]

وان یکذبوک فقد کذبت رسل من قبلک والی الله ترجع الامور

[illegible]

یا ایها الناس ان وعد الله حق فلا تغرنکم الحیاة الدنیا ولا یغرنکم بالله الغرور ان الشیطان لکم عدو فاتخذوه عدوا انما یدعوا حزبه لیکونوا من اصحاب السعیر الذین کفروا لهم عذاب شدید والذین آمنوا وعملوا الصالحات لهم مغفرة واجر کبیر افمن زین له سوء عمله فرآه حسنا فان الله یضل من یشاء ویهدی من یشاء فلا تذهب نفسک علیهم حسرات ان الله علیم بما یصنعون

[illegible]

والله الذی ارسل الریاح فتثیر سحابا فسقناه الی بلد میت فاحیینا به الارض بعد موتها کذلک النشور من کان یرید العزة فلله العزة جمیعا الیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه والذین یمکرون

السیئات لهم عذاب شدید ومکر اولئک هو یبور

[illegible]

والله خلقکم من تراب ثم من نطفة ثم جعلکم ازواجا وما تحمل من انثی ولا تضع الا بعلمه وما یعمر من معمر ولا ینقص من عمره الا فی کتاب ان ذلک علی الله یسیر وما یستوی البحران هذا عذب فرات سائغ شرابه وهذا ملح اجاج ومن کل تأکلون لحما طریا وتستخرجون حلیة تلبسونها وتری الفلک فیه مواخر لتبتغوا من فضله ولعلکم تشکرون

[illegible]

یولج اللیل فی النهار ویولج النهار فی اللیل وسخر الشمس والقمر کل یجری لاجل مسمی ذلکم الله ربکم له الملک والذین تدعون من دونه ما یملکون من قطمیر ان تدعوهم

لا یسمعوا دعاءکم ولو سمعوا ما استجابوا لکم ویوم القیامة یکفرون بشرککم ولا ینبئک مثل خبیر

[illegible]

یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله والله هو الغنی الحمید ان یشأ یذهبکم ویأت بخلق جدید وما ذلک علی الله بعزیز ولا تزر وازرة وزر اخری وان تدع مثقلة الی حملها لا یحمل منه شیء ولو کان ذا قربی انما تنذر الذین یخشون ربهم بالغیب واقاموا الصلاة ومن تزکی فانما یتزکی لنفسه والی الله المصیر

[illegible]

وما یستوی الاعمی والبصیر ولا الظلمات ولا النور ولا الظل ولا الحرور وما یستوی الاحیاء ولا الاموات ان الله یسمع من یشاء وما انت بمسمع من فی القبور ان انت الا نذیر انا ارسلناک بالحق بشیرا ونذیرا وان من امة الا خلا فیها نذیر وان یکذبوک فقد کذب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبینات وبالزبر وبالکتاب المنیر ثم اخذت الذین کفروا فکیف کان نکیر

[illegible]

الم تر ان الله انزل من السماء ماء فاخرجنا به ثمرات مختلفا الوانها ومن الجبال جدد بیض وحمر مختلف الوانها وغرابیب سود ومن الناس والدواب والانعام مختلف الوانه کذلک انما یخشی الله من عباده العلماء ان الله عزیز غفور ان الذین

یتلون کتاب الله واقاموا الصلاة وانفقوا مما رزقناهم سرا وعلانیة یرجون تجارة لن تبور لیوفیهم اجورهم ویزیدهم من فضله انه غفور شکور

[illegible]

والذی اوحینا الیک من الکتاب هو الحق مصدقا لما بین یدیه ان الله بعباده لخبیر بصیر

[illegible]

ثم اورثنا الکتاب الذین اصطفینا من عبادنا فمنهم ظالم لنفسه ومنهم مقتصد ومنهم سابق بالخیرات باذن الله ذلک هو الفضل الکبیر جنات عدن یدخلونها یحلون فیها من اساور من ذهب ولؤلؤا ولباسهم فیها حریر وقالوا الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور الذی احلنا دار المقامة من فضله لا یمسنا فیها نصب ولا یمسنا فیها لغوب

[illegible]

اعتماد بر کرم اوست آنکاه ذکر مقتصد آغاز کرد که میان خوف و رجا اند آنکاه ذکر سابق آغاز کرد تا کس از خدا ایمن نباشد و دیگر آنکه ظالم را بیان از تقدیم کرد تا از رحمت نا امید نگردد
و سابق را تاخیر کرد تا بعمل خود عجب نشود ابو بکر وراق گفت این ترتیب بر مرتبه مردم نهاد اول آدمی ظالم باشد بمعصیت آنکاه مقتصد شود بتوبه آنکاه سابق گردد بمجاهده
و از رسول علیه السلام روایت که سابق آنانند که بی حساب بهشت شوند و مقتصد آنکه ایشان را بدارند تا آنکاه که عرق الجام بر دهن ایشان کند آنکاه خدای برحمت در
یابد ایشان را و ایشان آنانند که گویند الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن ان ربنا لغفور شکور و گفته اند که ظالم اصحاب المشأمه اند و مقتصد اصحاب المیمنه
و سابقان مقربان اند ابن عباس گفت سابق مومن مخلص است و مقتصد مرائی است و ظالم کافر نعمت است و هر سه بهشت باشند اسامه بن زید گفت رسول
این آیه برخواند گفت همه اهل بهشت باشند سابقنا سابق و مقتصدنا ناج و ظالمنا مغفور و اصحاب ما گفته اند این خاص است باهل البیت و استدلال
کرده اند در باب امامت از چند وجه یکی آنکه گفته خدای گفت ثم اورثنا و میراث یا بسبب باشد یا بنسب و امیر المومنین علی را هم سبب بود هم نسب
[illegible]
مخالف ظاهر قرآن است و ورث سلیمان داود و ذریتی و یرث من آل یعقوب بخبر ترک ظاهر قرآن نتوان کرد [illegible]
[illegible] انی مخلف فیکم ما ان تمسکتم بهما لن تضلوا کتاب الله و عترتی
اهل بیتی و ان اللطیف الخبیر اخبرنی انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض [illegible]

[illegible]

و قوم او را از عبادت اصنام با عبادت خدای خوانیم گفت بدین چه میگوئید دلالتی دارید گفتند بلی نبرئ الاکمه والابرص و شفاء المرضی باذن الله
ملک گفت کوری را بیارید کوری را حاضر کردند که چشم وی تا پیشانی وی یکی بود ایشان دعا کردند خدای تعالی چشم کور را شکافت ایشان از گل دو گرده هم
کردند و در هر دو چشم وی نهادند در حال هر دو از خدای تعالی حدقه گشت بینایی و شعاع در وی بدید آمد ملک تعجب فرو ماند شمعون گفت ایها الملک تو نیز از
خدایان خود درخواه تا ما هم چنین بکنند پادشاه گفت مرا از تو هیچ پوشیده نیست خدایان ما [illegible]

[illegible]

وجاء من اقصى المدينة رجل يسعى قال يا قوم اتبعوا المرسلين اتبعوا من لا يسألكم اجرا وهم مهتدون
وما لي لا اعبد الذي فطرني واليه ترجعون ءاتخذ من دونه آلهة ان يردن الرحمن بضر لا تغن عني شفاعتهم شيئا ولا
ينقذون اني اذا لفي ضلال مبين اني آمنت بربكم فاسمعون قيل ادخل الجنة قال يا ليت قومي يعلمون بما غفر لي ربي
وجعلني من المكرمين

[illegible]

يا حسرة على العباد ما يأتيهم من رسول الا كانوا به يستهزءون ألم يروا كم اهلكنا قبلهم من القرون انهم اليهم لا يرجعون وان كل لما جميع لدينا محضرون

[illegible]

وآية لهم الليل نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون والشمس تجري لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالعرجون القديم لا الشمس ينبغي لها ان تدرك القمر ولا الليل سابق النهار وكل في فلك يسبحون

[illegible]

وآية لهم انا حملنا ذريتهم في الفلك المشحون وخلقنا لهم من مثله ما يركبون وان نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم ولا هم ينقذون الا رحمة منا ومتاعا الى حين واذا قيل لهم اتقوا ما بين ايديكم وما خلفكم لعلكم ترحمون وما تأتيهم من آية من آيات ربهم الا كانوا

[illegible]

ما ينظرون الا صيحة واحدة تأخذهم وهم يخصمون فلا يستطيعون توصية ولا الى اهلهم يرجعون ونفخ في الصور فاذا هم من الاجداث الى ربهم ينسلون

[illegible]

ان اصحاب الجنة اليوم في شغل فاكهون هم وازواجهم في ظلال على الارائك متكئون لهم فيها فاكهة ولهم ما يدعون سلام قولا من رب رحيم وامتازوا اليوم ايها المجرمون

[illegible]

و اتخذوا من دون الله آلهة لعلهم ينصرون لا يستطيعون نصرهم و هم لهم جند محضرون فلا يحزنك قولهم انا نعلم ما يسرون و ما يعلنون اولم ير الانسان انا خلقناه من نطفة فاذا هو خصيم مبين و ضرب لنا مثلا و نسي خلقه قال من يحيي العظام و هي رميم قل يحييها الذي انشاها اول مرة و هو بكل خلق عليم [illegible]

[illegible]

الذي جعل لكم من الشجر الاخضر نارا فاذا انتم منه توقدون اوليس الذي خلق السموات و الارض بقادر على ان يخلق مثلهم بلى و هو الخلاق العليم انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون فسبحان الذي بيده ملكوت كل شيء و اليه ترجعون

[illegible]

سورة و الصافات [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

و الصافات صفا فالزاجرات زجرا فالتاليات ذكرا ان الهكم لواحد رب السموات و الارض و ما بينهما و رب المشارق انا زينا السماء الدنيا بزينة الكواكب و حفظا من كل شيطان مارد لا يسمعون الى الملا الاعلى و يقذفون من كل جانب دحورا و لهم عذاب واصب الا من خطف الخطفة فاتبعه شهاب ثاقب

[illegible]

[illegible]

و جعلوا بينه و بين الجنة نسبا [illegible] سبحان الله عما يصفون [illegible]

[illegible]

فانكم و ما تعبدون ما انتم عليه بفاتنين الا من هو صال الجحيم [illegible]

[illegible]

[illegible]

و لقد سبقت كلمتنا لعبادنا المرسلين انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون فتول عنهم حتى حين و ابصرهم فسوف يبصرون [illegible]

[illegible]

سبحان ربك رب العزة عما يصفون و سلام على المرسلين و الحمد لله رب العالمين

[illegible]

کافران را غرق کردیم و فرزندان و ذریات او را باقی گذاشتیم و ایشان را خلیفه در زمین گردانیدیم نوح را سه پسر بود سام و حام و یافث سام پدر عرب بود و پدر فارسیان و رومیان و حام پدر سیاهان
بود از شرق تا غرب از هند و زنگ و حبش و یافث پدر ترک و صقلاب و یاجوج و ماجوج بود [illegible] گذاشتیم بر او در میان امتان بازپسین
ثنای نیکو و سلام [illegible] سلام علی نوح فی العالمین و سلام بر نوح [illegible] انا کذلک نجزی المحسنین [illegible]
[illegible] اذ جاء ربه بقلب سلیم
اذ قال لابیه و قومه ماذا تعبدون ائفکا آلهة دون الله تریدون فما ظنکم برب العالمین فنظر نظرة
فی النجوم فقال انی سقیم فتولوا عنه مدبرین فراغ الی آلهتهم فقال الا تاکلون ما لکم لا تنطقون
فراغ علیهم ضربا بالیمین فاقبلوا الیه یزفون [illegible] ابرهیم [illegible]
[illegible]
قالوا ابنوا له بنیانا فالقوه فی الجحیم فارادوا به کیدا فجعلناهم الاسفلین
وقال انی ذاهب الی ربی سیهدین رب هب لی من الصالحین فبشرناه بغلام حلیم [illegible]
[illegible]

[illegible]
فلما بلغ معه السعی قال یا بنی انی
اری فی المنام انی اذبحک فانظر ماذا تری قال یا ابت افعل ما تؤمر ستجدنی ان شاء الله من الصابرین فلما
اسلما وتله للجبین وناديناه ان یا ابرهیم قد صدقت الرؤیا انا کذلک نجزی المحسنین ان هذا لهو البلاء المبین وفدیناه
بذبح عظیم وترکنا علیه فی الآخرین سلام علی ابرهیم کذلک نجزی المحسنین انه من عبادنا المؤمنین [illegible]
[illegible]

[illegible]
ولقد مننا علی موسی وهارون ونجیناهما
[illegible]
[illegible] وبارکنا علیه وعلی اسحق ومن ذریتهما محسن وظالم لنفسه مبین ولقد مننا علی موسی وهرون ونجیناهما

[illegible] الکرب العظیم ونصرناهم فکانوا هم الغالبین وآتیناهما الکتاب المستبین وهدیناهما الصراط المستقیم وترکنا علیهما فی الآخرین
سلام علی موسی وهرون انا کذلک نجزی المحسنین انهما من عبادنا المؤمنین [illegible]
[illegible]
وان الیاس لمن المرسلین اذ قال لقومه الا تتقون اتدعون بعلا وتذرون
احسن الخالقین الله ربکم ورب آبائکم الاولین فکذبوه فانهم لمحضرون الا عباد الله المخلصین
وترکنا علیه فی الآخرین سلام علی آل یاسین انا کذلک نجزی المحسنین انه من عبادنا المؤمنین
الیاس از جمله پیغمبران مرسل بود [illegible]
[illegible]

[illegible]

اوراکفتم ... جواب ... دیکر ... کفت ... ابلیس ...

... قوله وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ الیاس از جمله پیغمبران ...

... بعل ...

... فکذبوه ... الیاس ...

... سلام بر آل یس ... آل یس آل محمد است ...

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

لوط از جمله پیغمبران ...

... یونس از جمله پیغمبران مرسل بود ...

[illegible]

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

... وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین

سوره ص مکیه ... آیات

از ابی کعب روایت که رسول صلعم کفت هر که او سوره ص بخواند ...

بسم الله الرحمن الرحیم

ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوْا وَلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَٰذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ

[illegible]

ایشان گفتند شما را چه زیانست که ما چون سخن می‌کنید یک کلمه که بان کلمه مالک عرب و عجم شوید و همه شما را مطیع و منقاد گردند ایشان گفتند ما ترا این کلمه ...
... این کلمه کدام است گفت آنک بگویید لا اله الا الله ایشان چون این سخن بشنیدند برمیدند و گفتند اجعل الالهة الها واحدا محمد خدایان
بسیار را یکی کرد ... این همه خلایق را یک خدای چگونه کفایت بود ان هذا لشیء عجاب وانطلق الملأ منهم یعنی بزرگان و اشراف
ایشان چون ولید مغیره و ابوجهل و هشام و عتبه و شیبه و عاص وائل برفتند و گفتند یکدیگر را که بروید و صبر کنید بر خدایان
خود که ما را در کار محمد هیچ حیله‌ای چاره نماند که این کار محمد کاریست که خواسته شد و برای وی پرداخته آمد یا خود این چیزیست
از جمله نوایب و حوادث ایام است بدست کسی بر نیامد دفع کردن او جز صبر کردن چاره دیگر نیست و گفته‌اند که معنی آیت که بروید
و بر پرستیدن بتان خود صبر کنید که این کاری است که خدای از شما خواسته است و بتقدیر وی است تا معلوم شود که ایشان با کفر مقری
بوده‌اند و کفر خود بتقدیر خدای گفته‌اند ما سمعنا بهذا فی الملة الآخرة ما نشنیدیم این حدیث در دین و ملت باز پسین یعنی ترسایی
که ترسایان بیک خدای نگویند بلکه بسه خدای گویند ان هذا الا اختلاق دروغ یعنی محمد دروغ می‌گوید بر خدای که خدای مرا فرستاده است
و قرآن را بمن وحی کرده ءانزل علیه الذکر من بیننا از میان ما محمد این ذکر که قرآنست بروی فرستاده‌اند او را چه اختصاص بود با این اکرام

[illegible]

دیو بگرفت و در هوا شد و انگشتری را در دریا افکند ماهی بگرفت و فرو برد و آن ماهی بدست سلیمان افتاد و انگشتری از شکم ماهی باز یافت سلیمان آمد و او را پادشاهی و نبوت

باز آمد عجب از این قوم که این ترهات گویند و خوانند و اعتقاد کنند و باور دارند [illegible]

[illegible]

[illegible]

إن تكفروا فإن الله غني عنكم ولا يرضى لعباده الكفر وإن تشكروا يرضه لكم ولا تزر وازرة وزر أخرى ثم إلى ربكم مرجعكم فينبئكم بما كنتم تعملون إنه عليم بذات الصدور وإذا مس الإنسان ضر دعا ربه منيبا إليه ثم إذا خوله نعمة منه نسي ما كان يدعو إليه من قبل وجعل لله أندادا ليضل عن سبيله قل تمتع بكفرك قليلا إنك من أصحاب النار

[illegible]

أمن هو قانت آناء الليل ساجدا وقائما يحذر الآخرة ويرجو رحمة ربه قل هل يستوي الذين يعلمون والذين لا يعلمون إنما يتذكر أولو الألباب

[illegible]

قل إني أمرت أن أعبد الله مخلصا له الدين

[illegible]

قل إن الخاسرين الذين خسروا أنفسهم وأهليهم يوم القيامة ألا ذلك هو الخسران المبين لهم من فوقهم ظلل من النار ومن تحتهم ظلل ذلك يخوف الله به عباده يا عباد فاتقون

[illegible]

والذين اجتنبوا الطاغوت أن يعبدوها وأنابوا إلى الله لهم البشرى فبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون أحسنه أولئك الذين هداهم الله وأولئك هم أولو الألباب أفمن حق عليه كلمة العذاب أفأنت تنقذ من في النار لكن الذين اتقوا ربهم لهم غرف من فوقها غرف مبنية تجري من تحتها الأنهار وعد الله لا يخلف الله الميعاد

[illegible]

ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء فسلكه ينابيع في الأرض ثم يخرج به زرعا مختلفا ألوانه ثم يهيج فتراه مصفرا ثم يجعله حطاما إن في ذلك لذكرى لأولي الألباب

[illegible]

أفمن شرح الله صدره للإسلام فهو على نور من ربه فويل للقاسية قلوبهم من ذكر الله أولئك في ضلال مبين الله نزل أحسن الحديث كتابا متشابها مثاني تقشعر منه جلود الذين يخشون ربهم ثم تلين جلودهم وقلوبهم إلى ذكر الله ذلك هدى الله يهدي به من يشاء ومن يضلل الله فما له من هاد

[illegible]

أفمن يتقي بوجهه سوء العذاب يوم القيامة وقيل للظالمين ذوقوا ما كنتم تكسبون

[illegible]

ضرب الله مثلا رجلا فيه شركاء متشاكسون ورجلا سلما لرجل هل يستويان مثلا الحمد لله بل أكثرهم لا يعلمون

[illegible]

والذي جاء بالصدق وصدق به أولئك هم المتقون لهم ما يشاءون عند ربهم ذلك جزاء المحسنين ليكفر الله عنهم أسوأ الذي عملوا ويجزيهم أجرهم بأحسن الذي كانوا يعملون

[illegible]

[illegible]

باهمه پیک خدای ایشان را نخواهند و نتوانند [illegible]

الذین من دونه ومن یضلل الله فما له من هاد ومن یهد الله فما له من مضل الیس الله بعزیز ذی انتقام
ولئن سالتهم من خلق السموات والارض لیقولن الله قل افرایتم ما تدعون من دون الله ان ارادنی الله
بضر هل هن کاشفات ضره او ارادنی برحمة هل هن ممسکات رحمته قل حسبی الله علیه یتوکل المتوکلون

[illegible]

ما یحفظ به عباذک الصالحین [illegible]

[illegible]

واسمان و بازگشت مرجع و بازگشت شما همه باوی هم روز قیامت ۵ واذا ذکر الله وحده اشمازت قلوب الذین لا
یؤمنون بالآخرة واذا ذکر الذین من دونه اذا هم یستبشرون قل اللهم فاطر السموات والارض
عالم الغیب والشهادة انت تحکم بین عبادک فیما کانوا فیه یختلفون ۵ [illegible]

[illegible]

وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ بَلِ اللّٰهَ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ
وَالسَّمٰوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ بگوی ای محمد مر جاهلان را که ای جاهلان بغیر خدای می‌فرمائید پس مرا غیر
خدا را امر باید پرستید ولقد اوحی الیک بدرستی که بمن فرستادند و بپیغامبرانی که پیش از من بودند و گفتند مر او ایشان را که ای محمد اگر تو شرک آری
هر آینه عمل تو باطل کرده و تو از جمله خاسران و زیان کاران باشی مراد با حباط نبی و غیر نبی است بوجه قبول جمیع کرم شرک آورد اعمالی که
کرده باشد همه ازان وجه بود که بجای قبول باشد بل الله فاعبد بلکه خدا را پرست و از جمله شاکران باش و این در جواب آن بود که مشرکان
رسول را گفتند که بتان ما را استلام کن تا بتو ایمان آوریم و ایشان را امر کرد که بگوی که مرا فرموده اند که خدای را پرست و از جمله شاکران
باش وما قدروا الله حق قدره خدا را تعظیم نکردند سزای تعظیم کردنش و ندانستند حق دانستن چون غیر خدا را پرستیدند
و رسول را بعبادت وی فرمودند آنگاه تنبیه کرد ایشان را بر عظمت خود بر طریق تخییل بیان و گفت والارض جمیعا زمین با عظمت
و پهنای که دارد در قبضه و ولایت و در کف قدرت وی روز قیامت یعنی در دست تصرف وی بود مانع و منازعی ملک همگنان زایل
کرده و اسمانها بدست قدرت و یمین تمکین و ولایت در نوردیده کوید سبحانه پاکست و منزه آن خدای که قدرت بر کمال است و صد
هزار چندین آنکه بوی شرک می‌آرند و انباز میکیرند ۵ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا
مَنْ شَاءَ اللّٰهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ
بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ
و در صور بدمند پس همه بیهوش شوند و بمیرند هر که در اسمان و زمین باشد مگر آنکه خدای خواهد و این در وقت نفخهٔ دوم باشد و غیر آن جمله
اهل اسمان و زمین بمیرند الا چهار فرشته جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل ابو هریره از رسول علیه روایت کرد که از وی پرسیدم گفت
از جبرئیل پرسیدم که ایشان که باشند که خدای استثنا کرد گفت هم الشهداء المتقلدون اسیافهم گفت شهیدان باشند شمشیرها کرده در
گردن و پیرامن عرش ایستاده باشند روز قیامت فرشتگان باشند که باستقبال ایشان آیند بالحمایل از یاقوت بر اسبهای زبرجد بالشهای
سندس و استبرق بر تن ایشان هر گامی چند چشم زخمی باشد در بهشت میکوشند و کویند بیایید تا بنگریم که خدای تو چگونه حکم میکند میان
خلقان بیایند و می‌نگرند انس مالک گفت من از رسول پرسیدم گفت جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل الحمد خدای تو کوید ما الا عزرائیل
و او عالمتر باشد کوید بار خدایا تو عالمتری ما چهار کس مانده ایم کوید ای ملک الموت جان اسرافیل برداروجان اسرافیل برداردآنگاه
کوید که ماند کوید جبرئیل و میکائیل و ملک الموت میکائیل را جان بردارد آنگاه کوید که ماند کوید بار خدایا ملک الموت ماند و جبرئیل
کوید تا ملک الموت ملک الموت بمیرد جبرئیل ماند و بس خدای تو کوید که ماند کوید بار خدایا وجهک الدایم الباقی و جبرئیل المیت العاجز
خدای کوید ای جبرئیل از مرگ چاره نیست جبرئیل در سجده افتد و میکوید سبحانک ربی تعالیت ذو الجلال والاکرام آنگاه جان
بدهد تا باقی نماند یک خدای ضحاک گفت اینها که مستثنی اند رضوان باشد و حور العین و خزنهٔ دوزخ قول اصحاب تحقیق در این باب آنست که
خدای باقی خواهد بود جزوی فنا نیافرینند لامحاله یک جزو فنا همه اجسام و اعراض فانی شود بعضی و اعراض معدوم ثم نفخ فیه
اخری آنگاه یکبار دیگر در صور بدمند و آن نفخهٔ احیا باشد بیان سیم فاذا هم قیام ینظرون تا ببینی ایشان را بر پای ایستاده ای
نکرند امر خدای را تا چه فرماید واشرقت الارض و زمین روشن و نورانی کرده کی بنور خدای خود گفتند که خدای تو چندان نور بیافریند
روز قیامت که همه روی زمین منور کرده و وضع الکتاب و نامهای اعمال بندگان بنهند برای حساب و پیغمبران و گواهان بیاورند
تا برای پیغمبران گواهی دهند بتبلیغ رسالت و گفتند مراد بگواهان فرشتگانند که بر خلقان هیچ گواهند و قضی بینهم و حکم کند میان ایشان
بحق و بر ایشان ظلم نکنند و تمام بدهند هر نفسی را آنچه کرده باشد یعنی جزای خیر و شر و ثواب و عقاب و او عالم و دانا است بآنچه
میکنند ۵ وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ

مِنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ
عَلَى الْكَافِرِينَ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ۵ برانند آنانکه بخدای
کافر باشند جفا برانند ایشان را بجانب دوزخ گروه گروه هر امتی را با مقتدای تا چون بدر دوزخ رسند درهای دوزخ را بگشایند و آن
در باشد خازنان دوزخ ایشان را گویند هیچ رسولان و پیغمبران که از شما بودند بشما نیامدند که بر شما میخواندند ایات خدای را و شما را می
ترسانیدند از دیدار این روز گویند بلی آمدند لیکن واجب شد و سزاوار گشت سخن خدای لاملأن جهنم من الجنة والناس اجمعین
کافران را گویند در شوید ازین درهای دوزخ که این جای شماست و بد جایگاهست دوزخ گردنکشان را ۵ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ
إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ وَقَالُوا
الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ
حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و برانند آنانرا
که پرهیزکاری کردند ببهشت گروه گروه هر گروهی را با مقتدای خود چون بدرهای بهشت رسند و آن هشت است درهای بهشت
را گشاده یابند فرشتگان باستقبال آیند خازنان بهشت بهشتیان را گویند سلام علیکم فادخلوها خالدین و درود بر شما باد خوش
دل باشید و خوش عیش و در بهشت آیید مخلد و جاوید امیر المؤمنین علیه گفت ایشان را در بهشت برند بر در بهشت درختی باشد از ساق آن درخت
دو چشمه آب می‌آید او را گویند از این چشمه غسل کن غسل کنند نضرة نعیم بر اندام او برسد اندامش پاکیزه و ناعم شود بسان زنان دیگر گود بر روی نشیند
و موهاش کالدیبج نکو دهد آنگاه از چشمهٔ دیگر آب دهند ایشان را تا آنچه در اندرون ایشان باشد از رنج و غل و غش و حقد و حسد بیرون شود آنگاه
فرشتگان باستقبال ایشان آیند بدر بهشت و ایشان را گویند سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین و هر یکی را بعلامات بشناسند
و کرد ایشان در آیند چنانکه خویشان مشغول کنند با کسی که از سفر در آید آنگاه یکی از غلامان بر حور زنی او و از حور العین خبر دهد ایشان باستقبال
تا در سرای بیایند و بر او سلام کنند چون در شوند علی سرر موضونة تختها بیند مرصع بانواع جواهر بالشها انداخته و فرشها گسترده و بالشها
نهاده در اساس و دیوارها خشتی از زر و خشتی از نقره و از یاقوت سرخ و لؤلؤ سفید و زبرجد سبز و بر تخت نشیند و تکیه زند
در سقف آن نگاه کند چشمش خیره بماند گوید الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله فرشتگان گویند
تلک الجنة التی اورثتموها بما کنتم تعملون ایشان گویند الحمد لله الذی صدقنا وعده سپاس خدای را که وعدهٔ خود ما را راست
کرد و زمین بهشت بمیراث بما داد تا ما هر جا که خواهیم از بهشت فرود می‌آییم نیکو مزد و عطاست بهشت عاملان را که عمل صالح کنند آنگاه
خطاب کرد رسول را و گفت وتری الملائکة حافین یعنی تو فرشتگان را گرد عرش در آمده تسبیح و تحمید میکنند خدای را بر سبیل
لذت نه بر سبیل عبادت که آن روز تکلیف نباشد و حکم کرده شود میان خلایق از ظالمان و مظلومان و میان پیغمبران و امتان
حکم بحق و گفته شد که الحمد لله تبارک و تعالی گفت الحمد لله الذی خلق السموات والارض و در انتهاء همین گفت وقضی بینهم بالحق و
قیل الحمد لله رب العالمین تا تعلیم باشد بندگان را تا در ابتدای کارها و انتهای کارها همین کلمات بر زبان را نند
سورة المؤمن مکیة است مشتمل و دو ایت در وی ناسخ و منسوخ نیست و برای آن سورة المؤمن خوانند که در وی ذکر حزبیل مؤمن آل
فرعون است عبد الله عباس گفت لکل شیء لباب ولباب القرآن الحوامیم هر چیزی را خلاصه و مغزی است و مغز قرآن حوامیم است و رسول
علیه گفت حوامیم هفت است و درهای دوزخ هفت است جهنم و حطمه و لظی و سعیر و سقر و هاویه و جحیم روز قیامت هر سوره بیاید
بر دری از این درهای دوزخ بنشیند رها نکند که هیچ خوانندهٔ این سورها که ایمان داشته باشد بوی بدوزخ برند و رسول گفت لکل
شیء ثمرة و ثمرة القرآن الحوامیم هن روضات حسنات محصنات متجاورات فمن احب ان یرتع فی ریاض الجنة فلیقرأ الحوامیم هر چیزی
را میوه است و میوهٔ قرآن حوامیم است این سورها روضها اند نیکو و خوش هر کس که خواهد که در مرغزارهای بهشت بچرد گو حوامیم بخوان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ حم تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ
التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللّٰهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرْكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي
الْبِلَادِ ۵ عکرمه روایت کرد از رسول علیه که حم نامی است از نامهای خدای تو و آن از کلیدهای خزاین خدایست عبد الله عباس گفت حم اسم الله
الاعظم است یعنی نام مهترین خدای و حم الرحیم و ن جمع کنی الرحمن باشد عطاء خراسانی گفت افتتاح نامهایست از نامهای خدای
که در اوایلش حاء است چون حکیم و حمید و حی و حنان و میم افتتاح آن نام است که اولش میم است چون مالک ملک و مجید ایت انست که انس
روایت کرد که روزی اعرابی رسول را پرسید که حم چیست ما در لغت خود این را نمی‌شناسیم گفت بدو اسماء و فواتح سورهاست انا معاشر و
انابیل سورها قرطبی گفت خدای تو قسم یاد کرده است بحکم ملکش یعنی بحرمت بردباری و پادشاهی که من عذاب نکنم آنانرا که از اخلاص
بگویند لا اله الا الله و چون حم نام سوره معنی این بود که حم سوره ایست فرستادهٔ خدای که عزیز و غالب و ربسکار و داناست و گفته اند
که معنی حم حم است یعنی تقدیر کرده بدیشان و از آن جمله فرستادن کتاب قرآنست از نزدیک آفریدگار عزیز و دانا و آمرزندهٔ گناه کاران
و توبه پذیران تا بیان شدید العقاب سخت عقوبت است آنانرا که توبه نکنند و نگویند که لا اله الا الله خداوند فضل و نعمت است برکسانی که
این کلمه بگویند و اصل الطول انعامی باشد که مدتش دراز بود حماد گوید که ثابت گفت جایی بودم در پهلوی حی مصعب بن الزبیر یا بانی
که مرغ تیز بر بود و هیچ حرکاتی نمی‌جنبید من این سوره آغاز کردم چون گفتم غافر الذنب گفت بگوی یا غافر الذنب اغفرلی ذنبی چون گفتم
قابل التوب گفت بگو یا قابل التوب اقبل توبتی چون گفتم شدید العقاب گفت بگو شدید العقاب اعف عنی عقابی چون گفتم ذی الطول گفت
بگو یا ذی الطول لطول علی بخیر من آنچه برون دویدم از جب و در آن نگاه کردم هیچ کس را ندیدم اهل اشارت گفتند غافر الذنب فضلا
وقابل التوب وعدا و شدید العقاب عدلا لا اله الا هو الیه المصیر فردا ابن اصم گفت مردی بود از جملهٔ معروفان اهل شام بر عادهٔ
پیش عمر خطاب آمدی روزی چند پیش وی نمی‌بود آنگاه روزی چند پیش وی بیامد گفت فلان کجاست گفتند بشراب مشغول شده است فرمود
تا پیش وی نوشتند بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل الکتاب من الله العزیز العلیم غافر الذنب وقابل التوب شدید العقاب ذی الطول لا اله الا
هو الیه المصیر و گفت بر وی بر و وقتی که مست باشد بوی دهید نامه را بوی داده بر خواند گفت این آیات در وعده بعقوبت توبه و غفران گناه
و تهدید بعقاب و از آن بازایستاد تا دلش نرم شد و توبه کرد ما یجادل فی آیات الله الا الذین کفروا جدل نکنند در آیات خدای
و دفع کردن آن مگر کسانی که کافر شدند فلا یغررک تقلبهم فی البلاد نباید که تمام تعهد کرداند فاو گشتن ایشان در شهرها برای
مکاسب و تجارت که مصیر و پایان کار ایشان بزوال و فنا خواهد بود ابو هریره از رسول علیه روایت کرد که جدال در قرآن کفر باشد
كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ
الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ وَكَذٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ پیش از بن قوم نوح
او را تکذیب کردند و جماعت که از پس ایشان بودند مجتمع شدند بمخالفت انبیا و بر ایشان بعداوت بیرون آمدند و هر یکی از ایشان قصد
پیغمبر خود کردند تا او را بگیرند و بکشند و با او مجادله و خصومت کردند بباطل تا حق را بآن باطل کرده اند من ایشان را بآن
بگرفتم و هر یکی را بنوعی دیگر عذاب کردم اکنون بنگر و بدان که عذاب من چگونه بود ایشان را بآن و کذلک و همچنین واجب شد و سزاوار
گشت کلمهٔ خدای تو یعنی وعده او بعذاب و هلاک و آنکه ایشان اهل عذاب و اصحاب دوزخ اند ۵ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ
وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا
سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ
أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۵ آن فرشتگان که
عرش برگرفته اند و آنانکه گرد بر گرد عرش اند خدای را بپاکی و تسبیح میکنند با حمد و ثنا و ستایش و بوی ایمان می‌دارند و استغفار و

آمرزش میخواهند کسانی که ایمان آورده اند میسره روایت کرد که حاملان عرش را پایها در هفتم زمین است و سرها در عرش افکنده باشند و ایشان
از اهل اسمان هفتم خایف‌تر باشند و همچنین اهل هر اسمانی از آنان که زیر ایشان باشند خایف‌تر باشند مجاهد گفت میان فرشتگان و میان
عرش هفتاد حجاب از نور در خبر است که خدای تو چندان فرشته را بیافرید که عدد ایشان جز خدای نداند و ایشان را فرمود که عرش را بر
دارند نتوانستند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل را فرمود که عرش را بر دارید و بر دوش حاملان نهید جبرئیل بیامد یک گوشه
گرفت سبحان الله و میکائیل بدیگر گوشه آمد و گفت الحمد لله و اسرافیل بدیگر گوشه آمد و گفت لا اله الا الله و عزرائیل بر گوشه دیگر آمد
و گفت الله اکبر و عرش را با اسانی بر گرفتند و بر دوش حاملان عرش نهادند چون ثقل و گرانی عرش بایشان رسید گفتند لا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم آن بار بر ایشان آسان شد پس ای بنده تو نیز چون دشواری پیش آید بدین کلمات التجا
کن تا بر تو آسان گردد عبد الله عباس از رسول علیه روایت کرد که تفکروا فی المخلوق ولا تتفکروا فی الخالق در آفریدگار
اندیشه کنید که خدای تو را فرشته است که زاویه از زوایای عرش بر دوش وی است پایها از هفتم زمین گذشته و سر او از بالای
هفتم اسمان و او از عظمت حق و هیبته او چنان شود که گنجشک نری از مرغی جابر بن عبد الله گفت که رسول علیه گفت مرا دستوری
داده اند که باز گویم از فرشتگان از جملهٔ حاملان عرش که از گوش تا گوش او هفتصد ساله راهست امتا صفت عرش نعمان
بن عامر از بدر بن شهر روایت کرد که رسول علیه گفت که خدای تو عرش را از جوهری سبز آفرید و او را هزار و ششصد سر است
بر هر سری هزار هزار و ششصد هزار روی است بهنای هر رویی چند هزار هزار روشن هزار بار دنیاست و بر هر رویی هزار هزار و ششصد هزار زبانست
بر هر زبانی خدای را تسبیح میکند بهزار هزار و ششصد هزار لغت بعد هر لغتی از لغات عرش خدای را خلقی است که بآن تسبیح میکند و از صادق علیه
روایت کرده اند از بدر بن شهر که میان قایمهٔ عرش تا بدیگر قایمه چندانست که مرغ العقعق هشتاد هزار ساله می‌پرد تا بوی رسد و خدای را فرشته
است نام او خرقائیل او هیجده هزار بال است از پری تا پری پانصد ساله راه است بخاطر او بگذشت که بالای عرش چندانست خدای تو پر هاش مضاعف
کرد تا سی و شش هزار بر شد بر صفت آنکه خدای تو وی را گفت بپر سی هزار سال می‌پرید بماند خدای تو معلوم نیست کرد تا سی هزار سال می‌پرد
گفت بار خدایا چند پریده ام و چند مانده است حق تو گفت هنوز یک قایمه از قوایم عرش نپریده و اگر تا نفخ صور بپری نرسی آن فرشته گفت
سبحان ربی الاعلی خدای تو رسول را فرمود که این تسبیح در سجود بگوی و از صادق علیه روایت است که هیچ چیز از عرش خایف‌تر نباشد و از جملهٔ
لغات و کلمات او است که میگوید اعوذ بالله من غضب الله واعوذ بالله من سخط الله من نقمة الله واعوذ بالله من کید الله و کعب الاحبار گفت
چون خدای تو عرش را بیافرید فرشتگان گفتند هنوز از عرش هیچ چیز بزرگتر نباشد خدای تو ماری بیافرید تا خویشتن را گرد عرش حلقه کرد
او را هفتاد هزار بالست بر هر بالی هفتاد هزار پر بر هر پری هفتاد هزار رویست بر هر رویی هفتاد هزار زبانست از هر زبانی بعدد
قطرهای باران و برگ درختان و ریگ بیابان و عدد ایام دنیا و بعدد جملهٔ فرشتگان تسبیح برآید او گفت کرد عرش در آی کرد
عرش در آمد یک نیمه و یک نیمهٔ دیگرش زیادت بود وهب منبه گفت کرد عرش هفتاد هزار صف فرشتگانند صفی از پس صفی گرد عرش طواف میکنند
گروهی می‌آیند و گروهی می‌روند چون بیکدیگر رسند تکبیر و تهلیل کنند و از پس ایشان هفتاد هزار صف دیگر اند ایستاده
و دستها بر گردن نهاده چون آواز ایشان بشنوند ایشان نیز تکبیر و تهلیل کنند گویند سبحانک و بحمدک ما اعظمک و
اجلک انت الله لا اله غیرک انت الاکبر الحق کلهم لک و از پس ایشان هفتاد هزار صف دیگر ایستاده و دستها بر هم نهاده هر یکی از ایشان
نوعی دیگر تسبیح گویند که آن دیگر نگوید و میان ایشان و عرش هفتاد حجاب از نور و هفتاد حجاب از ظلمت و هفتاد حجاب
از آتش و هفتاد حجاب از در سفید و هفتاد حجاب از یاقوت سرخ و هفتاد حجاب از زبرجد سبز و هفتاد حجاب
از برف و هفتاد حجاب از آب و هفتاد حجاب از تگرگ و آنچه جز خدای نداند هر یکی را از حاملان عرش چهار رویست
یکی بر صورت آدمی و یکی بر صورت کرکس و چهار رویی بر صورت گاو میخواهد که بر صورت ایشانست و هر یکی را از ایشان چهار پر

دو و حیش روزی دارند تا در پیش عرش خیزم و بهوش نشوند دعای این فرشتگان این است ربنا وسعت کل شیء رحمة وعلما خداوندا همه
چیزی رسیدی برحمت و علم تو وسعت و رحمت همه چیزی را شامل [illegible] بیامرز آنها را که توبه کردند و براه تو رفتند و ایشان را
از عذاب دوزخ نگاه دار [illegible] ربنا وادخلهم
[illegible]

إن الذين كفروا ينادون لمقت الله أكبر من مقتكم أنفسكم إذ تدعون إلى الإيمان فتكفرون قالوا ربنا أمتنا اثنتين وأحييتنا اثنتين فاعترفنا بذنوبنا فهل إلى خروج من سبيل ذلكم بأنه إذا دعي الله وحده كفرتم وإن يشرك به تؤمنوا فالحكم لله العلي الكبير ٥

[illegible]

الكافرون رفيع الدرجات ذو العرش يلقي الروح من أمره على من يشاء من عباده لينذر يوم التلاق يوم هم بارزون لا يخفى على الله منهم شيء لمن الملك اليوم لله الواحد القهار ٥ ای انسان خدایی بشما مینماید آیات و علامات خود را
[illegible]

اليوم تجزى كل نفس بما كسبت لا ظلم اليوم إن الله سريع الحساب وأنذرهم يوم الآزفة إذ القلوب لدى الحناجر كاظمين ما للظالمين من حميم ولا شفيع يطاع يعلم خائنة الأعين وما تخفي الصدور والله يقضي بالحق

[illegible]

أولم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عاقبة الذين كانوا من قبلهم كانوا هم أشد منهم قوة وآثارا في الأرض فأخذهم الله بذنوبهم وما كان لهم من الله من واق ذلك بأنهم كانت تأتيهم رسلهم بالبينات فكفروا فأخذهم الله إنه قوي شديد العقاب

[illegible]

ولقد أرسلنا موسى بآياتنا وسلطان مبين إلى فرعون وهامان وقارون فقالوا ساحر كذاب فلما جاءهم بالحق من عندنا قالوا اقتلوا أبناء الذين آمنوا معه واستحيوا نساءهم

وما كيد الكافرين إلا في ضلال وقال فرعون ذروني أقتل موسى وليدع ربه إني أخاف أن يبدل دينكم أو أن يظهر في الأرض الفساد
[illegible]

وقال موسى إني عذت بربي وربكم من كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب وقال رجل مؤمن من آل فرعون يكتم إيمانه أتقتلون رجلا أن يقول ربي الله وقد جاءكم بالبينات من ربكم

[illegible]

يا قوم لكم الملك اليوم ظاهرين في الأرض

[illegible]

وقال الذي آمن يا قوم إني أخاف عليكم مثل يوم الأحزاب

[illegible]

الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان أتاهم كبر مقتا عند الله وعند الذين آمنوا كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر جبار وقال فرعون يا هامان ابن لي صرحا لعلي أبلغ الأسباب أسباب السماوات فأطلع إلى إله موسى وإني لأظنه كاذبا وكذلك زين لفرعون سوء عمله وصد عن السبيل وما كيد فرعون إلا في تباب

[illegible]

وقال الذي آمن يا قوم اتبعون أهدكم سبيل الرشاد يا قوم إنما هذه الحياة الدنيا متاع وإن الآخرة هي دار القرار من عمل سيئة فلا يجزى إلا مثلها

[illegible]

ويا قوم ما لي أدعوكم إلى النجاة وتدعونني إلى النار تدعونني لأكفر بالله وأشرك به ما ليس لي به علم وأنا أدعوكم إلى العزيز الغفار لا جرم أنما تدعونني إليه ليس له دعوة في الدنيا ولا في الآخرة وأن مردنا إلى الله وأن المسرفين هم أصحاب النار فستذكرون ما أقول لكم وأفوض أمري إلى الله إن الله بصير بالعباد

[illegible]

مغفار مراد ... با سلاح عیسی علیه بیرون آید چون دجال در عیسی نگاه کند گداخته شود چنانکه ارزیز در آتش و نقل حدیث آنکه بکریزد عیسی او
بس وی برسد او را بکشد بکنار در یابد و بکشد و جهودان بگریزند در پس هر درختی و دیواری و سنگی شود خدای تعالی آنها را باواز آرد که در پس
من جهودی و کافری است ای مسلمان بکش او را ... تا هیچ دل مسلمانان برخاسته تا بایکدیگر دوست باشند و خدای آفات و موذیات
بردارد و جمله زمین اسلام باشد و کفر باز گیرد و زمین و نبات هم چنان عدد رو باید که در عهد آدم بود ... برکت باشد که از ناری چند کس بخورند
... امام که ... امام ... و اوست که رسول خبر داد که لو لم یبق
من الدنیا الا یوم واحد لطول الله ذلک الیوم حتی یخرج رجل منی و اهل بیتی یواطی اسمه اسمی و کنیته کنیتی یملأ الارض
قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما ۵ و ما یستوی الاعمی و البصیر و الذین آمنوا و عملوا الصالحات و لا المسیء قلیلا
ما تتذکرون ان الساعة لآتیة لا ریب فیها و لکن اکثر الناس لا یؤمنون و قال ربکم ادعونی استجب لکم
ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین ۵ نابینا با بینا راست نیاید و مومنان نیکوکار با کافران
راست نباشند اندک اندک پند می گیرند کافران ... ان الساعة ... قیامت و قیامت را ساعة خوانند برای قرب و نزدیکی وی لآتیة
مرا بیاید است و آمدنی است ... هیچ شکی نیست و لیکن بیشتر مردمان ایمان نمی آرند و قال ربکم خدای شما گفته است ادعونی ای
بندگان من مرا خوانید تا شما را اجابت کنم ... مرا بپرستید ... روایت که شما را چون
حاجتی پیش آید که از خدای خواهید ... شود در اصلاح آن بخدای استغاثه کنید ان الذین یستکبرون
... جهنم ... ۵ الله الذی جعل لکم اللیل لتسکنوا فیه و النهار
مبصرا ان الله لذو فضل علی الناس و لکن اکثر الناس لا یشکرون ذلکم الله ربکم خالق کل شیء

بر روی و بیاده ... نوسند بسم الله الرحمن الرحیم حم تنزیل من الرحمن الرحیم کتاب فصلت آیاته قرآنا
عربیا لقوم یعلمون بشیرا و نذیرا فاعرض اکثرهم فهم لا یسمعون و قالوا قلوبنا فی اکنة مما تدعونا الیه و فی
آذاننا وقر و من بیننا و بینک حجاب فاعمل اننا عاملون ۵ این سوره ... تنزیلیست یعنی فرستاده از خدای بخشاینده و
مهربان کتابیست که آیات او را مفصل و مبین کرده اند قرآنیست بزبان عرب ...

[illegible]

قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فاستقیموا الیه و استغفروه و ویل للمشرکین الذین لا یؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم کافرون

[illegible]

وبشارة باد شما را ... که خوف مبرید ای اهل استقامت و اندوه مدارید که حاصلست شمارا انواع کرامت و بشارت باد شما را بانواع ... [illegible]
لا تخافوا فانتم اهل الامان ولا تحزنوا فانتم اهل المعرفة والغفران وابشروا بالجنة التي هي دار الرضوان لا تخافوا فانتم اهل الشهادة ولا تحزنوا فانتم اهل السعادة وابشروا بالجنة التي هي دار الزيادة لا تخافوا فانتم اهل الوصال ولا تحزنوا فانتم اهل الوصال وابشروا بالجنة التي هي دار الجلال ... [illegible]

ومن احسن قولا ممن دعا الى الله وعمل صالحا وقال انني من المسلمين

ولا تستوي الحسنة ولا السيئة ادفع بالتي هي احسن فاذا الذي بينك وبينه عداوة كانه ولي حميم وما يلقيها الا الذين صبروا وما يلقيها الا ذو حظ عظيم واما ينزغنك من الشيطان نزغ فاستعذ بالله انه هو السميع العليم ۝ نیکوتر ... [illegible]

... ولا تستوي الحسنة ولا السيئة کردار نیک و بد با یکدیگر یکسان نباشد ... [illegible]

... [illegible]

... ان الذين كفروا بالذكر لما جاءهم وانه لكتاب عزيز لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد ما يقال لك الا ما قد قيل للرسل من قبلك ان ربك لذو مغفرة وذو عقاب اليم ولو جعلناه قرآنا اعجميا لقالوا لولا فصلت آياته ءاعجمي وعربي قل هو للذين آمنوا هدى وشفاء والذين لا يؤمنون في آذانهم وقر وهو عليهم عمى اولئك ينادون من مكان بعيد ۝ ... [illegible]

... [illegible]

... اليه يرد علم الساعة وما تخرج من ثمرات من اكمامها وما تحمل من انثى ولا تضع الا بعلمه ويوم يناديهم اين شركائي قالوا آذناك ما منا من شهيد وضل عنهم ما كانوا يدعون من قبل وظنوا ما لهم من محيص ۝ ... [illegible]

... [illegible]

... لا يسأم الانسان من دعاء الخير وان مسه الشر فيؤس قنوط ولئن اذقناه رحمة منا من بعد ضراء مسته ليقولن هذا لي وما اظن الساعة قائمة ولئن رجعت الى ربي ان لي عنده للحسنى فلننبئن الذين كفروا بما عملوا ولنذيقنهم من عذاب غليظ ۝ ... [illegible]

واذا انعمنا على الانسان اعرض ونأى بجانبه واذا مسه الشر فذو دعاء عريض قل ارأيتم ان كان من عند الله ثم كفرتم به من اضل ممن هو في شقاق بعيد

... [illegible]

سنريهم آياتنا في الآفاق وفي انفسهم حتى يتبين لهم انه الحق اولم يكف بربك انه على كل شيء شهيد الا انهم في مرية من لقاء ربهم الا انه بكل شيء محيط ۝ ... [illegible]

... [illegible]

... الا انه بكل شيء محيط ... [illegible]

سورة حم عسق ... [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم حم عسق

كذلك يوحي اليك والى الذين من قبلك الله العزيز الحكيم له ما في السموات وما في الارض وهو العلي العظيم تكاد السموات يتفطرن من فوقهن والملائكة يسبحون بحمد ربهم ويستغفرون لمن في الارض الا ان الله هو الغفور الرحيم

... [illegible]

... لتنذر ام القرى ومن حولها وتنذر يوم الجمع لا ريب فيه فريق في الجنة وفريق في السعير ... [illegible]

وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذْرَؤُكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا

فَلِذَٰلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

و زبان تو نهادی بعضی از قران بر سبیل معقوبت چنانکه در آیتی دیگر گفت وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ الآیة اغلا
کرد و گفت خدای باطل را محو کرداند و ناچیز کرداند و حق را حق کرداند بسخنان یعنی تکذیب که کردند و بهتان که بر تو نهادند باطل
ضالة موجه ان را محو کند و حق که تو بر آنی ان را اثبات کرد اند و ترا بران نصرة کند او میداند و می شناسد انچه این جماعت در دل دارند از انکار
و مخالفت ایشان را جزا دهد بر حسب اعتقاد ایشان عبدالله عباس گفت چون خدای تو این آیة فرستاد و رسول را خبر داد از انکار و تهمت
ایشان پشیمان شدند و بیامدند و در حرمت و پای رسول افتادند و توبه کردند و ایمان تازه کردند خدای تو این آیة فرستاد وَهُوَ
الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ اوست ان خدایی که توبه بپذیرد از بندگان خویش و عفو کند و در گذرد از گناهها و بدیها و میداند انچه شما میکنید
توبه پشیمانی بود بر گناه گذشته و عزم کردن در زمان آینده که ساخته ان نکند برای قبح ان فعل جابر بن عبدالله انصاری روایة کند که اعرابی
در مسجد رسول امد و دو رکعة نماز بکرد و گفت اللَّهُمَّ انی استغفرك و اتوب الیك امیر المؤمنین بشنید گفت یا اعرابی سرعة
زبان با استغفار توبه دروغ زبان باشد ترا ازین توبه باید کرد اعرابی گفت یا امیر المؤمنین توبه چه باشد و چگونه باید کردن گفت بدانکه
توبه را شش شرطست اول پشیمانی بر گناه گذشته و قضا کردن فرایض و رد مظالم با خداوند ان و نفس را در طاعت گداختن چنانکه در معصیة
پرورده باشی و نفس را تلخی طاعت چشانیدن چنانکه حلاوت معصیت چشانیده باشی و گریستن از ترس خدای بدل هر خنده که زده باشی سری
السقطی را گفتند توبه چه باشد گفت صدق العزیمة علی ترک الذنوب و الانابة بالقلب الی علام الغیوب و الندامة علی ما فرط من العیوب
و یعفوا عن السیئات دلیلست بر انکه بر وجه اسقاط عقاب چنانکه گفتند اصحاب وعید که اگر اسقاط عقاب کردی بر سبیل وجوب خدای
نگفتی بر سبیل تمدح و یعفوا عن السیئات و اینجای ان گفت تا امید برهد و یعلم ما تفعلون گفت تا ایمن نشوند ابو هریره از رسول علیه
روایت کرد که گفت ان الله تعالی افرح بتوبة عبد المؤمن من الضال الواجد و من العقیم الوالد و من الظمآن الوارد خدای تعالی بتوبه بنده مؤمن خرسند
شادتر باشد از انکس که گم کرده را بیابد و نازاینده که فرزندش آید و از تشنه که بآب رسد و هر که او توبه نصوح کند خدای تعالی گناه او را از
کرام الکاتبین ببرد و ان بقاع زمینها اگاه گفت و یستجیب الذین امنوا اجابت کند دعای مؤمنان که عمل صالح کنند و بیفزاید ایشان را از فضل
و ثواب خود و گفته اند که اجابت کند دعای مؤمنان در حق یکدیگر ابو صالح از عبدالله عباس روایت کرد که معنی انست که شفاعت ایشان
در حق برادران ایشان قبول کند و الکافرون و کافران را عذابی سخت باشد ه وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ
يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ
وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ
أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ه و اگر خدای روزی را بسط کند
فراخ کرداند بر بندگان هر اینه ایشان بغی کنند و ستمکار شوند در زمین حیاة بن ... گفت آیة در ما امد که اصحاب صفه ایم چون مالهای بنی
قریظه و بنی النضیر و بنی قینقاع بدیدیم ما را آرزو کرد خدای تعالی این آیة فرستاد شقیق بن ابرهیم گفت اگر خدای بندگان را روزی
دادی از طریق کسب و ایشان فارغ و پرداخته بودندی طاغی و باغی شدندی و لیکن ایشان را بکسب و طلب معاش مشغول کرده
است و این منتی است از خدای بر ایشان و رحمتی و لکن ینزل بقدر و لیکن بمقدار و حاجت می فرستد اندک اندک چندانکه مصلحت
و کفایة ایشان دران باشد و او ببندگان خود بیناست و بمصلحت ایشان دانا انس مالک از رسول علیه که او گفت جبرئیل از
خدای تعالی حکایت کرد و موعظت ... و ان انست که گفت هر که دوستی را از ان من اهانة کند چنانست که با من بجنگ
بیرون امده است و من بنصرة و یاری دوستان خود شتابنده ام و من برای ایشان خشم گیرم چنانکه شیر خشمگین و هیچ کار مرا ازان
نزدیکتر نیست که در قبض روح بنده مؤمن او کاره است مرگ را و من کاره ام رنج و دلتنگی او را و چاره نیست او را از مرگ و بنده هیچ
چیز تقرب نجوید چنانکه باداء فرایض و همیشه بمن تقرب کند بنوافل تا انکه او را دوست گیرم و چون دوست او باشم و قوت کننده او

اگر خواهد بدهمش و اگر دعا کند اجابة کنمش و از بندگان من کس باشد که از من بابی از عبادت خواهد و من او را ازو بگشایم که اگر بگشایم عجب شود و دران عجب هلاک شود و از
بندگان من کس باشد که او را جز بیماری بر صلاح نیاید که اگر او را تندرستی دهم تباه کردد و از بندگان من کس باشد که جز تندرستی نشاید که اگر بیمار کنم تباه
اید و از بندگان من کس باشد که صلاح او در توانگری بود اگر درویشی دهم تباه شود و از بندگان من کس باشد که صلاح او در درویشی بود اگر توانگرش کنم او
فاسق شود و من تدبیر کار بندگان خود دانم کردن ایشان بحال ایشان دانم که من علیم و خبیرم وهو الذی ینزل الغیث اوست آن خدای که باران
فرستد بوقت حاجت بدانکه نومید شده باشند و ... رحمت خود و او ولی است مستحق حمد و شکر و از آیات
او آفریدن آسمان و زمین است و انچه پراکنده است در میان ایشان از جانوران و او قادرست و توانا بر جمع ایشان چون خواهد جمع کند و ما اصابکم و
انچه بشما رسد از مصیبتی و نکبتی ان بجزاء کسب دست شماست و مکافات کردار شما و ان که بیچه کنند از اجرام رساند بلکه از بسیاری عفو میکند و در میگذرد
و رسول علیه گفت هیچ رگی نباشد که بجنبد و چوبی که پا برخراشد و سنگی که در پای اید الا بگناهی که کرده باشد امیر المؤمنین علی علیه گفت هیچ ایتی
امیدوارتر نیست خدای را که گفته است هر چه بشما رسد از نکبتی و بیماری و بلایی در دنیا آن بکسب دست شماست و خدای ازان کریمترست که چون بنده را در دنیا
عقوبة کند بگناهی در انواع عقوبه ثنی کند و از بسیاری عفو کرده است و خدای تعالی ازان حلیمترست که باز گناهی رجوع کند که ازان عفو کرده باشد انس مالک از
رسول علیه روایة کرد که چون خدای تعالی ببنده خیر خواهد تعجیل عقوبه کند او را از گناهی که کرده باشد و چون به بنده عذاب خواهد عقوبه او تاخیر کند
تا روز قیامت ضحاک گفت هیچکس ندانم که قران را بیاموخت پس فراموش کرد الا بعقوبتی یعنی گناهی که ازان خیر محروم گشت انگاه این آیة بخواند و ما انتم
بمعجزین و شما عاجز نتوانید کردن خدای را و ازوی فایت نتوانید گشتن و مالکم و نباشد شما را بجز خدای هیچ یاری و یاوری ه وَمِنْ
آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ أَوْ يُوبِقْهُنَّ
بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ه از آیات و دلالات بر کمال قدرت خود کشتیها روانست بر روی
آب در دریا چون کوههای بزرگ مجاهد گفت مراد باعلام قصورست یعنی کوشکها ان یشاء اگر خواهد ساکن کرداند باد را تا کشتیهای روان همه ساکن کرده
و ایستاده بر پشت آب بدرستی که درین آیاتی و دلالاتیست کسی را که صبر کننده و سپاس دارنده باشد او یوبقهن یا هلاک کرداند کشتیها و غرق کرداند
بان باد عاصف و سخت کرداند تا کشتیها و کسانی که در انجا باشند هلاک شوند بانچه کسب کردند از عصیان و فجور و از بسیاری معاصی عفو میکند و در
میگذرد ... تا انتقام کند و جزا دهد انرا که کردند از معاصی و بدانند کسانی که در آیات ما جدال کردند که چون عذاب نازل شود ایشان
را گریزی نباشد فما اوتیتم من شیء پس انچه شما را دادند از چیزی ان متاع دنیا و مال این جهانست ازان بقایی و ثباتی نباشد و انچه نزدیک خدای است
بهترست و باقی ترست از ثواب و نعمت بهشت کسانی را که ایمان آرند و بر خدای خود اعتماد کنند ه وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَ
الْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ه و انانکه پرهیزند و از گناهان بزرگ اجتناب کنند و از فواحش و ناشایست مجاهد
گفت فواحش زناست مقاتل گفت موجبات حدودست و اذا ما غضبوا هم و چون خشم گیرند ایشان باشند که در حال خشم بیامرزند و حلم کار فرمایند و
انانکه اجابت کنند دعوة خدای را و ایمان آرند و نماز بپای دارند و کارها که در میان ایشان رود بمشورت یکدیگر رود با یکدیگر در کارها
مشورت کنند حسن بصری گفت ما تشاور قوم قط الا هدوا لارشد امورهم ... هیچ بنده بمشورت بدبخت نشود و هیچکس بخودی خود کار کند نیک بخت نگردد
گفت ما خاب من استخار و لا ندم من استشار ... و مما رزقناهم و از انچه
ما روزی دادیم نفقه می کنند و انانکه چون ستم با ایشان رسد انتقام نکنند و عفو کنند ه وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ
عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ وَلَمَنِ انْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ إِنَّمَا
السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ

إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ه جزاء بدی را که عدلست بدی خواند بر سبیل ازدواج و گفت جزاء بدی بدی باشد یعنی چون کسی گوید ...
... اگر کسی با تو بدی کند که یکی را ده باز کنی و اگر جراحتی کرده مثل آن جراحت بکن بر هر که عفو کند و اصلاح ذات البین کند و در
مکافات آن بکوشد مزد او بر خدای باشد در خبرست که چون روز قیامت باشد منادی ندا کند که هر که بر خدای مزدی دارد گو بیا مزد خود بگیر جمعی
خیزند فرشتگان گویند مزد شما بر خدای چیست گویند الذین عفونا عن من ظلمنا ما انانیم که عفو کردیم از انانکه بر ما ستم کردند و اگر عفو نکند
و بیش ازان مکافات کند ظالم و متعدی باشد و خدای ظالمان را دوست ندارد و لمن انتصر و هر که انتقام کند پس ازانکه بر او ظلم کرده باشند کسی
بر ایشان راهی نبود یعنی کس را نرسد که ایشان را ملامت کند ملامت کسی را بود که بی سببی ابتدا ظلم کند و یبغون فی الارض و در زمین بغی کنند و ناحق
و بر امام و سلطان بیرون آیند ایشان را عذابی بود دردناک و هر انکس که صبر کند و جرم و جنایت را باز پوشد و در انتقام نکوشد بدرستی که صبر
کردن او امرزیدن از جمله عزایم امورست و از کارهایی که در غایت جلالت و بزرگی باشد در باب ثواب و رضای خدای ه وَمَنْ
يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ وَتَرَى الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَى مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ
عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ
أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ
يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ه و هر که خدای او را خذلان کند و با خود بس گذارد یا حکم بضلالش کند و فتوی کند که او ضال و گمراه داند و
ضالش و فتوی خواند که او گمراه شده باشد باخود و هر که را خدای هلاک کرد اند و پس از خدای هیچ یاری و ناصری باشد که دفع کند و بازدارد
عذاب خدای و تری الظالمین تو بینی ستمکاران را یعنی کافران را انگاه که عذاب را مشاهده کنند یقولون گویند هیچ ممکن باشد که ما را هیچ
راهی باشد که باز دنیا رویم و تلافی کار خود کنیم بدل کفر ایمان و بجای معصیت طاعت کنیم اگرچه ایشان دانند که این تمنا حاصل نیاید و
... کسی با دنیا نیاید اما این از غایت جزع گویند و تریهم و بینی تو ایشان را که بر دوزخ عرض میکنند خاشع و زیرکار با مذلت و حقارت
ینظرون من طرف خفی می نگرند از چشمی ذلیل پوشیده نه روشن از انجا ایشان را از گور برانگیزند و قال الذین امنوا مؤمنان گویند
زیانکاران انانند که نفس خود را زیان کردند و اهل خود را در روز قیامت که نه اهل خود را یابند و نه مال خود را و نفس خود را
راحتی و آسایشی یابند الا ان الظالمین بدانکه ظالمان لازم و در عذابی دایم باشند و نباشد ایشان را هیچ دوستی و یاری از دوستان و
یاران که یاری ایشان کنند بدون خدای و هر که را خدای از راه بعث گمراه کرد اند او را هیچ راه نیست ه اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ
يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِنْ عَلَيْكَ
إِلَّا الْبَلَاغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ
ای مردمان اجابت کنید دعوة خدای را پیش ازانکه روزی آید که ان را ردی و بازداشتی نباشد از خدای و شما را دران روز هیچ پناهی نباشد
که باوی گریزید و پناه باوی دهید و شما را انکاری نباشد بر عذابی و استخفافی که بر شما دهد انگاه رسول را تسلی کرد و گفت پس اگر کافران
اعراض کنند و روی بگردانند و فرمان تو نبرند ترا هیچ ضرری و باز خواستی نباشد ما ترا بر ایشان نفرستادیم تا نگاهبان ایشان باشی
و ایشان را بقهر و زجر و جبر از کاری بازداری بر تو جز رسانیدن و پیغام گزاردن کاری دیگر نیست انگاه گفت و انا اذا اذقنا الانسان
ما چون آدمی را از خزاین رحمت خود رحمتی چشانیم و نعمتی رسانیم او بدان شاد شود و خرسند گردد اگر بدی بایشان رسد و ان
بشومی گناه ایشان باشد ایشان کافر نعمت گردند و چنان شوند که گویی هرگز ایشان را نعمتی نبوده است ه لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَاثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَاثًا وَيَجْعَلُ
مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا
فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيٌّ حَكِيمٌ ه ملک آسمان و زمین خدای راست بیافریند انچه خواهد فرزندان ماده بخشد انرا که خواهد

و نرینه دهد انرا که خواهد و انرا که خواهد از بندگان خود هم پسر دهد و هم دختر و انرا که خواهد هیچ فرزند ندهد نه پسر و نه دختر
و عقیم و نازاینده اش کرداند واثلة بن الاسقع گفت از رسول علیه که گفت که خجستگی زن آن باشد که اول دختر زاید انگاه پسر نه بینی که حق تعالی
ابتدا بدختران کرد و گفت یهب لمن یشاء اناثا و یهب لمن یشاء الذکور اسحق بن بشر گفت که ...
ذکرانا و اناثا رسول ما را خواست که وی را هم پسر بود و هم دختر و یجعل من یشاء عقیما عیسی و یحیی را خواست که ایشان را هیچ فرزند نبود
انه علیم قدیر او عالم و توانا است بمصالح بندگان خود و میداند و صلاح ایشان می شناسد و کار هر یکی بر وفق صلاح میداند و ما کان
لبشر ان یکلمه الله الا وحیا گفته اند که سبب نزول آیه ان بود که جهودان گفتند اگر محمد پیغمبرست چرا خدای با وی سخن نمیگوید بی واسطه تا خدای را
ببیند معاینه چنانکه موسی دید رسول علیه گفت موسی خدای را ندید و وحی چنان کند که مصلحت داند خدای تعالی این آیه فرستاد و گفت هیچ آدمی را ممکن نیست
که خدای با وی سخن گوید مگر بیکی از سه وجه یا وحی و آن الهام بود که خدای در دل وی افکند انچه خواهد چنانکه داود را
بود الهام دهد و ابراهیم را در خواب بنمود ذبح فرزندش یا ورای آوازی بشنوانند از پس حجاب یعنی چنانکه آواز شنود و کس را نه بیند چنانکه
موسی ... سخن گفت یا رسولی بفرستد و بواسطه وی سخن گوید چنانکه جبرئیل را فرستاد تا با محمد و پیغمبران دیگر سخن گفت و وحی فرستاد
و گفته اند الا وحیا یعنی بواسطه ملائکه او یرسل رسولا یا رسولی فرستد بخلقان و بواسطه با ایشان سخن گوید چنانکه با امت
پیغمبری بواسطه پیغمبر فیوحی باذنه پس وحی کند با وی انچه خواهد بدرستی که او بزرگ و برترست از مخلوقان حکیمست افعال خود
بر وجهی راند از حکمت گاهی با واسطه و گاه بی واسطه بر حسب انچه مصلحت داند کس را بر وی اعتراض نباشد ه وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا
مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا وَإِنَّكَ لَتَهْدِي
إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ه چنانکه بدیگر پیغمبران
وحی فرستادیم بتو نیز وحی فرستادیم روح را یعنی قران را و قران را روح برای ان خواند که جان بوی زنده است چنانکه تن بروح و گفتند
که روح جبرئیل است روح را که امر و فرمان ماست ما کنت تدری تو نمیدانستی که کتاب چه باشد و شرایع ایمان چه باشد و گفتند مراد با یمان نماز
است بیانش و ما کان الله لیضیع ایمانکم و گفتند پیش از وحی کتاب ندانستی و پیش از بلوغ ایمان ندانستی و لکن جعلناه نورا و لکن
ما کردیم انرا یعنی کتاب را یا ایمان و معالم شرع را نوری یعنی لطفی که بازهدایة کنیم و راه نماییم انرا که خواهیم از بندگان خود یعنی مکلفان
را و انک لتهدی و تو هدایة کنی و راه نمایی و با راه راست آوری ان راهی که راه خدایست ان خدایی که ویراست انچه در زمین و آسمانست
همه ملک وی است همه کارها راجع با خدایست سهل بن ابی ... گفت وقتی انس در جایی افتاد مصحفی را بسوخت جایی ازوی هیچ
نماند الا این کلمات که الا الی الله تصیر الامور و مصحفی دیگر در آب افتاد همه محو شد الا این کلمات سورة الزخرف مکیة است هشتاد
و نه آیت ابو امامه از ابی بن کعب روایة کرد از رسول علیه گفت هر که او سورة زخرف بخواند فردای قیامت از جمله انانی باشد که خدای تعالی ایشان را
گوید یا عبادی لا خوف علیکم الیوم و لا انتم تحزنون ادخلوا الجنة بغیر حساب ای بندگان بر شما هیچ خوفی و اندوهی نیست امروز در
بهشت روید بی حساب از محمد باقر علیه روایتست که هر که این سورة بخواند خدای تعالی او را در گور از هوام زمین و فشار گور نگاه دارد
بسم الله الرحمن الرحیم حم وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ
لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ وَمَا يَأْتِيهِمْ
مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَى مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ه حم بحرمت حلم و ملک و مجد
و بحرمت کتاب روشن بیان و دلیل باشد بر صحت چیزی یا بر فساد چیزی گفتند بیان ان باشد که معنی را ظاهر کند عند ادراک
بحس یا ادراک ... و ان از پنج وجه بود از لفظ و خط و عقد الاصابع و اشارة و هیئتی ظاهر بر حاشیه چون اعراض و اقبال و نشر
و توطیه انا جعلناه قرانا ما قران را عربی کردانیدیم یعنی بلغت عرب فرستادیم و بر طریقه و نهاد کلام ایشان نظم کردیم با این همه

[illegible]

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ لِتَسْتَوُوا عَلَىٰ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

[illegible]

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُبِينٌ أَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ

بالبنين

بِالْبَنِينَ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمٰنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ أَوَمَنْ يُنَشَّأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمٰنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ

[illegible]

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمٰنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ وَكَذٰلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ

[illegible]

قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

[illegible]

بَلْ مَتَّعْتُ هٰؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُبِينٌ وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هٰذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هٰذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ

[illegible]

وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِئُونَ وَزُخْرُفًا وَإِنْ كُلُّ ذٰلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ

[illegible]

وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمٰنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

[illegible]

فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمٰنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ

[illegible]

گفت موقت رسول کسی که او را عاقبت خواهد بود فا ایشان گفتندی بلکه از پس تو کرا خواهد بود [illegible] بلک از پس من قریش را خواهد بود [illegible]

[illegible] بل الذین ارسلنا الیهم ملک [illegible]

[illegible] عبدالله مسعود روایت کرده است که رسول علیه گفت [illegible]

و ولایة علی بن ابی طالب [illegible]

خدایان و بتان کرده ایم تا ایشان را پرستند [illegible] وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَلَمَّا جَاءَهُم بِآيَاتِنَا إِذَا هُم مِّنْهَا يَضْحَكُونَ وَمَا نُرِيهِم مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ

بدرستی که موسی را فرستادیم با آیات خود از عصا و ید بیضا و طوفان و جراد و قمل و ضفادع و دم [illegible]

[illegible]

اگر این عذاب از ما برداشته شود ما ایمان آوریم فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَٰذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّن ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

[illegible]

فَلَمَّا آسَفُونَا انتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ [illegible] وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ [illegible] وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنكُم مَّلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ [illegible]

ایشان وجه دفع کردیم [illegible]

[illegible]

[illegible] ما ضربوه لك الا جدلا بل هم قوم خصمون [illegible]

[illegible] و دستان روان کرداندیم برای بنی اسرائیل ولو نشاء و اگر ما خواهیم [illegible] فرشتگان [illegible] تا ایشان بجای شما باشند [illegible]

[illegible] وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُم بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُم بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ۵ بدرستی که عیسی علیه السلام [illegible]

[illegible] عیسی مریم بزمین بیت المقدس [illegible] دجال [illegible] بیت المقدس [illegible]

[illegible]

[illegible] فَاتَّقُوا اللَّهَ [illegible]

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِن بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ۵ [illegible]

[illegible] هل ينظرون [illegible]

[illegible] قیامت [illegible]

[illegible] دوستی [illegible] رسول علیه [illegible] أحب في الله وأبغض في الله

دوستی و دشمنی برای خدای [illegible] از امیر المومنین علی روایت کرده اند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَٰهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَٰهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِندَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ [illegible]

[illegible]

[illegible] امیر المومنین [illegible] عثمان [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

وإذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما [illegible]

[illegible] سورة الدخان مكية [illegible] [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

حم والكتاب المبين إنا أنزلناه في ليلة مباركة إنا كنا منذرين فيها يفرق كل أمر حكيم أمرا من عندنا إنا كنا مرسلين رحمة من ربك إنه هو السميع العليم رب السموات والأرض وما بينهما إن كنتم موقنين لا إله إلا هو يحيي ويميت ربكم ورب آبائكم الأولين بل هم في شك يلعبون [illegible]

[illegible] إنا أنزلناه في ليلة القدر [illegible]

[illegible]

فارتقب يوم تأتي السماء بدخان مبين [illegible]

[illegible]

إن يوم الفصل ميقاتهم أجمعين يوم لا يغني مولى عن مولى شيئا ولا هم ينصرون [illegible]

إن شجرت الزقوم طعام الأثيم [illegible]

[illegible]

سورة الجاثية [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

حم تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم

إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ تِلْكَ
آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ فرستاده و کتابت از خدای عزیز و غالب در کار

[illegible]

وَيْلٌ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ لَمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ هَٰذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ

[illegible]

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

[illegible]

وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

[illegible]

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

[illegible]

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

[illegible]

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ

[illegible]

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

[illegible]

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

[illegible]

هَٰذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُجْرِمِينَ وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ

[illegible]

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

[illegible]

سورة الاحقاف مکیات سی و پنج آیات اطباعا از ابی کعب روایت کرد که رسول گفت هر که سورة الاحقاف بخواند خدای عزوجل [illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

حم تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُونَ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَٰذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

[illegible]

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَٰذَا سِحْرٌ مُبِينٌ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

[illegible]

قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَآمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَٰذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ

[illegible]

جنس او داده و گفت ای محمد خبر ده مرا از سه چیز که جواب آن جز پیغمبری نداند بگو ما اولین اشراط قیامت چیست و اولین طعام که اهل بهشت خورند چه باشد
و فرزند به که ماند [illegible] جبرئیل آمد و [illegible] آیه آورد و رسول را خبر داد و رسول گفت یا عبدالله جبرئیل
مرا خبر داد که اول اشراط قیامت آن باشد که [illegible] از مشرق بمغرب [illegible] و اول طعام بهشت از جگر ماهی باشد [illegible]
[illegible] عبدالله سلام گفت اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله آنگاه گفت یا رسول الله
اگر جهودان بشنوند که من اسلام آوردم [illegible]
[illegible]
[illegible] و گفت اشهد ان لا اله الا الله و اشهد
ان محمدا رسول الله جهودان گفتند [illegible]
[illegible] عبدالله سلام [illegible] بنی اسرائیل [illegible]
توریت است گواهی داده [illegible] و قال الذین کفروا [illegible]
[illegible]

[illegible]

اولم يروا ان الله الذى خلق السموات والارض ولم يعى بخلقهن بقادر على ان يحيى الموتى بلى انه على كل شىء قدير ويوم يعرض الذين كفروا على النار اليس هذا بالحق قالوا بلى وربنا قال فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون فاصبر كما صبر اولوا العزم من الرسل ولا تستعجل لهم كانهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل يهلك الا القوم الفاسقون

[illegible]

فاذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب حتى اذا اثخنتموهم فشدوا الوثاق فاما منا بعد واما فداء حتى تضع الحرب اوزارها ذلك ولو يشاء الله لانتصر منهم ولكن ليبلو بعضكم ببعض والذين قتلوا فى سبيل الله فلن يضل اعمالهم سيهديهم ويصلح بالهم ويدخلهم الجنة عرفها لهم

[illegible]

يا ايها الذين آمنوا ان تنصروا الله ينصركم ويثبت اقدامكم والذين كفروا فتعسا لهم واضل اعمالهم ذلك بانهم كرهوا ما انزل الله فاحبط اعمالهم افلم يسيروا فى الارض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم دمر الله عليهم وللكافرين امثالها ذلك بان الله مولى الذين آمنوا وان الكافرين لا مولى لهم

[illegible]

فهل عسيتم ان توليتم ان تفسدوا فى الارض وتقطعوا ارحامكم اولئك الذين لعنهم الله فاصمهم واعمى ابصارهم

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک و ما تاخر
و یتم نعمته علیک و یهدیک صراطا مستقیما و ینصرک الله نصرا عزیزا ۵

[illegible]

[illegible]

وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَٰذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ۞ وعده کرد خدا شما را غنیمتهای بسیار که فرا گیرید [illegible]

[illegible]

الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۞ وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ۞ [illegible]

[illegible]

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَئُوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۞ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم ... رسول صلعم گفت اعطیت السبع الطوال مکان التوریة واعطیت المثانی مکان الانجیل واعطیت المئین
مکان الزبور وفضلت بالمفصل بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها الذین آمنوا لا تقدموا بین یدی الله ورسوله واتقوا الله
ان الله سمیع علیم یا ایها الذین آمنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی ولا تجهروا له بالقول کجهر بعضکم لبعض ان
تحبط اعمالکم وانتم لا تشعرون ۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ۞ وَاعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ ۞ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۞

[illegible]

وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۞ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۞

[illegible]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۞

[illegible]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ۞

[illegible]

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۞

[illegible]

[illegible] إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَىٰ صُوَرِكُمْ وَلَا إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ وَلَٰكِنْ يَنْظُرُ إِلَىٰ قُلُوبِكُمْ [illegible]

[illegible]

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَٰكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ۝

[illegible]

قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝

[illegible]

سورة ق مكية [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَٰذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَٰلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ ۝

[illegible]

[illegible]

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ تَبْصِرَةً وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَٰلِكَ الْخُرُوجُ ۝

[illegible]

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ ۝

[illegible]

[illegible]

بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ۝

[illegible]

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ وَقَالَ قَرِينُهُ هَٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ۝

[illegible]

[illegible]

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلَٰكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ۝

[illegible]

آدم باو بدیشان بمانند سکان و کرکان و دیگر اعضای ایشان چون اعضای بنی آدم است نا هر کار نبودند و عداد ایشان جز خدای نداند و بروایتی
اکبر فیفتح رجل و رجل در کلام عرب بمعنی جماعت استعمال کنند و در اقران حدیث آمده است ولا یطلع احد من خلقه احداً از این دلیل که عراد و
وقدم مطولست وازلفت الجنة للمتقین غیر بعید هذا ما توعدون لکل اواب حفیظ من خشی الرحمن بالغیب وجاء
بقلب منیب ادخلوها بسلام ذلک یوم الخلود لهم ما یشاؤن فیها ولدینا مزید ۵ و بهشت را برای متقیان نزدیک
کرداند چنانک از راه چند درجات و منازل را مشاهده کنند چنانک دور نباشد از ایشان و گویند ایشان را این است که شما را وعده
میدادند برای هر بنده بازگردنده نگاه دارنده یعنی هر توبه کاری که پس از توبه خود را نگاه دارد تا چیزی نکند که توبه وی را خلل افتد
ابن عباس گفت اواب تسبیح کننده باشد مجاهد گفت آن باشد که در خلوت گناه خود را یاد کند و از آن توبه کند حفیظ آن باشد که
گناه خود یاد میدارد تا از آن توبه کند و آنچه خدای بروی نهاده باشد از تکلیف آن نگاه دارد آنکسی که از خدای خود بترسید
آنجا که کسی حاضر نباشد که او را تهمت باشد از وی یا ترسد و دست از معصیت بدارد و چون بآخرت آید دلی آرد از گناه توبه کننده
و باخدای گردنده و او را گویند در آئید در بهشت بسلامت بسلام خدای و فرشتگان آن روز روز جاودانی است ایشان را
باشد در بهشت آنچه خواهند و از زیادت کنند و نزدیک ما زیادت باشد از آنچه بر دل و خاطر ایشان گذر کند و آنچه باز دانند وکم
اهلکنا قبلهم من قرن هم اشد منهم بطشا فنقبوا فی البلاد هل من محیص ان فی ذلک لذکری لمن کان له
قلب او القی السمع وهو شهید ۵ بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از مردم و گروهی که بقوت و شوکت از ایشان سخت تر بودند و بعد
بیشتر ایشان در شهرها بگردیدند و گردش کرده اند [illegible] چون عذاب ما رسید [illegible] هیچ جای گریزی هست
که چون عذاب بیاید از وی بگریزند [illegible] بلفظ امر [illegible] تهدید و وعید باشد یعنی بگردید و بگریزید تا هیچ جای
گریزی می یابید از عذاب خدای [illegible] ان فی ذلک [illegible] ذکر کرده شد یاد داد نیست و موعظتی آنکس را که ورا دلی هست یعنی عقلی و
بدل کنایه کرد از عقل برای آنک دل محل عقلست و محل ذکر و علم و فکر [illegible] باشد [illegible] دل حاضر
[illegible] از وی غافل [illegible] دل [illegible]
[illegible] بدل حاضر باشد یعنی دلش بذکر و فکر [illegible] مشغول باشد ولقد خلقنا السموات
والارض وما بینهما فی ستة ایام وما مسنا من لغوب فاصبر علی ما یقولون وسبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس
وقبل الغروب ومن اللیل فسبحه وادبار السجود ۵ ما آسمانها و زمین را بیافریدیم [illegible]
[illegible] رسول [illegible] آمدند و گفتند یا محمد ما را خبر ده تا خدای این [illegible] در شش روز [illegible] گفت یکشنبه و
دوشنبه زمینها [illegible] سه شنبه کوهها و روز چهارشنبه [illegible] آسمانها و فرشتگان [illegible] در اول ساعتی
[illegible] آجال [illegible] در دوم آفات در سیم آدم را بیافرید [illegible] گفت تمام [illegible] ثم
السبت واستلقی علی العرش [illegible]
[illegible]
[illegible] و تسبیح کن خدای را [illegible] آفتاب [illegible]
نماز بامداد [illegible] قبل الغروب نماز [illegible] ومن اللیل [illegible] ابن عباس گفت
قبل الغروب نماز [illegible] مجاهد گفت ومن اللیل [illegible] نماز شب [illegible] و ادبار النجوم از امیر المؤمنین علی علیه
و عمر خطاب و ابو هریره روایت [illegible] ادبار السجود دو رکعت است [illegible] ابن عباس
از رسول روایت [illegible] دو رکعت [illegible] نماز شام [illegible] دو رکعت نماز [illegible]

اول

او را [illegible] و قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم الحمد و قل هو الله احد بخواند [illegible] واستمع یوم یناد المناد من
مکان قریب یوم یسمعون الصیحة بالحق ذلک یوم الخروج انا نحن نحیی ونمیت والینا المصیر یوم تشقق الارض
عنهم سراعا ذلک حشر علینا یسیر نحن اعلم بما یقولون وما انت علیهم بجبار فذکر بالقرآن من یخاف وعید
[illegible] ایتها العظام البالیة والاوصال المتقطعة واللحوم المتمزقة ان
الله یامرکن ان تجتمعن لفصل القضاء [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] سورة والذاریات
بسم الله الرحمن الرحیم [illegible]
والذاریات ذروا فالحاملات وقرا فالجاریات یسرا فالمقسمات امرا انما توعدون لصادق وان الدین لواقع
والذاریات [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] امیر المؤمنین علی علیه
[illegible]
[illegible] امیر المؤمنین [illegible] عن الذاریات ذروا قال تلک الریاح [illegible]
قال فالحاملات وقرا [illegible] قال تلک السحاب [illegible] قال فالجاریات یسرا [illegible]
[illegible] قال فالمقسمات امرا [illegible]

و بعض ابن [illegible] و بعض این فرشتگان [illegible]
داده اند از بهشت و دوزخ و ثواب و عقاب و حشر و نشر و حساب و کتاب و جز آن از احوال و اهوال قیامت [illegible]
[illegible]
[illegible] از ثواب دادن و عقاب کردن والسماء ذات الحبک انکم لفی قول مختلف یؤفک عنه من افک قتل الخراصون الذین
هم فی غمرة ساهون یسئلون ایان یوم الدین یوم هم علی النار یفتنون ذوقوا فتنتکم هذا الذی کنتم به
تستعجلون ۵ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] عبد الله عباس [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ان المتقین فی جنات وعیون آخذین ما آتاهم ربهم انهم کانوا قبل ذلک محسنین کانوا
قلیلا من اللیل ما یهجعون وبالاسحار هم یستغفرون وفی اموالهم حق للسائل والمحروم ۵ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] وفی الارض آیات للموقنین وفی انفسکم افلا تبصرون وفی السماء رزقکم وما
توعدون فورب السماء والارض انه لحق مثل ما انکم تنطقون ۵ [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] وفی السماء رزقکم [illegible]

[illegible] والاصمعی [illegible] وفی السماء [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] سورة والذاریات [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] فورب السماء والارض انه لحق مثل ما انکم تنطقون [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
هل اتیک حدیث ضیف ابراهیم المکرمین اذ دخلوا علیه فقالوا سلاما قال سلام قوم منکرون فراغ الی اهله فجاء بعجل سمین

حديث ضيف ابراهيم ... قال الا تاكلون فاوجس منهم خيفة قالوا لا تخف وبشروه بغلام عليم

[illegible]

فاقبلت امراته في صرة فصكت وجهها وقالت عجوز عقيم قالوا كذلك قال ربك انه هو الحكيم العليم قال فما خطبكم ايها المرسلون قالوا انا ارسلنا الى قوم مجرمين لنرسل عليهم حجارة من طين مسومة عند ربك للمسرفين فاخرجنا من كان فيها من المؤمنين فما وجدنا فيها غير بيت من المسلمين وتركنا فيها آية للذين يخافون العذاب الاليم

[illegible]

وفي موسى اذ ارسلناه الى فرعون بسلطان مبين فتولى بركنه وقال ساحر او مجنون فاخذناه وجنوده فنبذناهم في اليم وهو مليم وفي عاد اذ ارسلنا عليهم الريح العقيم ما تذر من شيء اتت عليه الا جعلته كالرميم

[illegible]

وفي ثمود اذ قيل لهم تمتعوا حتى حين فعتوا عن امر ربهم فاخذتهم الصاعقة وهم ينظرون فما استطاعوا من قيام وما كانوا منتصرين وقوم نوح من قبل انهم كانوا قوما فاسقين والسماء بنيناها بايد وانا لموسعون والارض فرشناها فنعم الماهدون ومن كل شيء خلقنا زوجين لعلكم تذكرون ففروا الى الله اني لكم منه نذير مبين

[illegible]

كذلك ما اتى الذين من قبلهم من رسول الا قالوا ساحر او مجنون اتواصوا به بل هم قوم طاغون فتول عنهم فما انت بملوم وذكر فان الذكرى تنفع المؤمنين وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون ما اريد منهم من رزق وما اريد ان يطعمون ان الله هو الرزاق ذو القوة المتين فان للذين ظلموا ذنوبا مثل ذنوب اصحابهم فلا يستعجلون فويل للذين كفروا من يومهم الذي يوعدون

[illegible]

سورة الطور

بسم الله الرحمن الرحيم

والطور وكتاب مسطور في رق منشور والبيت المعمور والسقف المرفوع والبحر المسجور ان عذاب ربك لواقع ما له من دافع

[illegible]

يوم تمور السماء مورا وتسير الجبال سيرا فويل يومئذ للمكذبين الذين هم في خوض يلعبون يوم يدعون الى نار جهنم دعا هذه النار التي كنتم بها تكذبون افسحر هذا ام انتم لا تبصرون اصلوها فاصبروا او لا تصبروا سواء عليكم انما تجزون ما كنتم تعملون

[illegible]

ان المتقين في جنات ونعيم فاكهين بما آتاهم ربهم ووقاهم ربهم عذاب الجحيم كلوا واشربوا هنيئا بما كنتم تعملون متكئين على سرر مصفوفة وزوجناهم بحور عين والذين آمنوا واتبعتهم ذريتهم بايمان الحقنا بهم ذريتهم وما التناهم من عملهم من شيء كل امرئ بما كسب رهين وامددناهم بفاكهة ولحم مما يشتهون يتنازعون فيها كاسا لا لغو فيها ولا تاثيم

[illegible]

ويطوف عليهم غلمان لهم كانهم لؤلؤ مكنون واقبل بعضهم على بعض يتساءلون قالوا انا كنا قبل في اهلنا مشفقين فمن الله علينا ووقانا عذاب السموم انا كنا من قبل ندعوه انه هو البر الرحيم

[illegible]

فذكر فما انت بنعمت ربك بكاهن ولا مجنون ام يقولون شاعر نتربص به ريب المنون قل تربصوا فاني معكم من المتربصين ام تامرهم احلامهم بهذا ام هم قوم طاغون ام يقولون تقوله بل لا يؤمنون فلياتوا بحديث مثله ان كانوا صادقين ام خلقوا من غير شيء ام هم الخالقون

[illegible]

ام خلقوا السماوات والارض بل لا يوقنون ام عندهم خزائن ربك ام هم المصيطرون ام لهم سلم يستمعون فيه فليات مستمعهم بسلطان مبين ام له البنات ولكم البنون ام تسالهم اجرا فهم من مغرم مثقلون ام عندهم الغيب فهم يكتبون ام يريدون كيدا فالذين كفروا هم المكيدون ام لهم اله غير الله

[illegible]

[illegible]

سورة النجم [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم والنجم اذا هوی ما ضلّ صاحبکم وما غوی وما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَى أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّى فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى ۵

[illegible]

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَاوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنْثَى وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَى ۵

[illegible]

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ

الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى

[illegible]

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَى أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَى وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى ۵

[illegible]

[illegible]

وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَى وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَى وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَى وَأَقْنَى وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشِّعْرَى ۵

[illegible]

[illegible]

وَأَنَّهُ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى وَثَمُودَ فَمَا أَبْقَى وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَى وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى فَغَشَّاهَا مَا غَشَّى فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَى هَذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ الْأُولَى أَزِفَتِ الْآزِفَةُ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ۵

[illegible]

و ایشان را نیز هلاک کرد و قوم نوح را پیش از ایشان هلاک کرد و ایشان ظالم‌تر و طاغی‌تر بودند و مؤتفکات که جایهای شهر لوط بود [illegible]
و عاصی [illegible] بر جهار [illegible] جبرئیل [illegible]
[illegible] پس بکدام نعمتهای خدای خود شک میکنی [illegible]
[illegible]
افسوس می دارید [illegible]
[illegible] از ابو سلمه از ابو هریره روایت کرده [illegible] رسول علیه [illegible]
[illegible] رسول علیه گفت [illegible]
خدای [illegible] رسول علیه [illegible]
[illegible] ابن ام [illegible] رسول [illegible]
[illegible] عبد الله عباس گفت که رسول علیه این سوره [illegible] سجده [illegible]

سورة القمر مکیّات پنجاه و پنج آیت و از رسول علیه روایت که هر که این سوره بخواند هر دو روز [illegible]
قیامت بر [illegible] ماه شب چهارده باشد بسم الله الرحمن الرحیم اقتربت الساعة وانشق القمر
وان یروا آیة یعرضوا ویقولوا سحر مستمر وکذبوا واتبعوا اهواءهم وکل امر مستقر ولقد جاءهم من الانباء
ما فیه مزدجر حکمة بالغة فما تغن النذر ۝ قیامت نزدیک شد و ماه شکافته شد و از علامات نزدیک بودن قیامت شکافته شدن
ماه است [illegible]

[illegible]

[illegible] گروهی [illegible] یوم یدع الداع الی شیء نکر خشعا ابصارهم یخرجون من الاجداث کانهم جراد منتشر مهطعین

[illegible]

[illegible]

[illegible]

او دناه ان یقول له کن فیکون ... بای انکه خلاف ... که افعال خدای بقدر او و بقضای او باشد

[illegible]

جمع شدند و گفتند قریش قرآن شنیده اند گفت از سلمان ما که قرآن بجهر بو خواند تا قریش بشنوند عبدالله مسعود گفت من بخوانم گفتند

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم الرحمن علم القرآن خلق الانسان علمه البیان الشمس والقمر بحسبان

والنجم والشجر یسجدان والسماء رفعها ووضع المیزان الا تطغوا فی المیزان واقیموا الوزن بالقسط ولا

تخسروا المیزان والارض وضعها للانام فیها فاکهة والنخل ذات الاکمام والحب ذو العصف والریحان

فبای آلاء ربکما تکذبان

[illegible]

... اني تارک فيکم الثقلين کتاب الله وعترتي ... [illegible]

يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ هَٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آنٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

[illegible]

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

[illegible]

فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

[illegible]

مُدْهَامَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ حُورٌ مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

[illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً

[illegible]

فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ

[illegible]

عَلَىٰ سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ مُّتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنزِفُونَ وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ وَحُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا

[illegible]

وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَّا مَقْطُوعَةٍ

وَلَا مَمْنُوعَةٍ وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ إِنَّا أَنشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا عُرُبًا أَتْرَابًا لِّأَصْحَابِ الْيَمِينِ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ

[illegible]

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ لَّا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ

[illegible]

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ لَآكِلُونَ مِن شَجَرٍ مِّن زَقُّومٍ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ هَٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ

[illegible]

نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِّلْمُقْوِينَ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

[illegible]

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

[illegible]

[illegible]

أَفَبِهَٰذَا الْحَدِيثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ وَأَنتُمْ حِينَئِذٍ تَنظُرُونَ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنكُمْ وَلَٰكِن لَّا تُبْصِرُونَ ۵

[illegible]

فَلَوْلَا إِن كُنتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ تَرْجِعُونَهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ فَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ وَأَمَّا إِن كَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ فَسَلَامٌ لَّكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ وَأَمَّا إِن كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

[illegible]

سورة الحدید مدنیة

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۵

[illegible]

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ لَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۵

[illegible]

آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُم مُّسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَأَنفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ۵

[illegible]

وَمَا لَكُمْ أَلَّا

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنكُم مَّنْ أَنفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَٰئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنفَقُوا مِن بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۵

[illegible]

مَّن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَىٰ نُورُهُم بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِم بُشْرَاكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِن نُّورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَّهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِن قِبَلِهِ الْعَذَابُ ۵

[illegible]

[illegible]

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ۞ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۞

[illegible]

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ۞

[illegible]

اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ۞

[illegible]

سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۞

[illegible]

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۞ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ۞ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۞

[illegible]

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ۞

[illegible]

[illegible]

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

[illegible]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ لِئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

[illegible]

سورة المجادلة مدنية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

[illegible]

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ

[illegible]

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ذَٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

[illegible]

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

[illegible]

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَٰلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

[illegible]

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ

[illegible]

وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ

[illegible]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

[illegible]

يا ايها الذين آمنوا اذا قيل لكم تفسحوا في المجالس فافسحوا يفسح الله لكم واذا قيل انشزوا فانشزوا يرفع الله الذين آمنوا منكم والذين اوتوا العلم درجات والله بما تعملون خبير

ءاشفقتم ان تقدموا بين يدي نجواكم صدقات فاذ لم تفعلوا وتاب الله عليكم فاقيموا الصلوة وآتوا الزكوة واطيعوا الله ورسوله والله خبير بما تعملون

اتخذوا ايمانهم جنة فصدوا عن سبيل الله فلهم عذاب مهين لن تغني عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شيئا اولئك اصحاب النار هم فيها خالدون

استحوذ عليهم الشيطان فانسيهم ذكر الله اولئك حزب الشيطان الا ان حزب الشيطان هم الخاسرون

ان الذين يحادون الله ورسوله اولئك في الاذلين كتب الله لاغلبن انا ورسلي ان الله قوي عزيز

لا تجد قوما يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون من حاد الله ورسوله ولو كانوا آباءهم او ابناءهم او اخوانهم او عشيرتهم اولئك كتب في قلوبهم الايمان وايدهم بروح منه ويدخلهم جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها رضي الله عنهم ورضوا عنه اولئك حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون

سبح لله ما في السماوات وما في الارض وهو العزيز الحكيم هو الذي اخرج الذين كفروا من اهل الكتاب من ديارهم لاول الحشر ما ظننتم ان يخرجوا وظنوا انهم مانعتهم حصونهم من الله فاتيهم الله من حيث لم يحتسبوا وقذف في قلوبهم الرعب يخربون بيوتهم بايديهم وايدي المؤمنين فاعتبروا يا اولي الابصار

[illegible]

ولولا أن كتب الله عليهم الجلاء لعذبهم في الدنيا ولهم في الآخرة عذاب النار ذلك بأنهم شاقوا الله ورسوله ومن يشاق الله فإن الله شديد العقاب ما قطعتم من لينة أو تركتموها قائمة على أصولها فبإذن الله وليخزي الفاسقين ۝

[illegible]

وما أفاء الله على رسوله منهم فما أوجفتم عليه من خيل ولا ركاب ولكن الله يسلط رسله على من يشاء والله على كل شيء قدير ما أفاء الله على رسوله من أهل القرى فلله وللرسول ولذي القربى واليتامى والمساكين وابن السبيل

[illegible]

كي لا يكون دولة بين الأغنياء منكم وما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا واتقوا الله إن الله شديد العقاب للفقراء المهاجرين الذين أخرجوا من ديارهم وأموالهم يبتغون فضلا من الله ورضوانا وينصرون الله ورسوله أولئك هم الصادقون ۝

[illegible]

والذين تبوؤوا الدار والإيمان من قبلهم يحبون من هاجر إليهم ولا يجدون في صدورهم حاجة مما أوتوا ويؤثرون على أنفسهم ولو كان بهم خصاصة ومن يوق شح نفسه فأولئك هم المفلحون ۝

[illegible]

والذين جاؤوا من بعدهم يقولون ربنا اغفر لنا ولإخواننا الذين سبقونا بالإيمان ولا تجعل في قلوبنا غلا للذين آمنوا ربنا إنك رؤوف رحيم ۝

[illegible]

ألم تر إلى الذين نافقوا يقولون لإخوانهم الذين كفروا من أهل الكتاب لئن أخرجتم لنخرجن معكم ولا نطيع فيكم أحدا أبدا وإن قوتلتم لننصرنكم والله يشهد إنهم لكاذبون لئن أخرجوا لا يخرجون معهم ولئن قوتلوا لا ينصرونهم ولئن نصروهم ليولن الأدبار ثم لا ينصرون ۝

[illegible]

... از خدای ایشان را هلاک کرده اند بدان که انکار کفر کرده باشند لَأَنتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِم مِّنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ

لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرًى مُّحَصَّنَةٍ أَوْ مِن وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُم بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْقِلُونَ ۝ [illegible]

[illegible]

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ۝ [illegible]

[illegible]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ ۝

[illegible]

لَوْ أَنزَلْنَا هَٰذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَٰنُ الرَّحِيمُ ۝ [illegible]

[illegible]

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ [illegible]

[illegible]

أنا الله أنا الرحمن أنا الرحيم أنا الملك أنا القدوس أنا السلام أنا المؤمن أنا المهيمن أنا العزيز أنا الجبار أنا المتكبر [illegible]

[illegible]

سورة الممتحنة مدنی [illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُم مِّنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَن تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِن كُنتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنتُمْ وَمَن يَفْعَلْهُ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ۝ [illegible]

[illegible]

إِن يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ لَن تَنفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ [illegible]

[illegible]

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ رَّبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ۝ [illegible]

بجز انکه گفتند قوم خود را که ما از شما بیزاریم و از آنچه [ایشان] پرستید و عبادت میکنید بدون خدای از ایشان ما شما را و دین شما را انکار میکنیم و دشمنی پیدا [illegible]

[illegible]

إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ [illegible]

[illegible]

از ابرهیم و مومنان [illegible] و بازگشت ما و جمله خلایق با تو خواهد بود و این تعلیم است که خدای تو بندگان خود را داده است تا در کارها با وی رجوع کنند و پناه با وی دهند و اتباع ابرهیم و مومنان کنند اند از مثل این دعا بگویند رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۵ از جمله دعا های [illegible]

[illegible]

عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۵ [illegible]

[illegible]

إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَى إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۵ [illegible]

[illegible]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُمْ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا مَا أَنْفَقُوا ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۵ [illegible]

[illegible]

وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَآتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ۵ [illegible]

[illegible]

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۵ [illegible]

[illegible]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ۵ [illegible]

[illegible]

سورة الصف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ۵ [illegible]

[illegible]

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُؤْذُونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَاةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۵

[illegible]

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ۵

[illegible]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۵

[illegible]

و خوش کرد اند در بهشتهای عدن حسن بصری گفت از عمران حصین پرسیدم [illegible] مساکن طیبة گفت من از رسول خدای پرسیدم گفت [illegible]

[illegible]

وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَآمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ ۵

[illegible]

سورة الجمعة [illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۵

[illegible]

وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

[illegible]

[illegible]

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۵

[illegible]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۵

[illegible]

[illegible]

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ٥

[illegible]

سورة المنافقون [illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ٥

[illegible]

[illegible]

هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ ٥

[illegible]

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ٥

[illegible]

[illegible]

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُّوا وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ٥

[illegible]

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ

قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ٥

[illegible]

سورة التغابن مکی است وهیجده آیت ابی بن کعب از رسول خدا روایت کرده که هر که این سوره بخواند [illegible]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٥

[illegible]

الم یاتکم نبؤا الذین کفروا من قبل فذاقوا وبال امرهم ولهم عذاب الیم ذلک بانه کانت تاتیهم رسلهم بالبینات فقالوا ابشر یهدوننا فکفروا وتولوا واستغنی الله والله غنی حمید

از شما بوده اند از کافران که ما پیغامبران به ایشان فرستادیم ایمان نیاوردند ... لازم شد و مستوجب و مستحق عقاب شدند تا لاجرم

وبال و عقوبت کار خود از کفر و معاصی بچشیدند در دنیا و ایشان را عذابی دردناک باشد در آخرت ...

... رسولان ایشان که بایشان آمدند با آیات و معجزات ایشان ایمان نیاوردند و انکار ایشان کردند و گفتند آدمی از جنس ما ما را هدایت کند ...

زعم الذین کفروا ان لن یبعثوا قل بلی وربی لتبعثن ثم لتنبؤن بما عملتم وذلک علی الله یسیر

[illegible]

سیاستی منکر کنند و فروش عظیم کرده اند واللائی یئسن من المحیض من نسائکم ان ارتبتم فعدتهن ثلاثة اشهر واللائی لم یحضن واولات الاحمال اجلهن ان یضعن حملهن ومن یتق الله یجعل له من امره یسرا ذلک امر الله انزله الیکم ومن یتق الله یکفر عنه سیئاته ویعظم له اجرا و ان زنانی که از حیض نومید شده باشند و حیض ایشان منقطع شده باشد [illegible]

اسکنوهن من حیث سکنتم من وجدکم ولا تضاروهن لتضیقوا علیهن وان کن اولات حمل فانفقوا علیهن حتی یضعن حملهن فان ارضعن لکم فآتوهن اجورهن وأتمروا بینکم بمعروف وان تعاسرتم فسترضع له اخری لینفق ذو سعة من سعته ومن قدر علیه رزقه فلینفق مما آتاه الله لا یکلف الله نفسا الا ما آتاها سیجعل الله بعد عسر یسرا

[illegible]

وکاین من قریة عتت عن امر ربها ورسله فحاسبناها حسابا شدیدا وعذبناها عذابا نکرا فذاقت وبال امرها وکان عاقبة امرها خسرا اعد الله لهم عذابا شدیدا فاتقوا الله یا اولی الالباب الذین آمنوا قد انزل الله الیکم ذکرا رسولا یتلوا علیکم آیات الله مبینات لیخرج الذین آمنوا وعملوا الصالحات من الظلمات الی النور

[illegible]

ومن یؤمن بالله ویعمل صالحا یدخله جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابدا قد احسن الله له رزقا الله الذی خلق سبع سماوات ومن الارض مثلهن یتنزل الامر بینهن لتعلموا ان الله علی کل شیء قدیر وان الله قد احاط بکل شیء علما

[illegible]

سورة التحریم مدنیة

بسم الله الرحمن الرحیم یا ایها النبی لم تحرم ما احل الله لک تبتغی مرضات ازواجک والله غفور رحیم قد فرض الله لکم تحلة ایمانکم والله مولاکم وهو العلیم الحکیم

[illegible]

واذ اسر النبی الی بعض ازواجه حدیثا فلما نبأت به واظهره الله علیه عرف بعضه واعرض عن بعض فلما نبأها به قالت من انبأک هذا قال نبأنی العلیم الخبیر ان تتوبا الی الله فقد صغت قلوبکما وان تظاهرا علیه فان الله هو مولاه وجبریل وصالح المؤمنین والملائکة بعد ذلک ظهیر

[illegible]

عسی ربه ان طلقکن ان یبدله ازواجا خیرا منکن مسلمات مؤمنات قانتات تائبات عابدات سائحات ثیبات وابکارا یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم نارا وقودها الناس والحجارة علیها ملائکة غلاظ شداد لا یعصون الله ما امرهم ویفعلون ما یؤمرون یا ایها الذین کفروا لا تعتذروا الیوم انما تجزون ما کنتم تعملون

[illegible]

[illegible]

يا أيها الذين آمنوا توبوا إلى الله توبة نصوحا عسى ربكم أن يكفر عنكم سيئاتكم ويدخلكم جنات تجري من تحتها الأنهار يوم لا يخزي الله النبي والذين آمنوا معه نورهم يسعى بين أيديهم وبأيمانهم يقولون ربنا أتمم لنا نورنا واغفر لنا إنك على كل شيء قدير

[illegible]

يا أيها النبي جاهد الكفار والمنافقين واغلظ عليهم ومأواهم جهنم وبئس المصير ضرب الله مثلا للذين كفروا امرأة نوح وامرأة لوط كانتا تحت عبدين من عبادنا صالحين فخانتاهما

[illegible]

وضرب الله مثلا للذين آمنوا امرأة فرعون

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم تبارك الذي بيده الملك وهو على كل شيء قدير الذي خلق الموت والحياة ليبلوكم أيكم أحسن عملا وهو العزيز الغفور الذي خلق سبع سماوات طباقا ما ترى في خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور ثم ارجع البصر كرتين

[illegible]

وللذين كفروا بربهم عذاب جهنم وبئس المصير إذا ألقوا فيها سمعوا لها شهيقا وهي تفور تكاد تميز من الغيظ

[illegible]

وأسروا قولكم أو اجهروا به إنه عليم بذات الصدور ألا يعلم من خلق وهو اللطيف الخبير هو الذي جعل لكم الأرض ذلولا فامشوا في مناكبها

[illegible]

بما نیک برجنت اجسام باشد وخدای نو خالق اجسام است اما اشارت مردم در وقت دعا با سمان برای آنست که آسمان محل وحی است ومنزل فرشتگانست و محل قدس است جای معز ...
و خود ساز و بعضی رزق است چنانکه نمود وفی السماء رزقکم وما توعدون ...
سوید چنانکه قوم لوط بهلاک شدند پس آنگاه شما بدانید که ...

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

[illegible]

إن للمتقين عند ربهم جنات النعيم أفنجعل المسلمين كالمجرمين ما لكم كيف تحكمون أم لكم كتاب فيه تدرسون إن لكم فيه لما تخيرون أم لكم أيمان علينا بالغة إلى يوم القيامة إن لكم لما تحكمون سلهم أيهم بذلك زعيم أم لهم شركاء فليأتوا بشركائهم إن كانوا صادقين

[illegible]

يوم يكشف عن ساق ويدعون إلى السجود فلا يستطيعون خاشعة أبصارهم ترهقهم ذلة وقد كانوا يدعون إلى السجود وهم سالمون فذرني ومن يكذب بهذا الحديث سنستدرجهم من حيث لا يعلمون

[illegible]

أم تسألهم أجرا فهم من مغرم مثقلون أم عندهم الغيب فهم يكتبون فاصبر لحكم ربك ولا تكن كصاحب الحوت إذ نادى وهو مكظوم لولا أن تداركه نعمة من ربه لنبذ بالعراء وهو مذموم

[illegible]

فاجتباه ربه فجعله من الصالحين وإن يكاد الذين كفروا ليزلقونك بأبصارهم لما سمعوا الذكر ويقولون إنه لمجنون وما هو إلا ذكر للعالمين

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم

الحاقة ما الحاقة وما أدراك ما الحاقة كذبت ثمود وعاد بالقارعة فأما ثمود فأهلكوا بالطاغية وأما عاد فأهلكوا بريح صرصر عاتية سخرها عليهم سبع ليال وثمانية أيام حسوما فترى القوم فيها صرعى كأنهم أعجاز نخل خاوية

[illegible]

فهل ترى لهم من باقية وجاء فرعون ومن قبله والمؤتفكات بالخاطئة فعصوا رسول ربهم فأخذهم أخذة رابية إنا لما طغى الماء حملناكم في الجارية لنجعلها لكم تذكرة وتعيها أذن واعية

[illegible]

فإذا نفخ في الصور نفخة واحدة وحملت الأرض والجبال فدكتا دكة واحدة فيومئذ وقعت الواقعة وانشقت السماء فهي يومئذ واهية والملك على أرجائها ويحمل عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية يومئذ تعرضون لا تخفى منكم خافية

[illegible]

فأما من أوتي كتابه بيمينه فيقول هاؤم اقرءوا كتابيه إني ظننت أني ملاق حسابيه فهو في عيشة راضية في جنة عالية قطوفها دانية

[illegible]

كلوا واشربوا هنيئا بما أسلفتم في الأيام الخالية وأما من أوتي كتابه بشماله فيقول يا ليتني لم أوت كتابيه ولم أدر ما حسابيه يا ليتها كانت القاضية ما أغنى عني ماليه هلك عني سلطانيه خذوه فغلوه ثم الجحيم صلوه ثم في سلسلة ذرعها سبعون ذراعا فاسلكوه إنه كان لا يؤمن بالله العظيم ولا يحض على طعام المسكين فليس له اليوم ها هنا حميم ولا طعام إلا من غسلين لا يأكله إلا الخاطئون

[illegible]

[illegible]

فلا اقسم بما تبصرون و ما لا تبصرون انه لقول رسول كريم و ما هو بقول شاعر قليلا ما تؤمنون و لا بقول كاهن قليلا ما تذكرون تنزيل من رب العالمين

[illegible]

و لو تقول علينا بعض الاقاويل لاخذنا منه باليمين ثم لقطعنا منه الوتين فما منكم من احد عنه حاجزين و انه لتذكرة للمتقين و انا لنعلم ان منكم مكذبين و انه لحسرة على الكافرين و انه لحق اليقين فسبح باسم ربك العظيم

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم سأل سائل بعذاب واقع للكافرين ليس له دافع من الله ذي المعارج تعرج الملائكة و الروح اليه في يوم كان مقداره خمسين الف سنة فاصبر صبرا جميلا انهم يرونه بعيدا و نريه قريبا

[illegible]

يوم تكون السماء كالمهل و تكون الجبال كالعهن و لا يسأل حميم حميما يبصرونهم يود المجرم لو يفتدي من عذاب يومئذ ببنيه و صاحبته و اخيه و فصيلته التي تؤويه و من في الارض جميعا ثم ينجيه

روزی باشد که آسمان [illegible]

كلا انها لظى نزاعة للشوى تدعوا من ادبر و تولى و جمع فاوعى ان الانسان خلق هلوعا اذا مسه الشر جزوعا و اذا مسه الخير منوعا الا المصلين الذين هم على صلاتهم دائمون و الذين في اموالهم حق معلوم للسائل و المحروم و الذين يصدقون بيوم الدين و الذين هم من عذاب ربهم مشفقون ان عذاب ربهم غير مامون

[illegible]

و الذين هم لفروجهم حافظون الا على ازواجهم او ما ملكت ايمانهم فانهم غير ملومين فمن ابتغى وراء ذلك فاولئك هم العادون و الذين هم لاماناتهم و عهدهم راعون و الذين هم بشهاداتهم قائمون و الذين هم على صلاتهم يحافظون اولئك في جنات مكرمون

[illegible]

فمال الذين كفروا قبلك مهطعين عن اليمين و عن الشمال عزين ايطمع كل امرئ منهم ان يدخل جنة نعيم كلا انا خلقناهم مما يعلمون فلا اقسم برب المشارق و المغارب انا لقادرون على ان نبدل خيرا منهم و ما نحن بمسبوقين

[illegible]

فذرهم يخوضوا و يلعبوا حتى يلاقوا يومهم الذي يوعدون يوم يخرجون من الاجداث سراعا كانهم الى نصب يوفضون خاشعة ابصارهم ترهقهم ذلة ذلك اليوم الذي كانوا يوعدون

[illegible]

سورة نوح علیه السلام مکیة ... ابی بن کعب از رسول علیه روایت کرد که هر که این سوره بخواند از جمله آنان باشد که دعای نوح ... رب اغفر لی ولوالدی ولمن دخل بیتی مؤمنا وللمؤمنین والمؤمنات

بسم الله الرحمن الرحیم انا ارسلنا نوحا الی قومه ان انذر قومک من قبل ان یأتیهم عذاب الیم قال یا قوم انی لکم نذیر مبین ان اعبدوا الله واتقوه واطیعون یغفر لکم من ذنوبکم ویؤخرکم الی اجل مسمی ان اجل الله اذا جاء لا یؤخر لو کنتم تعلمون

[illegible]

قال رب انی دعوت قومی لیلا ونهارا فلم یزدهم دعائی الا فرارا وانی کلما دعوتهم لتغفر لهم جعلوا اصابعهم فی آذانهم واستغشوا ثیابهم واصروا واستکبروا استکبارا ثم انی دعوتهم جهارا ثم انی اعلنت لهم واسررت لهم اسرارا فقلت استغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا ویمددکم باموال وبنین ویجعل لکم جنات ویجعل لکم انهارا

[illegible]

ما لکم لا ترجون لله وقارا وقد خلقکم اطوارا الم تروا کیف خلق الله سبع سماوات طباقا وجعل القمر فیهن نورا وجعل الشمس سراجا والله انبتکم من الارض نباتا ثم یعیدکم فیها ویخرجکم اخراجا والله جعل لکم الارض بساطا لتسلکوا منها سبلا فجاجا قال نوح رب انهم عصونی واتبعوا من لم یزده ماله وولده الا خسارا ومکروا مکرا کبارا

[illegible]

وقالوا لا تذرن آلهتکم ولا تذرن ودا ولا سواعا ولا یغوث ویعوق ونسرا وقد اضلوا کثیرا ولا تزد الظالمین الا ضلالا مما خطیئاتهم اغرقوا فادخلوا نارا فلم یجدوا لهم من دون الله انصارا وقال نوح رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیارا انک ان تذرهم یضلوا عبادک ولا یلدوا الا فاجرا کفارا رب اغفر لی ولوالدی ولمن دخل بیتی مؤمنا وللمؤمنین والمؤمنات ولا تزد الظالمین الا تبارا

[illegible]

سورة الجن ...

بسم الله الرحمن الرحیم قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرآنا عجبا یهدی الی الرشد فآمنا به ولن نشرک بربنا احدا وانه تعالی جد ربنا ما اتخذ صاحبة ولا ولدا وانه کان یقول سفیهنا علی الله شططا وانا ظننا ان لن تقول الانس والجن علی الله کذبا

[illegible]

وانه کان رجال من الانس یعوذون برجال من الجن فزادوهم رهقا وانهم ظنوا کما ظننتم ان لن یبعث الله احدا وانا لمسنا السماء فوجدناها ملئت حرسا شدیدا وشهبا وانا کنا نقعد منها مقاعد للسمع فمن یستمع الآن یجد له شهابا رصدا وانا لا ندری اشر ارید بمن فی الارض ام اراد بهم ربهم رشدا وانا منا الصالحون ومنا دون ذلک کنا طرائق قددا

[illegible]

وانا ظننا ان لن نعجز الله فی الارض ولن نعجزه هربا وانا لما سمعنا الهدی آمنا به فمن یؤمن بربه فلا یخاف بخسا ولا رهقا وانا منا المسلمون ومنا القاسطون فمن اسلم فاولئک تحروا رشدا واما القاسطون فکانوا لجهنم حطبا وان لو استقاموا علی الطریقة لاسقیناهم ماء غدقا لنفتنهم فیه ومن یعرض عن ذکر ربه یسلکه عذابا صعدا

[illegible]

[illegible]

وأن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحدا ۝ وأنه لما قام عبد الله يدعوه كادوا يكونون عليه لبدا ۝ قل إنما أدعو ربي ولا أشرك به أحدا ۝ قل إني لا أملك لكم ضرا ولا رشدا ۝ قل إني لن يجيرني من الله أحد ولن أجد من دونه ملتحدا ۝ إلا بلاغا من الله ورسالاته ومن يعص الله ورسوله فإن له نار جهنم خالدين فيها أبدا ۝

[illegible]

حتى إذا رأوا ما يوعدون فسيعلمون من أضعف ناصرا وأقل عددا ۝ قل إن أدري أقريب ما توعدون أم يجعل له ربي أمدا ۝ عالم الغيب فلا يظهر على غيبه أحدا ۝ إلا من ارتضى من رسول فإنه يسلك من بين يديه ومن خلفه رصدا ۝ ليعلم أن قد أبلغوا رسالات ربهم وأحاط بما لديهم وأحصى كل شيء عددا ۝

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم يا أيها المزمل ۝ قم الليل إلا قليلا ۝ نصفه أو انقص منه قليلا ۝ أو زد عليه ورتل القرآن ترتيلا ۝ إنا سنلقي عليك قولا ثقيلا ۝ إن ناشئة الليل هي أشد وطئا وأقوم قيلا ۝ إن لك في النهار سبحا طويلا ۝ واذكر اسم ربك وتبتل إليه تبتيلا ۝ رب المشرق والمغرب لا إله إلا هو فاتخذه وكيلا ۝

[illegible]

[illegible]

واصبر على ما يقولون واهجرهم هجرا جميلا ۝ وذرني والمكذبين أولي النعمة ومهلهم قليلا ۝ إن لدينا أنكالا وجحيما ۝ وطعاما ذا غصة وعذابا أليما ۝ يوم ترجف الأرض والجبال وكانت الجبال كثيبا مهيلا ۝

[illegible]

إنا أرسلنا إليكم رسولا شاهدا عليكم كما أرسلنا إلى فرعون رسولا ۝ فعصى فرعون الرسول فأخذناه أخذا وبيلا ۝ فكيف تتقون إن كفرتم يوما يجعل الولدان شيبا ۝ السماء منفطر به كان وعده مفعولا ۝ إن هذه تذكرة فمن شاء اتخذ إلى ربه سبيلا ۝

[illegible]

علم أن سيكون منكم مرضى وآخرون يضربون في الأرض يبتغون من فضل الله وآخرون يقاتلون في سبيل الله فاقرءوا ما تيسر منه وأقيموا الصلاة وآتوا الزكاة وأقرضوا الله قرضا حسنا وما تقدموا لأنفسكم من خير تجدوه عند الله هو خيرا وأعظم أجرا واستغفروا الله إن الله غفور رحيم ۝

[illegible]

سورة المدثر

بسم الله الرحمن الرحيم يا أيها المدثر ۝ قم فأنذر ۝ وربك فكبر ۝ وثيابك فطهر ۝ والرجز فاهجر ۝

[illegible]

[illegible]

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ فَذَٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ

[illegible]

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا وَبَنِينَ شُهُودًا وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا سَأُرْهِقُهُ صَعُودًا

[illegible]

إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ثُمَّ نَظَرَ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ فَقَالَ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ إِنْ هَٰذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ

[illegible]

سَأُصْلِيهِ سَقَرَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلًا كَذَٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَىٰ لِلْبَشَرِ

[illegible]

كَلَّا وَالْقَمَرِ وَاللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ إِنَّهَا لَإِحْدَى الْكُبَرِ نَذِيرًا لِلْبَشَرِ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ

[illegible]

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ

[illegible]

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُنَشَّرَةً كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

[illegible]

سورة القيامة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ

[illegible]

[illegible]

ايحسب الانسان ليفجر امامه يسئل ايان يوم القيمة فاذا برق البصر وخسف القمر وجمع الشمس والقمر يقول الانسان يومئذ اين المفر

[illegible]

كلا لا وزر الى ربك يومئذ المستقر ينبؤا الانسان يومئذ بما قدم واخر بل الانسان على نفسه بصيرة ولو القى معاذيره

[illegible]

لا تحرك به لسانك لتعجل به ان علينا جمعه وقرآنه فاذا قرأناه فاتبع قرآنه ثم ان علينا بيانه

[illegible]

كلا بل تحبون العاجلة وتذرون الآخرة وجوه يومئذ ناضرة الى ربها ناظرة ووجوه يومئذ باسرة تظن ان يفعل بها فاقرة

[illegible]

كلا اذا بلغت التراقي وقيل من راق وظن انه الفراق والتفت الساق بالساق الى ربك يومئذ المساق

[illegible]

فلا صدق ولا صلى ولكن كذب وتولى ثم ذهب الى اهله يتمطى اولى لك فاولى

[illegible]

ايحسب الانسان ان يترك سدى الم يك نطفة من مني يمنى

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم هل اتى على الانسان حين من الدهر لم يكن شيئا مذكورا انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج نبتليه فجعلناه سميعا بصيرا انا هديناه السبيل اما شاكرا واما كفورا

[illegible]

ما باو نمودیم ادمی را از ان حال که مرید ابتلا و امتحان او بودیم و مراد از ابتلا تکلیفات است از انکه تکلیف صورت امتحان دارد پس او را شنوا و بینا کردیم یعنی
ارادت ما ابتلای وی بود و برای شنوا و بینا افریدیم تا اعلام کنیم که تکلیف بی تمکین قبیح باشد و انکاه راه بوی نمودیم حق از باطل پیدا کردیم نصب دلایل
و ازاحت علت کردیم و تمکین دادیم اگر شاکر باشد و اگر کافر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

انا اعتدنا للکافرین سلاسلا واغلالا وسعیرا

[illegible]

ان الابرار یشربون من کاس کان مزاجها کافورا عینا یشرب بها عباد الله یفجرونها تفجیرا ۵

[illegible]

یوفون بالنذر ویخافون یوما کان شره مستطیرا ویطعمون الطعام علی حبه مسکینا ویتیما واسیرا انما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاء ولا شکورا انا نخاف من ربنا یوما عبوسا قمطریرا

[illegible]

فوقاهم الله شر ذلک الیوم ولقاهم نضرة وسرورا وجزاهم بما صبروا جنة وحریرا

[illegible]

ودانیة علیهم ظلالها وذللت قطوفها تذلیلا ویطاف علیهم بآنیة من فضة واکواب کانت قواریرا

[illegible]

ویسقون فیها کاسا کان مزاجها زنجبیلا عینا فیها تسمی سلسبیلا ویطوف علیهم ولدان مخلدون اذا رایتهم حسبتهم لؤلؤا منثورا

[illegible]

واذا رایت ثم رایت نعیما وملکا کبیرا

[illegible]

إنّ هذا كان لكم جزاءً وكان سعيكم مشكوراً بدرستی که این ذکر آن کرده شد از بهشت و ولدان و نعیم و غلمان جزاء عمل مقبول شما و طاعات مبرور شما خواهد بود و سعی که شما کردید در تحصیل رضای خدای مشکور خواهد افتاد یعنی مقابل بحق و مقرون بتعظیم و تبجیل خواهد گشت این آیه دلیلست بر آنکه جزای عمل خواهد بود بر خلاف آنکه مجبره گفتند که جزا بر عمل نخواهد بود برای آنکه جزا عقیب فعل باشد و آنچه ابتدا باشد فضل و احسان بود در خبرست که چون جبرئیل علیه این آیتها بر رسول خدای خواند گفت خذها یا محمد فرا گیر این را ای محمد که مهنا باد ترا این در ضیافت [illegible] إنا نحن نزلنا عليك القرآن تنزيلا فاصبر لحكم ربك ولا تطع منهم آثما أو كفورا واذكر اسم ربك بكرة وأصيلا ومن الليل فاسجد له وسبحه ليلا طويلا خدای تو بر سبیل منت و تذکیر نعمت رسول خود را گفت ما این قرآن را بر تو فرو فرستادیم فرود آوردیم نه بیکدفعه بلکه آیتی پس از آیتی و سورتی پس از سورتی تا بر تو دشوار نباشد فهم کردن معنی آن و یاد گرفتن چنانکه گفت وقرآنا فرقناه لتقرأه على الناس على مكث آنگاه رسول را بر سبیل تعظیم و توقیر فرمود که صبر کن مر حکم خدای خود را و اوامر او را که از سر حکمت و صواب صادرست بر احتمال رنج و مشقت و سفاهت کافران تا آنگاه که ما ترا بفتح [illegible] و طاعت [illegible] و فرمان مبر از ایشان کافران بزه کار آثم را این کافر آثم عتبة بن ربیعه است و [illegible] رسول خدای را گفت اگر این میکنی و میگویی برای آن میکنی و میگویی که زنان [illegible] بگو می باید از دختران من بگو [illegible] بلکه از آنکه تو خواهی بتو دهم [illegible] این کار بازآی و کفور ولید مغیره است که او رسول را گفت اگر این دعوی نبوة برای مال میکنی [illegible] دانند که مال من از همه بیشترست ترا چندان مال بدهم که تو خشنود شوی خدای تو فرمود هیچ کدام را از ایشان فرمان مبر و ذکر خدای و نام خدای بر یعنی نماز کن در وقت بامداد و شبانگاه یعنی نماز پیشین و دیگر و در بعضی از شب سجده کن خدای را یعنی نماز شام و خفتن و تسبیح کن و بیاد در شب دراز یعنی نماز شب قیام نما إن هؤلاء يحبون العاجلة ويذرون وراءهم يوما ثقيلا نحن خلقناهم وشددنا أسرهم وإذا شئنا بدلنا أمثالهم تبديلا بدرستی که این جماعت کافران دنیا را دوست می دارند کار دنیا می کنند و آخرت را دشمن میدارند و باپس پشت می افکنند روزی گران و سخت و دشوار را یعنی روز قیامت و از بهر آن روز کاری نمی کنند ما ایشان را بیافریدیم و خلق ایشان محکم کردانیدیم مفاصل و اوصال ایشان بعروق و عصب محکم کردیم و اگر ما خواهیم ایشان را بامثال ایشان بدل کنیم ایشان را ببریم و امثال ایشان [illegible] بیاریم که طاعت دارند و عاصی نشوند إن هذه تذكرة فمن شاء اتخذ إلى ربه سبيلا وما تشاؤون إلا أن يشاء الله إن الله كان عليما حكيما يدخل من يشاء في رحمته والظالمين أعد لهم عذابا أليما بدرستی که این سوره و این آیات پندی و موعظتی است پس هر که خواهد و اختیار کند راهی گیرد و وسیلتی سازد که برسد به رضای خدای و نزدیکی جستن بطاعت و عبادت او و این آیه دلیلست بر آنکه مکلف مخیرست عنان اختیار در دست اوست و شما نخواهید کردن طاعتها الا آنکه خدای خواهد و چون خواهد از کند و بدان فرماید و آنچه مجبره گویند که نخواهید شما الا آنچه خدای خواهد یعنی خواست شما خواست شما باشد خواست خدای باشد این باطلست برای آنکه ما مرید محابات و قبایح باشیم و خدای مرید نباشد محابات و قبایح برای آنکه اراده مباح و قبیح قبیح باشد و این صفت نقص است بر خدای روا نبود و اگر مرید باشد هر چه بندگان ازو مرید باشند مرید متضادات باشد و مرید جهل و سفه و فضایح و کفر و شرک باشد و این منافی حکمت باشد و صفت او آنست که او همیشه دانا و محکم کار و حکیم بوده است و هست او آنکه خواهد در رحمت خود بدارد و بیامرزد او را بفضل خود و آنکه ظالمان و کافرانند بساخته است برای ایشان و بنهاده در دوزخ عذابی دردناک مرجعها ک

سورة المرسلات مكية است پنجاه آیت از رسول خدای روایت است که هر که این سوره بخواند خدای تو بنویسد او را که او از مشرکان نیست عبد الله مسعود گفت این سوره لیلة الجن فرود آمد و ما در راه بودیم بسم الله الرحمن الرحيم والمرسلات عرفا فالعاصفات عصفا والناشرات نشرا فالفارقات فرقا فالملقيات ذكرا عذرا أو نذرا إنما توعدون لواقع حق سبحانه و تعالی سوگند میخورد بفرشتگان که ایشان را بفرستاد بمعروف و نیکوی که ایشان بر عقب [illegible]

در قرآن آمده از مقام خود چنان سخت می آیند که با دهای سخت که از اعراف خواهد در وقت آوردن وحی از آسمان بالعالی خود درمی گذرند و در هوا بانک و شور ابر میکنند در زمین پس آنگاه که وحی آورده فرق کردند میان حق و باطل بیان کردند که حق چیست و باطل چیست پس القای ذکر یعنی وحی کردند بپیغمبران تا عذری باشد محقان را و بیمی باشد مبطلان را و گفته اند که سوگند است بیادهای عذاب که از بهر هلاک و عذاب عاصیان و کافران [illegible] متتابع بیاید پس این بادها در جنبش بر کافران سخت آید والناشرات سوگندست ببادهای رحمت که ابر را نشر میکنند بر آنکه میگرداند بهر زمینی که می فرماید و می برند تا باران آنجا بارد یا بادها زمین مرده را زنده می کند بباران و زنده کردانش فرق میکند میان آنکس که شکر خدای گوید بر نعمتش و آنکس که شکر نکند و کافر شود پس ذکر اندازند در میان ایشان ذکری تا عذر بود کسی را که عذر خواهد با خدای بتوبه و استغفار کرده چون نعمت خدای در باران بابیند شکر خدای گذارند تا انذاری و بیم کردنی باشد کسانی را که از شکر خدای غافل باشند بچنین سوگند که آنچه شما را وعده می دهند از قیامت و بعث و نشور و ثواب و عقاب بود و حق و واقع خواهد شد لا محالة آنگاه وقت آن علامات پاک کرده بتبیین و گفت فإذا النجوم طمست وإذا السماء فرجت وإذا الجبال نسفت وإذا الرسل أقتت لأي يوم أجلت ليوم الفصل وما أدراك ما يوم الفصل ويل يومئذ للمكذبين قیامت وقتی باشد که ستارگان از آسمان محو شوند نور و روشنایی از ایشان ببرند و اثر ایشان ناپدید کرده اند و آسمان را بشکافند در و راهها و شکافها پدید آید و کوهها را از جای خود برکنند و خاک کردانند و برباد دهند چنانکه از کوهها اثری نماند و چون پیغمبران را زمانی و وقتی پدید کنند تا در آن وقت بر امتان خود گواهی دهند و ایشان را زمانی دهند از بهر گواهی دادن آنگاه بر سبیل تعظیم و تهویل گفت بهر کدام روز ایشان را زمان دهند روزی و چگونه روزی روزی که جدا کردانند درمیان نیکبختان و بدبختان و مومنان را از کافران و مطیعان را از عاصیان و بهشتیان را از دوزخیان و توچه دانی ای محمد که روز فصل چگونه روزی است و هول آن روز و شدت او تا بچه غایتست ای وای و ای دا روز مر کسانی را که امروز ترا تکذیب می کنند و سخن ایشان ترا کوی قبول نمیکنند و باور نمیدارند ألم نهلك الأولين ثم نتبعهم الآخرين كذلك نفعل بالمجرمين ويل يومئذ للمكذبين ألم نخلقكم من ماء مهين فجعلناه في قرار مكين إلى قدر معلوم فقدرنا فنعم القادرون ويل يومئذ للمكذبين تهدید و وعید میکند کافران را و قصه هلاک کردن گذشتگان می کند تا بترسند و اعتبار گیرند می گوید که نه ما هلاک کردیم پیشینگان را و امتان گذشته را چون قوم نوح و عاد و ثمود را چو ایشان را هلاک کردیم ایشان را چه امان باشد نمی ترسند که ما این پسینان را تابع پیشینگان کردانیم یعنی ایشان را هلاک کنیم چنانکه گذشتگان را هلاک کردیم و ما همچنین کنیم با هر قومی که مجرمان و مشرکان باشند گفتار پیغمبر خود قبول نکنند وای و ای بر دوزخ ذل دادند وای در آن روز که ما عذاب فرستیم دروغ دارند کافران را نه ما شما را بیافریدیم از آبی ضعیف و حقیر یعنی نطفه پس از آنکه آن آب را در قرار گاهی استوار ممکن کردیم یعنی رحم مادر تا بمدت که معلوم ما بود و آن نه ماه باشد تا وقت وضع حمل که خدای داند که در آن وقت وضع حمل خواهد بود پس ما تقدیر کردیم آن مدت را در رحم و تقدیر اجل و رزق و احوال او که چگونه و چه کوید و چند ماند و چه خورد و آنچه مقدر کردیم و بیافریدن او و بر همه تقدیرات قادر بودیم و نیکو قادری و مقدریم چرا اندیشه نکنند تا بدانند که ما قادریم بر عذاب شما در دنیا و بازآوردن شما از بهر جزای شما در آخرت وای در آن روز که عذاب کنیم مکذبان را در دنیا و آخرت ألم نجعل الأرض كفاتا أحياء وأمواتا وجعلنا فيها رواسي شامخات وأسقيناكم ماء فراتا ويل يومئذ للمكذبين بر سبیل منت و تذکیر نعمت می گوید نه ما زمین را ضم کننده و جمع کننده شما کردیم و مردگان را تا زنده باشید بر پشت زمین باشید و مطالب و مقاصد خود پس از ما کول و ملبوس و مسکن حاصل میکنید و چون بمیرید در شکم زمین باشید و در زمین از بهر شما کوههای بلند و بلند کردیم و بدادیم شما را آبی خوش از باران تا درختان کشتها و درختان شما از آن آب خورده و آنچه زیادت باشد

از کشت و درخت در زیر کوهها و جمع کردیم تا بتدریج از کوهها و چشمها بشما میرسد هیچ شکر این نعمت آن باشد که تکذیب پیغمبر کنید وای در آن روز مکذبان را که ایشان را بر تکذیب کردن عذاب فرماییم انطلقوا إلى ما كنتم به تكذبون انطلقوا إلى ظل ذي ثلاث شعب لا ظليل ولا يغني من اللهب إنها ترمي بشرر كالقصر كأنه جمالت صفر ويل يومئذ للمكذبين خدای تو خبر میدهد از آنچه روز قیامت با مکذبان خواهد کرد میگوید با ایشان از ما بیم و گوییم شما قیامت را و دوزخ را بدروغ میداشتید یعنی بدوزخ روید و شاید که این سخن با ایشان خازنان دوزخ گویند باز دوم گویند بروید بسایه ای یعنی دود سیاه که دوزخ را باشد که از آن برخیزد باشد و سه جانب دارد یکی جانب راست و یکی جانب چپ و یکی از بالا از این جانب بکافران محیط باشد چنانچه گویند سایه ای دوزخ که بر ایشان سه جانب برود آنگاه محیط اهل دوزخ گردد چنانکه گفت أحاط بهم سرادقها یعنی دودی که دم از گیرد آنگاه بر سبیل تهکم و تعریض گفت سایه ای که خلاف سایه مومنان خلق ظلیل باشد سایه مومنان ظلیل باشد سایه کافران لا ظلیل باشد که سایه نفعی ندهد و از حرارت و سوزش آتش هیچ سودی و نفع نکند و آتش دوزخ می اندازد بهر جانبی از جوانب شرر ها و شرر ها و شرار پاره آتش باشد چون کوهی که آن شرر در بزرگی همچون کوشکی است بزرگ و عرب هر چه بزرگ باشد از آن قصر تشبیه کنند آنگاه آن شرر دوزخ را تشبیه کرد گفت بهدای نو شرر دوزخ را که اشترانی اند زرد و سیاه که بازرده می زنند وای بر دوغ دارندگان قیامت و دوزخ را از آنکه وصف او این باشد هذا يوم لا ينطقون ولا يؤذن لهم فيعتذرون ويل يومئذ للمكذبين هذا يوم الفصل جمعناكم والأولين فإن كان لكم كيد فكيدون ويل يومئذ للمكذبين این روزی است یعنی روز قیامت که دروغ نگویند یعنی سخن نگویند که ایشان را در آن هیچ بود که آن سخن که در آن فایده بود کفتن و آن گفتن باشد و شاید که مراد این جمله که این وقتی است که سخن نگویند از جهت آنکه روز قیامت روزی دراز خواهد بود و در مواقف و مواطن بسیار خواهد بود در موقفی سخن گویند و در دیگری نگویند و در مقامی زبان خصومت بگشایند و با یکدیگر خصومت کنند چنانکه گفت ثم إنكم يوم القيامة عند ربكم تختصمون و در مقامی مهر بر زبانهای ایشان نهند تا سخن نتوانند گفت و جوارح و اعضا با سخن آرند چنانکه گفت اليوم نختم على أفواههم وتكلمنا أيديهم وتشهد أرجلهم بما كانوا يكسبون پس در آن روز سخن نتوانند گفت و دستوری ندهند ایشان را در سخن گفتن پس عذر نتوانند آوردن یعنی ایشان را از دستوری باشد در سخن نه عذری بخواهند وای در آن روز دروغ دارندگان را آنگاه گفت این روز فصل و قضا است روزی است که داد مظلومان از ظالمان بستانیم و میان نیکبختان و بدبختان جدا کنیم جمع کردیم در این روز شما را و کسانی را که پیش از شما بوده اند شما را با پیغمبران حاضر کرده ایم پس اگر شما را کیدی و حیلتی هست و چاره ای با من بجای آرید همه ور اثرست و مراد تقریع و تهدید است آن روز که با پیغمبران کید میکردید و دیگر حیلها می جستید و انکار می کردید اگر می توانید امروز کید کنید با من بر دفع عذاب از خود وای در آن روز که حال این باشد دروغ دارندگان را آنگاه ذکر متقیان کرد و گفت إن المتقين في ظلال وعيون وفواكه مما يشتهون كلوا واشربوا هنيئا بما كنتم تعملون إنا كذلك نجزي المحسنين ويل يومئذ للمكذبين بدرستی که روز قیامت پرهیزکاران در سایه ها در زیر درختان و چشمه های آب روان و میوه ها از انواع و الوان باشند از آن میوه ها که ایشان خواهند و آرزوی ایشان باشد گویند ایشان را بخورید از این میوه ها و بیاشامید از این آب چشمها نوش و گوارنده بسبب آنچه شما کردید در دنیا از طاعات و خیرات و بعوض آن ما همچنین جزا دهیم نیکوکاران را با عمل نیز و نیکویی ایشان وای در آن روز دروغ دارندگان را که با جزای مومنان و نیکوکاران دهیم آنگاه ذکر کرد کافران را که روی بدنیا آورده اند و از دنیا و مال دنیا تمتع می گیرند بر زبان می گوید تو ایشان نه حالت بیش از اجل کال که با کتاب گور رسد و بعد از آن اعمال بس گفت كلوا وتمتعوا قليلا إنكم مجرمون ويل يومئذ للمكذبين وإذا قيل لهم اركعوا لا يركعون ويل يومئذ للمكذبين فبأي حديث بعده يؤمنون ای کسانی که بزخارف دنیا مغرور شده اید و بجمع حطام دنیا مشغول گشته و پشت بر آخرت آورده بخورید از دنیا و برخوردار باشید زمانی اندک که شما گناهکاران و کافرانید که این زمان اندک و عمر کوتاه زود باز آید

وای آن روز مر دروغ زن کافران شود وای در آن روز دروغ دارندگان را آن کسانی را که چون گویند ایشان را رکوع کنید یعنی نماز و نماز را رکوع خوانند از بهر آنکه رکوع رکنی است و بعضی از جزء عبارت کنند از جمله او و ایشان رکوع نکنند و نماز بجای نیارند گفته اند که این آیه در حق بنی ثقیف آمد چون پیغمبر ایشان را بنماز فرمود گفتند ما رکوع نکنیم و پشت خم نیاریم که این بر ما عار است و دشنام رسول خدای گفت لا خیر في دین ليس فيه لا رکوع ولا سجود هیچ خیر نبود در دینی که در او رکوع و سجود نبود آنگاه خدای تو بر سبیل تعجب گفت این کافران بکدام سخن و بکدام کتاب ایمان خواهند آورد چون بدین حدیث که قرآن است ایمان نمی آرند با آن همه بلاغت و فصاحت که او راست سورة النبأ مكية اربعون آيت رسول خدای گفت هر که این سوره بخواند خدای تو در روز قیامت بر او شراب خنک بچشاند از صادق علیه روایت که هر کی این سوره هر روزی بخواند آن سال بیرون نیاید تا که زیارت خانه خدای کند بسم الله الرحمن الرحيم عم يتساءلون عن النبإ العظيم الذي هم فيه مختلفون كلا سيعلمون ثم كلا سيعلمون حق سبحانه و تعالی بر روی تفخیم شأن و تعظیم سوال ایشان گفت از چه سوال میکنند و از چه می پرسند یکدیگر را این مشرکان و کافران آنگاه هم وی جواب داد و گفت از خبری بزرگ که از کاری عظیم سوال میکنند تا آن خبر بزرگ چیست که ایشان در آن خلاف میکنند مجاهد گفت قرآنست دلیلش قل هو نبأ عظيم أنتم عنه معرضون قتاده گفت بعث و نشورست بعضی گفتند این نبأ عظیم رسولیت در خبر اهل البیت آمده است که امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه علیه روایت کرده که روز صفین مردی از لشکر شام بیرون آمد با سلاح تمام و از بالای سلاح مصحفی حمایل کرده و بیتی آنکه عرب رجز خوانند در حرب و این عم یتساءلون عن النبإ العظیم می خواند من خواستم که پیش او روم امیر المومنین علیه گفت توقف مکانک بر جای خود باش پس خود بیش وی رفت و گفت أتعرف النبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون این نبأ عظیم میشناسی گفت نه گفت والله النبأ العظيم و علی ولایتی تنازعتم عنه وإلى رجعتم بعد ما قبلتم وببغيكم هلكتم بعد ما بسيف عن الكفر نجوتم ويوم الغدير قد علمتم ثم على السيف ورئ يرانها ويدي گفت من آن خبر بزرگم که در من خلاف کردید و در ولایت من منازعت نمودید و از ولایت من بازآمدید پس از آنکه قبول کردید و بستم خود را هلاک کردید بعد از آنکه از کفر نجات یافتید و روز غدیر دانستید و روز قیامت بدانید آنچه امروز کردید آنگاه تیغ برداشت یک ضربت سر و بدن او را بیک ضرب جدا ساخت آنگاه باز آمد و می گفت أبى الله إلا أن صفين دارنا و داركم مالاح في الأفق كوكب إلى أن تموتوا أو نموت وما لنا ولكم عن حومة الموت مهرب اصبغ بن نباته گفت در حرب بصره با امیر المومنین علی علیه حاضر بودم مردی از لشکر بصره بیرون آمد و این آیه می خواند امیر المومنین علی علیه پیش وی رفت گفت أتعرف النبأ العظیم آن خبر بزرگ را میشناسی گفت نه گفت این نبأ عظیم که در او خلاف کنند منم کلا سیعلمون حقا که بشناسند و بدانند در وقتی که میان اهل بهشت و دوزخ بایستم خلایق را در میان بهشت و دوزخ قسمت کنیم دوزخ را گویم خذیه فإنه من أعدائي ای دوزخ این را بگیر که از دشمنانست و ذریه فإنه من أوليائي و دستار این بدار که از دوستان منست ترا از بهر دشمنان من آفریده اند از بهر دوستان من ثم كلا سيعلمون پس حقا زود بود که بدانند که این نبأ عظیم منم در وقتی که بر کنار حوض کوثر باشم دوستان خود را آب دهم و دشمنان خود را باز از حوض برانم چنانکه اشتر غریب را از حوض برانند آنگاه تیغ برآورد و بر روی وی زد و سرش را بینداخت این نبأ عظیم بقول آنکس که قرآنست در خلاف بعضی گفتند سحرست دیگران گفتند که شعرست بعضی گفتند افسانه پیشینگانست و اگر بعث است بعضی گفتند راست است و خواهد بود بعضی گفتند دروغست و نخواهد بود و اگر رسولست بعضی گفتند دیوانه است و بعضی گفتند که ساحرست مسلمانان گفتند که پیغمبر خدای است و اگر علی بن ابی طالب است علیه بعضی گفتند امامست و بعضی گفتند رسولست و بعضی گفتند خدای است بعضی گفتند امام نیست آنگاه حق تعالی بر سبیل ردع و زجر گفت کلا بازایستید از این سوال و دور شوید از این مقال باطل ولایق و جابان و بجوان بدان شکوک و شبهات است آری اگر بدانند که این نبأ عظیم حق است زود بود که بدانند عاقبت و سرانجام نادان نفس و انکار کردن خود را آنگاه بر سبیل مبالغت بر تهدید و وعید را تکرار کرد و لفظ ثم ادات تا معلوم کرده که وعید دوم سخت تر و بلیغ تر است از وعید اول گفت حقا که زود بود که بدانند ایشان آنگاه ذکر نعمتهای که با بندگان کرده است تعدید آن میکند و می گوید ألم نجعل الأرض مهادا والجبال أوتادا وخلقناكم أزواجا وجعلنا نومكم سباتا وجعلنا الليل لباسا وجعلنا النهار معاشا نه ما زمین را فراش و بساط شما کردیم تا چنانکه بر

[illegible]

درمیان ایشان [illegible] نگوید مجلس از ایشان [illegible] الا آنکه خدا [illegible] حق گفتی [illegible] که حق گوید [illegible] از عبدالله عباس روایتست که

[illegible] از رسول علیه [illegible] رسیده که روح [illegible] است از لشکرهای خدای [illegible] فرشتگانی اند [illegible] باشد [illegible]

[illegible] عبدالله مسعود گفت [illegible] از آسمان و کوهها بزرگتر [illegible] فرشتگان عظیم [illegible] آسمان چهارم است خدای [illegible]

[illegible]

يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا وَالسَّابِحَاتِ سَبْحًا فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا

[illegible]

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى [illegible]

[illegible]

[illegible]

ءَأَنتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمِ السَّمَاءُ بَنَاهَا رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوَّاهَا وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحَاهَا أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ

[illegible]

فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَىٰ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ مَا سَعَىٰ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ فَأَمَّا مَن طَغَىٰ وَآثَرَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

[illegible]

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا فِيمَ أَنتَ مِن ذِكْرَاهَا إِلَىٰ رَبِّكَ مُنتَهَاهَا إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرُ مَن يَخْشَاهَا

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ أَن جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّىٰ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ الذِّكْرَىٰ أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَىٰ فَأَنتَ لَهُ تَصَدَّىٰ وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ

[illegible]

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ كِرَامٍ بَرَرَةٍ قُتِلَ الْإِنسَانُ مَا أَكْفَرَهُ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ

[illegible]

فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدَائِقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَّتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ

[illegible]

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَإِذَا النُّجُومُ انكَدَرَتْ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ

[illegible]

[illegible]

فلا اقسم بالخنس الجوار الكنس والليل اذا عسعس والصبح اذا تنفس انه لقول رسول كريم ذي قوة عند ذي العرش مكين مطاع ثم امين وما صاحبكم بمجنون

[illegible]

ولقد رآه بالافق المبين وما هو على الغيب بضنين وما هو بقول شيطان رجيم فاين تذهبون ان هو الا ذكر للعالمين لمن شاء منكم ان يستقيم وما تشاؤن الا ان يشاء الله رب العالمين

[illegible]

سورة الانفطار مكية

بسم الله الرحمن الرحيم اذا السماء انفطرت واذا الكواكب انتثرت واذا البحار فجرت واذا القبور بعثرت علمت نفس ما قدمت واخرت

[illegible]

يا ايها الانسان ما غرك بربك الكريم الذي خلقك فسواك فعدلك في اي صورة ما شاء ركبك

[illegible]

كلا بل تكذبون بالدين وان عليكم لحافظين كراما كاتبين يعلمون ما تفعلون ان الابرار لفي نعيم وان الفجار لفي جحيم يصلونها يوم الدين وما هم عنها بغائبين وما ادراك ما يوم الدين ثم ما ادراك ما يوم الدين يوم لا تملك نفس لنفس شيئا والامر يومئذ لله

[illegible]

سورة المطففين

بسم الله الرحمن الرحيم ويل للمطففين الذين اذا اكتالوا على الناس يستوفون واذا كالوهم او وزنوهم يخسرون

[illegible]

كلا ان كتاب الفجار لفي سجين وما ادراك ما سجين كتاب مرقوم ويل يومئذ للمكذبين الذين يكذبون بيوم الدين وما يكذب به الا كل معتد اثيم اذا تتلى عليه آياتنا قال اساطير الاولين كلا بل ران على قلوبهم ما كانوا يكسبون كلا انهم عن ربهم يومئذ لمحجوبون ثم انهم لصالوا الجحيم ثم يقال هذا الذي كنتم به تكذبون

[illegible]

وخدای تو جسم نیست دیگر انکه حجاب بمعنی رؤیة نباشد بمعنی وصول باشد و این جز در حق اجسام متصور نشود و اگر این مسلم داریم که بمعنی رؤیة است
هم دلیل نباشد برای انکه چون کافران محجوب باشند مومنان محجوب نباشند مگر بدلیل الخطاب و این حجت نیست [illegible] اهل
علم چون کافران از رحمت خدای و بهشت ممنوع شوند انگاه باتش دوزخ سوزان و بعذاب مبتلا کرده شوند [illegible]
این عذابست که شما پیغمبر را دروغ میداشتید ای كلا ان كتاب الابرار لفي عليين وما ادريك ما عليون كتاب مرقوم
يشهده المقربون ان الابرار لفي نعيم على الارائك ينظرون تعرف في وجوههم نضرة النعيم يسقون
من رحيق مختوم ختامه مسك وفي ذلك فليتنافس المتنافسون ومزاجه من تسنيم عينا يشرب بها
المقربون [illegible]

[illegible]

[illegible]

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ

[illegible]

بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ

[illegible]

سورة الطارق

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ النَّجْمُ الثَّاقِبُ إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ

[illegible]

فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا

[illegible]

سورة الأعلى

بسم الله الرحمن الرحيم

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى

[illegible]

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى

[illegible]

[illegible]

یعنی للعاقل ان یکون حافظاً لسانه عارفاً بزمانه مقبلاً علی شأنه [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم هل اتیک حدیث الغاشیة

وجوه یومئذ خاشعة عاملة ناصبة تصلی نارا حامیة تسقی من عین آنیة لیس لهم طعام الا من ضریع لا یسمن ولا یغنی من جوع

[illegible]

[illegible]

سورة الفجر [illegible] رسول خدای گفت هر که این سوره بخواند [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم والفجر ولیال عشر والشفع والوتر واللیل اذا یسر هل فی ذلک قسم لذی حجر

[illegible]

[illegible]

الم تر کیف فعل ربک بعاد ارم ذات العماد [illegible]

[illegible]

[illegible]

جابوا الصخر بالواد وفرعون ذی الاوتاد الذین طغوا فی البلاد فاکثروا فیها الفساد فصب علیهم ربک سوط عذاب ان ربک لبالمرصاد

[illegible]

[illegible]

وبازگشت همه با وی بمجلس ازوی غایب نشود و هیچ چیز بروی فرو نشود عبدالله عباس گفت چند دوزخ ... [illegible]

از شهادت ان لا اله الا الله اگر از عهده این بیرون اید ... [illegible]

[illegible]

وی دهند چون ازین همه فارغ شود ویرا بهشت برند فاما الانسان اذا ما ابتلیه ربه فاکرمه ونعمه فیقول ربی اکرمن

و اما اذا ما ابتلیه فقدر علیه رزقه فیقول ربی اهانن کلا بل لا تکرمون الیتیم و لا تحاضون علی طعام

المسکین و تاکلون التراث اکلا لما و تحبون المال حبا جما کلا ۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

یقول یا لیتنی قدمت لحیاتی فیومئذ لا یعذب عذابه

احد و لا یوثق وثاقه احد ۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

سورة البلد ... [illegible]

گفت هر که این سوره بخواند خدای تعالی ویرا از خشم خود ایمن کرده اند

بسم الله الرحمن الرحیم

لا اقسم بهذا البلد و انت حل بهذا البلد و والد و ما ولد لقد خلقنا الانسان فی کبد ایحسب ان

لن یقدر علیه احد یقول اهلکت مالا لبدا ایحسب ان لم یره احد ۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

فلا اقتحم العقبة و ما ادریک ما العقبة فک رقبة او اطعام فی یوم ذی مسغبة یتیما ذا مقربة

او مسکینا ذا متربة [illegible]

[illegible]

بحمده

[illegible]

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَةٌ

[illegible]

سورة الشمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا

[illegible]

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا

[illegible]

سورة الليل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَىٰ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ

[illegible]

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ

[illegible]

سورة الضحى

وَالضُّحَىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَىٰ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ

[illegible]

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

[illegible]

کسی که این سوره بخواند چنان باشد که بنزدیک من آمده و مرا از غم شاد کرده و الله اعلم

بسم الله الرحمن الرحیم

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا فَإِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ٥

...

دنیا باشد و در قیامت ... هر کس که این سوره خواند باشد ... روزه بود

بسم الله الرحمن الرحیم

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ وَطُورِ سِينِينَ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ٥

...

کفت هر که این سوره بخواند ...

بسم الله الرحمن الرحیم

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ٥

...

سورة القدر مدنی است بقول بیشتر مفسران ...

که هر که این سوره بخواند ... ماه رمضان روزه داشته باشد ... و الله اعلم بالصواب و الیه المرجع و المآب

بسم الله الرحمن الرحیم

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ

بدرستی و تحقیق که فرستادیم قرآن را در شب قدر از لوح محفوظ باسمان دنیا [illegible] بیت العزة و جبرئیل بر سفره املا کرد انگاه نجوم یعنی باوقات [illegible] سوره سوره [illegible]
بر وفق مصالح [illegible] در مدت بیست و سه سال شعبی گفت که مراد آنست که ما ابتدا فرستادیم قرآن را در شب قدر [illegible] گفت انا انزلناه تعظیم
قرآن کرد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و این شب را لیلة مبارکه خوانده [illegible]
[illegible]
چون طاعت کنند و شب [illegible] مذهب ابو حنیفه آنست که معلوم نیست که کدام ماه است [illegible] طلاق را معلق کرد
[illegible] در ماه رمضانست ابو رزین گفت شب اول از رمضان است حسن بصری گفت شب هفدهم رمضان
است [illegible] از رمضان ابو هریره روایت کرد که رسول گفت [illegible] طلب کنید شب
قدر را امیر المؤمنین علی علیه گفت رسول خدای [illegible]
ابو سعید خدری گفت رسول علیه [illegible]
[illegible]
[illegible] یا رسول الله [illegible] در ماه رمضان گفت [illegible]
[illegible] بیست و سیم [illegible] رسول گفت [illegible]
[illegible]
است [illegible] رسول [illegible] و سوال کردند [illegible]
[illegible] عمر خطاب صحابه را [illegible] شب قدر [illegible] رسول [illegible]
عباس [illegible] خدای [illegible] اسمانها و زمینها هفت و کوهها هفت
و دریاها هفت و طواف هفت [illegible] آدمی از هفت چیز است و روزی وی از هفت چیز است [illegible] شب بیست و هفتم باشد
[illegible] این سوره [illegible] و آنگاه بر [illegible]
[illegible] در میان شبهای ماه رمضان [illegible]
آنست که اجتهاد کنند در طاعت [illegible] شب قدر [illegible] نماز وسطی در میان نمازها
و وقت [illegible] در اوقات و نام مهین [illegible] ساعت اجابت [illegible] روز آدینه و رضای خود در طاعت [illegible]
[illegible] شب قدر [illegible] نماز وسطی و در ساعات روز
آدینه [illegible] مشغول شوند برای اجابت بطاعت قیام نمایند [illegible] رضای خدای از معاصی [illegible]
[illegible]
شب [illegible] عبد الله عباس گفت خدای تعالی [illegible] با جبرئیل از سدرة المنتهی [illegible] هفتاد هزار [illegible]
[illegible] بیت المقدس [illegible] جبرئیل [illegible]
[illegible]
محمد [illegible]
[illegible]

[illegible]

تهلیل [illegible] خدای [illegible] جواب بانگ [illegible] تسبیح و تهلیل کنند
[illegible] سدرة المنتهی [illegible]
[illegible] تسبیح و تهلیل [illegible] فرشتگان [illegible] خدای را تسبیح و تهلیل
[illegible] امت محمد [illegible]
[illegible] امت محمد را [illegible]
امت محمد [illegible] جبرئیل [illegible]
با هفتاد هزار فرشته [illegible] لوای محمد [illegible]
[illegible] جبرئیل با فرشتگان [illegible] سلام [illegible]
[illegible] الذین تتوفاهم الملائکة طیبین سلام علیکم [illegible] سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین [illegible] والملائکة
یدخلون علیهم من کل باب سلام علیکم [illegible] سلام قولا من رب رحیم [illegible] تحیتهم یوم یلقونه سلام [illegible]
[illegible] شب قدر [illegible]
شب قدر بهتر است از هزار ماه [illegible] رسول علیه [illegible] عابد [illegible]
[illegible] جبرئیل [illegible]
از عبادت هزار ماه [illegible] بنی اسرائیل [illegible] هزار ماه [illegible] این سوره [illegible]
[illegible] هزار ماه بود [illegible]
[illegible] وهب [illegible] بنی اسرائیل [illegible] شمعون عابد [illegible] هزار ماه [illegible]
[illegible] رسول [illegible] هزار ماه [illegible]
[illegible] شمعون عابد [illegible] هزار ماه [illegible]
[illegible] جبرئیل [illegible] این سوره [illegible] هزار ماه شمعون وهب [illegible]
[illegible] بنی اسرائیل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] زنجیر [illegible]
[illegible] زنجیر [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
این حدیث [illegible] لیلة القدر خیر من الف شهر [illegible] این شب قدر [illegible]
[illegible] 8
[illegible] رسول [illegible]
[illegible] بنی اسرائیل [illegible]
[illegible]
[illegible] لیلة القدر خیر من الف شهر [illegible] هزار ماه شمعون [illegible] بنی اسرائیل [illegible]
[illegible] سلیمان علیه [illegible] مسجد بیت المقدس را عمارت کرد [illegible]
[illegible] هزار [illegible]
[illegible]
[illegible] رسول علیه [illegible]
[illegible] لیلة القدر خیر من الف شهر [illegible]
[illegible]
[illegible]
تنزل الملائکة والروح [illegible]
[illegible]
[illegible] از رسول خدای شنیدم [illegible] جبرئیل [illegible]
[illegible] جبرئیل [illegible] سوره الکوثر
و انا انزلناه [illegible] شب قدر بهتر باشد از هزار ماه [illegible]
[illegible] هزار ماه [illegible] جبرئیل علیه [illegible]
[illegible]
این شب سلامست [illegible] فرشتگان [illegible] سلام [illegible]
[illegible] از شیاطین و وسواس شیطان [illegible] این شب [illegible]
[illegible] سوره البینه مدنیه سیزده آیتست ابو الدرداء از رسول خدای روایت کرد [illegible] این سورة
[illegible] این سورة [illegible]
[illegible] این سوره [illegible]

[illegible]

بدین باشد که این سوره بخواند و آنکه خدای تعالی [illegible] در دین و دنیا [illegible]
[illegible] ۵ ۵ ۵
بسم الله الرحمن الرحیم لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنفَكِّينَ
حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ
حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَٰلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ۵ پیش از آنکه رسول خدای را برسالت فرستادند
کافران از جهودان و ترسایان می گفتند که ما از دین خود بر نگردیم و ترک دین خود نکنیم تا آنگاه که پیغمبری که در توریة و انجیل وعده
داده اند بفرستد آنگاه ما دین خود رها کنیم و متابع وی شویم خدای تعالی حکایت کرد از ایشان [illegible] گفت نبودند کسانی که کافر
بودند از جهودان و ترسایان و بت پرستان در زمان گذشته یعنی پیش از بعث رسول که منفک کردند و زایل شوند و بگذارند دین
خود را تا آن وقت که بایشان آید بینه که معروف و مشهور است نزدیک ایشان حجتی است واضح و گواهی است صادق یعنی محمد که وی
رسولیست فرستاده از نزدیک خدای و از قبل وی میخواند بر ایشان صحیفهایی پاکیزه [illegible] در آن صحیفها نامها
و نوشتهایی است مستقیم و راست ناطق بحق ایشان همه برین اتفاق کرده بودند که همچنین می باشند تا آنگاه که این رسول را بفرستند
تا باتفاق همه بوی ایمان آرند و دین خود بگذارند و ما تفرق الذین [illegible]
این جهودان و ترسایان [illegible] رسول [illegible]
[illegible]
ایشان را بدین [illegible] و انجیل [illegible] خدای را پرستند و طاعت را
[illegible] خالص برای خدای کنند در حالی که مسلمان باشند از دینهای باطل برگشته دین اسلام [illegible]
[illegible] نماز [illegible] و زکوة مال بدهند [illegible] دین ملت راست [illegible] مستقیم از جملهٔ ادیان و ملل [illegible]
[illegible] دین و ملت [illegible] إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَٰئِكَ
هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ جَزَاؤُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ
عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ۵
بدرستی و تحقیق که آنانکه کافر شدند از جهودان و ترسایان [illegible] در آتش دوزخ باشند جاودان [illegible]
[illegible] ابن عباس گفت ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریة در حق علی و اهل [illegible]
[illegible] بهشتهای عدن [illegible]
خدای از ایشان خشنود است و ایشان از خدای خشنود [illegible]
[illegible] سورة الزلزال مدنیه
[illegible] ابن عباس [illegible] از علی بن موسی الرضا روایتست از پدرش از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه [illegible]
سوره چهار بار بخواند [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم
إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا وَقَالَ الْإِنسَانُ مَا لَهَا يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا بِأَنَّ رَبَّكَ
أَوْحَىٰ لَهَا يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ فَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَن يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ
شَرًّا يَرَهُ ۵ [illegible]

[illegible]

راسیم ورزی نباشد وان انست که جون شجاع اقتاب در سورة الحج اقتدا ابن بقول دیدند ابن ایة مخصوص است باجماع [illegible]

کرد اتفاق است که وبا آن مواضعه نکنند پس اگر توبه نکرد جایز است که خدای عفو کند و مواخذه نکند برای انکه ایات عفو را دلیلست بر [illegible]

ابن ایة مخصوص باشد بانکه اگر توبه نکند و خدای عفو نکند انان جزای ان به بینند و نیز ابن ایة دلیلست بر بطلان احباط برای انکه گفت هر [illegible]

[illegible] که باشد بمثقال ذرة از اجزا باشد و صاحبش به بیند و دلیل نکند بانکه خدای مرتکب قبایح را بنا مرزد برای انکه مخصوص است [illegible]

عفو ورجا سورة والعادیات مدنیة بقول ابن عباس و یازده ایتست صادق علیه گفت هر که ابن سوره بسیار خواند خدایش روز قیامت

وبا امیر المومنین علی ابن ابی طالب علیه السلم بر انگیزد و از جملهٔ دوستان وی باشد بسم الله الرحمن الرحیم

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ

إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَخَبِيرٌ ۵ [illegible]

[illegible]

دوست می دارد که جون بد انگیزند انچه در گورها است یعنی مردگان ریزند و بوسید را زنده کنند وانچه در سینها بود [illegible]

از اعتقادات حق و باطل و نیات ریا و اخلاص تمیز کنند و جدا کرده اند میان نیک و بد [illegible] بااحوال ایشان عالم

است واز کار ایشان آگاه روز قیامت که هر [illegible] باشد هر کسی را بانچه کرده باشد بر وفق استحقاق جزا دهند ۵ ۵ ۵

سورة القارعة مکیة است یازده ایتست ابو امامه از رسول روایت کرده که هر که این سوره بخواند [illegible] کنند و اورا

[illegible] کنند بسم الله الرحمن الرحیم الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهْ نَارٌ حَامِيَةٌ

قارعه نامی است از نامهای قیامت [illegible] نام قیامت [illegible] احوال قیامت میگوید قیامت

[illegible]

ایه حکم آنها باشد سورة التکاثر [illegible] و هشت ایتست ابو امامه از رسول خدای روایت کرده که هر که این سوره بخواند [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ حَتَّىٰ زُرْتُمُ

الْمَقَابِرَ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ لَتَرَوُنَّ

الْجَحِيمَ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ ۵ [illegible]

[illegible]

[illegible]

سوال کنند اولیتر که از انچه [illegible] سورة والعصر مکیة و سه ایتست

از رسول خدای روایتست که هر که این سوره بخواند [illegible] بسم الله الرحمن الرحیم

وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ۵ [illegible]

[illegible]

[illegible] سوره [illegible] رسول [illegible] والعصر [illegible] آنکه [illegible] الا الذین امنوا [illegible]

[illegible] الا الذین امنوا و عملوا الصالحات [illegible] وتواصوا بالحق [illegible] وتواصوا بالصبر [illegible]

سورة الهمزة [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

وَیْلٌ لِکُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ الَّذِی جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ یَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ کَلَّا لَیُنْبَذَنَّ فِی الْحُطَمَةِ وَمَا أَدْرَاکَ مَا الْحُطَمَةُ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِی تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ إِنَّهَا عَلَیْهِمْ مُؤْصَدَةٌ فِی عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ۵

[illegible]

سورة الفیل [illegible] از رسول [illegible] روایت است که هر که این سوره بخواند خدای تعالی [illegible] و [illegible] انواع بلاها و [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

أَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّکَ بِأَصْحَابِ الْفِیلِ أَلَمْ یَجْعَلْ کَیْدَهُمْ فِی تَضْلِیلٍ وَأَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طَیْرًا أَبَابِیلَ تَرْمِیهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّیلٍ فَجَعَلَهُمْ کَعَصْفٍ مَأْکُولٍ ۵

[illegible]

[illegible]

لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

[illegible]

سورة الماعون

بسم الله الرحمن الرحيم

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ فَذَلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

[illegible]

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

[illegible]

قیامت و حساب و جزا را باور ندارد و بعث را انکار میکند که او گفت اگر [illegible] پس این کس است که او یتیم را میراند بعنف و زجر میکند
و با وی درشتی می‌نماید و اهل خود را و کسان خویش را تحریص نمیکند و نمی‌فرماید بطعام دادن درویش و مسکین از غایت بخل
و خساست خود بخیلی میکند و بخل میفرماید الذین یبخلون و یأمرون الناس بالبخل حق سبحانه و تعالی نا دادن طعام بدرویش
و نا کردن مهربانی و شفقت بر یتیم نشان تکذیب قیامت و ثواب و جزا کرده است یعنی آنکس که چنین باشد در آیات
ایمان نباشد آنگاه این معنی را متصل کرده اند با آنکه گفت وای مر نماز کنندگانی را که از نماز غافل باشند و باک ندارند که از ایشان
فوت شود وقت بر وجه و اگر نماز کنند ارکان وی گوش ندارند و تعدیل و حقوق وی تمام نکنند در حال تمام بر جای [illegible]
کنند در رکوع و سجود تمام بجای نیارند از نمازی که عماد دین و فارق میان کفر و ایمان است ساهی باشند و ریا که شعبه از
شرک و کفر است مشغول باشند آنچه کنند بریا کنند نه باخلاص و زکوة بدهند و از مستحقان منع کنند زکوة که قنطره اسلام
و پل مسلمانی است سعد گفت رسول علیه پرسیدم ازین آیه گفت آنان باشند که در نماز تاخیر کنند [illegible] عبدالله عباس گفت
مراد منافقان اند که چون مردم را بینند نماز کنند و چون نبینند نکنند بیانش قوله و اذا قاموا الی الصلوة قاموا کسالی قتاده
گفت مراد آنکسانست که باک ندارند نماز اگر کنند و اگر نکنند بیانش آنست که ربیع اسلمی روایت کرد که چون این آیه آمد رسول علیه گفت
الله اکبر این آیه شما را بهتر است از ملک دنیا مراد باین آنکسانست که اگر نماز کنند امید ندارند بهشت و اگر نکنند نترسند
از ترسش عطای بن دینار گفت الحمد لله که عن صلاتهم و نگفت فی صلاتهم و الماعون [illegible] عبدالله مسعود گفت ماعون
چیزهایی است که همسایگان از یکدیگر بخواهند چون تبر و دیگ و آلاتی که در سرای بکار آید سعید بن المسیب گفت از عایشه که
او گفت رسول را علیه که ماعون چه باشد گفت چیزی که بوی انتفاع گیرند و حلال باشد از کسی [illegible] چون اب و اتش و
نمک گفت ای عایشه هر که او [illegible] نمک بکسی دهد همچنان باشد که شصت برده آزاد کرده باشد و اگر جایی بود که اب نباشد
اب دهد چنان باشد که نفسی زنده کرده باشد سورة الکوثر در قول ابن عباس و مدنی است در قول ضحاک [illegible] ابو
امامه از رسول روایت کرد که هر که این سوره بخواند خدای تعالی ویرا از جویهای بهشت اب دهد بعدد هر قربانی که روز عید کردند
و کنند ده حسنه بنویسد صادق علیه گفت هر که این سوره در نماز بخواند از حوض کوثر اب خورد و با پیغمبر در زیر درخت طوبی [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ
إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ٥ عبدالله عباس گفت این سوره در عاص بن وایل امد که وی یکروز در مسجد الحرام میرفت و رسول بیرون
می امد ساعتی باهم حدیث کردند چون در مسجد شد جماعتی قریش ویرا گفتند با که سخن می گفتی با این ابتر و رسول را [illegible] و این انگاه بود که رسول
فرزندی عبدالله نام از خدیجه فرمان یافته بود و ایشان کسی را که عقب نداشتی ابتر خواندندی خدای تعالی این آیه فرستاد و رد کرد بر ایشان و گفت
ای محمد دلتنگ مکن از آنچه ایشان ترا ابتر میخوانند که ما کثرت دهیم عقب و نسل فرزندان که بر زمین هیچ بقعه و نقطه نماند و الا انجا
از فرزندان تو باشند نه بینی که روز طف کربلا که اجماعت کافران اهل البیت را بکشتند از فرزندان حسین جز علی زین العابدین کسی دیگر نماند
خدای تعالی از نسل وی تمامی عالم را پر کرده پس تو ای محمد شکر این را نماز کن از بهر خدای خویش و اشتر بکش برای قربان بیرون نماز
عید کرده باشی که آنکس که دشمن تو است یعنی عاص بن وایل دنباله بریده و ابتر وی فرزند خواهد بود و همچنین شد که خدای خبر داد از ایشان [illegible]
[illegible] در حق رسول [illegible] از عقبی ماند نه اثری و قولی دیگر در کوثر انست که نام حوضی است که رسول خدای را داده است حق تعالی [illegible]
انس مالک گفت که یک روز رسول علیه نشسته بود از وحی بروی ظاهر شد سر در پیش افکند چون سر بر داشت خرم و خندان بود گفت
دانید که چرا خندانم گفتند نه خدای و رسول داند رسول گفت خدای سوره بمن فرستاد و سوره بخواند انگاه گفت دانید که این کوثر چیست گفتند
خدای و رسول خدای عالمتر گفت جوییست در بهشت اب وی از شیر سپیدتر و از انگبین شیرینتر و از مشک خوشبوی تر و از [illegible]

[illegible] از [illegible] یاقوت [illegible] و فرشتگان [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] علی ابن ابی طالب علیه [illegible]
[illegible]
و امیر ایشان علی بن ابی طالب علیه السلام [illegible] امام علی بن الحسین زین العابدین علیه [illegible]
نحن علی الحوض رواده [illegible] و ما فاز من فاز الا بنا [illegible]
[illegible] و من کان لنا محبا [illegible] یوم القیامة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] ابن عباس و مدنی است [illegible] روایتست که هر که این سوره بخواند [illegible]
[illegible] و مرده شیاطین از وی دور شوند و از شرک بری شود و از فزع اکبر ایمن باشد و گفت کودکان را بوقت
خفتن این سوره بر خوانید تا هیچ چیز ایشان را مضرت نرساند و در روز [illegible]
گفت بلی گفت این پنج سوره بخوان قل یا ایها الکافرون و اذا جاء نصر الله و قل هو الله احد و قل اعوذ و بسم الله بخوان [illegible] گفت
من این کار بستم و مالی نبود مرا اندک مدتی مال من از همه بیشتر شد ابن عباس گفت در قرآن هیچ سوره سخت تر بر شیطان [illegible]
و از وی بخشم اید الا این سوره

بسم الله الرحمن الرحیم
قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ وَلَا
أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ٥ مفسران گفته اند که این سوره در حق جماعتی امد از قریش چون حارث
بن قیس و عاص بن وایل و ولید مغیره و امیه بن خلف و غیر ایشان امدند که رسول را گفتند بیا با ما موافقت کن تا با تو موافقت کنیم یکسال خدای
ترا عبادت کنیم رسول خدای گفت معاذ الله که من بخدای شرک ارم [illegible] کن تا ما بخدای تو ایمان اریم و
ترا عبادت کنیم و خدای ترا پرستیم رسول گفت من هیچ کار نکنم تا امر و فرمان خدای جبرئیل امد و رسول را خبر داد که انچه ایشان می گویند
میگویند ایشان هرگز ایمان نکنند [illegible] و این سوره اورد رسول علیه بمسجد الحرام رفت و صنادید قریش انجا حاضر بودند
سوره بر ایشان خواند و طمع ایشان از موافقت خود منقطع کرد [illegible] محمد را خطاب کرد و فرمود [illegible] از تو موافقت می جویند و
متابعت طلب میدارند که ای کافران من نپرستم در زمان استقبال انچه شما می پرستید [illegible] و شما نیز هم نپرستید در زمان استقبال انچه
من او را می پرستم و عبادت می کنم [illegible] انچه شما از من میطلبید از پرستیدن خدایان شما هرگز از من در وجود نیاید [illegible]
[illegible] پرستیدن [illegible] و خدای مرا نپرستید انگاه گفت و لا انا عابد و من هرگز در زمان گذشته نپرستیده ام انچه شما پرستیده اید

[illegible] امان کنم یا رسول الله تو دانی که وی مردی است که فخر دوست دارد و طمع تشریف دارد [illegible]
برو و بگو که من می گویم که هر که در سرای وی رود ایمن است و هر که در مسجد الحرام اید ایمن است و هر که در خانه خود رود و در بندد ایمن است عباس
گفت [illegible] تنگ بداشتم تا گروه گروه بروی بگذشتند و وی میگفت اینها کیستند من میگفتم فلان و فلان تا انگاه که رایت
رسول پیدا شد و سواد اعظم بدید او گفتم این رسول خدایست با مهاجر و انصار گفت یا عباس ملکی عظیم یافت برادرزاده ات
گفتم و یحک این نبوت است انگاه گفتم برو و قوم را خبر ده او برفت و در مسجد الحرام اواز داد و گفت یا معشر قریش
محمد اینجا رسید با لشکری که هیچکس قوت ایشان ندارد [illegible] رسول گفته است که هر که در
سرای من شود ایمنست و هر که در مسجد الحرام شود ایمنست و هر که در سرای خود شود و در ببندد ایمنست انگاه حکیم بن
حزام و بدیل بن ورقا بیامدند و اسلام اوردند و بیعت کردند رسول علیه ایشان را [illegible] تا مردم مکه را دعوت کنند
و با اسلام خوانند و بگویند هر که [illegible] و در سرای ابوسفیان شود ایمنست و هر که در سرای حکیم بن حزام شود ایمنست
و در مسجد الحرام ایمنست برفتند و این بگفتند انگاه رسول علیه رایت بسعد عباده انصاری داد و او رئیس انصار بود تا در
مکه برد رایت بسته و می برد و می گفت الیوم یوم الملحمة الیوم تسبی الحرمة عباس بشنید بیامد و رسول را گفت ترسم که امروز سعد
بر قریش صولتی واقعی باشد که عار ان بر ما بماند رسول علی را گفت رایت از وی بستان و تو در مکه [illegible]
[illegible] رسید ام هانی در انجا بود [illegible] جماعتی از کافران بحمایت ام هانی شده اند امیر المومنین علیه [illegible]
[illegible] اواز داد که ای اهل این سرای بیرون کنید دشمنان خدا را ازینجا ام هانی بیرون امد [illegible] گفت ای
جوانمرد من دختر عم رسولم خواهر علی ابن ابی طالب علیه مرا حرمت بدار علی گفت [illegible] ام هانی گفت
والله لاشکونک الی رسول الله بخدای که شکایت تو با رسول بگویم امیر المومنین [illegible] برادر خود را دید
[illegible] و رکاب [illegible] گفت ای علی [illegible] شکایت تو با رسول [illegible] بگویم گفت
و رسول [illegible] علی [illegible] امده است [illegible] رسول علیه در خیمه بود غسل میکرد [illegible] گفتم یا رسول الله
ماذا لقیت الیوم من علی چه دیدم ما امروز از علی فاطمه علیها السلام گفت ای ام هانی شرم نداری که شکایت علی با رسول خدای
میگویی [illegible] دشمنان خدای را [illegible] رسول خدای بخندید و گفت ای ام هانی [illegible] سرای تو در حمایت تواند
در امان و حمایت منند [illegible] علی برای انک تو خواهر ویی و رسول علیه گفته بود که هیچکس را مکشید و با کسی قتال
مکنید الا با انکس که با شما قتال کند جماعتی از قریش در اسفل مکه با بنی بکر مجتمع بودند خالد ولید بایشان رسید با لشکری
قتال کردند خدای تعالی مسلمانان را نصرت داد و رسول خدای فرموده بود تا جماعتی [illegible] را بکشند هر چند که مرتد شده
بودند از جمله ایشان عبدالله بن سعد بن ابی السرح بود او بحمایت عثمان رفت عثمان ویرا بیاورد و در حق او شفاعت
کرد رسول علیه سر در پیش افکند انگاه گفت کس نیست در میان شما که این را بکشد سعد معاذ ویرا بکشت و فرمود تا عبدالله
بن اخطل را بکشتند که مرتد شده بود و از مدینه بمکه گریخته و دو زن مغنیه را که بهجای رسول غنا کردندی و حویرث
بن نفیل و عبدالله بن اخطل را و سعید بن حریث را بکشت و از ان دو زن یکی را بکشت و دیگری بگریخت و حویرث را علی ابن
ابی طالب علیه بکشت و فرموده بود که عکرمه ابو جهل را نیز بکشند او بیمن گریخت و زنش ام حکیم ایمان اورد
و از رسول برای عکرمه امان خواست و کس فرستاد تا باز امد و اسلام اورد او را گفتند سبب اسلام تو چه بود
گفت چون بیمن رسیدم خواستم که در دریا نشینم کشتی پیش اوردند کشتیبان را گفت اگر با خدای انباز میگیری در
کشتی من منشین که این کشتی جز موحدان را نبرد گفتم اگر مشرکی درین کشتی بنشیند کشتی غرق می شود وی و دیگران هلاک

می کردند من درین کشتی نشستم [illegible] و ایمان اوردم رسول خدای در مکه امد و در خانه بایستاد و گفت لا اله الا الله وحده لا شریک له صدق وعده و نصر عبده
و هزم الاحزاب وحده [illegible] مالی و خونی [illegible] که دعوی می کنید امروز در زیر قدم منست الا سدانة کعبه و سقایة الحاج [illegible]
[illegible] لازم اید [illegible] جاهلیت [illegible] قریش خدای تعالی نخوه جاهلیت از شما برد [illegible] مردم
از ادم و حوا اند [illegible] انگاه این ایه بر خواند یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی الایه انگاه گفت
یا اهل مکه شما چه گمان می برید [illegible] رسول گفت من امروز شما را ازاد
کردم ازان روز باز اهل مکه را طلقا خواندند انگاه اهل مکه جمع شدند تا رسول را بیعت کنند رسول علیه در زیر صفا نشست و مردم می امدند
و بیعت می کردند بر سمع و طاعت چون مردان بیعت کردند زنان امدند و بیعت کردند صفوان بن امیه بگریخت تا در دریا [illegible]
عمیر بن وهب در حق وی شفاعت کرد [illegible]
[illegible] پیش رسول ایمان اورد و هبیره المخزومی [illegible] اسلام اورد [illegible]
و علامت پیغمبر خود را می گوید ای محمد چون نصرت و یاری خدای بتو امد بران کسانی که با تو عداوت کردند از کفار قریش و فتح مکه و این فتح در وقتی
بود که ده روز گذشته بود از ماه رمضان سال هشتم از هجرت رسول و بدیدی تو ای محمد مردمان را [illegible] دین خدای و اسلام می امدند گروه گروه
و این چنان بود که چون رسول خدای مکه بستد عرب گفتند چون محمد اهل حرم را مستاصل کرد و ایشان را از اصحاب الفیل نگاه داشتند این
دلیلست [illegible] و صدق [illegible] کس را طاقت وی نباشد فوج فوج می امدند و ایمان می اوردند
مقاتل گفت [illegible] ابن عباس گفت چون این سوره فرود امد رسول گفت الله اکبر جاء نصر الله و الفتح و جاء اهل الیمن
رقیقة قلوبهم [illegible] جابر بن عبدالله انصاری بودم در پیش وی شدم [illegible]
[illegible] وفات رسول [illegible] دین بودم [illegible] از فرقه و اختلاف ایشان جابر بگریست و گفت [illegible]
[illegible] شنیدم [illegible] مردم در دین خدای می ایند فوج فوج و از دین خدای بیرون شوند فوج فوج [illegible] یکی از دوستان علی ابن ابی طالب علیه
پیش معاویه رفت ویرا گفت هیچ از قران دانی گفت [illegible] گفت بر خوان تا بشنوم گفت بسم الله الرحمن الرحیم
اذا جاء نصر الله و الفتح و رایت الناس یخرجون من دین الله افواجا گفت [illegible] یدخلون فی دین الله گفت ان
در عهد رسول بود که در دین می امدند فاما الان یخرجون من دین الله امروز از دین خدای بیرون می روند فوج فوج فسبح بحمد ربک ای محمد
چون نصرت امد و فتح مکه و ظفر یافت بر دشمنان خدای خود را تسبیح کن فسبح مقرون و متصل بحمد و ثنا یعنی بگوی سبحان
الله و بحمده عبدالله عباس گفت عمر خطاب حرمت داشتی و با اهل بدر و پیران مساوات کردی ویرا گفتند این کودک را پیش از قدر
او پایه می نهی گفت [illegible] از شما گفت بگوی گفت در سورة الفتح بعد از فتح چرا پیغمبر را تسبیح باید گفت و استغفار باید کرد هر یکی چیزی می گفت
[illegible] گفتم چون این سوره برسول آمد ویرا گفتند عمرت باخر رسید استغفار کن گفت دیدی که وی از شما بهتر میداند ابن
عباس گفت رسول هم درین سال فرمان یافت مقاتل گفت دو سال دیگر بماند ام سلمه گفت پس از نزول سوره رسول علیه در همه حالات
بودی الا که می گفتی سبحانک اللهم و بحمدک استغفرک و اتوب الیک خدای تعالی رسول را بتسبیح فرمود و باستغفار فرمود گفت از خدای خود امرزش
خواه که وی همیشه توبه پذیرنده است [illegible] استغفار ان بود [illegible] در زمان گذشته و باقیه در زمان اینده [illegible]
[illegible] بود که از وی معصیتی در وجود امده بود [illegible] بود تا لطف بود امت وی را در توبه و استغفار کوشند و رسول خدای گفت
انی لاستغفر الله فی الیوم و اللیلة مائة مرة روایتست که چون این سوره امد صحابه شادمان شدند عباس بگریست گفت چرا می گریی گفت
بدان انک من شنیدم که خبر مرگ رسولست رسول گفت راست می گوید و این سوره را سوره تودیع خوانند سورة تبت مکی است پنج ایت
رسول خدای گفت هر که این سوره بخواند امید دارم که خدای تعالی جمع نکند میان وی و ابو لهب در یک مقام والله اعلم بالقلوب [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

تَبَّتْ یَدَا اَبِی لَهَبٍ وَ تَبَّ مَا اَغْنٰی عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا کَسَبَ سَیَصْلٰی نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ وَ امْرَاَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ فِی جِیْدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ ٥ مفسران گفته چون این آیه ... و انذر عشیرتک الاقربین رسول کس فرستاد و فرزندان عبد المطلب را بخواند ... یا بنی عبد المطلب یا بنی عبد مناف یا بنی هاشم اگر من گویم ... [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ اَللّٰهُ الصَّمَدُ لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُوْلَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَّهُ کُفُوًا اَحَدٌ ٥ ابن عباس گفت ... [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ وَ مِنْ شَرِّ النَّفّٰثٰتِ فِی الْعُقَدِ ... [illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ مَلِکِ النَّاسِ اِلٰهِ النَّاسِ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِیْ یُوَسْوِسُ فِیْ صُدُوْرِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ ٥ ٥ ... [illegible]

[illegible]

والحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی نبیه محمد وآله الطیبین الطاهرین المعصومین المطهرین

فرغ من تحریر هذا التفسیر الکلام الملک العزیز اللطیف الخبیر السمیع البصیر

[illegible]

علی ید الکاتب العبد الضعیف النحیف المحتاج الی رحمة

الملک اللطیف محمد [illegible]

[illegible]

تاریخ وفات ...
مرحوم مولانا ...
الدین عبدالله ...
کاتب ...